

# تاریخ اسلام

دوفصلنامه علمی - تخصصی جستارهای تاریخ اسلام سال سوم، شماره پنجم، بهار و تابستان ۱۴۰۲

ISSN: ۱۳۶۷-۲۸۲۱

بسم الله الرحمن الرحيم



صاحب امتیاز: جامعة الزهراء ع

مدیر مسئول: زهره برقیعی

سرمدیر: سید ناصر موسوی

دبیر تخصصی: نجمه صالحی

مدیر داخلی: زهرا حیدری

ویراستار: علی حائری مجد

طراح گرافیک: علی عبادی

ترجمه عربی چکیده‌ها: راضیه کارگر

ترجمه انگلیسی چکیده‌ها: اشرف سادات هاشمی

## هیأت تحریریه: (به ترتیب حروف الفبا)

فاطمه جان احمدی: استاد تمام دانشگاه تربیت مدرس، گروه تاریخ

حسین حسینیان مقدم: دانشیار پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، گروه تاریخ

محسن رنجبر: دانشیار مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ع، گروه تاریخ

زهرا روح الهی امیری: استادیار دانشگاه باقرالعلوم ع، گروه تاریخ

صدیقه شاکری حسین آباد: مدرس جامعة الزهراء ع، گروه تاریخ

ناهید طیبی: مدرس جامعة الزهراء ع، گروه تاریخ

سید حسین فلاح زاده: دانشیار دانشگاه باقرالعلوم ع، گروه تاریخ

## داوران این شماره (به ترتیب حروف الفبا)

مجید احمدی کچایی، روح الله بهشتی، حسین حسینیان مقدم، مرتضی دادور آلاق، احمد

رهدار، محمد حسین زارع بوشهری، سعید طاووسی مسرور، حامد قرائتی، احمد فلاح زاده،

اعظم مظفری، سید اکبر موسوی تنیانی، محمد جواد یآوری سرتختی.

نشانی: قم، خیابان بوعلی، جامعة الزهراء ع - صندوق پستی: ۳۴۹۳ - ۳۷۱۸۵

تلفن تحریریه: ۰۲۵ - ۳۲۱۱۲۳۴۲

آدرس الکترونیکی: [jta@jz.ac.ir](mailto:jta@jz.ac.ir)

آدرس سامانه: [jte.jz.ac.ir](http://jte.jz.ac.ir)

چاپخانه: چاپ دیجیتال المصطفی ع (قم) شمارگان: ۲۰۰ نسخه

- نقل مطالب با ذکر منبع بلامانع است.

- این نشریه در دو پایگاه مجلات تخصصی نور، به نشانی [www.noormags.ir](http://www.noormags.ir) و پایگاه مجلات

مگیران، به نشانی [www.magiran.ir](http://www.magiran.ir) نمایه می شود.

## راهنمای تدوین و ارسال مقاله

### الف) تدوین مقاله:

مقاله باید به زبان اصلی و رسمی نشریه (فارسی) باشد.

مقاله باید علمی پژوهشی، مستند، دارای نوآوری و حجم آن حداقل ۵۰۰۰ کلمه و حداکثر ۸۰۰۰ کلمه باشد.

### عنوان:

عنوان مقاله باید دقیق، علمی، متناسب با متن مقاله و با محتوایی رسا و مختصر باشد.

### مشخصات نویسنده یا نویسندگان:

شامل نام و نام خانوادگی، رتبه علمی، مشخصات تحصیلی حوزوی و دانشگاهی به تفکیک رشته، محل تحصیل، محل خدمت، شماره تلفن و نشانی الکترونیکی باشد.

### چکیده:

آیین تمام‌نما و فشرده پژوهش است که باید در بردارنده قلمرو بحث، هدف تحقیق، جامعه و نمونه مطالعه، روش تحقیق و مهم‌ترین نتایج باشد و ضمن اشاره به نتیجه‌گیری نهایی در قالب ۱۵۰ تا ۲۰۰ کلمه تنظیم گردد. در ادامه فهرستی از واژه‌های کلیدی، حداقل سه واژه و حداکثر هفت واژه ذکر شود.

### مقدمه:

شامل خلاصه‌ای از بیان مسأله، اهمیت و ابعاد موضوع، اهداف پژوهش، سؤال‌ها و پیشینه پژوهش باشد.

### بدنه اصلی مقاله:

در ساماندهی بدنه اصلی مقاله لازم است به موارد ذیل پرداخته شود:

توصیف و تحلیل ماهیت ابعاد و زوایای مسئله، نقد و ارزیابی نظریات رقیب به طور مستدل، تبیین نظریه پذیرفته شده، تقسیم‌بندی مطالب در قالب محورهای مشخص، در صورتی که مطلبی بعینه از منبعی نقل می‌شود، ابتدا و انتهای آن داخل گیومه «» قرار داده شود.

### نتیجه‌گیری:

شامل یافته‌های پژوهش به شیوه‌ای دقیق و روشن، تبیین میزان ارتباط یافته‌ها با اهداف پژوهش و ارائه راهکارها و پیشنهادات.

### ارجاعات:

ارجاع به منابع و مآخذ در متن مقاله، به شیوه‌ی استاندارد (APA) باشد، و در پایان نقل قول یا موضوع استفاده شده، به شکل ذیل آورده شود:

منابع فارسی: (نام خانوادگی مؤلف، سال نشر، جلد، صفحه)؛ مثال: (حسینی، ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۸۳).

منابع لاتین: (صفحه، جلد، سال نشر، نام خانوادگی مؤلف)؛ مثال: (planting, 1998, p.71).

چنانچه از نویسنده‌ای در یک سال بیش از یک اثر انتشار یافته باشد، با ذکر حروف الفبا پس از سال انتشار، از یکدیگر متمایز شوند.

آیات قرآن: (نام سوره: شماره آیه)؛ مثال: (بقره: ۲۵).

چنانچه دواتر یا مولفان متفاوت ارجاع داده شده است به این صورت به هر دو اشاره شود:

(نام خانوادگی، سال انتشار، شماره صفحه / نام خانوادگی، سال انتشار، شماره صفحه)

یادداشت‌ها و پانوش‌ها: تمام توضیحات ضروری، در پایین هر صفحه آورده شود (ارجاع و اسناد در یادداشت‌ها، مانند متن مقاله، به روش درون متنی خواهد بود).

### فهرست منابع:

در پایان مقاله، فهرست منابع الفبایی به ترتیب منابع فارسی، عربی و لاتین به صورت ذیل ارائه شود:

کتاب: نام خانوادگی و نام نویسنده، تاریخ چاپ (ش، ق، م)، نام کتاب، نام مترجم یا مصحح، شماره جلد، نوبت چاپ، محل انتشار: نام ناشر.

مثال: مطهری، مرتضی، ۱۳۸۳، نظام حقوق زن در اسلام، تهران: صدرا.

مقاله مندرج در مجلات: نام خانوادگی و نام نویسنده، (سال نشر)، «عنوان مقاله»، نام نشریه، دوره نشریه، شماره نشریه، از صفحه تا صفحه.

مثال: فرامرز قراملکی، احد، ۱۳۹۱، «طبقه بندی جریان های رازی شناسی در ایران و غرب»، آینه میراث، ش ۵۰، بهار و تابستان، ص ۲۵ - ۲۳۵.

مقاله مندرج در مجموعه مقالات یا دایرةالمعارف: نام خانوادگی و نام نویسنده، «عنوان مقاله»، سال نشر، نام کتاب، نام ویراستار، شماره جلد، نوبت چاپ، محل انتشار: نام ناشر.

مثال: قربان نیا، ناصر، ۱۳۸۲، «زن و قانون مجازات اسلامی»، مجموعه مقالات زن و خانواده، قم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی. نقل قول های مستقیم، به صورت جدا از متن، با تورفتگی (یک و نیم سانتی متر) از سمت راست درج گردد.

آدرس دهی سایت در درون متن:

(نام سایت + عنوان خبردر گیومه + تاریخ درج مطلب در سایت)

مثال: (خبرگزاری رسا، «مولفه های مکتب حاج قاسم»، ۱۴۰۱/۱۰/۱۰)

آدرس دهی سایت در فهرست منابع: لینک خبر یا مطلب به ۲ صورت:

1) <http://rasanews.ir/fa/news/351294>

2) <http://yaftenews.ir/notes/other/30080-blessings.html>

عنوان کتاب در متن مقاله، ایالتیک، و عنوان مقاله در «» قرار گیرد.

### الگوی قلم مقالات

مقاله در الگوی ۴A با رعایت فضای مناسب در حاشیه ها و میان سطرها، در محیط Word، و متن مقاله با قلم B Mitra 14 (لاتین TimesNewRoman 10) و یادداشت ها و کتابنامه B Mitra 12 (لاتین TimesNewRoman 10) حروف چینی شود. عناوین تیترها: عناوین باروش شماره گذاری عددی و ترتیب اعداد در عناوین فرعی، از چپ به راست تنظیم شود و در صورت طولانی شدن تیتربهای فرعی، اعداد فارسی به کار رود.

اشکال، نمودارها و جداول: اصل عکس ها و نمودارها، باید همراه با متن مقاله، در محل مناسب علامت گذاری شده و دارای زیرنویس باشد.

رعایت آخرین نسخه دستور خط فارسی، مصوّب فرهنگستان زبان و ادب فارسی در نگارش مقالات الزامی است.

### ب) تعهدات

مقاله دستاورد پژوهش علمی شخص نگارنده باشد و برای چاپ در نشریات دیگر ارسال نشده باشد.

مقاله ارسالی در هیچ نشریه داخلی و یا خارجی چاپ نشده باشد.

دوفصلنامه هیچ تعهدی در قبال پذیرش و یا رد مقاله برعهده نخواهد داشت. کلیه مسئولیت های ناشی از صحت علمی، یا دیدگاه های نظری و ارجاعات مندرج در متن مقاله، بر عهده نویسنده یا نویسندگان است.

نویسنده پس از ارسال مقاله به ارزیابان حق انصراف ندارد (در موارد خاص در صورت پرداخت هزینه امکان پذیر است).

در صورت چاپ مقاله، یک نسخه الکترونیکی به نویسنده ارسال خواهد شد.

### ج) ارسال مقاله:

جهت ارسال مقاله از طریق سامانه نشریه به آدرس [jta@jz.ac.ir](mailto:jta@jz.ac.ir) با درج نام و نام خانوادگی کامل نویسنده یا نویسندگان، رتبه حوزوی و دانشگاهی یا عنوان علمی، نشانی پستی، شماره تلفن، و نشانی الکترونیکی فایل اثر بارگذاری و ارسال شود.

ارتباط با مدیر داخلی نشریه از طریق تلفن ۳۲۱۱۲۳۴۲ - ۰۲۵، آدرس سامانه: [jta@jz.ac.ir](mailto:jta@jz.ac.ir)، نشانه الکترونیکی دفتر نشریه: [jta@jz.ac.ir](mailto:jta@jz.ac.ir)

[jz.ac.ir](http://jz.ac.ir) امکان پذیر است.



## فهرست مطالب

۷

سخن سردبیر

۹

گونه‌شناسی سنت‌های سوگواری در عصر جاهلی

نجمه صالحی

۲۵

تأملی در تعارضات محتوایی و قرآنی قول مشهور در نقل ماجرای بعثت

عباس تقوائی / مقداد ابراهیمی کوشالی

۴۹

آسیب‌شناسی مقالات پژوهشی بانوان در حوزه غدیر خم

در دهه‌های ۷۰ تا ۹۰ شمسی

فهیمة جعفری جبلی

۸۳

واکاوی شخصیت وکیل اول امام مهدی عجل الله تعالی فرجه با تأکید بر منابع تاریخی - روایی

حکیمه احسانی

۱۰۷

چرایی و چگونگی حمایت علما از تولیدات ایرانی در عصر قاجار

سعید نجفی نژاد

۱۲۷

بررسی مخاطبان نبوی با تأکید بر نظریه آیت‌الله جوادی آملی

در ساحت نظر و عمل

سیده مهین میرافضلی / عالمه جمال‌زاده خیرآبادی



## سخن سردییر

اسلام، هویت «امت اسلامی» و تاریخ اسلام، سرگذشت شخصیت‌ها و روایت رویدادهای متنوع آن است. انباشت تجربیات تاریخی فرهنگ‌های متنوعی را شکل داده و قرآن به صراحت اهمیت این تفاوت‌ها را ذکر کرده و تمام مردم را به سوی شناخت متقابل دعوت کرده است. اسلام در طول بیش از چهارده قرن از حیات نورانی خود، با فراز و فرودهای گوناگون همراه بوده و در هر عصر و زمانی، برای چشم تیزبین تاریخ و جستجوگران حقیقت، همواره نکته‌ای ناب و عبرت‌آفرین دارد. در این میان، قرآن مجید، این کتاب برآمده از آیین پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله، افق دیگری از مطالعه تاریخ و بررسی احوال پیشینیان را به رویمان می‌گشاید. در این کتاب مقدس، سیر در زمین، گردش در آفاق و مطالعه داستان گذشتگان؛ سرگرمی، قصه‌گویی و یا افسانه‌پردازی نیست. مراجعه به تاریخ برای روشن شدن اذهان، پند و عبرت گرفتن از وقایع و حوادث، الگوپردازی از شخصیت‌های برجسته و در نتیجه، پیش‌گرفتن راه تقوا و پرهیزگاری است.

دوفصلنامه «جستارهای تاریخ اسلام»، نخستین مجله علمی در حوزه مطالعات تاریخی با رتبه علمی - تخصصی، به عنوان جامعه الزهراء علیها السلام در نظر دارد مجالی برای انعکاس پژوهش‌ها و یافته‌های خواهران طلبه، به ویژه دانش‌پژوهان رشته تاریخ و رشته‌های مرتبط در

حوزه تاریخ اسلام باشد. بدیهی است موفقیت و کامیابی این مجله در رسیدن به اهداف علمی خود، وابسته به همراهی و یاری استادان فرهیخته و تلاش خواهران طلبه بانگیزه‌ای است که عزم جدی دارند با گام برداشتن در مسیر تدوین و تألیف مقالات و تحقیقات تاریخی، روزه‌های جدیدی کشف نموده و با رویکرد فعال و پاسخ علمی، از ابهامات و شبهات استقبال کنند.

«جستارهای تاریخ اسلام» از عموم استادان عزیز و خواهران طلبه، به ویژه تاریخ پژوهان جامعه الزهراء علیها السلام صمیمانه دعوت می‌کند با ارسال مقالات علمی خود در حوزه تاریخ اسلام، این مجله را در رسیدن به اهداف تعیین شده یاری کرده و در توسعه کمی و کیفی پژوهش‌ها و پژوهشگران خانواده تاریخ مشارکت نمایند..

و من الله توفیق

سید ناصر موسوی



# گونه‌شناسی سنت‌های سوگواری در عصر جاهلی

نجمه صالحی<sup>۱</sup>

## چکیده

سوگواری و عزاداری رسمی است که از گذشته تاکنون در زندگی اجتماعی بشر بوده و بخشی از آداب و رسوم جوامع و اقوام به آن اختصاص یافته است. شناخت و تبیین آیین‌های سوگواری عصر جاهلی، گامی در راستای آگاهی به زمینه صدور برخی احکام اسلامی مرتبط با سوگواری و معیاری برای شناخت سنت‌ها و شیوه‌های نادرست آن است که گاه تا پس از ظهور اسلام نیز استمرار یافته است. به همین منظور در این نوشتار، با روش توصیفی-تحلیلی و با تکیه بر داده‌های اسنادی-کتابخانه‌ای، مواجهه با مصیبت، در دو گونه سوگواری عمومی و گزارش‌های سوگواری شیوخ قبایل عصر جاهلی بررسی شد. براساس یافته‌های پژوهش، برخی از رفتارها مانند نیاچه و آسیب زدن به بدن و نظیر آن، با وجود اینکه ممکن است در لحظه مصیبت، رنج مصیبت‌دیدگان را بکاهد، اما در برخی موارد خرافی و مذموم است.

واژگان کلیدی: سنت‌های عزاداری، عصر جاهلی، سوگواری در جاهلیت، نیاچه، رثا.

۱. دانش‌آموخته سطح سه رشته تاریخ اسلام جامعة الزهراء علیها السلام، مدرس مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی و دانشجوی دکتری تاریخ اسلام دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام، قم، ایران؛ [na.salehi1981@gmail.com](mailto:na.salehi1981@gmail.com)

## مقدمه

سوگواری، به عنوان یکی از مهم‌ترین شاخصه‌های آداب و رسوم اجتماعی، فرایند مواجهه و واکنش با پدیده مرگ است؛ تجربه ناخواسته و ناگزیری که هر فرد، در طول عمرش با آن مواجه خواهد شد. سوگواری، از جمله رسم‌هایی است که از دیرباز در میان اقوام، فرهنگ‌ها و مذاهب مختلف، از جمله اعراب پیش از اسلام، رواج داشته و اجرا می‌شده است و با شیوه‌های گوناگون، به ابراز غم فقدان عزیز خویش، مبادرت می‌ورزیدند. به دلیل اینکه برخی از این رسوم، از دوره جاهلیت به دوره ظهور اسلام تسری یافته‌اند، بازشناخت آنها تا حدودی می‌تواند فضای حاکم بر جامعه صدر اسلام را ترسیم کند.

در جستجوی صورت‌گرفته، اثری مرتبط با مسئله پژوهش حاضر یافت نشد و در آثار یافت شده، تنها برخی از سنت‌های مرتبط با مرگ در دوره جاهلی اشاره رفته است. مواردی از این آثار عبارتند از:

- مقاله «نمود مراحل روان‌شناختی مرگ در دل سروده‌های مادران عصر جاهلی و اسلامی»، وصال میمنندی و فاطمه جمشیدی، نشریه ادب عربی، پاییز ۱۳۹۱، شماره ۳؛ به تبیین مراحل روان‌شناسی سوگ پرداخته و درون‌مایه‌های سوگ سروده‌ها را از لحاظ روان‌شناختی، بررسی کرده است. این مقاله همچنین به رابطه بین ادبیات آن زمان و روان‌شناسی تأکید دارد و شرایط مرگ (زمان، مکان و جنسیت) را در مرثیه و رثا مؤثر دانسته است. به عبارتی، به بخشی از سوگواری عصر جاهلی اشاره کرده و محتوای ادبی سروده‌ها را کاویده است.

- کتاب «الحیاه و الموت فی الشعر الجاهلی»، مصطفی عبداللطیف جیاووک، ۱۹۳۲م، بیروت: انتشارات دارالفکر؛ به تاریخ و نقد شعر عربی پیش از اسلام، زندگی در ادبیات و مقوله مرگ در شعر جاهلی می‌پردازد.

- مقاله «تحول سنت ثار در تاریخ اجتماعی عصر جاهلیت»، عیسی عبدی و سجاد دادفر، نشریه تحقیقات تاریخ اجتماعی، سال ششم، بهار و تابستان ۱۳۹۵، شماره ۱؛ به موضوع اخذ خون بهای پرداخته است که به نوعی، از رسوم سوگواری در عصر جاهلی به شمار می‌رود.

- مقاله «شکل‌گیری مرثیه در عصر جاهلی و آغاز دوره اسلامی»، محمود آبدانان مهدی‌زاده و مجتبی بهروزی، نشریه زبان و ادب فارسی، سال پنجاهم، ۱۳۸۶؛ به کنکاش درباره موضوع مرثیه‌سرایی، انواع آن و مرثیه‌سرایان پرداخته است.

- مقاله «مرگ و زندگی در شعر شاعران عربی»، لیلیا قاسمی حاجی‌آبادی، دانشنامه، شماره ۴، بهار ۱۳۹۰؛ تا حدودی به همین مسئله پرداخته و ضمن واکاوی دیدگاه شاعران عرب‌زبان از دوره جاهلی تا کنون، تصویر زندگی و مرگ را در آثار آنان بررسی کرده است.

در این میان، نوشتار حاضر تلاش دارد آداب و مراسم سوگواری در عصر جاهلیت را بررسی کند و اثری کاربردی درباره آیین‌ها و مراسم سوگواری عصر جاهلی، به جامعه علمی در حوزه تاریخ قبل از اسلام تقدیم نماید. بر این اساس، پژوهش حاضر، رسوم جاهلی در حیطه عزاداری را واکاوی می‌کند؛ لذا سؤال اصلی تحقیق این است که: آداب و رسوم سوگواری در عصر جاهلی چندانگونه بوده است؟ برای پاسخ به این سؤال، ابتدا سوگواری و برخی از واژه‌های هم‌معنی آن، مفهوم‌شناسی می‌شود و سپس در دو بخش آداب سوگ، انواع آداب و رسوم سوگواری عمومی و گزارش‌هایی از آداب و رسوم شیوخ قبایل، تنظیم خواهد شد.

## ۱. مفهوم‌شناسی

### ۱-۱. سوگ و سوگواری

سوگ به معنی مصیبت، اندوه، غم، ماتم (دهخدا، ۱۳۷۷، ر.ک: سوگ) و عزا (عمید، ۱۳۷۹، ص ۷۶۵) آمده است. سوگواری نیز به معنی مصیبت‌زده، صاحب‌ماتم (دهخدا، ۱۳۷۷، ر.ک: سوگواری)، ماتم‌دار، عزادار، غمگین، سوگ‌دار، سوگ‌زده و سوگی (عمید، ۱۳۷۹، ص ۷۶۵) آمده است. سوگواری به معنی ماتم‌داری و عزاداری (همان) در واقع، ابراز حزنی درونی است که به دنبال وقوع مصیبتی بروز پیدا می‌کند و حاکی از احساسات درونی انسان است که گاه با گریستن و مرثیه‌سرایی و نظایر آن التیام می‌یابد.

## ۱- ۲. واژه‌های هم‌معنی سوگواری

«عزاء»، به صبر و شکیبایی بر هر چیزی گفته می‌شود که از بین رفته باشد (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۲، ص ۴). عزا در فارسی، به معنی سوگ و ماتم و مصیبت آمده است (عمید، ۱۳۷۹، ص ۸۶۳). «ناحه»، به معنی گریه و شیون زن بر مرده یا بلند ناله کردن (ابن دُرید، ۱۹۸۷، ج ۱، ص ۵۷۵) و در مقابل هم قرار گرفتن دو چیز نیز آمده است؛ لذا برابر هم نشستن بانوان شیون‌کننده در سوگواری را «نوح» و به مجلس سوگ آنان، «مناحه» گفته می‌شود (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۵، ص ۳۶۷). «النوائح»، به زنانی می‌گویند که برای عزاداری در مکانی دور هم جمع می‌شوند (فراهیدی، بی‌تا، ج ۳، ص ۳۰۴). «النیاحه» نیز شیون زن بر مرده و ناله و شیون است (بستانی، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۹۲۲). همچنین «رثاء»، بیان کردن ویژگی‌های خوب میت در قالب شعر، همراه با گریه یا رثاء یا مرثیه گویند. (همان، ج ۱۴، ص ۳۰۹)

مجموع اصطلاحات فوق، درباره مفهوم عزاداری کاربرد دارد و با توجه به اینکه در مراسم سوگ، به صاحبان مصیبت تسلی داده می‌شود، به نظر می‌رسد سوگواری را می‌توان انجام اموری دانست که در راستای تسلی خاطر و آرامش بخشیدن به مصیبت‌دیده و آرزوی صبر و تحمل برای آنها است.

## ۱- ۳. عصر جاهلی

جهل، مقابل علم است و معنی مخالف آن، خالی بودن نفس و خاطر انسان از علم و دانایی (فراهیدی، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۰۹) و گاه به معنای پرخاشگری، شدت در عمل، ستم کردن به دیگران، عدم بردباری و... آمده است (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۱، ص ۱۲۹). جهل و مشتقات آن، بارها در لغت عرب و قرآن کریم استفاده شده است. عبارت جاهلیت، یکی از مشتقات جهل، عنوانی است که در قرآن به دوران قبل از اسلام و کردار و منش متداول در آن عصر اطلاق شده و با چهار شاخصه ظن الجاهلیه (آل عمران: ۱۵۴)، حمیه الجاهلیه (فتح: ۲۶)، حکم الجاهلیه (مائده: ۵۰) و تبرج الجاهلیه (احزاب: ۳۳) معرفی گردیده است.

مفهوم واژه جاهلیت، دارای تفسیرهای مختلفی است و آن را از زوایای گوناگونی تبیین کرده‌اند: قرآن کریم، دوران پیش از ظهور اسلام را از آن جهت که علم و دین، حاکمیت

نداشته، عصر جاهلی نامیده است (ضیف، ۱۹۶۰، ص ۴۷). عرب در آن عصر [عصر جاهلی] بت می‌پرستیدند و با یکدیگر به نزاع می‌پرداختند... گاهی دختران خود را زنده به‌گور می‌کردند و شراب می‌نوشیدند... جاهلیت از جهلی گرفته شده است که در برابر حلم است، نه جهلی که متضاد علم... است (فروخ عمر، ۱۹۸۴، ج ۱، ص ۷۳). با توجه به آثار پژوهشگران (ر.ک: شعبان پور و بشارتی، ۱۳۹۴، ص ۷-۲۷)، به نظر می‌رسد محققان در دوره زمانی آغاز عصر جاهلی، اتفاق نظر ندارند، اما پایان آن را ظهور اسلام و بعثت رسول الله ﷺ می‌دانند.

## ۲. انواع آداب و رسوم عمومی

آداب و رسوم، یکی از مؤلفه‌های تاریخ اجتماعی است و نقش مهمی در شناخت زیست اجتماعی یک جامعه دارد. مراسم آیینی را می‌توان نوع خاصی از گفتار و اعمال منظم دانست که از آموزه‌های دینی سرچشمه گرفته است و یا برای بیان احساسات دینی و مذهبی نیز به کار گرفته می‌شود. آداب و رسوم، به دلیل قدمت زیادی که دارد، در بیشتر موارد، با سنت و تاریخ اجتماعی مردم یک منطقه، پیوند خورده و جزئی از فرهنگ روزانه و انکارناپذیر مردم و به مثابه شناسنامه و هویت آن جامعه شده است. افزون بر تأثیر و اهمیت جامعه‌شناختی، مناسک و مراسم، نقش مهم و مؤثری در تسلی خاطر افراد دارند. از کهن‌ترین دوران تاریخ، تا جوامع پیشرفته امروزی، جامعه‌ای را نمی‌توان یافت که خالی از آداب و مراسم باشد.

در عصر جاهلی نیز آداب و رسوم مختلفی رواج داشت که برخی از آنها بین عموم مردم متداول بود و افراد قبیله نیز خود را ملزم به رعایت این رسوم می‌دانستند. به دلیل اینکه بارزترین خصوصیت عرب، به‌ویژه در عصر جاهلی، نظام قبیله‌ای بود و «در نظام قبیله‌ای دوره جاهلی، فردیت فرد در کلیت قبیله مستحیل بود» (زرگری‌نژاد، ۱۳۷۸، ص ۱۶۱)، تمام معیارها و افتخارات آنها، بر اساس انتساب به قبیله بود. همچنین قبیله در واقع، نوعی دولت کوچک در صحرا به شمار می‌رفت که همه ارکان یک دولت، به جز سرزمین محدود و ثابت را در اختیار داشت (سالم، ۱۳۸۸، ج ۴، ص ۳۶۰) و آداب و رسوم عمومی افراد قبایل، دارای اهمیت بود. از جمله این آداب، مراسم سوگاری افراد قبایل بود و در این بخش، در قالب گریستن، گریبان چاک دادن و پریشان کردن مو و نیاچه‌گری، سنت رثا، اسعاد و نماز بر میت، تبیین می‌شود.

## ۲- ۱. گریستن و گریبان چاک دادن و پریشان کردن موها

از امور شایع در عموم عزاداری‌ها، گریستن است و مصیبت دیده‌ها، بر فقدان عزیزشان می‌گریستند. در روایتی که ام‌آیمن<sup>۱</sup> راوی آن است، گریستن از اموری معرفی شده که در زمان عزاداری و برای نمایان کردن غم و اندوه استفاده شده است و به عصر و زمان خاص و یا گروه و عشیره‌ای خاص تعلق ندارد. در این روایت آمده است که رسول خدا ﷺ در ایام کودکی (عصر جاهلی)، در حالی که می‌گریست، به دنبال تابوت عبدالمطلب حرکت می‌کرد (مجلسی، بی‌تا، ج ۱۵، ص ۱۶۲). بنابراین، حداقل واکنش سوگواران در غم از دست دادن عزیزان، گریستن است و این روایت، از جمله شواهد تاریخی گریستن، به عنوان شایع‌ترین شیوه سوگواری در عصر جاهلی است. در رسم سوگواری عصر جاهلی، ابراز غم و اندوه با گریبان چاک دادن و پریشان کردن موها نیز امری رایج بود. (بلاذری، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۴۸)

## ۲- ۲. رثا

رثا، گریستن بر میت، ابراز اندوه بر فقدان عزیزی از دست رفته، اظهار تأسف از مرگ او و برشمردن نیکی‌های او به سبک شعر است (بشری، بی‌تا، ص ۲۰). طبق نظریکی از نویسندگان، سه نوع رثا در ادبیات عرب وجود دارد: رثای عاطفی یا ندب، تأیین و عزا (ضیف، ۱۹۶۰، ص ۵) در گزارشی تاریخی آمده است خنساء<sup>۲</sup> برای تسلی خود، در عزای برادرش شعر سرود. <sup>۳</sup> همچنین ام‌حکیم بنت قارظ<sup>۴</sup> در سوگ از دست دادن فرزندانش، شعری در رثایشان سرود. (مبرد، ۱۹۹۶، ص ۴۶)

## ۲- ۳. اسعاد

رسم اسعاد در عهد جاهلیت، به معنی پیوستن به عزاداری و نوحه و کمک به عزاداران است. به عبارتی اگر زنی سوگوار بود، زنان همسایه می‌آمدند و او را در سوگواری و نوحه خوانی همراهی و کمک می‌کردند و این عمل را اسعاد می‌نامیدند (بلاذری، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۱۴۳). به نظر

۱. صحابی و راوی حدیث و کنیزی اهل حبشه است. (طبرانی، بی‌تا، ج ۲۵، ص ۸۶)

۲. شناخته شده‌ترین شاعر زن در ادبیات عرب از قبیله بنوسلیم است که بیشتر عمرش را در دوره جاهلی زیست. (زرکلی،

۱۹۸۰، ج ۲، ص ۸۶)

۳. ولولاکثره الباکین حولی / علی اخوانهم لقتلت نفسی. (بستانی، ۱۴۰۴، ص ۸۴-۸۵)

۴. منسوب به قبیله «بنی حارث بن کعب» و همسر «عبیدالله بن عباس». (مسعودی، ۱۹۶۵، ج ۳، ص ۳۱)

می‌رسد این رفتار پس از ظهور اسلام، نفی نشده و به عنوان عملی است که در کاهش اندوه مصیبت دیدگان، موثر بوده است.

## ۲-۴. نیاچه‌گری

نیاچه‌گری یا نوحه خوانی نیز از رسوم جاهلی بود که پس از درگذشت کسی، نیاچه می‌کردند و جرم‌هایش مثل قتل و... را برمی‌شمردند (مجلسی، بی‌تا، ج ۷۹، ص ۱۰۸). در واقع، این نوع عملکرد در نزد مردم جاهلی، جرم‌گویی به شمار نمی‌رفت؛ بلکه برای آنها، به عنوان بیان شجاعت شخص محسوب می‌شده است. این امر پس از بعثت رسول خدا ﷺ، مردود اعلام شد و آن حضرت در این زمینه فرمودند: «اگر مسلمان به هنگام مصیبت، با دست خویش بر ران خود بکوبد، مزدش نابود می‌شود» (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۳، ص ۲۲۴-۲۲۵). به نظر می‌رسد این عمل، رسمی برای نشان دادن بی‌صبری عزادار بوده و از این جهت نهی گردیده که صبر بر مصیبت، مطلوب‌تر و یکی از سه نوع صبر به شمار می‌رود که در آموزه‌های روایی وارد شده است (همان، ج ۲، ص ۹۰) و موجب افزایش درجات معنوی فرد مصیبت‌دیده می‌شود.

همچنین رسول خدا ﷺ درباره نهی از نوحه خوانی به رسم جاهلی فرمودند: «نوحه خوانی از کارهای دوران جاهلیت است» (صدوق، ۱۴۱۳، ج ۴، ص ۳۷۶ و حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۳، ص ۲۷۲). به نظر می‌رسد چون خونریزی و رفتارهای غیرانسانی میت، از جمله تفاخرهای بازماندگان بوده؛ لذا این نوع نوحه خوانی عصر جاهلی، از نظر اسلام باطل شمرده شده است.<sup>۱</sup> به عبارتی، آن نیاچه و نوحه سرایی مذموم است که جزع و فریاد یا بی‌تابی، اعتراض به مقدرات الهی باشد وگرنه مرثیه‌سرایی در غم فقدان عزیزان، بدون اعتراض به تقدیر الهی، رفتاری برای کاهش حزن و اندوه است.<sup>۲</sup>

۱. آنگاه که سوگاری، جنبه «هویتی و قبیله‌ای» به خود گرفته و از آن برای تفاخر و تکاثر استفاده می‌شد، به شدت با آن مبارزه شد. به عبارت دیگر، گریه در عزاداری ساختگی و نمایشی منع شد. در این دسته از روایات، که بیشتر در آنها، واژه «نوحه و نیاچه» آمده است، گویی با مناسکی خاص مبارزه می‌شود و نه با تحریک عواطف و احساساتی که در سطح جهانی وجود دارد.

۲. نکته‌ای در مورد گریه و نوحه بر مصائب اهل بیت ﷺ، به ویژه شهادت و مصائب ابی عبدالله ﷺ و یارانش اینکه این نوع ندبه، نه فقط اعتراض بر مقدرات الهی نیست؛ بلکه در راستای خواست، رضا و دستور خداوند بر زنده نگهداشتن یاد امام حسین ﷺ و قیام اوست. این اشک و گریه، اعتراض بر ظالم و تقویت روح ظلم‌ستیزی است. لذا امام رضا ﷺ در روایت

با توجه به روایات، نیاچه نوعی سوگواری بر مصیبت بوده که به آسیب و آزار جسم منتهی می شده و به همین دلیل نهی گردیده است. نهی از این نوع عزاداری، حتی یکی از شروط رسول خدا ﷺ برای بیعت با زنان بود. به عبارتی ایشان دستور دادند زنان، نوحه و مویه به شکل دوره جاهلیت را ترک کنند. در گزارشی آمده است: زنی برای بیعت، به حضور رسول خدا ﷺ آمد. آن حضرت آیه‌ای از قرآن برای زن تلاوت کردند و فرمودند: «و در کار پسندیده، تو را نافرمانی نکنند». ایشان افزود یعنی مویه‌گری نکنی. آن زن گفت: ای رسول خدا! يك زن در این باره با من همکاری کرده است. پیامبر ﷺ از پاسخ دادن خودداری فرمود. آن زن دو یا سه بار دیگر گفته خود را تکرار کرد و ایشان اجازه نفرمود و در نهایت، آن زن موضوع را پذیرفت و رسول خدا ﷺ بیعت او را قبول فرمود. این گزارش، نشان از آن دارد که پیامبر اکرم ﷺ برخلاف برخی اموری که از سنت جاهلی تأیید کرده و آن را تجویز نموده‌اند، بر رد نوحه‌گری اصرار داشتند<sup>۱</sup> (ابن سعد، ۱۳۷۴، ج ۸، ص ۵). لازم به ذکر است که رسول خدا ﷺ آنان را از فریادزدن برحذر داشت، ولی از گریه منع نفرمود (همان، ج ۱، ص ۱۱۴). با توجه به مطالب مذکور، نیاچه در عصر جاهلی، شامل آسیب به بدن، مویه کردن و فریاد زدن بود که از نظر اسلام مردود است.<sup>۲</sup>

## ۲ - ۵. نماز بر میت

از دیگر آداب و رسوم عصر جاهلی، نماز بر میت است؛ چنان‌که عرب جاهلی بر امواتشان نماز می خواندند. آنها مرده را بر تختی حمل می کردند... و برایش طلب رحمت می نمودند... سپس او را به خاک می سپردند (جواد علی، ۱۹۸۴، ج ۶، ص ۳۳۸). با توجه به این

صحیح السنند ریان بن شیب، در توصیف عظمت مصیبت و شدت عزاداری اهل بیت ﷺ فرمود: «إن يوم الحسين أقرح جفوننا، وأسبل دموعنا، وأذل عزیزنا بأرض کرب وبلاء، أوثنتنا الکرب والبلاء إلى يوم الانتضاء، فعلی مثل الحسين فلیبک الباکون، فإن البکاء یحط الذنوب العظام» (صدوق، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۲۹۹). امام معصوم ﷺ در این روایت، به استمرار گریه بر مصائب ابا عبدالله ﷺ توصیه می کند.

۱. این نوحه‌گری، به دلیل آسیب رساندن به بدن، با مخالفت رسول خدا ﷺ روبه‌رو شد. از آن سو، ایشان با نوحه‌گری به شکل تسلی مصیبت زده در میان زنان انصار که در جریان جنگ‌های صدر اسلام مرسوم بود، مخالفتی نکرده‌اند.  
 ۲. البته باید دانست نوحه سرایی در صورتی که همراه با باطل یا دروغ نباشد، جایز است و در غیر این صورت، اشکال دارد. بر این اساس، مواردی مانند گریه و نوحه‌گری حضرت فاطمه ﷺ بر فقدان پدر بزرگوارشان، پیامبر خدا ﷺ، گویای این واقعیت است که ندبه و نوحه سرایی بر کسانی که دارای ویژگی‌هایی برجسته‌اند، مانعی ندارد؛ بلکه مستحب است تا در پرتو این مجالس عزاء، فضایل و خوبی‌های آنان نشر یابد و دیگران سرمشق و الگو بگیرند. (نجفی، بی تا، ج ۴، ص ۳۶۴)



مطلب، نماز خواندن بر میت، از جمله رسومی است که پس از ظهور اسلام، در شمار احکام امضایی قرار گرفت.

### ۳. گزارش‌هایی از انواع آداب و رسوم شیوخ قبایل

در عصر جاهلی، ریاست هر قبیله با شیخی بود که از میان خود آنان انتخاب می‌شد و او را رئیس، شیخ، امیر یا سید قبیله می‌نامیدند. بر این اساس، امور قبیله به دست او اداره می‌گردید و تصمیمات مختلف مانند اعلان جنگ و صلح و... به عهده او بود (سعد زغلول، بی‌تا، ص ۳۰۷). به عبارتی شیخ قبیله، نقش مهمی در میان هم‌عشیره‌ای‌های خود داشت و مورد احترام بود. از این رو، مرثیه‌سرایی، سنت جوار به آرامگاه شیخ قبیله و دفن اموال و شتر پس از مرگ او، از جمله آدابی بود که برای شیوخ قبیله بروز بیشتری داشت و گزارش‌هایی از آن ثبت شده است که در ادامه به آن اشاره خواهد شد.

#### ۳-۱. مرثیه‌سرایی

برخی از نویسندگان معتقد هستند که قریش از فصیح‌ترین قبایل عرب به شمار می‌روند. از جمله دلایلی که به آن استناد می‌کنند بازار عکاظ و نقش آن در نقد و تهذیب زبان عرب است (جواد علی، ۱۹۸۴، ج ۸، ص ۶۶۰). شعرا در این بازار گردهم می‌آمدند و به شعرخوانی و نقد و نظر می‌پرداختند. شعر و شاعر در عصر جاهلی به حدی اهمیت داشت که حتی آن را بر شمشیر و جنگجو ترجیح می‌دادند؛ زیرا شاعران را زبان قبیله می‌دانستند و در جنگ‌ها با سرودن رجزها، در تحریک جنگاوران و جنگ روانی برای تضعیف دشمن مؤثر بود و شعر به مثابه رسانه اجتماعی آنان به شمار می‌رفت. به عبارتی، «شاعر در جاهلیت، مقامی برتر و والاتر از خطیب داشت؛ چراکه مردم به او در یادآوری ایام و ذکر مآثرشان محتاج‌تر بودند. شاعر بود که شأن قبیله را بالاتر برده و دشمن را از رویارویی با آن قبیله به هراس می‌انداخت» (جاحظ، ۱۹۰۸، ص ۸۳). سرودن شعر در عصر جاهلی، در زمینه‌های مختلفی روی می‌داد که یکی از آنها، شعر یا مرثیه‌سرایی در زمان مرگ افراد بود و شعرسرایی برای درگذشت رئیس و بزرگ قبیله نیز گزارش شده است. نمونه‌ای از گزارش مرثیه‌سرایی برای شیوخ قبیله در عصر

جاهلی، هنگامی است که هاشم، رئیس بنی هاشم از قبیله قریش، از دنیا رفت و فرزندانش اشعار زیادی در رثای او سرودند.

خالده، دختر هاشم، پدر خود را با این اشعار رثا گفته است: خبر دهنده مرگ، خبر مرگ بهترین کسی را که بر زمین گام می نهاد داد. مردی که دارای کرامت و کردارهای پسندیده بود. سرور و مهتر جوانمرد و خردمند که تصمیم او استوار و خود نیرومند و پناه مردم بود. کسی که مایه آرایش قبیله بود و در همه حال، چه در فراخی و چه در قحطی، بهار مردم بود. خبر مرگ کسی را داد که دارای مکارم و بخشندگی و علو مقام بود و او عمرو بن عبدمناف است، پاک‌ترین فرزند قبیله لؤی که از همگان پاک‌تر بود. در شام میان سنگلاخ‌ها خفته است. تا هنگامی که زنده باشم با صدای بلند بر او می‌گیرم که من به مصیبت مرد بخشش و فضیلت گرفتار شدم، و همانا من مصیبت زده شدم به مرگ مهتر و سالار بنی فهر که در همه کارها سرور و مهتر بود. (ابن سعد، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۶۸)

در گزارشی دیگر، عبدالمطلب در زمان احتضار، از دخترانش می‌خواهد همان لحظه سوگواری کنند تا قبل از وفات مشاهده کند (همان، ص ۹۴) و عاتکه دختر ایشان، در رثای پدر مرثیه می‌سراید.<sup>۱</sup> به نظر می‌رسد سوگواری برای عبدالمطلب، به‌عنوان رئیس قبیله بنی هاشم، چنان با اهمیت بوده است که تمایل داشت نحوه عزاداری و نحوه خوانی عزیزانش را پیش از وفات ببیند.

### ۳-۲. سنت ثار

ثار به معنی خونخواهی ولی دم و ولی میت و انتقام‌جویی و خونخواهی ممتد و مستمر است. معمولاً پیگیری این موضوع، به عهده شیخ قبیله بود و گاه در برخی از مواقع، شیخ قبیله برای گرفتن انتقام و آگاهی از قاتل، به یکی از اعضای قبیله مأموریت می‌داد تا برای ردیابی عامل قتل به درون قبیله قاتل بروند. به‌عنوان نمونه، در جریان یوم (جنگ) زحران<sup>۲</sup>

۱. اعینی جودا ولا تبخلا بدمعکما بعد نوم التیام / اعینی و اسحنفرا و اسکبا و شویا بکاء کما بالتدام / علی شیبیه الحمد و المکرمت و مردی المخاصم یوم الخصاص. (بلاذری، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۸۶)

۲. زحران که از ایام العرب و یوم جاهلی است، کوه یا زمینی نزدیک عکاظ است که در آن، دو جنگ رخ داد: نخست بین بنی دارم و بنی عامر بن صعصعه و دیگری میان تمیم و بنی عامر. (حموی، ۱۹۷۷، ج ۴، ص ۴۷۰ و ابن عبدربه، ۱۹۵۳، ج ۳، ص ۳۵۶)

که بین قبیله بنی عامر و قبیله بنی دارم روی داد، پسر شیخ قبیله قیس بن عیلان به نام زهیر بن جذیمه بن زواحه عبسی کشته شد؛ لذا وی برای شناسایی قاتل، جاسوسانی به قبیله قاتل فرستاد. (ابن اثیر، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۶۳۹-۶۴۰)

عرب جاهلی معتقد بود تا زمانی که قاتل قصاص نشود، روح مقتول در جهان ظلمانی سیر می‌کند و پرنده‌ای شبیه جغد به نام «هامه» بر گرد قبرش ناله می‌کند و می‌گوید اسقونی! اسقونی! (شهرستانی، ۱۳۶۴، ج ۳، ص ۲۴۶). از جمله افرادی که به رسم سنت ثار انتقام گرفت، امرؤ القیس کندی<sup>۱</sup> بود. وی تا هنگامی که انتقام خون پدرش را از قبیله بنی اُسد نگرفته بود، شستن سر و نوشیدن خمر را بر خودش حرام کرده بود (جواد علی، ۱۹۸۴، ج ۴، ص ۴۰۰)

در گزارش‌های تاریخی آمده است پس از جنگ بدر، سران مشرک مکه، بازماندگان کشتگان بدر را از عزاداری نهی کردند تا کینه‌شان از مسلمانان آرام نگیرد؛ درحالی‌که در همین زمان، زنی در فقدان شتر گمشده خود، نوحه سرایی می‌کرد و چون این مسئله در میان آنان، امری عادی بود، کسی متعرض او نمی‌شد (قاضی ابرقوه، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۵۸۹ و واقدی، ۱۳۶۹، ص ۸۹). به نظر می‌رسد در دوره جاهلی، افزون بر انسان و بزرگان جامعه، مرثیه خواندن، برای حیوانات نیز متداول بوده است. با توجه به سخنان پیش گفته، به نظر می‌رسد این نوع سرکوب عزاداری، برای استمرار رسم نادرست و شعله‌ورتر شدن آتش انتقام و خونخواهی از سوی مشرکان در نظر گرفته شده و نشان‌دهنده جهان بینی عرب دوره جاهلی است که در اثر مستغنی نیاز به کاوش دارد. در این تفکر، وضعیت بشر پس از مرگ، به صورت یک باور، بر رفتار آنان تأثیر می‌گذاشت و بازماندگان متوفی را به اقدامی برای آرامش روح میت ترغیب می‌کرد. بر مبنای این تفکر و اعتقاد، شخصی که کشته شده بود (مقتول)، روحی ناآرام دارد و تا زمانی که قصاص در مورد قاتل انجام نمی‌شد، روح میت، آزاد و آرام نمی‌شد؛ لذا اقدام به انتقام جویی می‌کردند تا روح ناآرام مقتول به آرامش برسد. در اشعار زُهیر بن اَبی سلمی، شخصی به نام هَرم بن سِنان المُرزی الذُّبیانی (امیر بنی ذبیان)، مورد ستایش قرار می‌گیرد؛ زیرا وی بین قبایل ذُبیان و عَبَس، پیمان صلح منعقد کرد و مانع خونریزی میان آنها و نوادگانش شد و عطش انتقام جویی مستمر را خشکاند. (آیتی، ۱۳۸۴، ص ۴۹)

۱. متوفی سال ۵۴۰م، شاعر عصر جاهلی و صاحب قصیده لامیه.

البته به نظر می‌رسد خود سنت ثار،<sup>۱</sup> مشکلی ندارد، بلکه نوع اجرای آن باید اصلاح شود؛ همچنان‌که در دوران جاهلی، عبدالمطلب، جد پیامبر ﷺ، با نحوه اجرای سنت ثار به شیوه جاهلی مبارزه می‌کرد و زمینه جبران را با پرداخت جریمه فراهم آورد. بر این اساس، وی با پیشنهاد پرداخت صد شتر به جای دیه قتل، سعی در زدودن اجرای این سنت غلط داشت. (ابن هشام، ۱۹۷۱، ص ۱۳۷-۱۴۰ و ابن اثیر، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۱۵)

### ۳-۳. جوار به قبر شیوخ

جوار در لغت به معنای عهد و امان و در اصطلاح، پناهندگی به شخص، قبیله‌ای و یا رئیس قبیله که در آن، یک شخص، از شخص یا قبیله دیگر، تقاضای پناهندگی کند و طرف مقابل نیز بپذیرد (زریاب خویی، ۱۳۷۶، ص ۲۴). در واقع جوار، عهد و پیمان میان پناه‌دهنده (مجیر) و پناهنده (مستجیر) بود که شخص مستأصل و پناهنده، به انسانی قوی پناه می‌برد؛ به این معنی که شخص مستجیر، نزد بزرگ یا شیخ قبیله می‌رفت و تقاضای پناهندگی می‌کرد و شیخ قبیله، این جوار را اعلام می‌نمود.

با توجه به گزارش‌های تاریخی، در موضوع جوار، حتی زنده بودن مجیر (شیخ قبیله)، ضروری نبود و مستجیر می‌توانست در جوار قبر شیخ قبیله نیز پناهنده شود و صاحبان قبر (وراث)، به احترام شیخ قبیله، در قبال مستجیر مسئول بودند.

در گزارشی آمده است که عامر بن طفیل، رئیس قبیله بنی‌عامر، به حق جوار مشهور بود و قبیله اش حتی پس از مرگش، محدوده‌ای مشخص کرده بودند که جوار او به همان وسعت دوران زنده بودنش باشد و هر کس در محدوده قبر او پناه بگیرد، در امان باشد. (جواد علی، ۱۹۸۴، ج ۷، ص ۳۶۵)

سنت جوار در عصر جاهلی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بود و از سنت‌های مورد تأیید پس از ظهور اسلام است که در قرآن به آن اشاره شده است<sup>۲</sup> (توبه: ۶). رسول خدا ﷺ نیز در

۱. البته ثارالله در فرهنگ شیعه، در شمار عناوین مقدس است که در زیارت امام حسین ﷺ به آن اشاره می‌شود: «السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا قَتِيلَ اللَّهِ وَابْنَ قَتِيلَةَ السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا كَاذِبَ اللَّهِ وَابْنَ كَاذِبِهِ». این تعبیر، اشاره به خون خدا بودن دارد و چون صحبت از خون انسانی عادی نیست، خداوند از این خون، حمایت می‌کند و انتقام خواهد گرفت.

۲. «وان احد من المشركين استجارك فاجره».

آغاز بعثت، از این سنت استفاده کردند و زمانی که از سفر طائف بازمی‌گشتند، برای در امان ماندن از آزار دشمنان، در جوار مُطعم بن عدی،<sup>۱</sup> از اشراف طایفه بنی نوفل از قبیله قریش، به مکه وارد شدند (ابن هشام، ۱۹۷۱، ص ۳۴۷ و طبری، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۱۴۱)

### ۳-۴. حبس البلیا

یکی از شیوه‌های مقدماتی سوگواری، رعایت آداب دفن میت و نحوه احترام به آن است که به نوعی، رفتار بازماندگان را نسبت به میت آشکار می‌کند. در عصر جاهلی برای تدفین، کارهایی نظیر «حبس البلیا» مرسوم بود. بر این اساس، گزارش شده است هنگامی که بزرگ قبیله و صاحب منصب و شرف از اعراب درمی‌گذشت، در کنار قبر او، گودالی را حفر و شتری را در آن حبس می‌کردند تا از گرسنگی و تشنگی بمیرد؛ زیرا اعتقاد داشتند میت در روز حشر، سوار آن می‌شود و پیاده و بدون وسیله نمی‌ماند (یوسفی غروی، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۱۲۲). به نظر می‌رسد خرافی‌ترین آداب دفن و ادای احترام به میت، این مورد است.

در واقع، عرب دوره جاهلی، چنان در گرفتاری‌هایی دست و پا بسته افتاده بود که خلاصی از آن، رهایی از غل و زنجیر جاهلیت است؛ به گونه‌ای که قرآن کریم نیز یکی از اهداف رسالت پیامبر اکرم ﷺ را رها شدن از این موانع می‌داند و می‌فرماید: «همان‌ها که از فرستاده (خدا)، پیامبر «آمی» پیروی می‌کنند پیامبری که ... آنها را به معروف دستور می‌دهد و از منکر باز می‌دارد و بارهای سنگین و زنجیرهایی را که بر آنها بود، (از دوش و گردنشان) برمی‌دارد...»<sup>۲</sup> (اعراف: ۷)

### نتیجه‌گیری

سوگواری، از جمله مراسم و آداب کهنی است که در میان اقوام، فرهنگ‌ها و مذاهب مختلف اجرا می‌شده و در میان عرب پیش از اسلام نیز رواج داشته است و با استفاده از شیوه‌های گوناگون، به ابراز غم فقدان عزیز خویش، مبادرت می‌ورزیدند.

۱. ریاست قبیله و طایفه‌اش را در جنگ‌های فجار عصر جاهلی به عهده داشت. (ابن حبیب، ۱۴۲۱م، ص ۱۷۰)

۲. «الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي... يَأْمُرُهُم بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ... وَيَصْخُ عَنَّهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَعْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ...»

شیوه‌های خاصی که اعراب برای ابراز غم و اندوه خود بهره می‌بردند، مانند کندن موه‌های سر و یا گریبان چاک زدن و دفن شتر و اموال و نظایر آن همراه با میت، حاکی از آن است که اعراب جاهلی در مراسم سوگ، چه بسا حد و مرزی قائل نبودند و حتی برای شیوخ قبیله، اعمال خرافی بیشتری انجام می‌دادند. شیوه عزاداری در آن دوره و در میان عرب جاهلی، به صورتی مفصل و دارای جزئیات بوده است. محتوای این نوشتار، به دو گونه انواع آداب و رسوم عمومی و گزارش‌هایی از انواع آداب و رسوم شیوخ قبایل تقسیم شد. همچنین نقل‌هایی در مورد مرثیه‌سرایی، سنت ثار، جوار به قبور شیوخ و حبس البلیا ذکر شد و به برخی خرافات در مراسم سوگواری، نظیر هامه اشاره گردید.

نکته مورد توجه آنکه گاه این آداب، تا زمان همه‌گیری گرایش به اسلام در میان اعراب وجود داشت که برخی توسط پیامبر ﷺ امضاء و فراگیر شد. همچنین برخی از این رسوم توسط حضرت، نفی گردید و از چهارچوب رفتاری مسلمانان حذف شد. البته واکاوی مبانی و جهان بینی سوگواری عصر جاهلی در مقایسه با اسلام و سایر آداب و رسوم عصر جاهلی و نحوه تسری برخی از این رسوم در احکام اسلامی و رد و تعدیل آن، نیازمند پژوهش‌های دیگری است و در این مجال، تنها به گونه‌شناسی یکی از آداب عصر جاهلی پرداخته شد.

## فهرست منابع

### قرآن کریم

۱. ابن اثیر، علی بن محمد، ۱۴۱۷ق، الكامل فی التاريخ، بیروت: دار الکتب العربی.
۲. ابن دُرید، ابی بکر محمد بن حسن، ۱۹۸۷ م، جمهره اللغة، تحقیق: رمزی منیر بعلبکی، بیروت: دار العلم للملایین.
۳. ابن سعد، ۱۳۷۴ش، الطبقات الکبری، ترجمه: محمود مهدوی دامغانی، تهران: نشر فرهنگ اندیشه.
۴. ابن حبیب، ابوجعفر محمد بن حبیب بن امیه بن عمرو هاشمی بغدادی، ۱۴۲۱ق، المحبر، قاهره: دارالغد العربی.
۵. ابن فارس، ابوالحسین احمد بن فارس، ۱۴۰۴ق، معجم مقاییس اللغة، تصحیح: عبدالسلام محمد هارون، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
۶. ابن عبدربه، احمد بن محمد، ۱۹۵۳ م، العقد الفرید، تصحیح: محمد سعید العریان، مصر: قاهره: المکتبة التجارية الکبری.
۷. ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۱۴ق، لسان العرب، تصحیح: جمال الدین میردامادی، بیروت: دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع.
۸. ابن هشام، عبدالملک بن هشام بن حمیری المعافری، ۱۹۷۱ م، السیره النبویه لابن هشام، بیروت: دار الکتب العلمیه.
۹. آیتی، عبدالمحمد (مترجم)، ۱۳۸۴ش، معلقات سبع (قصاید هفتگانه مشهور عرب جاهلی)، تهران: انتشارات سروش.
۱۰. بستانی، فؤاد افرام، ۱۳۷۵ش، فرهنگ ابجدی، ترجمه: رضا مهیار، تهران: انتشارات اسلامی.
۱۱. بستانی، کرم، ۱۴۰۴ق، دیوان الخنساء، بیروت: دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع.
۱۲. بشری علی، الخطیب، بی تا، الرثاء فی الشعر الجاهلی و صدر الاسلام، بغداد: مکتبه الاداب جامعه البغداد.
۱۳. بلاذری، أحمد بن یحیی، ۱۴۱۷ق، انساب الأشراف، تحقیق: عبدالعزیز الدوری، بیروت: جمعیة المستشرقین الألمانية.
۱۴. جاحظ، ابوعثمان، ۱۹۰۸ م، البیان و التبیان، قاهره: دار الکتب القاهره.
۱۵. حرّ عاملی، محمد بن حسن، ۱۴۰۹ق، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، قم: موسسه آل البيت علیهم السلام.
۱۶. حموی، یاقوت، ۱۹۷۷ م، معجم البلدان، بیروت: دار صادر.
۱۷. دهخدا، علی اکبر، ۱۳۷۷ش، لغت نامه دهخدا، تهران: انتشارات روزنه.
۱۸. زکلی، خیرالدین بن محمود بن محمد، ۱۹۸۰ م، الاعلام، بیروت: دار العلم للملایین.
۱۹. زرگری نژاد، غلامحسین، ۱۳۷۸ش، تاریخ صدر اسلام (عصر نبوت)، تهران: انتشارات سمت.
۲۰. زریاب خویی، عباس، ۱۳۷۶ش، سیره رسول الله صلی الله علیه و آله از آغاز تا هجرت، تهران: انتشارات سروش.
۲۱. زغلول سعد، عبدالحمید، بی تا، تاریخ العرب قبل الاسلام، بیروت: دار النهضه العربیه.
۲۲. سالم، عبدالعزیز، ۱۳۸۸، تاریخ العرب قبل الاسلام، قاهره: موسسه الشباب الجامعه اسکندریه.

۲۳. شعبان پور، محمد و بشارتی، زهرا، ۱۳۹۴ ش، «مؤلفه‌های قرآنی فرهنگ جاهلیت و مصادیق آن در جوامع مدرن»، فصلنامه علمی پژوهشی تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، ش ۱۹، ص ۷-۲۷.
۲۴. شهرستانی، عبدالکریم، ۱۳۶۴ ش، الملل و النحل، تصحیح: محمد بن فتح‌الله، قم: انتشارات شریف رضی.
۲۵. شوقی، ضیف، ۱۹۶۰ م، تاریخ الادب العربی (العصر الجاهلی)، قاهره: دار المعارف.
۲۶. صدوق، محمد بن علی بن بابویه، ۱۴۰۴ ق، عیون اخبار الرضا علیه السلام، بیروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات.
۲۷. \_\_\_\_\_، ۱۴۱۳ ق، من لایحضره الفقیه، تصحیح: علی اکبر غفاری، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۸. طبرانی، سلیمان بن احمد، بی تا، المعجم الکبیر، تصحیح: حمدی عبدالمجید السلفی، قاهره: مکتبه ابن تیمیة.
۲۹. طبری، محمد بن جریر، ۱۳۷۸ ش، تاریخ طبری (تاریخ الرسل و الملوک)، ترجمه: محمد روشن، تهران: انتشارات سروش.
۳۰. علی، جواد، ۱۹۸۴ م، المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، بیروت: دار العلم للملایین.
۳۱. عمید، حسن، ۱۳۷۹ ش، فرهنگ عمید، تهران: موسسه انتشارات امیر کبیر.
۳۲. فراهیدی، خلیل بن احمد، بی تا، العین، قم: هجرت.
۳۳. فروخ عمر، ۱۹۸۴ م، تاریخ الجاهلیه (تاریخ الادب العربی)، بیروت: دار العلم للملایین.
۳۴. قاضی ابرقوه، اسحاق بن محمد همدانی، ۱۳۷۷ ش، سیرت رسول خدا صلی الله علیه و آله، تحقیق: اصغر مهدوی، تهران: نشر خوارزمی.
۳۵. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، ۱۳۶۳ ش، اصول کافی، ترجمه: جواد مصطفوی، تهران: انتشارات علمیه اسلامیة.
۳۶. میرد، محمد بن یزید، ۱۹۹۶ م، الكامل فی اللغة و الادب، تصحیح: محمد ابوالفضل ابراهیم، قاهره: دار الفكر العربی.
۳۷. مجلسی، محمدباقر، بی تا، بحار الانوار، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۳۸. مسعودی، علی بن الحسین، ۱۹۶۵ م، مروج الذهب و معادن الجواهر، تصحیح: شارل پلا، بیروت: منشورات الجامعة اللبنانیة.
۳۹. نجفی، محمدحسن، بی تا، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۴۰. واقدی، محمد بن عمر، ۱۳۶۹ ش، المغازی (تاریخ جنگ‌های پیامبر صلی الله علیه و آله)، ترجمه: محمود مهدوی دامغانی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
۴۱. یوسفی غروی، محمدهادی، ۱۳۸۲ ش، تاریخ تحقیقی اسلام، ترجمه: حسینعلی عربی، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.



# تأملی در تعارضات محتوایی و قرآنی قول مشهور در نقل ماجرای بعثت

عباس تقوایی<sup>۱</sup>

مقداد ابراهیمی کوشالی<sup>۲</sup>

## چکیده

بازنگری در مطالعه تاریخ حیات رسول اکرم ﷺ و وقایع صدر اسلام، در دوره قبل از بعثت، ضروری است. این ضرورت در مطالعه ماجرای بعثت، به عنوان آغاز رسمی دین مبین اسلام و نبوت رسول خدا ﷺ بیشتر ضروری می‌نماید و از جایگاه ویژه‌ای در تاریخ اسلام برخوردار است. بازسازی این برهه از تاریخ صدر اسلام، با بررسی تعارض گزارش راه‌یافته از این واقعه به کتب تاریخی و تطبیق آن با سایر گزاره‌های موجود در منابع متقدم امکان‌پذیر است. این مقاله با ماهیت توصیفی - تحلیلی و بهره‌گیری از روش تحلیل نتایج حاصل از مطالعه منابع مکتوب مهم و کهن تاریخ صدر اسلام، به بررسی و نقد دیدگاه مشهور در خصوص این واقعه پرداخته است. در این پژوهش مهم‌ترین تعارض‌های موجود در محتوای داخلی این گزارش و تعارض آن با برخی آیات قرآن کریم، مورد توجه قرار گرفته و با تشکیک در گزارش مشهور، زمینه برای روی‌آوری به نقل صحیح از این واقعه، مهیا شده است که علاوه بر عدم تعارض، دارای مشکلات کلامی نیز نخواهد بود.

واژگان کلیدی: پیامبر اکرم ﷺ، بعثت، تعارض گزارش‌های تاریخی، نقد تاریخی، تحریف تاریخ.

۱. استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی واحد لاهیجان، لاهیجان، ایران (نویسنده مسئول)؛

taghvae.abbas@yahoo.com

۲. استادیار گروه معارف اسلامی، واحد لاهیجان، دانشگاه آزاد اسلامی، لاهیجان، ایران؛ meghdadebrahimi@gmail.com

## ۱. تاریخ اسلام و ماجرای تحریف

تاریخ اسلام به طور عام و سیره پیامبر اکرم ﷺ به طور خاص، همچون سایر تواریخ و البته به دلایلی افزون از آنها، دچار تحریف و دستکاری شده است. دامنه این تحریفات، از جعل حدیث تا ساختن صحابی برای پیامبر اکرم ﷺ را در بر می‌گیرد و در این زمینه با اشخاصی نظیر تمیم بن اوس داری، کعب الأحبار، سیف بن عمر، ابوهریره دؤسی و دیگرانی روبه‌رو می‌شویم که به صورت کامل حرفه‌ای به این امر مبادرت ورزیده‌اند. گاهی نقش یکی از آنان چنان در زمینه جعل حدیث و روایات تاریخی پررنگ است که خود به تنهایی، نظیر ابوهریره (شرف‌الدین، ۱۳۷۶، ص ۱۳-۲۴۹) و سیف بن عمر تمیمی (عسکری، ۱۳۶۰، ج ۲، ص ۲۱-۲۵۰ و همان، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۳۱-۳۳۹)، موضوع تحقیقاتی مفصل در این زمینه قرار گرفته‌اند. علامه سید جعفر مرتضی، با ذکر نمونه‌های تاریخی نشان می‌دهد که تهمت‌های وارده بر رسول اکرم ﷺ، نه از روی سهو، بلکه عامدانه و با برنامه‌ریزی برای زیر سؤال بردن شخصیت ایشان و زمینه‌سازی برای برکندن اساس اسلام بوده است (عاملی، ۱۴۲۶، ج ۱، ص ۲۶-۳۱). به همین جهت، محققان تاریخ اسلام درصدد ریشه‌یابی این عوامل برآمده‌اند (عسکری، ۱۳۶۸، ج ۱، ص ۷-۸ و ۳۶-۳۸). در دلایل روی‌آوری به این تحریفات، به عواملی اشاره شده است که برخی از مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از:

- نقش «دسته‌بندی‌های سیاسی و فرقه‌ای»؛

- نقش «اختلافات قبیله‌ای»؛

- «بی‌توجهی عالمان سیره‌دان به جداکردن اخبار درست و توجه به گردآوری هر چیز و

هر خبر». (جعفریان، ۱۳۸۰، ص ۶۸)

حتی در دیدگاه اهل سنت، که مبتنی بر جایگاه ویژه برای کلیه صحابه است نیز «نسیان و فراموشی» و یا «خطا و لغزش» اصحاب در ثبت سیره رسول اکرم ﷺ، در این قضیه مؤثر دانسته شده است (عسکری، ۱۳۶۸، ج ۱، ص ۱۵). البته مواردی نظیر اعتقاد به «عدالت تمامی صحابه» و «دشمنی با انصار» را نیز می‌توان به دلایل فوق افزود. (جعفریان، ۱۳۸۰، ص ۷۰-۷۱)

یکی از مسائل مهمی که در تاریخ صدر اسلام مورد تحریف جدی قرار گرفته، ماجرای

آغاز رسمی اسلام، با نزول فرشته وحی بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در غار حراء و در چهل سالگی رسول خداست. این نقل‌های تحریف‌آمیز، که متأسفانه در اولین نگارش‌های تاریخی وجود داشته و بدون توجه به مشکلات سندی و محتوایی و تعارضات آن با قرآن کریم، حقایق کلامی و تاریخی و همچنین نقل شیعی واقعه (مبتنی بر قول مستقیم امیرالمؤمنین علیه السلام) در خطبه قاصعه به عنوان شاهد قضیه، با ارائه چهره‌ای غیرواقعی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، سعی در تخریب شخصیت ایشان و ایجاد زمینه برای ارائه جلوه‌ای نامناسب از دین اسلام دارند. در این نقل‌ها، ما با پیامبری روبه‌رو می‌شویم که ظرفیت لازم را برای تلقی وحی ندارد و با تردید و حیرت، مضطرب و وحشت‌زده و بالاخره ترسان و لرزان، از جانب خدا برگزیده می‌شود تا مهم‌ترین رسالت را در میان انبیای الهی بر دوش بکشد و در نهایت، با دلگرمی دیگران به آرامش و اطمینان می‌رسد. عموم کتاب‌های تاریخی متأخر و معاصر، فقط به ذکر این نقل‌ها و احیاناً نقد بخش‌هایی از آن اکتفاء می‌کنند. به عنوان نمونه، یکی از محققان بزرگ شیعه، پس از شرح ماجرای بعثت می‌نویسد که پیامبر صلی الله علیه و آله ضمن برگشتن از حراء، دچار «وحشت و اضطراب» شد و سپس در توجیه آن چنین می‌آورد که: «البته این اضطراب تا حدی طبیعی بود و منافات با یقین و اطمینان او به درستی آنچه به او ابلاغ شد، ندارد؛ زیرا روح هر چقدر توانا باشد، هر اندازه با دستگاه غیب و عوالم روحانی بستگی داشته باشد، باز در آغاز کار، وقتی با فرشته‌ای که تا حال با او روبه‌رو نشده است، روبه‌رو شود، آن هم در بالای کوه، چنین اضطراب و وحشتی به او رخ می‌دهد». او در ادامه می‌نویسد: «اضطراب و خستگی» او را به خانه خدیجه کشاند و او از خدیجه خواست که او را بپوشاند. سپس خدیجه او را دلداری داد و خودش نزد ورقه بن نوفل رفت و ماجرای شوهرش را برای او تعریف کرد. ورقه نیز نزول فرشته وحی و آغاز پیامبری شوهرش را به او بشارت داد (سبحانی، ۱۳۸۴، ص ۹۴-۹۵). در هر صورت، حتی اگر سختی تلقی وحی را نیز در نظر بگیریم، مجموعه ویژگی‌هایی که از این نقل‌ها به دست می‌آید، با شخصیت رسول خدا صلی الله علیه و آله و کسی که منتخب الهی است، سازگاری ندارد.

## ۲. نقل اولیه مشهور در ماجرای بعثت

هرچند نقل ثابت و مشخصی از ماجرای بعثت وجود ندارد، ولی با قدر مشترک گرفتن

از آنچه در منابع متقدم تاریخی آمده، می‌توان به نوعی به شرحی دست یافت که آن شرح از واقعه را می‌توان «دیدگاه مشهور» دانست؛ زیرا به‌ویژه پس از دوران طبری و البته با واسطه او، به عموم کتب تاریخی بعدی راه یافته و در آنها تکرار شده است. منبع عموم این نقل‌ها، سیره ابن اسحاق است و لذا ابتدا به نقل واقعه بعثت در روایت او می‌پردازیم:

۲-۱. ابن اسحاق در شرح ماجرای بعثت و آغاز نبوت رسول اکرم ﷺ می‌گوید: «از محمد بن مسلم بن شهاب زهری و او از عروه و او از عایشه شنیده که عایشه چنین گفت: هنگامی که اراده خداوند بر کرامت و رحمت بر بندگان قرار گرفت تا آغاز بخش نبوت رسول خدا باشد، همه چیز را در برابر دیدگانش همچون سپیده صبح قرار داد و بر همین منوال بود و خداوند میل به خلوت‌گزینی را در او برانگیخت، تا جایی که هیچ کاری را بدین اندازه دوست نمی‌داشت». او در ادامه، از عبدالملک بن عبدالله بن ابی سفیان بن علاء بن جاریه ثقفی که حافظه خوبی در ثبت شنیده‌ها داشت و از بعضی اهل علم [مطلب] شنیده بود، چنین نقل می‌کند: «هنگامی که اراده خداوند بر کرامت رسول خدا و آغاز رسالت او قرار گرفت، ایشان از هیچ سنگ و درختی نمی‌گذشت مگر آنکه بر او سلام می‌کردند و رسول خدا بر چپ و راست خود می‌نگریست و در اطراف خود چیزی به جز درخت یا سنگ نمی‌دید که بر او با عنوان نبوت سلام فرستاده و می‌گفتند: «درود بر تو ای رسول خدا!». ایشان یک ماه در هر سال برای عبادت به غار حراء می‌رفت و همچنان که از مناسک قریش در جاهلیت بود، به هرکسی که نزدش می‌رفت، اطعام می‌کرد و هنگام پایان عبادت، چون از غار خارج می‌شد، تا در ابتدا کعبه را طواف نمی‌کرد به خانه‌اش نمی‌رفت. این چنین بود تا آن ماه آخری که اراده خداوند بر کرامت بر او با رسالتش قرار گرفت، از سالی که او را به رسالت برانگیخت، فرارسید. این امر در ماه رمضان بود که مطابق معمول، ایشان برای نشست در حراء به همراهی خانواده‌اش خارج شد و شبی خداوند، کرامت رسالت را برای او و رحمت بر بندگان قرار داد؛ بدین صورت که جبرئیل به امر خدا بر او فرود آمد. پس رسول خدا فرمودند: «جبرئیل بر من درآمد و من در خواب بودم و گفتم: بخوان. گفتم: چه بخوانم؟ مرا تا حد مرگ فشرد و سپس گفت: بخوان و من گفتم: چه بخوانم؟ پس همان عمل را در مورد من تکرار کرد و سپس گفت: بخوان و

گفتم: چه بخوانم؟ این را نمی‌گفتم جز برای آنکه از دست عمل او نجات پیدا کنم، که آن را تکرار نکند. سپس گفت: «افْرَأُ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ. خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ. افْرَأُ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ \* الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ \* عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ». پس از پایان قرائت، دست از من برداشت و من از خواب برخاستم و مانند آن بود که کتابی در قلب من نقش بسته است. در میان مخلوقات خداوند عز و جل، کسی برای من از شاعر و مجنون بدتر محسوب نمی‌شد و [با خود] گفتم: قریش هرگز در مورد من چنین نخواند گفت [که شاعر یا مجنون شده است]، که در این صورت، به بلندای کوه رفته و خود را به زیر افکنم و کشته و راحت شوم. درحالی که قصدی جز این نداشتم، خارج شدم و چون مشخص بود چنین قصدی دارم، شنیدم ندادهنده‌ای از آسمان چنین می‌گوید: ای محمد! تو رسول خدایی و من جبرئیل هستم. سرم را بلند کرده و به آسمان نگریم و او را به صورت مردی که پای در افق آسمان داشت، دیدم که می‌گفت: ای محمد! تو رسول خدایی و من جبرئیل هستم. پس ایستادم و به او نگریم. تماشای او مرا از اندیشه‌ام [درباره خودکشی] دور کرد. پس در جای خود ماندم، درحالی که نه توانایی رفتن داشتم و نه توان برگشتن و صورتم را به هیچ قسمتی از آسمان بر نمی‌گرداندم، مگر آنکه او را در آن ناحیه می‌دیدم. همچنان پابرجا بودم تا خدیجه کسانی را در پی من فرستاد، که در مکه مرا نیافته و بازگشتند. من تا انتهای روز بر این منوال بودم، تا این حالت از من رفع شد. پس به سمت خانواده‌ام عزیمت نمودم. در کنار خدیجه نشستم و بر او تکیه زدم. خدیجه به من گفت: ای ابوالقاسم کجا بودی؟ قسم به خدا! کسانی را به دنبال تو فرستادم و در مکه تو را نیافته و بازگشتند. پس به او گفتم: نکند شاعر یا مجنون شده باشم. او گفت: در مورد تو ای ابوالقاسم از این جهات [شاعری یا جنون] به خدا پناه می‌برم و خداوند در خصوص تو، با این خصلت‌هایی که در تو سراغ داریم، از راستگویی و امانت‌داری و نیک‌خویی و صله رحم، چنین نکند. شاید چیزی دیده‌ای یا شنیده‌ای؟ پس او را از ماجرا باخبر ساختم. او گفت: بشارت بده ای پسرعمو! و بر این امر ثابت قدم باش، که قسم به آن کسی که به او سوگند می‌خورم، امیدوارم که نبی این امت باشی. سپس برخاست و لباس آراست و نزد ورقه بن نوفل - پسرعمویش که کتاب خوانده بود و مسیحی شده و به تورات و انجیل آشنایی داشت - رفت

و ماجرا را برای او نقل کرده و آنچه رسول خدا ﷺ به او گفته بود، که دیده و شنیده، همه را برای ورقه بازگو نمود. ورقه گفت: قدوس، قدوس، قسم به کسی که جانم در دست اوست که اگر خدیجه مرا در این مورد تصدیق کنی، او نبی این امت است و ناموس اکبر که بر موسی ﷺ نازل می شده، بر او نازل شده است. پس به او بگو [بر این امر] ثابت قدم باشد. پس [خدیجه] نزد رسول خدا بازگشت و آنچه ورقه بدو گفته بود، به او بازگفت که در نتیجه، کار بر او به لحاظ آنچه در فکرش می گذشت، آسان گردید. پس هنگامی که رسول خدا ﷺ از مجاورت [حراء] به در آمد، مطابق معمول، در ابتدا به طواف کعبه رفت و در هنگام طواف، با ورقه که او نیز مشغول طواف بود، روبه رو گشت. ورقه که او را دید، بدو گفت: ای برادرزاده! از آنچه دیده و شنیده ای به من بگو. رسول خدا ﷺ ماجرا را تعریف کرد و ورقه گفت: قسم به کسی که جانم به دست اوست، این ناموس اکبر که بر موسی نازل می شد، بود که بر تو نازل گشت و تو نبی این امت هستی، که تو را آزار و تکذیب می کنند و با تو می جنگند. اگر من آن زمان را درک بکنم، به یاری ات برخوام خاست. سپس سرش را پیش آورد و بالای سر او را بوسید و رسول خدا ﷺ به خانه اش بازگشت، در حالی که به واسطه قول ورقه، بر ثبات قدم او افزوده شده و هم و هم او برداشته و کم شده بود». (ابن اسحاق، بی تا، ج ۱، ص ۱۲۰-۱۲۲)

۲-۲. عبارات این متن، دارای تشبث و تناقضاتی است که شاید ناشی از بازسازی آن باشد، ولی به طور کلی، موارد زیر در آن قابل تأمل است:

- قبل از رسالت رسول خدا ﷺ در غار حراء، نشانه های رسالت برای او آشکار می شده است.
- در این نقل، واقعه اصلی در شب و در زمانی رخ داده که رسول خدا ﷺ همراه خانواده در غار بوده و البته در هنگام نزول وحی، خود ایشان در خواب بوده اند.
- پیامبر پس از بیداری اندیشید که دچار توهم شده و قصد خودکشی داشته است.
- یک بار خدیجه به تنهایی ماجرا را برای ورقه نقل کرده و ورقه مثل خود او اطمینان بر نبوت پیامبر داشته است.
- بار دوم خود پیامبر پس از بازگشت از غار حراء، ماجرا را برای ورقه نقل کرده و با شنیدن سخنان او، بر نبوت خویش اطمینان یافته و در این راه ثابت قدم شده است.

- تأکید ورقه مسیحی بر اینکه این همان فرشته وحی است که بر موسی علیه السلام (و نه عیسی علیه السلام) نازل شده نیز جای تأمل دارد.

- ورقه بخش‌هایی از وقایع آینده را برای پیامبر پیش‌گویی می‌کند.

۲- ۳. نقل ابن هشام (م ۲۱۳ یا ۲۱۸ ق) نیز در شرحی که بر سیره ابن اسحاق نگاشته، قابل تأمل است. نکات اصلی نقل شده توسط ابن هشام از ابن اسحاق در این خصوص، عبارت‌اند از: مرحله اول) ابن هشام به نقل از ابن اسحاق: ورقه از قبل، با توجه به ماجراهای نقل شده از جانب میسره غلام خدیجه، نبوت شوهرش را پیش‌گویی و برای خدیجه نقل کرده بود. (ابن هشام، بی تا، ج ۱، ص ۱۹۱)

مرحله دوم) ابن هشام به نقل از ابن اسحاق: پیامبر در چهل سالگی از جانب خداوند به سوی عموم مردم و کل جهانیان برانگیخته شد و خداوند قبل از بعثت، از همه پیامبران بر ایمان به خود، تصدیقش و یاری رساندن در مقابل مخالفان، عهد و میثاق گرفته بود. (همان، ص ۲۳۳)

مرحله سوم) ابن هشام از ابن اسحاق از زهری از عروه بن زبیر از عایشه: پیامبر پیش از بعثت و در ابتدا، رؤیاهای صادقه می‌دید، که این رؤیاها بعداً در عالم واقع تحقق می‌یافت و همچنین خداوند، میل به خلوت‌گزینی را در او قرار داده بود. (همان، ص ۲۳۴)

مرحله چهارم) ابن هشام از ابن اسحاق از عبدالملک بن عبیدالله بن ابی سفیان بن علاء بن جاریه ثقفی: پیامبر از مکه دور می‌شد و بر هیچ سنگ یا درختی نمی‌گذشت، مگر آنکه بر او با عبارت «السَّلَامُ عَلَيْنِكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ» درود می‌فرستادند و پس از این وقایع بود که جبرئیل در غار حراء بر او نازل شد. (همان، ص ۲۳۴-۲۳۵)

مرحله پنجم) ابن هشام از ابن اسحاق از وهب بن کیسان مولی آل زبیر از عبدالله بن زبیر از عبید بن عمیر بن قتاده لثمی: رسول خدا صلی الله علیه و آله قبل از بعثت عادت داشت که یک ماه در سال، برای تحنث و اعتکاف به غار حراء می‌رفت و این کار در جاهلیت مرسوم بود. (همان، ص ۲۳۵)

مرحله ششم) ابن هشام از ابن اسحاق از وهب بن کیسان مولی آل زبیر از عبدالله بن زبیر از عبید: ایشان در پایان این عادت و ضمن بازگشت از حراء، اول برای طواف به کعبه می‌رفته و سپس به خانه خود بازمی‌گشتند. (همان، ص ۲۳۶)

مرحله هفتم) همان سند: چون ماه رمضان، از سالی که پیامبر به رسالت برگزیده شد، رسید رسول خدا ﷺ با اهلش به غار حراء رفت و شبانگاه در خواب، جبرئیل بر او نازل شد، درحالی که کتابی پیچیده در دیبا به همراه داشت و از او خواست که بخواند و در سه مرتبه چون پاسخ او را شنید که «چه بخوانم؟»، او را به شدت زیاد فشرد و او با تحمل این فشار همچون مرگ، بالاخره پس از پاسخ به او، از خواب برخاست. (همان، ص ۲۳۶ - ۲۳۷)

مرحله هشتم) همان سند: پیامبر از غار حراء خارج و در نیمه راه پایین آمدن از کوه، صدای جبرئیل را می شنود که «تو رسول خدایی و من جبرئیل هستم» و در هر نقطه آسمان که سر برمی گرداند، فرشته وحی را می بیند و پس از زمانی نسبتاً طولانی، نزد خدیجه که به دنبال او فرستاده و او را نیافته بود، بازمی گردد. (همان، ص ۲۳۷)

مرحله نهم) همان سند: خدیجه پس از شنیدن ماجرای رخ داده برای رسول خدا ﷺ در غار حراء، او را تأیید و بر نبوت او تأکید می کند و به تنهایی نزد ورقه رفته و آنچه از شوهرش شنیده، برای ورقه بازگو می کند. ورقه نیز تأکید می کند که فرشته وحی بر شوهرش نازل شده و او رسول خداست. (همان، ص ۲۳۸)

مرحله دهم) همان سند: پیامبر از حراء بازمی گردد و طبق عادت همیشگی قبل از رفتن به خانه، در ابتدا به طواف کعبه می رود و اتفاقاً در آنجا با ورقه که مشغول طواف است روبه رو می شود و ورقه مجدداً از او در مورد واقعه رخ داده در حراء می پرسد و پس از شنیدن سخنان او، ضمن تأکید بر نبوت ایشان، بخشی از آینده کارش را نیز پیش بینی می کند. (همان، ص ۲۳۸)

مرحله یازدهم) ابن هشام از ابن اسحاق از اسماعیل بن ابی حکیم مولی آل زبیر از خدیجه: خدیجه از پیامبر در خصوص نزول جبرئیل بر وی می پرسد و می خواهد که در لحظه نزول جبرئیل او را با خبر سازد و پیامبر چنین می کند. خدیجه در حالت های مختلف، از پیامبر می پرسد که آیا جبرئیل را می بیند و ایشان تصدیق می کند؛ اما چون خدیجه روسری از سر برمی دارد، دیگر پیامبر جبرئیل را نمی بیند. پس از این آزمایش، خدیجه تأکید می کند که «ای پسرعمو! بشارت باد بر تو و ثابت قدم باش که قسم به خداوند، این فرشته است نه شیطان». ابن هشام در ادامه، ماجرای با انتهای به همین مضمون، از ابن اسحاق از عبدالله



بن حسن از فاطمه دختر امام حسین علیه السلام از خدیجه نقل می‌کند. (همان، ص ۲۳۸)

۲- ۴. در اینجا نیز باید به چند نکته توجه داشته باشیم:

نکته اول) قبل از آغاز رسالت، ظاهراً دیگران (ورقه و خدیجه) نیز از نبوت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مطمئن بوده‌اند.

نکته دوم) از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز طبق یک سنت الهی، همچون سایر پیامبران، قبل از آغاز رسمی رسالت، بر پایمردی بر امر خویش پیمان گرفته شده بود.

نکته سوم) پیامبر با دیدن رؤیاهای صادقانه و شنیدن عنوان «رسول خدا» از سنگ و درخت، آمادگی لازم برای شروع رسالت را یافته بود.

نکته چهارم) آغاز بعثت، پس از حضور پیامبر و اهلس در غار و شب هنگام و در خواب بوده است.

نکته پنجم) پیامبر بدون قصد خودکشی، نزد خدیجه باز می‌گردد و خدیجه به تنهایی نزد ورقه می‌رود و در هر صورت، هم خدیجه و هم ورقه به نبوت ایشان اطمینان داشته‌اند.

نکته ششم) در فاصله بین مرحله نهم و دهم، معلوم نیست که چگونه مجدداً پیامبر از غار حراء بازگشته (و آیا در این فاصله از مکه به غار برگشته بود؟) و ضمن طواف با ورقه روبه‌رو و مجدداً و البته این بار بدون واسطه، ماجرا را برای او تعریف و باز با تأیید ورقه روبه‌رو می‌شود. نکته هفتم) از مرحله پایانی (یازدهم) ماجرا برمی‌آید که حتی پس از شروع رسالت نیز پیامبر درباره نزول فرشته وحی بر خودشان دچار شک و تردید بوده است.

### ۳. دیگر نقل‌های متقدمان

در دیگر کتب روایی و تاریخی متقدم، مطالبی افزون بر این قابل مشاهده نیست به‌عنوان مثال:

- بخاری (م ۲۵۶ق) در باب «آغاز وحی»، با ذکر روایت یحیی بن بکیر از لیث از عقیل از ابن شهاب از عروه بن زبیر از عایشه (بخاری، ۱۴۲۲، ج ۱، ص ۶-۷) و مسلم بن حجاج نیشابوری (م ۲۶۱ق) در باب «آغاز وحی بر رسول خدا صلی الله علیه و آله» با ذکر روایت ابوطاهر احمد بن عمرو بن عبدالله بن عمرو بن سرح از ابن وهب از یونس از ابن شهاب از عروه بن

زبیر از عایشه و دو روایت تقریباً مشابه دیگر (نیشابوری، بی تا، ج ۱، ص ۱۳۹ و ۱۴۲)، ماجرا را به شکلی مشابه نقل‌های گذشته می‌آورند که البته در آنها ذکر از نزول شبانه وحی در خواب، حضور خانواده و میل به خودکشی مشاهده نمی‌شود و پیامبر پس از بازگشت به خانه، تقاضا می‌کند که او را بپوشانند و خدیجه تأکید می‌کند که او به نبوت رسیده و برای اطمینان، او را نزد ورقه می‌برد.

- نقل بلاذری (م ۲۷۹ق) در این زمینه متفاوت است. او با اشاره به روایات متعددی از ابن سعد از واقدی، ضمن آنها به مواردی نظیر «سلام گفتن درختان بر پیامبر در هنگامه آغاز بعثت و زمانی که برای حاجت از شهر دور می‌شده»، «دیدن جبرئیل در افق آسمان، که پای بر پای نهاده و بازگشت سریع نزد خدیجه با ترس از کفایت و دل‌داری دادن خدیجه به او»، اشاره می‌کند و در ادامه به ذکر روایت عروه از عایشه می‌پردازد و در انتهای آن، متفاوت از روایات گذشته، می‌گوید که جبرئیل شب شنبه و شب یکشنبه بر پیامبر نازل و در روز دوشنبه او را به رسالت مبعوث کرد. او سپس به نقل از محمد بن سعد از واقدی از طلحه بن عمرو از عطاء از ابن عباس، به ماجرای تحنث قریش و پیامبر در غار حراء در ماه رمضان اشاره کرده و در ادامه از قول عمرو بن محمد الناقد از اسحاق بن منصور السلولی از ابراهیم بن یوسف بن ابی اسحاق از پدرش از ابن اسحاق از ابومیسره، می‌نویسد که پیامبر ﷺ در ابتدای نبوت، ندایی را می‌شنید که او را به نام می‌خواند و کسی را نمی‌دید و لذا از این صدا می‌گریخت. سپس این ماجرا را برای خدیجه تعریف کرد و گفت که می‌ترسد «امری بر او عارض شده باشد». خدیجه او را دل‌داری داده و همراه با ابوبکر نزد ورقه می‌فرستد. ورقه به او می‌گوید که در هنگام شنیدن صدا نگریزد و بایستد تا ببیند در ادامه چه می‌شوند. حضرت چنین می‌کند و در ادامه می‌شنود که صدا از او می‌خواهد که بگوید: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ». حضرت چنین می‌کند و امر به خواندن این قسمت، سه مرتبه تکرار می‌شود. سپس مجدداً امر به خواندن می‌شود که سه مرتبه بگو: «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» تا انتها و سپس صدا به او می‌گوید بگو «آمین». پیامبر در پایان، نزد ورقه بازگشته و ماجرا را

تعریف می‌کند و بدین ترتیب با راهنمایی و راهکار ورقه مشخص می‌شود که او «نبی به رسالت برانگیخته» است. بلاذری در ادامه، به اقوالی در خصوص مدنی یا مکی بودن فاتحه الکتاب نیز اشاره می‌کند. (بلاذری، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۱۰۳-۱۰۷)

- طبری (م ۳۱۰ق) در تاریخ خود، با نقل واقعه از زبان عایشه، ماجرا را به همین شکل مطرح نموده است و البته پس از تصریح بر ترسناکی پیامبر و تمایل وی به خودکشی و بیان درخواست پیامبر برای پوشانیدنش (تا آنکه ترس از ایشان زایل شد)، می‌نویسد که خدیجه پیامبر را نزد ورقه برد. طبری همچنین از عبدالله بن شداد نیز روایت می‌کند که خدیجه به تنهایی نزد ورقه رفت. وی در نقل واقعه از عبدالله بن زبیر نیز به تردید پیامبر به گرفتاری در شاعری یا جنون و تصمیمش به خودکشی و دیدار جداگانه خدیجه و سپس پیامبر با ورقه اشاره دارد. (طبری، بی تا، ج ۲، ص ۲۹۸-۳۰۲)

- مسعودی (م ۳۴۵ یا ۳۴۶ق) در «ذکر مبعث» پیامبر اشاره‌ای به جزئیات واقعه ندارد؛ جز اینکه ایشان در سن «چهل سالگی تمام» در غار حراء، با نزول آیات اولیه سوره علق، به رسالت مبعوث شدند» و اینکه «جبرئیل صلی الله علیه و سلم شب شنبه و پس از آن شب یکشنبه نزد وی آمد و روز دوشنبه درباره رسالت با وی سخن گفت». (مسعودی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۶۳۱)

- بیهقی (م ۳۷۴ق) در کتاب «دلائل النبوه»، با سند متصل از عبدالرزاق از معمر از زهری از عروه از عایشه، به ماجرای بعثت (بدون ذکر حضور کسی همراه پیامبر و یا وقوع بعثت در روز یا شب) اشاره می‌کند و می‌گوید پیامبر پس از بازگشت، از خدیجه خواست که او را بپوشاند و پس از آن، فزع قلبی او کاهش یافته و همراه خدیجه نزد ورقه رفت (بیهقی، ۱۴۰۵، ج ۲، ص ۱۳۶-۱۳۷). او با سندی که در انتهای مشابه همین روایت است، قصد خودکشی پیامبر را ناشی از فترت در نزول وحی می‌خواند؛ کما اینکه با سند متصل از عبدالرزاق از معمر از زهری از ابوسلمه بن عبدالرزاق از جابر بن عبدالله از رسول اکرم ﷺ می‌نویسد که پس از فترت وحی، پیامبر نزد خدیجه آمد و گفت که او را بپوشانند (همان، ص ۱۳۸). همچنین روایت ابن شهاب از عروه از عایشه را می‌آورد

که مطابق آن، پیامبر پس از نزول اولین وحی، ترسان و لرزان نزد خدیجه آمد و گفت: «بر خویشتن اندیشناکم [که مرا چه شده]» و خدیجه او را تسلی داده و نزد ورقه برده و سپس گفت وگویی ورقه با او را شرح داده است. باز بیهقی از ابن شهاب از ابوسلمه بن عبدالرحمن از جابر بن عبدالله از رسول خدا ﷺ روایت کرده که پس از وقوع فترت در نزول وحی، پیامبر به خانه آمده و از خدیجه خواسته که او را بپوشاند. (همان، ص ۱۳۹-۱۴۰)

- در تاریخ «الکامل» ابن اثیر (م ۶۳۰ق)، تحت عنوان «آغاز نزول وحی بر پیامبر» (ابن اثیر، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۴۸-۴۹) و «الإصابه» ابن حجر عسقلانی (م ۸۵۲ق) در ذکر احوالات «ورقه بن نوفل بن اسد» و سپس ذکر واقعه مبعث به نقل از زهری از عروه از عایشه (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۱۵، ج ۶، ص ۴۷۴-۴۷۶) نیز چیزی فراتر از این به دست نیامد. مجموعه این نقل‌ها با مجموع ویژگی‌هایی که از پیامبر ﷺ ذکر می‌کنند (ترسو، پریشان، مردد، متزلزل و مضطرب)، علاوه بر مشکلاتی که از جهات سندى دارند، به لحاظ محتوایی نیز قابل تأمل هستند.

#### ۴. تعارضات این نقل‌ها

بررسی «مشکلات کلامی» در کنار «تعارض با نصوص قرآن کریم»، «تعارض با روایات»، «تعارض با داده‌های مسلم تاریخی» و همچنین «تعارض با روایت شیعی واقعه»، می‌تواند در تحلیل دیدگاه مذکور در نقل واقعه مبعث راهگشا باشد. در این پژوهش، به تعارضات محتوایی درون متنی و قرآنی این روایت بسنده خواهیم کرد.

#### ۴-۱. تعارض روایی درون متنی

این تعارض، در چندین مورد، بسیار نمایان بوده و اضطراب روایات در نقل واقعه را به نمایش می‌گذارد. محققان به همین دلیل، به بررسی این موضوع پرداخته و راویان و محتوای روایات آنان را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده و نشان داده‌اند که عموم این روایات، از چند راوی مشخص و محدود گزارش شده‌اند (جعفریان، ۱۳۸۰، ص ۲۲۷-۲۲۸). یکی از محققان با ذکر اقوال مختلف و تضاد و تعارض موجود در آنها و سپس بررسی وضعیت عمده ناقلان این

واقعه (زهری، عروه و عایشه) و مشکلات سندی موجود در این نقل‌ها، تناقض موجود در آنها را امری «آشکار» دانسته و تأکید می‌کند که چون اختلاف روایات در کاستی و افزونی در نقل روایات نیست، پس نمی‌تواند ناشی از ضعف حافظه برخی از ناقلان و در نتیجه، قابل قبول باشد؛ بلکه مسلماً جعلی و در نتیجه، غیر قابل قبول است (عاملی، ۱۴۲۶، ج ۳، ص ۹-۱۷). در این مقاله، مهم‌ترین وجوه این تعارضات در موارد زیر احصاء شده است:

۴-۱. در ماجرای آمادگی پیشین پیامبر ﷺ: از این نقل‌ها مشخص نمی‌شود که آیا پیامبر، آمادگی لازم برای تلقی وحی از زبان جبرئیل را داشته است یا خیر؟ در متون اولیه، تأکید بر «تحنث و اعتکاف ایشان در غار حراء»، «پیش‌بینی افرادی مبنی بر نبی بودن ایشان»، «دیدن رؤیاهای صادقه» و «شنیدن صداهایی که ایشان را با عنوان رسول خدا مخاطب می‌ساختند» (البته به صورت پراکنده و نامرتب) به چشم می‌خورد. شاید مباحث انتهایی این نقل‌ها (که نشانگر تردید رسول خدا ﷺ در لحظه تلقی وحی و پس از آن هستند)، موجب شده که توجه به این متغیرها (که دال بر آمادگی پیشین رسول خدا ﷺ در تلقی فرشته وحی هستند)، کاهش پیدا کرده و به نوعی نادیده گرفته شوند. قبلاً دیدیم که در دو نقل بلاذری و مسعودی، فرشته وحی، دو مرتبه متوالی در دو روز قبل از واقعه بعثت، بر پیامبر اکرم ﷺ نازل شده است. نظر محققان بر این است که اگرچه روبرو شدن با فرشته وحی نیاز به آمادگی لازم دارد، ولی پیامبر ﷺ «این آمادگی را به وسیله عبادت‌های طولانی، تفکرهای ممتد و عنایات الهی به دست آورده بود». (سبحانی، ۱۳۸۴، ص ۹۳)

۴-۱-۲. در ماجرای حضور پیامبر اکرم ﷺ در غار حراء: آیا در زمان نزول وحی و آغاز رسالت، پیامبر به تنهایی در غار بوده و یا همراه و حتی همراهانی داشته است؟ دیدیم که در روایت ابن اسحاق و ابن هشام، به حضور «اهل» ایشان نیز اشاره شده است. حلبی در شرح ماجرا، «اهل» را خدیجه می‌داند (حلبی، ۱۴۲۷، ج ۱، ص ۳۴۲). برخی نیز «اهل» را «خدیجه و علی بن ابی طالب و خادمی برای آنان» دانسته‌اند (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۵، ص ۳۶۳؛ ابن ابی الحدید، بی‌تا، ج ۱۳، ص ۲۰۸ و الطایبی، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۸۷). با وجود عدم توجه منابع بعدی به این موضوع، برخی منابع جدید نیز بر حضور «اهل» (ابن‌الوردی، ۱۴۱۶، ج ۱، ص ۹۸) و «اهل و علی ﷺ» (الطایبی، ۱۴۲۶،

ج ۱، ص ۱۷۵ و همان، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۸۷) در زمان وقوع بعثت اشاره دارند. خود امیرالمؤمنین علیه السلام نیز در خطبه قاصعه (سید رضی، ۱۳۷۹، خطبه ۲۳۶) به این موضوع تأکید ورزیده و اتفاقاً از عبارت ایشان هیچ تردیدی از ناحیه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در نبوت ایشان مشاهده نمی شود (همان، ص ۶۲۱). بر همین مبنا، حضور امیرالمؤمنین علیه السلام در این واقعه، از سوی محققان معاصر شیعه امری مسلم شمرده شده است (سبحانی، ۱۳۹۴، ص ۲۰-۲۱ و پیشوایی، ۱۳۸۰، ص ۲۸-۲۹). حلبی در باب «آغاز وحی بر پیامبر صلی الله علیه و آله» و در شرح قسمت «عدم قدرت پیامبر بر حرکت و متوقف ماندن ایشان در مسیر بازگشت از غار و اقدام خدیجه در فرستادن کسانی برای جستجوی ایشان» (که تا مکه می روند و ایشان را نمی یابند)، این امر را مؤید قسمت اول (یعنی «حضور پیامبر با اهلشان در غار») دانسته و همان طور که گفتیم «اهل» را خدیجه می داند. (حلبی، ۱۴۲۷، ج ۱، ص ۳۳۳-۳۴۲)

۴-۱-۳. در ماجرای کیفیت نزول وحی: آیا نزول اولین وحی، شباهنگام و در حالت خواب رخ داده است یا در بیداری؟ آیا وقوع این واقعه در شب موجب گردیده که وقوع آن را در خواب بدانند؟ دیدیم که ابن اسحاق و ابن هشام، هر دو، نزول اولین وحی را شب هنگام و در خواب دانسته اند؛ البته با توجه به تصریحات متعدد خود قرآن کریم بر نزول اولین آیات آن در شب آغاز بعثت (دخان: ۲ و قدر: ۱)، در بخش اول آن، یعنی نزول شباهنگام آیات، اختلافی نیست (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۲۴)؛ با این حال، عموم منابع تاریخی بعدی، از کنار موضوع نزول این آیات در خواب، گذشته و در ذکر ماجرای بعثت، اشاره ای به نزول فرشته وحی بر پیامبر در خواب ندارند. در پاورقی سیره ابن هشام از قول سهیلی آمده است که در روایت عایشه، ذکری از خواب نیست و روایت عروه، دلالت بر وقوع حادثه در بیداری دارد و جمع بین این دو نقل بدین صورت است که در ابتدا، رؤیت فرشته وحی در خواب و در عالم رؤیا بوده است تا زمینه برای امر نبوت و تحمل سنگینی آن فراهم شود (ابن هشام، بی تا، ج ۱، ص ۲۳۷، پاورقی شماره ۲). اصل این موضوع و جمع بین این دو قول نیز، در شرح سهیلی بر سیره ابن هشام آمده است. (سهیلی، ۱۴۱۲، ج ۲، ص ۳۹۲-۳۹۳)

۴-۱-۴. در وقایع پس از بعثت: آیا تردید در ماجرا و پریشانی در تشخیص و تحلیل

آن، پیامبر را پس از خروج از غار حراء به فکر خودکشی انداخته است یا خیر؟ آیا ایشان از اینکه او را به نقلی «کاهن» و یا به نقلی دیگر، «شاعر» و یا «مجنون» بخوانند، دل‌نگران بوده یا از اینکه اصلاً نمی‌دانسته نیرویی که با آن روبه‌رو شده، خیر است یا شر؟ برخی به درستی، بشارت قبلی ایشان به نبوت خویش را با عبارت تردیدآمیزشان به خدیجه (مبنی بر بیمناکی بر خویشان یا ترس از جنون و کفایت) و تسلی خدیجه (مبنی بر سابقه نیکوی ایشان و عنایت خدا به او)، متعارض دانسته‌اند (حلبی، ۱۴۲۷، ج ۱، ص ۳۳۷). گفتیم که از روایت امیرالمؤمنین علیه السلام چنین برمی‌آید که ایشان در مأموریت و رسالت خود، تردیدی نداشته‌اند و این از کلام پیامبر به ایشان («مگر آنکه تو نبی نیستی»)، آشکار می‌شود (سید رضی، ۱۳۷۹، ص ۶۲۱). همچنین دیدیم که بعضی منابع، نظیر تاریخ بیهقی، میل ایشان به خودکشی را پس از فترت و تأخیر در نزول وحی دانسته‌اند، نه پس از نزول اولین وحی و آغاز رسالت. بیهقی حتی در نقلی، ماجرای رفتن نزد خدیجه و اینکه پیامبر از او خواسته که وی را بیوشانند را نیز مربوط به ایجاد تأخیر و فترت در وحی دانسته است، نه وحشت از اولین دیدار با فرشته وحی. قبل از بیهقی نیز ابن سعد به نقل از محمد بن عمر [واقدی] از ابراهیم بن محمد بن ابی موسی از داود بن الحصین از ابی غطفان بن طریف از ابن عباس، ماجرای تمایل پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به خودکشی و پرتاب از بلندی را ناشی از این می‌داند که ایشان پس از نزول اولین وحی، مجدداً به غار حراء رفت و چندین روز در آنجا ماند و چون دیگر جبرئیل بر او نازل نشد، خواست خود را بکشد، ولی چون صدای او را شنید و او را میان زمین و آسمان دید، از این امر منصرف گردید. (ابن سعد، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۹۶)

۴-۱-۵. در ماجرای دیدار با ورقه: آیا پیامبر قبل و یا بعد از رسالت دیداری با ورقه داشته و آیا پس از این دیدار، به نبوت خود مطمئن شده است؟ آیا ورقه، ماجرا را از زبان او یا خدیجه و یا هر دو شنیده است؟ این دیدارها، در یک مرتبه رخ داده یا در دو مرتبه؟ آیا پیامبر، ورقه را که فاقد بینایی بوده، هنگام طواف خانه خدا دیده و ماجرا را به درخواست او، برایش نقل کرده است؟ سوای مشکلات محتوایی ماجرای این دیدار، شاید همین اضطراب در متن واقعه دیدار پیامبر با ورقه، در کنار ابهامات موجود در مورد خود ورقه، موجب گردیده که در

یک دیدگاه نادر، دیدار با ورقه، به طور کلی توسط برخی نویسندگان معاصر شیعه، جعلی دانسته شده و مورد تشکیک قرار گرفته است؛ فلذا اصلا در ذکر ماجرای بعثت، اشاره‌ای به آن ندارند (الطایب، ۱۴۲۶، ج ۱، ص ۱۸۲-۱۸۳). یکی از مورخان نیز سرنوشت و شخصیت اکثر واسطه‌های اثبات نبوت و از جمله ورقه را مبهم و نامعلوم می‌خواند و معتقد است که «تأکید بر نقش ورقه، برای افزونی سهم بنی‌اسد [از قریش] در مسائل صدر اسلام است». (جعفریان، ۱۳۸۰، ص ۲۲۹)

#### ۴-۲. تعارض با قرآن

در قرآن کریم آیات فراوانی داریم که بر ثبات قدم و پایداری رسول اکرم ﷺ بر رسالت خویش از یک طرف و همین امر در خصوص سایر پیامبران و برگزیدگان الهی تأکید دارند که به این موضوعات خواهیم پرداخت:

۴-۲-۱. دلالت قرآن کریم بر نبوت انبیای الهی از زمان ولادت و یا قبل از بعثت و رسالت: آن گونه که از برخی آیات قرآن کریم درک می‌شود و این موضوع، با انتخاب آنان از سوی خداوند و عصمت آنان نیز منطبق است، آنان به عنوان گزینه‌های الهی، از زمان تولد، با رسالت آینده خویش آشنا هستند. از تصریح قرآن کریم در ماجرای حضرت عیسی ﷺ در زمان ولادت، این موضوع قابل درک است. قرآن چنین بیان می‌کند که آن حضرت در پاسخ تهمت‌های بدگویان به مادرش، به اذن خداوند در اوان تولد به حرف آمده است: «قَالَ إِنِّي عَبْدُ اللَّهِ آتَانِي الْكِتَابَ وَجَعَلَنِي نَبِيًّا» (مریم: ۳۰). سوای اینکه استعمال فعل ماضی در دو عبارت «به من کتاب [انجیل] داده» و «مرا نبی قرار داده» را به خاطر «وقوع قطعی کار در آینده نزدیک» به گونه‌ای که «انگار رخ داده» و یا به اعتبار «سبقت آن در قضا و قدر الهی»، بدانیم (دانشنامه اسلامی، ۱۳۹۰)، دلالت بر اعتماد حضرت عیسی ﷺ به رسالت آینده خویش و به تعبیری، دلالت بر نبوت ایشان قبل از بعثت و آغاز رسمی رسالت دارد. در مقابل، برخی معتقدند که پذیرش این موضوع که «رسالت، همدوش نبوت در همان آغاز [رسالت] مطرح شده»، امری محتمل است؛ اگرچه «سیاست عملی رسول خدا ﷺ برای عدم ایجاد حساسیت در مشرکین، چنین ایجاب می‌کرده تا آرام آرام قدم بردارد» (جعفریان، ۱۳۸۰، ص ۲۳۱)؛ باین حال برخی



نیز با ذکر «ادله موجود در نبوت پیامبر پیش از بعثت ایشان»، در ارتباط میان نزول قرآن و آغاز بعثت با نبوت ایشان، تشکیک کرده و بر نبوت ایشان پیش از آغاز رسالت تأکید می‌کنند (الطایب، ۱۴۲۶، ج ۱، ص ۱۸۱-۱۸۴). از نظر علامه طباطبایی نیز، از آیات «أَرَأَيْتَ الَّذِي يَنْهَى \* عَبْدًا إِذَا صَلَّى \* أَرَأَيْتَ إِنْ كَانَ عَلَى الْهُدَى \* أَوْ أَمَرَ بِالتَّقْوَى \* أَرَأَيْتَ إِنْ كَذَّبَ وَتَوَلَّى \* أَلَمْ يَعْلَمِ بِأَنَّ اللَّهَ يَرَى \* كَلَّا لَئِنْ لَمْ يَنْتَه لِنَسْفَعَا بِالنَّاصِيَةِ \* نَاصِيَةٍ كَاذِبَةٍ خَاطِئَةٍ \* فَلْيَدْعُ نَادِيَهُ \* سَنَدْعُ الزَّبَانِيَةَ \* كَلَّا لَا تُطْعُهُ وَاسْجُدْ وَاقْتَرِبْ» (علق: ۹-۱۹) معلوم می‌شود که پیامبر قبل از نزول سوره علق [به طور کامل و نه الزاماً پیش از نزول آیات این سوره در واقعه بعثت، که می‌تواند پس از نزول کامل سوره حمد باشد]، نمازی داشته است که کسانی از آن نهی می‌کرده‌اند و به قرینه لفظی موجود در انتهای آیه «كَلَّا لَا تُطْعُهُ»، که به پیامبر می‌گوید از امر او به عدم خواندن قرآن اطاعت مکن، مشخص می‌شود که منظور از نمازگزار در این آیه، خود پیامبر است. نتیجه آنکه رسول خدا ﷺ قبل از نازل شدن اولین سوره از قرآن، «خود بر طریق هدایت بوده و احیاناً دیگران را هم امر به تقوا می‌کرده و این همان نبوت است، ولی رسالت نیست و به همین جهت، این وضع آن جناب را انداز ننامیده، پس آن جناب قبل از بعثت هم نبی بوده و نماز می‌خوانده، با اینکه هنوز قرآن بر او نازل نشده بود و سوره حمد که جزء نماز است نیامده و مامور به تبلیغ نشده بود» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۲۷). برخی حتی «یکی از حکمت‌های نزول دفعی قرآن کریم را در این می‌دانند که «رسول خدا ﷺ از همان ابتدای نزول وحی، نسبت به رسالت خویش آگاهی کامل داشته است، اما تبلیغ آن با توجه به شرایط زمانی، مکانی و با توجه به ظرفیت و قابلیت مردم اقتضاء می‌کرد که قرآن در زمان رسالت ایشان به تدریج نازل شود». (کریمی و دیمه کارگراب، ۱۳۹۰، ص ۳۲)

۴-۲-۲. دلالت قرآن کریم بر آشنایی قبلی پیامبر با آیات آن: یک نظر موجود در رابطه با برخی آیات قرآن کریم نظیر «وَلَا تَعْجَلْ بِالْقُرْآنِ مِنْ قَبْلِ أَنْ يُقْضَىٰ إِلَيْكَ وَحْيُهُ» (طه: ۱۱۴) و آیه «لَا تُحَرِّكْ بِهِ لِسَانَكَ لِتَعْجَلَ بِهِ \* إِنَّ عَلَيْنَا جَمْعَهُ وَقُرْآنَهُ \* فَإِذَا قَرَأْنَاهُ فَاتَّبِعْ قُرْآنَهُ \* ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا بَيَانَهُ» (قیامت: ۱۶-۱۹)، که دلالت بر نزول تدریجی قرآن دارند، این است که از این آیات چنین فهمیده می‌شود که پیامبر اکرم ﷺ از پیش با این آیات آشنایی داشته‌اند؛ چراکه «از این آیات برمی‌آید

که رسول خدا ﷺ می دانسته چه آیه ای بر او نازل می شود و به همین جهت، قبل از آنکه وحی آیه ای تمام شود، او از پیش، آیه را می خوانده و خدای تعالی از این کار نهی اش فرمود» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۲۳ و کریمی و دیمه کارگراب، ۱۳۹۰، ص ۳۵ - ۳۶). هنگامی که مفضل بن عمر درباره نزول تدریجی قرآن طی ۲۳ سال، در حالی که برخی آیات آن (بقره: ۱۸۵؛ دخان: ۵۳ و فرقان: ۳۲) دلالت بر نزول دفعی دارند، از امام صادق علیه السلام می پرسد، ایشان در پاسخ وی چنین می گویند: «خداوند قرآن را در ماه رمضان بر رسولش فرو فرستاد و آن حضرت، قرآن را تبلیغ نمی کرد، تا زمان لازم برای بیان آن فرا برسد و در زمان مناسب، برای امر و نهی الهی، به واسطه جبرئیل با وحی الهی بر ایشان نازل شده و پس از آن ایشان به تبلیغ آنچه به آن امر شده، می پرداختند و به همین دلیل، خداوند به ایشان گفت: در چرخاندن زبان به قرائت قرآن، شتاب مکن» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۹۲، ص ۳۸). حتی در یک دیدگاه نیز از اولین قسمت آیات ابتدایی نازل شده بر پیامبر اکرم ﷺ در ماجرای بعثت، یعنی آیه «أَفْرَأُوا بِأَسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ» (علق: ۱)، که در آن ایشان امر به خواندن شده است، چنین برمی آید که پیامبر اکرم ﷺ با قرائت و کتابت آشنایی داشته است، وگرنه امر به خواندن، مکتوب نمی شده و چنین دستوری بی معنی بوده است (الطایبی، ۱۴۲۶، ج ۱، ص ۱۷۷، باورقی ۲). این دیدگاه، مبنی بر آشنایی پیامبر ﷺ با قرائت و کتابت، در برخی منابع دیگر شیعه نیز آمده است (ابن بابویه، بی تا، ج ۱، ص ۵۳ - ۵۴؛ مجلسی، بی تا، ج ۱، ص ۲۶ و همان، ۱۴۰۳، ج ۱۶، ص ۱۳۲ - ۱۳۳). حتی شیخ حر عاملی، بابی را در کتاب «الفصول المهمه فی اصول الائمه» تحت عنوان «نبی ﷺ به هر زبانی می نوشته و می خوانده است» آورده و روایات وارده در این رابطه را بسیار می داند. (حر عاملی، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۴۱۲ - ۴۱۳)

۴-۲-۳. دلالت قرآن کریم بر اطمینان پیامبر به رسالت خویش: خداوند در قرآن به پیامبر ﷺ می فرماید: «قُلْ إِنِّي عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِّن رَّبِّي» (انعام: ۵۷). در معنای «بَيِّنَةٍ» گفته شده که «بَيِّنَةٍ به معنای راهنمایی با بیان روشن است و معنای اصلی این ماده، جدایی و کنار رفتن چیزی است از چیز دیگر» به طور کامل، و «بَيِّنَةٍ را از این نظر بَيِّنَةٍ گفتند که به وسیله آن، حق از باطل جدا گشته و به خوبی و به آسانی و بدون سختی و مشقتی، می توان بر آن وقوف یافت» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۷، ص ۱۶۲). علامه طباطبایی پس از نقل این آیه، می پرسد که «چگونه ممکن

است چنین کسی از سخنان يك نصرانی تحت تأثیر قرار گیرد و برای آرامش خاطرش محتاج به آن باشد، مگر در آن سخنان چه حجت روشنی بوده؟» ایشان در ادامه، به آیه دیگری نیز استناد می‌کند که در آن خداوند به پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید: «قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى اللَّهِ عَلَىٰ بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي» (یوسف: ۱۰۸) و سپس می‌پرسد که «آیا اعتماد کردن به قول ورقه، بصیرت است و بصیرت پیروانش هم همین است که ایمان آورده‌اند به کسی که به گفتاری بی دلیل ایمان آورده و اعتماد کرده؟ و آیا وضع سایر انبیاء هم بدین منوال بوده و آنجا که خدای تعالی می‌فرماید: «إِنَّا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ كَمَا أَوْحَيْنَا إِلَىٰ نُوحٍ وَالنَّبِيِّينَ مِنْ بَعْدِهِ» (نساء: ۱۶۳)، امت این انبیاء هم اعتمادشان به نبوت پیغمبرشان، برای این بوده که مثلاً پیرمردی همانند ورقه گفته است که نوح پیغمبر است و یا هود و صالح پیغمبرند؟ قطعاً پایه تشخیص نبوت يك پیغمبر، این قدر سست نیست». علامه در نهایت، نتیجه می‌گیرد که «حق این است که نبوت و رسالت، ملازم با یقین و ایمان صد در صد شخص پیغمبر و رسول است. او قبل از هرکس دیگر، یقین به نبوت خود از جانب خدای تعالی دارد و باید هم چنین باشد». ایشان روایات وارد از ائمه شیعه علیهم‌السلام را مؤید این موضوع می‌شمارد. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۵۵۷)

۴-۲-۴. آیات دال بر ثبات پیامبر ﷺ و اراده قوی ایشان در مأموریت خویش: از نقل رایج مشهور در ماجرای بعثت، ما به پیامبری ضعیف و سست اراده و متزلزل می‌رسیم. چنین شخصی نمی‌تواند در مأموریت خود، ثبات و پایمردی داشته باشد. قرآن کریم در مورد پیامبر اکرم ﷺ تصریح می‌کند که «مَا ضَلَّ صَاحِبُكُمْ وَمَا غَوَىٰ» (نجم: ۲) و مطابق با این آیه، هرگونه «خروج و انحراف از صراط مستقیم» و رفتار خلاف «رشد» و در نتیجه «خلاف واقع» را از ایشان نفی می‌کند. از نظر علامه طباطبایی، معنای آیه این است که «هم‌نشین شما از آن طریقی که او را به غایت و هدف مطلوبش برساند، بیرون نشده» است. همچنین در قرآن کریم آمده است که «وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ \* إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ» (نجم: ۳ و ۴). مقتضای اطلاق موجود در آیه، این است که «هوای نفس از مطلق سخنان پیغمبر، نفی شده باشد (حتی در آن سخنان روزمره‌ای که در داخل خانه‌اش دارد)، ولیکن از آنجا که در این آیات، خطاب صاحبان به مشرکین است، مشرکینی که دعوت او را و قرآنی را که برایشان می‌خواند،

دروغ و تقوّل و افترای بر خدا می‌پنداشتند، لذا باید به خاطر این قرینه مقامی بگوییم: منظور این است که آن جناب در آنچه که شما مشرکین را به سوی آن می‌خواند و آنچه که از قرآن برایتان تلاوت می‌کند، سخنانش ناشی از هوای نفس نیست و به رأی خود چیزی نمی‌گوید، بلکه هرچه در این باب می‌گوید وحی‌ای است که خدای تعالی به او می‌کند» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۹، ص ۴۲). آیاتی نظیر «لَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَفْسَكَ أَلَّا يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ» (شعراء: ۳) و «فَلَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَفْسَكَ عَلَىٰ آثَارِهِمْ إِنْ لَمْ يُؤْمِنُوا بِهِذَا الْحَدِيثِ أَسَفًا» (کهف: ۶) نیز بر استقامت و پایمردی رسول خدا ﷺ بر مأموریت خویش تا پای جان و رنج‌های فراوان و حتی فراتر از انتظاری که از او می‌رفت، دلالت دارند.

### نتیجه‌گیری

قول مشهور راه‌یافته به عموم منابع متأخر و معاصر در خصوص ماجرای بعثت، به عنوان آغاز رسمی دین اسلام و نبوت پیامبر اکرم ﷺ، عموماً برگرفته از چند روایت معدود صادر شده از مجموعه ثابت و مشخصی از ناقلان (نظیر عایشه و خاندان زبیر) و همچنین چند اثر متقدم اولیه (نظیر سیره ابن اسحاق و شرح بر آن در سیره ابن هشام) با سه خصوصیت مهم زیر است:

۱. حذف موارد و بخش‌هایی از روایت اولیه مانند حضور پیامبر ﷺ به همراه «اهل» در هنگام نزول اولین آیات و شروع رسالت ایشان در غار حراء؛
  ۲. پس و پیش ذکر کردن برخی حوادث، وقایع، اسامی و اماکن در زمان بعثت، مثل ورود و خروج پیامبر در زمان اعتکاف در غار حراء و رفتن نزد خدیجه و درخواست به پوشانیدنش؛
  ۳. اضافه کردن برخی موارد به واقعه اصلی، مثل تردید پیامبر در نزول فرشته وحی و رسالت خویش و اطمینان بیشتر خدیجه یا ورقه به نبوت ایشان؛
- شناخت بخش‌های نادرست ماجرا، با بررسی تعارضات مختلف موجود در روایت مشهور، امکان‌پذیر بوده و بر اساس شاخص‌هایی نظیر قرآن کریم و دیدگاه‌های کلامی، می‌توان با حذف این بخش‌ها و نظم و نسق دادن درست به سایر بخش‌ها و دادن توالی

منطقی وقایع، واقعه بعثت را مورد بازخوانی و بازسازی قرار داد؛ به‌ویژه آنکه با توجه به منابع اولیه، این حادثه مهم، ظاهراً شاهدانی نیز داشته که مستقیماً آن را رؤیت کرده‌اند و اتفاقاً گزارش‌هایی در مورد آن دارند که بنا بر شاید تعصبات تاریخی، نادیده انگاشته شده است. محورهای اصلی قضیه که توجه به آنها در بازسازی این ماجرای مهم به ماکمک خواهد کرد، عبارت‌اند از:

الف) پیامبر اکرم ﷺ (همچون سایر پیامبران الهی)، قبل از رسالت خویش، یکتاپرست بوده و با آداب توحید، آشنایی کامل داشته است. او با عبادت خداوند و تفکر در مخلوقات، ضمن انجام سنت اعتکاف، ظرف نبوت خویش را آماده مأموریت بزرگ الهی در انجام رسالتی جهانی، پس از وقوع بعثت در چهل سالگی نموده است.

ب) پیامبر اکرم ﷺ پیش از بعثت نیز با فرشتگان الهی دیدارهایی داشته و نبوت او به‌عنوان کسی که برگزیده خداوند است، قبل از رسالت، تحقق یافته است. نشانه‌های نبوت در او آن‌چنان آشکار بوده که علاوه بر خود وی، دیگران نیز آن نشانه‌ها را در او می‌دیدند و به رسالت او بشارت و نوید می‌دادند.

ج) تلقی وحی متافیزیکی، آن‌هم در مواردی به‌طور مستقیم، مسلماً برای جسم مادی، سخت است نه برای روح، آن‌هم روح بزرگ انسانی که حاصل‌گزینش الهی (و در نتیجه، مسلماً بهترین‌گزینه) برای آن مأموریت سترگ و تکمیل‌کننده زحمات تمامی انبیاء و رسل الهی است، ولی قطعاً نمی‌توانسته موجب تردید، تزلزل، ترس و اضطراب در ایشان شده باشد، یا در اراده آهنینش خللی وارد سازد.

د) با توجه به اطمینان خود ایشان به رسالت عظیم الهی که بر عهده داشتند، طبعاً نیازی نبوده که دیگران، بیش از او در برخورد با واقعه مبعث، رفتارهای عقلایی از خود نشان دهند؛ تا آنجا که به‌واسطه تأیید آنها، به رسالت خویش مطمئن شود، آن‌هم دیگرانی که برخی از آنها خود سابقه تاریخی روشنی ندارند.

## فهرست منابع

قرآن کریم

۱. ابن ابی الحدید، ابو حامد عبدالحمید، بی تا، شرح نهج البلاغه، قم: مکتبه آیه الله العظمی مرعشی نجفی.
۲. ابن اثیر، عزالدین علی بن محمد، ۱۳۸۵ق، الكامل فی التاریخ، بیروت: دار صادر و دار البیروت.
۳. ابن اسحاق، محمد، بی تا، سیره الرسول، تحقیق: سهیل زکار، دمشق: مکتب دراسات التاریخ و المعارف الإسلامیه.
۴. ابن الوردی، زین الدین عمر بن مظفر، ۱۴۱۶ق، تاریخ ابن الوردی، بیروت: دار الکتب العلمیه.
۵. ابن بابویه، محمد بن علی [شیخ صدوق]، بی تا، معانی الأخبار، بیروت: دار المعرفه للطباعه و النشر.
۶. ابن حجر عسقلانی، ابوالفضل احمد بن علی، ۱۴۱۵ق، الإصابه فی تمییز الصحابه، تحقیق: عادل أحمد عبدالموجود و علی محمد معوض، بیروت: دار الکتب العلمیه.
۷. ابن سعد، محمد، بی تا، الطبقات الكبرى، بیروت: دار صادر.
۸. ابن هشام، ابومحمد عبدالملک، بی تا، السیره النبویه، بیروت: دار المعرفه.
۹. بخاری، محمد بن اسماعیل، ۱۴۲۲ق، صحیح البخاری، تحقیق: محمد زهیر بن ناصر الناصر، (مصوره عن السلطانیه بإضافه ترقیم محمد فؤاد عبدالباقی)، بیروت: دار طوق النجاه.
۱۰. بلاذری، احمد بن یحیی بن جابر بن داود، ۱۴۱۷ق، أنساب الأشراف، تحقیق: سهیل زکار و ریاض الزرکلی، بیروت: دار الفکر.
۱۱. بیهقی، ابوبکر احمد بن الحسین، ۱۴۰۵ق، دلائل النبوه و معرفه أحوال صاحب الشریعه، تعلیق: دکتر عبدالمعطی قلجی، بیروت: دار الکتب العلمیه.
۱۲. پیشوایی، مهدی، ۱۳۸۰ش، سیره پیشوایان، قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام.
۱۳. جعفریان، رسول، ۱۳۸۰ش، سیره رسول خدا صلی الله علیه و آله، قم: دلیل ما.
۱۴. حر عاملی، محمد بن حسن، ۱۳۷۶ش، الفصول المهمه فی اصول الأئمه، قم: مؤسسه معارف اسلامی امام رضا علیه السلام.
۱۵. حلبی، ابوالفرج نورالدین علی بن ابراهیم، ۱۴۲۷ق، السیره الحلبیه (انسان العیون فی سیره الامین و المامون)، تصحیح: عبدالله محمد الخلیلی، بیروت: دار الکتب العلمیه.
۱۶. دانشنامه اسلامی، ۱۴۰۲ش، آیه ۳۰ سوره مریم، در وبگاه: [wiki.ahlolbait.com](http://wiki.ahlolbait.com) (قابل دسترسی: ۱۴۰۲/۶/۲۰).
۱۷. سبجانی، جعفر، ۱۳۹۴ش، فروغ ولایت، قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام.
۱۸. \_\_\_\_\_، ۱۳۸۴ش، فراهایی از تاریخ پیامبر اسلام، تهران: نشر مشعر.
۱۹. سهیلی، عبدالرحمن بن عبدالله، ۱۴۱۲ق، الروض الأثف فی شرح السیره النبویه لابن هشام، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۲۰. سید رضی، محمد بن الحسین، ۱۳۷۹ش، نهج البلاغه: للامام امیرالمؤمنین علیه السلام، ترجمه: مصطفی زمانی، تهران: کتاب یوسف.

۲۱. شرف‌الدین العاملی، سید عبدالحسین، ۱۳۷۶ ش، أبوهریره و احادیث ساختگی، ترجمه: نجفعلی میرزایی، قم: مؤسسه انتشاراتی هجرت.
۲۲. الطایبی، نجاح، ۱۴۱۲ ق، سیره الإمام علی بن ابی‌طالب، بیروت: دار الهدی لإحياء التراث.
۲۳. \_\_\_\_\_، ۱۴۲۶ ق، السیره النبویه، بیروت: دار الهدی لإحياء التراث.
۲۴. طباطبایی، سید محمد حسین، ۱۳۷۴ ش، ترجمه تفسیر المیزان، ترجمه: سید محمدباقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۵. طبری، محمد بن جریر، بی‌تا، تاریخ طبری (تاریخ الامم و الملوک)، بیروت: دار التراث العربی.
۲۶. عاملی، سید جعفر مرتضی، ۱۴۲۶ ق، الصحیح من سیره النبی الأعظم، قم: دار الحدیث.
۲۷. عسکری، سید مرتضی، ۱۳۶۰ ش، عبدالله بن سبأ و دیگر افسانه‌های تاریخی، ترجمه: محمدصادق نجمی و هاشم هریسی، تهران: دفتر نشر کوکب.
۲۸. \_\_\_\_\_، ۱۳۶۷ ش، یکصد و پنجاه صحابی ساختگی، ترجمه: عطاء محمد سردارنیا، تهران: دفتر نشر کوکب.
۲۹. \_\_\_\_\_، ۱۳۶۸ ش، نقش عایشه در تاریخ اسلام، ترجمه: عطاء محمد سردارنیا، محمدصادق نجمی و هاشم هریسی، تهران: مجمع علمی اسلامی.
۳۰. کریمی، محمود و دیمه کارگراب، محسن، ۱۳۹۰ ش، «استدلال روایی شیخ صدوق بر نزول دفعی قرآن کریم و نقد ادله مخالفان»، فصلنامه علمی علوم حدیث، دانشگاه قرآن و حدیث، سال ۱۶ ش ۳، ص ۲۲-۴۳.
۳۱. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، ۱۴۰۳ ق، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، بیروت: مؤسسه الوفاء.
۳۲. \_\_\_\_\_، بی‌تا، حق الیقین، تهران: انتشارات اسلامی.
۳۳. مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین ۱۳۷۴ ش، مروج الذهب، ترجمه: ابوالقاسم پاینده، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۳۴. نیشابوری، ابوالحسین مسلم بن حجاج، بی‌تا، صحیح مسلم، تحقیق: محمد فؤاد عبدالباقی، بیروت: دار إحياء التراث العربی.





# آسیب‌شناسی مقالات پژوهشی بانوان در حوزه غدیر خم در دهه‌های ۷۰ تا ۹۰ شمسی

فهیمة جعفری جبلی<sup>۱</sup>

## چکیده

اخبار فراوانی درباره واقعه غدیر خم توسط راویان زن نقل شده که گویای تلاش گسترده بانوان در پاسداری از این رویداد مهم و تاریخی است. در قرن‌های اخیر نیز بانوان به بحث و نظر در مورد غدیر خم پرداخته‌اند. در نوشتار پیش رو، مقالات پژوهشی بانوان در حوزه غدیر خم در دهه‌های ۷۰ تا ۹۰ شمسی، بررسی آماری گردیده و ضمن تحلیل چکیده مقالات، سیر رویکرد آنها تبیین شده است. در این تحقیق، از روش فراتحلیل استفاده شده و پایگاه مقالات نورمگز، به عنوان منبع جمع‌آوری مقالات، مورد استفاده قرار گرفته است. نتایج پژوهش حاکی از آن است که در بازه زمانی مورد نظر در این نوشتار (۱۳۹۷ - ۱۳۷۹ ش)، تعداد مقالات بانوان در موضوع غدیر خم، روندی صعودی داشته و تنوع رویکردهای مقالات در طی این سال‌ها، قابل توجه است. بیشترین تعداد مقاله، در دهه نود، و با رویکرد ادبی و رویکرد تاریخی، و سپس رویکرد کلامی و روایی بوده است. رویکرد بانوان به مطالعه غدیر خم، از سال ۱۳۹۰، به تدریج از نگاه تاریخی، قرآنی و روایی، به سمت و سوی مباحث کلامی - اعتقادی و مردم‌شناسی رفته است.

واژگان کلیدی: امیرالمومنین علیه السلام، غدیر خم، آسیب‌شناسی مقالات، بررسی آماری، پژوهش‌های بانوان.

## مقدمه

درباره امام علی علیه السلام، کتاب‌ها، مقالات و حتی کتابشناسی‌های زیادی نوشته شده و امر جان‌شینی ایشان و رخداد غدیر خم، همواره مورد توجه اقشار متفاوت پژوهشگران و نیز پژوهش‌هایی در سطوح مختلف بوده است. برخی از این پژوهش‌ها در قالب کتاب، برخی در قالب مقاله و بعضی نیز به عنوان پایان‌نامه ارائه شده است. هرچند در طول ادوار گذشته، حجم انبوهی از پژوهش‌ها و تحقیقات ارزنده علمی، توسط نویسندگان مسلمان و غیرمسلمان در موضوع غدیر خم به انجام رسیده است، اما این تحقیق بر آن است تا پژوهش‌های بانوان با موضوع غدیر خم را که در طول سه دهه اخیر، در نشریات ایران به چاپ رسیده است، مورد توجه قرار دهد و بتواند پاسخگوی این سؤال باشد که: «سیر مقالات پژوهشی بانوان در حوزه غدیر خم در دهه‌های ۷۰ تا ۹۰ چگونه است؟». در بررسی‌های انجام شده در مورد این موضوع، پیشینه‌ای یافت نشد و می‌توان ادعا کرد نوشتار حاضر، در این عرصه، کار جدیدی به شمار می‌رود. جمع‌آوری تمام مقالات بانوانی که به موضوع غدیر خم توجه کرده‌اند، کاری زمان‌بر، دشوار و نیازمند پیگیری است؛ از همین رو، محدوده زمانی خاصی تعیین شد. در ارائه همه مباحث، حتی در پرداختن به محتوای مقالات، «عنصر زمان» که از ویژگی‌های مهم روش تحقیق تاریخی است، مورد توجه قرار گرفت و تلاش شد پس از گونه‌شناسی مقالات، از هر یک نمونه‌ای ارائه شود. بر این اساس، جامعه آماری این تحقیق، به مقالاتی اختصاص یافت که بانوان به تنهایی و یا به صورت کار مشترک بانوان و آقایان، درباره غدیر خم نگارش یافته و در پایگاه «نورمگز»، به عنوان یکی از جامع‌ترین بانک‌های اطلاعات علوم اسلامی و انسانی، ثبت شده است. در بررسی نهایی معلوم شد که فراوانی مقالات یافت شده، ۶۵ مورد است. برای دستیابی به هدف مقاله، در این نوشتار، «روش تحقیق فراتحلیل» به عنوان یک شیوه پذیرفته شده در حوزه علوم انسانی است (عابدی و همکاران، ۱۳۸۵، ص ۱۲۲) مورد استفاده قرار گرفت. «فراتحلیل» روشی است که اولاً: در آن، تغییرپذیری موجود در نتایج مطالعات و پژوهش‌های انجام شده اندازه‌گیری می‌شود تا بتوان بر اساس اطلاعات حاصله، خلاصه‌ای کلی و آماری از نتایج آنها ارائه نمود. ثانیاً با به کارگیری این روش، می‌توان متغیرهای موجود

در پژوهش را معین نموده و تغییرات موجود در بین یافته‌های پژوهش‌های متعدد را تبیین کرد. (زاهدی و محمدی، ۱۳۸۴، ص ۵۸)

جامعه کنونی ما که از آن به عنوان جامعه‌ای در حال گذار یاد می‌شود و در چالش میان سنت و مدرنیته گرفتار آمده است، تحول و دگرگونی را در همه ابعاد، به ویژه در حوزه تربیت انسانی تجربه می‌کند. بروز و حضور مدرنیته، همه جلوه‌های زندگی را تحت تأثیر قرار می‌دهد: نوع رسانه و محتوای آن، خانواده و محتوایش و همچنین نوع و محتوای مطالب آموزشی و نوع و محتوای اقتصاد، از جمله عوامل تأثیرگذار در این میان است. «مدرنیته به واسطه عمق و ژرفای تقابلی که با اساس مؤلفه‌های تربیت اسلامی دارد، در تضاد آشکار با تحقق تربیت اسلامی است. این نکته مهم را می‌توان در پس تشریح اصول، مبانی و اهداف «تربیت اسلامی» و «مدرنیته» روشن ساخت؛ چراکه تربیت اسلامی، مهم‌ترین دغدغه ما است که بر مبنای ایده «تعالی و صیوروت» بنا شده است و مدرنیته بی‌محابا، به فرهنگ اسلامی - ایرانی هجوم برده و مبتنی بر ایده «حلولی و این جهانی» است.» (کیانی، ۱۳۹۲، ج ۱، ص ۱)

این پژوهش قصد دارد تصویری از حوزه مطالعاتی غدیر خم توسط بانوان در سه دهه در ایران ارائه دهد تا خوانندگان با مطالعه این اثر بتوانند نگاهی جامع نسبت به این موضوع در بازه زمانی خاص توسط بانوان به دست آورند.

## جامعه آماری

در این پژوهش، آن بخش از مقالات بانوان که به حوزه علوم انسانی پرداخته، مورد توجه قرار گرفته است. گستردگی حجم و نیز تعداد مقالات، همچنین فرصت زمانی کوتاه باعث شد تا تنها چکیده‌های مقالات در جامعه آماری قرار گیرد. محدوده این نوشتار، به مقالاتی اختصاص یافته که در بازه زمانی سال‌های ۱۳۷۹ تا ۱۳۹۷ تألیف شده است.

## مقایسه رویکردها در سال‌های مختلف

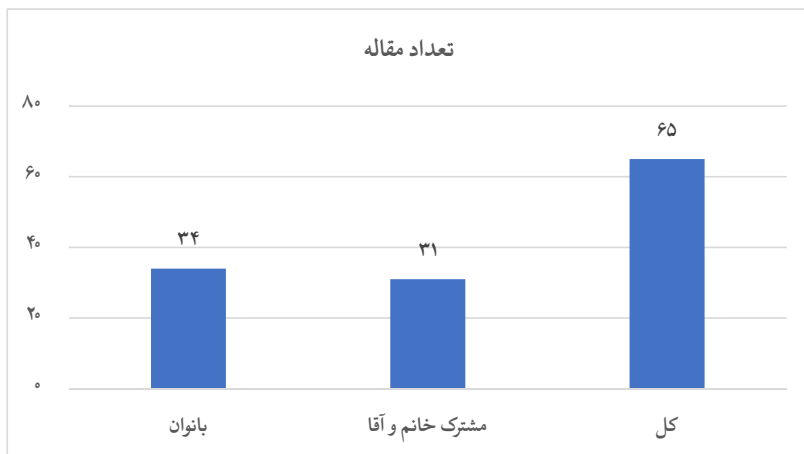
مقالات نوشته شده علمی پژوهشی بانوان در حوزه غدیر خم در دهه‌های ۷۰، ۸۰ و ۹۰، با رویکردهای متفاوتی نگاشته شده است که می‌توان آنها را در پانزده عنوان ذیل دسته‌بندی

نمود: قرآنی، روایی، تفسیری، کلامی، تاریخی، ادبی، هنری، جغرافیایی، ادبیات عرب، مردم‌شناسی و مقالاتی از نوع ترکیبی: قرآنی-روایی، روایی-تاریخی، کلامی-عرفانی، کلامی-تاریخی و کلامی-تفسیری.

در دهه ۷۰، مقالات با چهار رویکرد: هنری، روایی، قرآنی-روایی و کلامی-عرفانی ارائه شده‌اند. در دهه ۸۰، ده رویکرد: روایی، تاریخی، علوم قرآن، کلامی، ادبی، هنری، ادبیات عرب، روایی-قرآنی، کلامی-تاریخی، کلامی-تفسیری و در دهه ۹۰ نیز سیزده رویکرد متفاوت احصاء شد که عبارت‌اند از: علوم قرآنی، روایی، تفسیری، کلامی، تاریخی، ادبی، هنری، جغرافیایی، ادبیات عرب، مردم‌شناسی و مقالاتی از نوع ترکیبی: روایی-تاریخی، کلامی-عرفانی و کلامی-تفسیری.

در آغاز، توجه به حجم و تعداد تألیفاتی که از بانوان در قالب مقاله، اختصاص به غدیر و مباحث پیرامون آن دارد، ضروری به نظر می‌رسد. نمودار زیر بیانگر این مهم است.

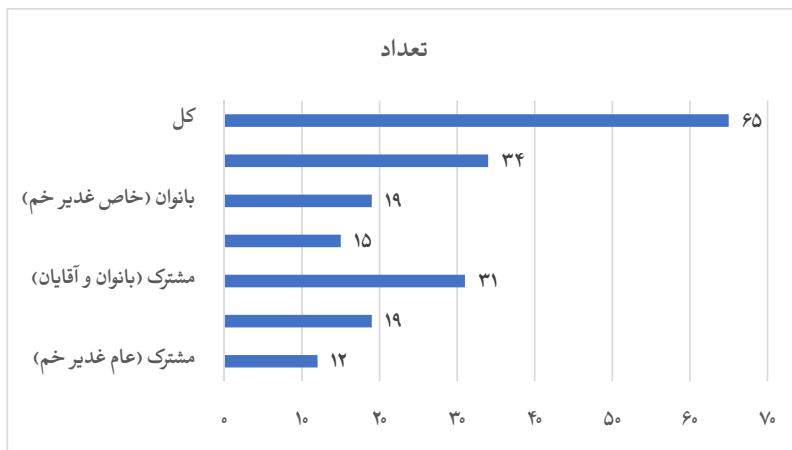
نمودار ۱- آمار کل مقالات مورد پژوهش



## توصیف کلی مقالات

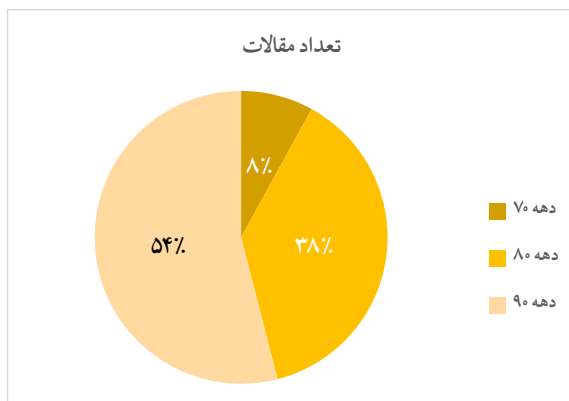
تعداد مقالات مورد نظر در این پژوهش، ۶۵ مقاله است که شامل مقالات بانوان و همچنین کار مشترک آنها با آقایان است. از این تعداد، ۳۱ مورد به مقالات مشترک اختصاص دارد و ۳۴ مقاله، توسط بانوان پدید آمده است.

### نمودار ۲ - فراوانی مقالات (عام و خاص)



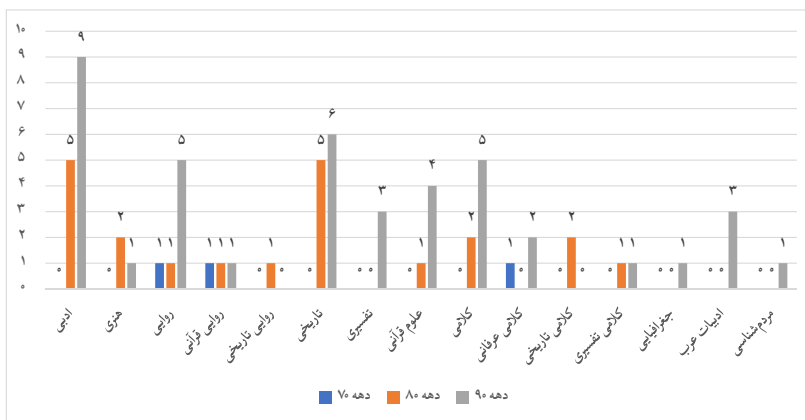
مقالات مورد نظر این پژوهش، به صورت عام یا خاص، به موضوع غدیر خم پرداخته‌اند. بدین شرح که از مجموع ۳۴ اثر نگارشی بانوان، ۱۹ مقاله، اختصاص به اصل موضوع غدیر خم دارد. ۱۵ مقاله نیز به شکل عام، بدین موضوع پرداخته است؛ به این معنا که غدیر خم، بخشی از موضوع مقاله را به خود اختصاص داده است. از تعداد ۳۱ نگاشته مشترک (بانوان و آقایان)، ۱۹ مقاله، خاص غدیر خم و ۱۲ مقاله، رخداده غدیر را بخشی از کار خود قرار داده‌اند.

نمودار ۳ - فراوانی مقالات بر اساس دهه‌ها و با مقیاس درصد است.



حجم نگارش این مقالات، در طی سال‌ها و دهه‌های متفاوت، فراز نشیب‌هایی داشته است. در دهه‌ی ۷۰، پنج مقاله و در دهه‌ی ۸۰، بیست و پنج مقاله و در دهه‌ی ۹۰، تعداد سی و پنج مقاله تدوین شده است. در این میان بیشترین تعداد مقالات مربوط به دهه ۹۰ و سال ۱۳۹۳ است. به طوری که در سال ۱۳۹۳ بیشترین حجم مقاله را، با انواع متفاوت رویکردها می‌توان مشاهده کرد.

نمودار ۴ - فراوانی رویکرد مقالات در دهه‌ها



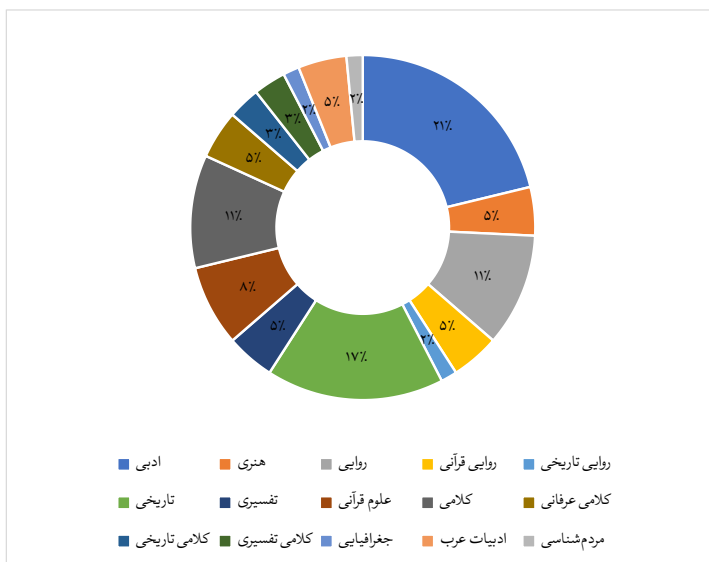
در تفصیل این مسئله می‌توان نمایی به صورت ذیل بر اساس سال، تعداد و رویکرد مقالات مرتبط، ارائه کرد:

- سال ۱۳۷۹، سه مقاله با رویکرد کلامی - عرفانی، روایی و قرآنی - روایی؛
- سال ۱۳۸۰، دو مقاله با رویکرد هنری و قرآنی - روایی؛
- سال ۱۳۸۱، یک مقاله با رویکرد هنری؛
- سال ۱۳۸۲، مقاله‌ای یافت نشد؛
- سال ۱۳۸۳، یک مقاله با رویکرد کلامی - تاریخی؛
- سال ۱۳۸۴، دو مقاله با رویکرد تاریخی و قرآنی - روایی؛
- سال ۱۳۸۵، یک مقاله ادبی؛
- سال ۱۳۸۶، سه مقاله با نگاهی ادبی، تاریخی، کلامی؛
- سال ۱۳۸۷، یک مقاله با رویکرد کلامی
- سال ۱۳۸۸، سه مقاله با رویکردهای علوم قرآن، ادبی و کلامی - تفسیری؛
- سال ۱۳۸۹، هفت مقاله، شامل سه مقاله با موضوع تاریخی، یک مقاله کلامی - تاریخی، دو مقاله ادبی و یک مقاله روایی؛
- سال ۱۳۹۰ شش مقاله، شامل دو مقاله ادبی، یک مقاله تاریخی، یک مقاله کلامی، یک مقاله ادبیات عرب و یک مقاله با موضوع علوم قرآن؛
- سال ۱۳۹۱، یک مقاله با موضوع ادبی؛
- سال ۱۳۹۲، چهار مقاله، به صورت دو مقاله ادبی و یک مقاله کلامی و یک مقاله مردم‌شناسی؛
- سال ۱۳۹۳، نه مقاله شامل: دو مقاله تاریخی، دو مقاله ادبی، دو مقاله کلامی و در موضوعات ادبیات عرب و علوم قرآنی و تفسیر، هرکدام، یک مقاله؛
- سال ۱۳۹۴، هشت مقاله با موضوعات روایی، کلامی، تفسیری، تاریخی، علوم قرآنی، ادبیات عرب، روایی - تاریخی و کلامی - تفسیری؛
- سال ۱۳۹۵، هشت مقاله در رویکرد تفسیری، روایی، تاریخی جغرافیایی، هنری، ادبی و کلامی - عرفانی؛

- سال ۱۳۹۶، چهار مقاله با رویکرد روایی، تاریخی، کلامی - عرفانی و علوم قرآنی؛  
 - سال ۱۳۹۷، یک مقاله روایی.

مرور فراوانی مقالات در این سه دهه حکایت از آن دارد که در سال ۹۱، یک مقاله و در سال ۹۲، چهار مقاله، در سال ۹۳ و ۹۴، به ترتیب نه و هشت مقاله و در سال‌های ۹۵ و ۹۶ و ۹۷، به ترتیب هشت و چهار و یک مقاله به چاپ رسیده، اما در کل دهه ۷۰، فقط شش مقاله یافت شده است. جدول شماره ۵، بیانگر فراوانی مقالات در طول بازه زمانی این مقاله است.

نمودار ۵ - درصد رویکردها از تعداد کل مقالات



نگاهی مقایسه‌ای بین مقالات نوشته شده با موضوع غدیر خم در دهه‌های ۷۰، ۸۰ و ۹۰، بیانگر آن است که در این سه دهه، تعداد مقالات، افزایش یافته است؛ به طوری که در دهه ۷۰، پنج مقاله و در دهه ۸۰، بیست و پنج مقاله و در دهه ۹۰، سی و پنج مقاله به نگارش درآمده است. همچنین از جهت رویکرد، در دهه ۷۰، رویکردها محدودتر و بیشتر نویسندگان از دریچه روایی و قرآنی به رخداد غدیر نگریسته‌اند. این بدان معناست که هنوز ابعاد دیگر غدیر خم مورد توجه قرار نگرفته است؛ در حالی که در دهه ۸۰، تنوع رویکردها مشاهده



می‌شود. در این دهه، رویکردهای تاریخ، کلام و ادبیات، بیشترین نوع نگارش‌ها را به خود اختصاص داده است.

در دهه ۹۰، این تنوع رویکردی افزایش پیدا کرده و علاوه بر رویکردهای دهه‌های قبل، نگاه‌ها بیشتر به عرصه‌های تفسیری، عرفانی، جغرافیایی، ادبیات عرب و مردم‌شناسی ورود پیدا کرده است. رویکردهای روایی، تاریخی، کلامی و ادبیات، بیشترین نوع رویکردها در این دهه است. این مطالب نشان می‌دهد که در طی این دهه‌ها، سؤالات جدیدی در ابعاد دیگر غدیر خم مطرح شده که توجه نویسندگان را به این عرصه‌ها جلب کرده است. این تغییر رویکردها و تحولات در آثار و تألیفات مؤسسات آموزشی - پژوهشی و حوزه‌های علمیه کشور، نمایان است. برخی از عوامل بیرونی، تحولات اجتماعی، رشد و توسعه وسایل ارتباط جمعی و نیازهای جدید از یک سو و حضور پررنگ بانوان از سویی دیگر، باعث شده است ابعاد دیگری از غدیر خم مورد تحلیل و توجه بانوان پژوهشگر قرار گیرد.

با توجه به جدول و آمار ارائه شده با موضوع محور رویکردهای مقالات، می‌توان بدین نتیجه رسید که بیشترین تعداد مقاله‌ها، در دهه ۹۰ و با رویکرد کلامی درباره غدیر بوده است و این بیانگر آن است که تحول چشمگیری در نگرش نویسندگان نسبت به مسائل کلامی - اعتقادی صورت گرفته است که علت این امر را می‌توان در بستر اجتماعی - فرهنگی و تعامل ایران با دیگر سرزمین‌ها جستجو کرد.

از این رو، تحولات روز موجب شد تا شبهات و سؤالات جدیدی درباره غدیر خم، به عنوان یکی از اعتقادات مهم شیعه، در اذهان مردم ایجاد شود. نسل جوان که با افکار و اندیشه‌های دنیای مدرن بیگانه نیست، بیش از هر قشر دیگری، در معرض این تلاطم و دگرگونی قرار دارد. امروزه جوان به دنبال پاسخ پرسش‌هایی است که در حوزه مسائل دینی با آن مواجه شده است. پاسخ به این شبهات فکری - دینی می‌تواند علتی برای این تعدد مقالات کلامی غدیر باشد و شاید بتوان گفت افزایش حضور بانوان «در عرصه‌های علمی» در دهه‌های اخیر از یک طرف و بروز این سؤالات از جهتی دیگر، موجب شده تا بانوان پژوهشگر به دنبال پاسخ این پرسش‌ها برآیند.

## نمونه‌هایی از مقالات

پژوهش‌های تاریخی مسلمانان در گذشته، بسیار جدی و قوی نگارش یافته است و این پژوهش‌ها، در نیم قرن اخیر، رو به ضعف نهاده و در دهه‌های کنونی، باز به سمت رشد و بالندگی است؛ با این تفاوت که آنچه رشد داشته، روش تاریخی مدرن است. با نگاهی به عناوین مقالات سال‌های دهه ۷۰ و ۸۰ درمی‌یابیم زمینه‌های تاریخی غدیر، بیشتر مورد نظر پژوهشگران بوده است، اما در دهه ۹۰، زمینه‌های تاریخی که در دو دهه قبل بررسی شده، به عنوان مفروضات قرار گرفته و جای خود را به موضوعات کلامی - اعتقادی داده است.

مقاله‌ای با عنوان «نخستین اندیشه‌های شیعی» توسط خانم ارزینا لالانی نگاشته شده است. لالانی مانند مادلونگ، جریان جانشینی فرزندان و خویشاوندان پیامبر ﷺ را، بعد از ذکر برخی از آیاتی که در شان و منزلت امیرمؤمنان ﷺ و اهل بیت ﷺ نازل شده است، بازگو می‌کند و معتقد است: «قرآن، مقامی بس والا را که والاتر از بقیه مؤمنان است، به اهل بیت پیامبر داده است... از نظر شیعه، پیامبر به شیوه خود، مسلمانان را برای این امر آماده کرده و پیش از آنکه به طور رسمی و علنی، انتصاب علی ﷺ را به جانشینی خود اعلام نماید، دلالات و اشاراتی در این مورد داشته است». لالانی در نهایت می‌گوید: «به نظر عجیب می‌آید که پیامبر ﷺ به زعم اهل سنت، جانشینی برای خود تعیین نکرده باشد. اگر چنین بوده باشد، ابوبکر که صریحاً عمر را به جانشینی خود برگزید و حتی آن را به قید کتابت درآورد، بایستی سنت پیامبر را زیر پا نهاده باشد». (لالانی، ۱۳۸۱، ص ۱۲ و ۲۹)

در دهه ۸۰، نگارش مقالات میان رشته‌ای، از جمله، تاریخی با رویکرد کلامی، مد نظر نویسندگان قرار گرفته است. نمونه آن می‌توان مقاله فهیمه فرهمندپور با رویکرد کلامی - تاریخی با عنوان «جانشینی پیامبر ﷺ: انتقال کاریزما» را نام برد. نویسنده در این مقاله، تلاش‌های مخالفان جانشینی پیامبر ﷺ را در قالب نظریه روزمرگی کاریزمای ماکس وبر بررسی کرده است. (فرهمندپور، ۱۳۸۳، ص ۵)

از دیگر آثاری که با رویکرد تاریخی به غدیر پرداخته، مقاله فاطمه سادات ارفع، با عنوان «حامیان ولایت (رثاء بانوان شیعه در حمایت از ولایت)» است. در این مقاله، به معرفی پنج زن

سخنور شیعی در زمان معاویه و فعالیت‌های آنان پرداخته شده است. از نکات مهم و قابل توجه در خصوص این زنان، شجاعت، درایت، فصاحت و بلاغت در کلام، استفاده از شعر و عبارات متقن برای دفاع از اعتقادات خود، به ویژه حمایت از مقام ولایت و امامت حضرت علی علیه السلام است. یکی از این بانوان، با نام «ام براء» است که از وی به عنوان فردی در تاریخ یاد می‌شود که تلخ‌ترین و گزنده‌ترین سخنان را در مقابل معاویه بیان داشته است. وی در سخنان خود با معاویه، به غصب حکومت از جانب او و خاندانش و ناحق بودن خلافتش اشاره کرده و به دفاع از مقام ولایت حضرت علی علیه السلام و شأن و منزلت ایشان پرداخته است. (ارفع، ۱۳۸۴، ص ۶۹) مقاله «مرز نوآوری و بدعت» تألیف خانم مرضیه پاک‌روان نیز با رویکرد قرآنی - روایی به غدیر، نگارش یافته است. نویسنده پس از مفهوم‌شناسی و تعریف عناوین مقاله خود، در قسمتی با عنوان نقد، چنین به بیان جریان غدیر خم پرداخته است: «پیامبر صلی الله علیه و آله در حجة الوداع، در برابر هزاران چشم نظاره‌گر و گوش شنوای آخرین پیام‌های وحی، با صراحت، انتقال ولایت خود را به عنوان آخرین نبی الهی به اولین وصی خود، اعلام فرمود». نویسندگان ثابت نموده که آیه اکمال، در کتاب‌های روایی فرقه‌های اسلامی، مطرح شده و مورد قبول همگان است، اما فرقه‌های اسلامی ادعا دارند با تغییر زمان، حکم آن تغییر کرده و حکم جدیدی جایگزین شده است و نگارنده در این قسمت، این تغییر حکم را با مفهوم بدعت تطبیق داده است. (پاک‌روان، ۱۳۸۴، ص ۲۵)

مقاله «خاورشناسان و واقعه غدیر خم» با رویکرد کلامی، کار مشترک ناهید برومند و محمد علی محمدی قره‌قانی، از جمله این مقالات است. نویسندگان معتقد است: «نظر مستشرقان در برخورد با تفکر شیعی، به طور عام و در برخورد با واقعه غدیر خم به طور خاص، نشان از آن دارد که مستشرقان نتوانسته‌اند به عمق تعالیم ادبیات شیعی، رهنمون شوند و غالب آنچه خاورشناسان درباره شیعه عرضه کرده‌اند، از طریق منابع غیرشیعی به دست آورده که با نوعی تعصب نیز همراه بوده است». (برومند و محمدی قره‌قانی، ۱۳۸۶، ص ۱۱۲)

با دقت در نگاشته‌های دهه ۸۰ به نظر می‌رسد از سال ۱۳۸۶، به تدریج توجه بانوان به دیدگاه شرق‌شناسان درباره غدیر خم، جلب شده است. البته شرق‌شناسانی که درباره غدیر

خم و جانشینی پیامبر ﷺ سخن گفته‌اند و مکتوباتی دارند تعدادشان کم و محدود است.

(شمس، ۱۳۸۷؛ pajooh.ir)

نگاه کلامی موجب شده است تا در سال‌های اخیر، ادیبان و شعرا نیز نگاهی نو به غدیر خم داشته باشند و اشعاری با این دیدگاه بسرایند و همچنین غدیریه‌های گذشتگان را از این زاویه تحلیل کنند. مقاله‌ای که با رویکرد ادبی، به واقعه غدیر نگریسته و از بعد تاریخی غدیر، فاصله گرفته است مقاله «جایگاه والای امام علی علیه السلام و حقیقت متجلی در غدیر خم در آیین غدیریه‌های شریف رضی، ابوفراس همدانی و ابن رومی» کار مشترک رعنا نصیرپور ملکی و حمید والی‌زاده است. در این نوشتار، نویسنده تلاش داشته با نگاهی نو به ترجمه و تحلیل اشعار، تصویری راستین از احساس فطری و خرد پاک این شاعران بزرگ نسبت به واقعه غدیر خم و جایگاه والای امیرالمؤمنین علیه السلام ارائه نماید. (نصیرپور و والی‌زاده، ۱۳۹۲، ص ۱۰۳)

در عصر حاضر، نگاه تقریب مذاهبی<sup>۱</sup> و برون‌دینی در ایران و دیگر جوامع، توجه اندیشمندان و نخبگان را به خود جلب کرده است. «بررسی واقعه غدیر خم در شعر شاعران مسیحی»، عنوان مقاله‌ای با رویکرد ادبی است که نگاه برون‌دینی دارد. این مقاله، به احوال و اشعار چند تن از شاعران مسیحی که به خیل غدیریه سرایان پیوستند، از جمله پولس سلامه، عبدالمسیح الانطاکی، جورج شکور، جوزف هاشم و... اشاره دارد. (شریفیان و مجیدی، ۱۳۹۲، ص ۱۲۱)

از دیگر مقالاتی که در راستای پاسخگویی به شبهه افکنی‌های فضای مجازی و با رویکرد جغرافیایی تدوین شده است، مقاله «هواشناسی غدیر» است. نویسنده مقاله، این شبهه که «واقعه غدیر خم، مصادف با اسفندماه بوده و در این فصل، هوا گرم نیست، پس غدیر و امر جانشینی پیامبر ﷺ واقعیت ندارد» را صحیح نمی‌داند و در پاسخ بدان می‌گوید: «گرمای هوا در زمستان در آن منطقه جغرافیایی، بعد علمی و عقلی یا عادی ندارد. در روز غدیر، با استناد

۱. «امروز دنیای اسلام، نیازمند تقریب مذاهب است. در این تقریب، همان طور که مکرر گفته شده، غرض این است که فرقه‌های اسلامی، در مقام فکر و اعتقاد، به یکدیگر نزدیک شوند. ای بسا برخی از تصورات فرق نسبت به یکدیگر، با مباحثه و مذاکره، به استنتاج خوبی منتهی بشود. شاید بعضی از سوء تفاهم‌ها برطرف و بعضی از عقاید، تعدیل و بعضی از افکار، به طور واقعی به هم نزدیک بشود. البته اگر این بشود، بسیار بهتر از هر شکل دیگر است. حداقل این است که بر روی مشترکات تأکید بشود. این گفتگوها و مذاکرات، کمترین فایده‌اش این خواهد بود؛ بنابراین، باید از طرح مسائل تفرقه‌انگیز خودداری بشود.» (بیانات مقام معظم رهبری در گردهمایی نخستین دوره شورای عالی مجمع تقریب بین المذاهب الاسلامیه، ۱۳۷۰/۰۷/۰۱)

به روایات اهل سنت، هوا به شدت گرم بوده است و انکار گرمی هوا، مساوی با تکذیب صحت صحاح و بی تأثیر در رخداد غدیر خم می باشد». (مکی، موسوی واعظ و آهنگران، ۱۳۹۵، ص ۶۵)

البته اختلافات درون مذهبی (بین فرقه های شیعی و بین فرقه های اهل سنت) و برون مذهبی (بین شیعه و سنی) را می توان یکی دیگر از دلایل روی آوردن به رویکردهای کلامی در تألیفات غدیری بیان کرد. همچنین از طرفی، افزایش حضور بانوان در عرصه های علمی و نگاه تمدنی اسلام<sup>۱</sup> و تشویق به تبادل آرا و اندیشه ها، ضرورت تألیف مقالات با نگاهی تمدنی را دوچندان نموده است. هجمه هایی<sup>۲</sup> که به ارزش های دینی و ملی وارد می شود، دستگاه های حکومتی، مراکز آموزشی<sup>۳</sup> و مؤسسات علمی- پژوهشی<sup>۴</sup> را بر آن داشته تا با آسیب شناسی جدی نسبت به این امور، نقایص و کمبودها را اعلام کنند.

از جمله مقالاتی که روش شناسی علامه امینی در کتاب «الغدیر» به واقعه غدیر خم را به تصویر کشیده است، مقاله ای با رویکرد حدیثی است که به «روش شناسی استنادهای علامه امینی در اثبات ولایت امام علی علیه السلام در الغدیر» پرداخته است. علامه امینی در کتاب الغدیر، در همه استنادها، افزون بر واقعه غدیر خم و انتصاب حضرت علی علیه السلام برای جانشینی، به بیان فضایل ایشان پرداخته و همچنین در مسیر اثبات ولایت، شعرهایی از شاعران ذکر کرده است. «البته در بیان نام شعرا، تنها به گروهی از شاعران بسنده نمی کند و اشعاری از شاعران عامی و دانشمند، عرب و غیرعرب، مسلمان و غیرمسلمان و حتی مخالف حضرت

۱. «شما ببینید در چهار قرن اول اسلامی، اسلام چه کرده است و بیل دوران در تاریخ تمدن می گوید تمدنی شگفت انگیزتر از تمدن اسلامی وجود ندارد. اگر اسلام طرفدار ثبات وجود و یک نواختی می بود، باید جامعه را در همان حد اول جامعه عرب نگاه بدارد؛ حال آنکه تمدن های وسیع و عجیب را در خودش جمع کرد و از مجموع آنها تمدن عظیم تری را به وجود آورد». (مطهری، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۵۵)

۲. «هجمه امروزهایی ها علیه شیعیان، در طول تاریخ بی سابقه است. در تمام قرن ها، مسلمانان گرفتار تفرقه، ستیز، جنگ و اختلاف بودند، ولی هجمه همه جانبه که امروز از سوی عربستان، امارات و ایادی آنها علیه شیعیان وجود دارد، هیچگاه سابقه نداشته است. هجمه های تبلیغاتی و جریان سازی رسانه ای از سوی بیگانگان، به ویژه فرقه وهابیت علیه مذهب شیعه و اسلام واقعی، رو به افزایش و نگران کننده است». (آیت الله جعفر سبحانی در دیدار اعضای کنگره بین المللی امام سجاد علیه السلام، ۱۳۹۵/۶/۲۸)

۳. مرکز تخصصی علم کلام حوزه علمیه قم تحت اشراف آیت الله جعفر سبحانی، مرکز فرهنگی تبلیغی آینده سازان تحت اشراف دفتر نهاد معظم رهبری، موسسه بین المللی مطالعات اسلامی وابسته به مرکز مدیریت حوزه های علمیه و موسسه شیعه شناسی تحت اشراف آیت الله مکارم شیرازی.

۴. همایش ملی غدیر خم توسط خانم مهدیه اسدی مقدم، مدیرعامل موسسه امیدان حضور جوان در ۱۳۹۷/۵/۲۵ در شهر تهران برگزار شده است.

علی علیه السلام، بیان می‌کند». (رضی بهابادی و همکاران، ۱۳۹۵، ص ۱۳۵)

سیمای امام علی علیه السلام، با رویکردهای متفاوتی در آثار بانوان، مورد توجه واقع شده است. مقاله «سیمای امام علی علیه السلام در آینه قرآن و حدیث»، نگاشته شده در سال ۱۳۷۹ و با رویکردی قرآنی - روایی، از جمله این مقالات است (معینی‌نیا، ۱۳۷۹، ص ۱۵۳). در این نوشتار، روایت غدیر خم از ابن هشام، گزارشگر سفر حجة الوداع بیان شده است. این رویکرد، در دهه هفتاد مورد توجه نویسندگان بوده است. در دهه هشتاد، سیمای امام علی علیه السلام در آثار ادبی، مورد توجه نویسندگان قرار گرفته است به طوری که مقالاتی با این محوریت تألیف شد. در مقاله «سیمای امام علی علیه السلام در مثنوی معنوی» که در سال ۱۳۸۵ توسط رقیه نیساری تدوین شد، نویسنده معتقد است: «در عمق افکار و عقاید مولوی، نوعی ارادت و محبت به امیرالمؤمنین علیه السلام و خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم وجود دارد» (نیساری تبریزی، ۱۳۸۵، ص ۱۵۹). نمونه دیگری از این رویکرد را می‌توان در پژوهشی با عنوان: «سیمای امام علی علیه السلام در شعر ثنائی» در سال ۱۳۸۹ مشاهده کرد. نویسنده در هر بهره از نوشتار، پس از طرح صفات امام علی علیه السلام، احادیث و روایات مربوط به آن را ذکر کرده و در پایان، نمونه ابیات مرتبط با آن مبحث را بیان داشته است. (چالاک و مرادی، ۱۳۸۹، ص ۵) در دهه نود، رویکرد ادبی به موضوع غدیر خم، در آثار نویسندگان دنبال شد و تحولی نیز در آن به وجود آورد؛ به طوری که در این دوران، نگارش مقالات ادبی، با دید مقایسه‌ای و تطبیقی صورت گرفته است. «سیمای امام علی علیه السلام در ادبیات عرب و پارسی»، نوشته مهین پری تقی‌نژاد، از جمله این نگارش‌هاست. در این مقاله، اشعار معاصر و مدرن نیز مورد توجه بوده است. (تقی‌نژاد، ۱۳۹۵، ص ۱۹)

### جمع بندی

در تحقیق حاضر، با به‌کارگیری روش فراتحلیل، که پژوهش بر روی پژوهش‌های سایرین است، با بررسی آماری مقالات بانوان با موضوع غدیر خم، بدین نتایج دست یافتیم:

۱. مقالات بانوان (با موضوع غدیر خم) و همچنین کار مشترک آنها با آقایان، که ۶۵ مورد است، نشان می‌دهد که در طی سال‌های (۱۳۷۹ تا ۱۳۹۷ ش)، حجم نگارش مقالات، روندی افزایشی داشته و تعداد آنها از ۵ عنوان در دهه ۷۰، به ۳۵ عنوان در دهه ۹۰ رسیده است.

۲. بیشترین تعداد مقالات بانوان با موضوع غدیر خم، ۹ مورد و مربوط به دهه ۹۰ و سال ۱۳۹۳ است.

۳. رویکرد مقالات نیز با گذشت زمان، متنوع شده است. در دهه ۷۰، مقالات با چهار رویکرد: روایی، هنری، قرآنی-روایی و کلامی-عرفانی ارائه شده‌اند. در دهه ۸۰، باده رویکرد: علوم قرآنی، روایی، کلامی، تاریخی، ادبی، هنری، ادبیات عرب، روایی-قرآنی، کلامی-تاریخی و کلامی-تفسیری و در دهه ۹۰، نیز سیزده رویکرد متفاوت شامل: علوم قرآنی، روایی، تفسیری، کلامی، تاریخی، ادبی، هنری، جغرافیایی، ادبیات عرب، مردم‌شناسی و مقالاتی از نوع ترکیبی: روایی-تاریخی، کلامی-عرفانی و کلامی-تفسیری وجود دارد.

۴. در دهه ۷۰، اغلب نگاه پژوهشگران، به مقالات روایی و قرآنی بوده، اما در دهه ۸۰، رویکردهای متنوعی کار شده است. در این دهه، رویکردهای ادبیات، تاریخ و کلام، بیشترین نوع نگارش‌ها را به خود اختصاص داده است. در دهه ۹۰، این تنوع رویکردی، افزایش می‌یابد و پژوهشگران علاوه بر رویکردهای دهه‌های قبل، وارد عرصه‌های تفسیری، عرفانی، جغرافیایی، ادبیات عرب و مردم‌شناسی نیز شده‌اند. در این میان، رویکردهای ادبیات، تاریخی، کلامی و روایی، بیشترین نوع رویکردها در این دهه بوده و بیانگر آن است که تحول چشمگیری در نگرش نویسندگان نسبت به مسائل کلامی-اعتقادی صورت گرفته است. علت این تغییر نگرش را می‌توان در عواملی همچون: بستر اجتماعی-فرهنگی و تعامل ایران با دیگر سرزمین‌ها (گفتگوی تمدن‌ها)، مدرنیته، توجه سایر ادیان به اسلام، تلاش‌های دشمنان اسلام برای منحرف ساختن نسل جوان و غفلت از ارزش‌های اصیل اسلام و تشیع، مطرح و جستجو کرد.

جدول ۱- آمار کل مقالات

کل مقالات	مشترك (بانوان و آقایان)	بانوان
۶۵	۳۱	۳۴

جدول ۲ - معرفی کل مقالات بانوان با موضوع غدیر خم

ردیف	نام نویسنده	عنوان مقاله	گونه‌شناسی	چکیده	سال تألیف	محل چاپ
۱	مترجم: ناهید برونند و محمد علی محمدی قره‌قانی (نویسنده: سید محمد رضوی)	خاروشناسان و واقعه غدیر خم	کلامی	دارد	۸۶	مجله سفینه - تریبجی
۲	زهره صالحی ساداتی و حسین آقا حسینی	تحلیلی بر باژتاب جشن‌ها و عیدها در شعر فارسی تا سده هفتم	ادبی	دارد	۸۶	مجله جستارهای ادبی
۳	مریم هرمزی شیخ طبعی و سید محمدباقر حجتی	نقد و بررسی دیدگاه‌های تفسیری فخر رازی در باب دو آیه تبلیغ و اکمال	تفسیری - کلامی	این نوشتار بر آن است تا به بیان اقوال و نظرات تفسیری فخر رازی پرداخته و با کمک ادله امامیه، اقوال و دیدگاه‌های او را به چالش کشانده و به تحلیل و نقد آنها بپردازد تا با بررسی دو آیه تبلیغ و اکمال و بیان ادله مناسب عقلی، نقلی و تاریخی، بر دیدگاه و قول امامیه مبنی بر مسئله وصایت و جانشینی حضرت علی <small>علیه السلام</small> و پس از پیامبر <small>صلی الله علیه و آله</small> صحنه بگذارد	۸۸	مجله صحیفه مبین - پژوهشی
۴	نصوه باجی و قاسم بستانی	حضرت فاطمه <small>علیها السلام</small> و دفاع از ولایت	تاریخی	دارد	۸۹	مجله بانوان شیعه



ردیف	نام نویسنده	عنوان مقاله	گونه‌شناسی	چکیده	سال تألیف	محل چاپ
۵	زهرا پیشگاهی فرد و بهرام نصراللهی زاده	حضرت علی <small>علیه السلام</small> و نقش آرای عمومی در شکل‌گیری نظام سیاسی آرمانی تشیع (امامت)	کلان‌مقایی تاریخی	قابل جمع بودن نصب الهی و انتخاب مردم و به فعلیت رساندن ولایت امام منصوب از جانب خداوند، بررسی شده است	۸۹	مجله شیعه‌شناسی پژوهشی -
۶	فریفته دهقانی، داریوش کاظمی و عنایت‌الله شریف پور	بازتاب جشن‌های ایرانی و اعیاد اسلامی در شعر شهریار	ادبی	دارد	۸۹	مجله مطالعات ایرانی
۷	معصومه عبدالله و امیر توحیدی	بررسی سندی زیارت حضرت امیرالمؤمنین علی <small>علیه السلام</small> در روز غدیر	روایی	ندارد	۸۹	مجله مطالعات نقد ادبی
۸	سارا چالاک و ایوب مرادی	سیمای امام علی <small>علیه السلام</small> در شعر سنایی	ادبی	دارد	۸۹	مجله نامه پارسی
۹	نقیسه سادات موسوی زاده و اسماعیل سلطانی تیرانی	حوزه ارتباط زمان و مکان نزول و تفسیر قرآن	علوم قرآن	نقش زمان و مکان نزول بر تفسیر قرآن و تعیین حوزه کاربرد آن در فهم مقصود آیات نیازمند تبیین است با ملاحظه سوره که در سال دهم هنگام بازگشت از حجة الوداع در غدیر خم بوده	۹۰	مجله معرفت - ترویجی

ردیف	نام نویسنده	عنوان مقاله	گونه‌شناسی	چکیده	سال تألیف	محل چاپ
۱۰	شیرین سالم و عباس عرب سمیرا باریکانی و محمد همایون سپهر	سیمای امام علی <small>علیه السلام</small> در اشعار سید حمیری	ادبی	دارد	۹۱	مجله لسان مبین
۱۱	رعنا نصیرپور ملکی و حمید والی زاده	بررسی مردم‌شناسختی اعیاد مذهبی در کلان‌شهر تهران	مردم‌شناسی	در این مبحث سعی شده با نگاهی نو به ترجمه و تحلیل ابیات، تصویری راستین از احساس فطری و خرد پاک این شاعران بزرگ نسبت به واقعه غدیر و جایگاه والای امیرالمومنین <small>علیه السلام</small> ارائه گردد	۹۲	مجله فرهنگ مردم ایران
۱۲	زینب شریفان و حسن مجیدی	بررسی واقعه غدیر در شعر شاعران مسیحی	ادبی	دارد	۹۲	مجله سفینه
۱۳	هاجر زمانی، رسول بلادی و علی حصری	تجلی اندیشه‌ها و حوادث تاریخی شیعه در شعر سید حمیری	ادبی	ندارد	۹۳	مجله ادبیات شیعه
۱۴	مهدین حاجی زاده و مسعود باوان پوری	بررسی مدح علوی در دیوان بلون الغار بلون الغدیر اثر معروف عبدالحمید	ادبی	با تکیه بر روش توصیفی تحلیلی، مدح علوی را در این دیوان بررسی کند	۹۳	مجله پژوهش‌نامه نهج البلاغه

ردیف	نام نویسنده	عنوان مقاله	گونه‌شناسی	چکیده	سال تألیف	محل چاپ
۱۶	بتول ملکی، شهید بانو نوری و عزت‌الله مولایی نیا	آیات ولایت در پژوهش‌های فریقین؛ شبهه‌ها و پاسخ‌ها	علوم قرآن	با روش توصیفی تحلیلی و با استفاده از پژوهش‌ها و منابع حدیثی، کلامی، تفسیری و رجالی فریقین	۹۳	مجله مطالعات تطبیقی قرآن و حدیث
۱۷	زهره کیانی و محمد رضا حاجی‌اسماعیلی	نقد آرای عثمان ختمیس در کتاب نگارشی نو به تاریخ صدر اسلام در پندارانگاری واقعه غدیر	کلامی	مستندات شیعه را در مواجهه با پندارانگاری این واقعه تاریخی، تبیین کرده است	۹۳	مجله پژوهش‌نامه علوی
۱۸	انسبه نجفی فرید و محمد ذوقلی	عوامل و زمینه‌های عدم پذیرش ولایت امیرالمؤمنین <small>علیه السلام</small> در کلام حضرت زهرا <small>علیها السلام</small>	روایی - تاریخی	با بررسی خطبه‌ها، گمنگ‌ها و روایات حضرت زهرا <small>علیها السلام</small> به واکاوی پدیدارشناسانه عدم گرایش مردم به ولایت حضرت علی <small>علیه السلام</small> می‌پردازد که عبارتند از: عوامل تیرونی (تاریخی - اجتماعی) و دورنی (روایی، اعتقادی و صلی)	۹۴	مجله امامت پژوهی - پژوهشی

محل چاپ	سال تألیف	چکیده	گونه‌شناسی	عنوان مقاله	نام نویسنده	ردیف
مجله مطالعات تطبیقی قرآن و حدیث	۹۴	با روش تحلیلی توصیفی، درصدد بررسی میزان و نحوه کاربرد قواعد تفسیری نزد این دو مفسر است تا از این رهگذر، منازعات دیرینه شیعه و سنی حول موضوع ولایت، ریشه‌یابی شود	تفسیری	نگاهی تطبیقی به جایگاه تفسیری در مجمع البیان و مفاتیح الغیب (با محوریت آیه ولایت)	صالحه شریفی و محمد فاکر میندی	۱۹
مجله نامه جامعه	۹۴	با استناد به نظر علما و مفسرین شیعه، دیدگاه آلوسی را نقد و بررسی می‌کند	تفسیری کلامی	نقد دیدگاه آلوسی در آیات اکمال و تبلیغ	هاجر خادم‌زاده چکانه و علیرضا رستمی هراتی	۲۰
مجله آموزه‌های قرآنی	۹۴	دارد	علم قرآن	تحلیل شیوه‌های تأثیرپذیری خطبه غدیر از قرآن کریم	زهرا بابا احمدی میلانی، نصرت نیل‌ساز و محمد علی مهدوی‌راد	۲۱
مجله تحقیقات کلامی - پژوهشی	۹۴	ابعاد امامت با تکیه بر نامه‌های امام علی <small>علیه السلام</small> تا امام باقر <small>علیه السلام</small> تحلیل شده است. بنابراین، نصوص مکتوب امامت، با یک مفهوم چندبعدی است که ابعادش از هم انفکاک‌ناپذیرند و لازمه پیشوایی امت، دارا بودن اوصاف الهی، انصاف به پیامبر <small>صلی الله علیه و آله</small> و بهره‌مندی از صفات شخصی بارز است	کلامی	مؤلفه‌های بنیادین امامت در نامه‌های معصومان <small>علیهم السلام</small> از امام علی <small>علیه السلام</small> تا امام باقر <small>علیه السلام</small>	فاطمه شریعتی کمال‌آبادی و علی‌راد	۲۲

ردیف	نام نویسنده	عنوان مقاله	گونه‌شناسی	چکیده	سال تألیف	محل چاپ
۲۳	ربابه طاهری دوست‌آباد و حسن مجیدی	سیر تاریخی بنای مسجد غدیر تا تخریب	تاریخی	دار (انگلیسی)	۹۴	مجله پژوهش‌نامه علوی
۲۴	اعظم شمس‌الدینی فرد و ابوالحسن امین مقدسی	نیم‌نگاهی به غدیریه‌های عربی	ادبی	دار	۹۵	مجله پژوهش‌نامه علوی
۲۵	مرضیه درویشی و احسان قدرت‌اللهی	گریش‌های شیعی در تصوف علاءالدوله سمنانی	کلامی - عرفانی	دیدگاه‌های علاءالدوله درباره واقعه غدیر خم و منصب جانشینی پیامبر ﷺ	۹۵	مجله شیعه‌شناسی
۲۶	بی‌بی صدیق‌ه مکی و سید رضا موسوی و محمد رسول آهنگران	هواشناسی غدیر در پاسخ به پرسش «آیا در غدیر، هوا گرم بود؟»	جغرافیایی		۹۵	مجله معرفت‌کلامی
۲۷	پروانه عروج‌نیا و شهرام صحرائی	نگاهی نو به معنای ولایت	کلامی - عرفانی	دار	۹۶	مجله پژوهش‌نامه عرفان
۲۸	زینب سادات حسینی و عبدالرحمن باقرزاده	یوم‌الرحمه و تحلیل مواجهه شاهان غدیر خم با آن	تاریخی	دار	۹۶	مجله پژوهش‌نامه امامیه

ردیف	نام نویسنده	عنوان مقاله	گونه‌شناسی	چکیده	سال تألیف	محل چاپ
۲۹	فاطمه زهرا آل ابراهیم و عباس اسماعیلی‌زاده	ارزیابی ارتباط آیه هفتم سوره انبیا با نصب امام علی <small>علیه السلام</small>	علوم قرآن	مطابق برخی روایات اهل بیت <small>علیهم السلام</small> ؛ نزول سوره شبح، به‌ویژه آیه «فإذا فرغنا نصب» به‌واقع غدیر خم و امامت امت اسلامی مربوط می‌شود. اثبات این مطلب، با سه جانش جلدی روبه‌رو است؛ الف) فقدان خاستگاه روایی ب) مکی بودن سوره سج) هم‌امنگ نبودن با قرأت	۹۶	مجله علوم و قرآن و حدیث
۳۰	رزیتا خواجه‌پور و علیرضا صابریان	امامت حضرت علی <small>علیه السلام</small> از دیدگاه احادیث شیعیه و سنی	روایی	داد	۹۶	مجله مطالعات علوم سیاسی و حقوق و فقه
۳۱	سیده زینب حسینی‌زاده، فتحیه فتاحی‌زاده و محمد جانی‌پور	تحلیل محتوای سه خطبه غدیر با رویکرد لایه‌شناسی مضمونی	روایی	داد	۹۷	مجله مطالعات فقه حدیث
۳۲	مترجم: ناهید برومند و محمد علی محمدی قره‌قانی (نویسنده: سید محمد رضوی)	خاروشناسان و واقعه غدیر خم	کلامی	داد	۸۶	مجله سفینه - ترویجی

ردیف	نام نویسنده	عنوان مقاله	گونه‌شناسی	چکیده	سال تألیف	محل چاپ
۲۳	زهرا صالحی ساداتی و حسین آقا حسینی	تحلیلی بر بازتاب جشن‌ها و عیدها در شعر فارسی تا سده هفتم	ادبی	دارد	۸۶	مجله جستارهای ادبی
۲۴	مریم همزری شیخ طبعی و سید محمدباقر حجتی	نقد و بررسی دیدگاه‌های تفسیری فخر رازی در باب دو آیه تبلیغ و اکمال	تفسیری - کلامی	این نوشتار بر آن است تا به بیان اقوال و نظرات تفسیری فخر رازی پرداخته و با کمک ادله امامیه، اقوال و دیدگاه‌های او را به چالش کشاند و به تحلیل و نقد آنها بپردازد تا با بررسی دو آیه تبلیغ و اکمال و بیان ادله مناسب عقلی، نقلی و تاریخی، بر دیدگاه و قول امامیه مبنی بر مسئله وصایت و جانشینی حضرت علی <small>علیه السلام</small> و پس از پیامبر <small>صلی الله علیه و آله</small> صحه بگذارد	۸۸	مجله صحیفه مبین - پژوهشی

جدول ۳ - معرفی مقالات مشترک بانوان و آقایان با موضوع غدیر خم

ردیف	نام نویسنده	عنوان مقاله	گونه‌شناسی	چکیده	سال تألیف	محل چاپ
۱	مترجم: ناهید برومند و محمدعلی محمدی توهفانی (نویسنده: سید محمد رضوی)	خاورشناسان و واقعه غدیر خم	کلایی	دارد	۸۶	مجله سفینه - ترویجی
۲	زهر صالحی ساداتی و حسین آقا حسینی	تحلیلی بر بازناب جشن‌ها و عیدها در شعر فارسی تا سده هفتم	ادبی	دارد	۸۶	مجله جستارهای ادبی
۳	مریم همزی شیخ طبعی و سید محمدباقر حجتی	نقد و بررسی دیدگاه‌های تفسیری فخر رازی در باب دو آیه تسلیخ و اکمال	تفسیری - کلایی	این نوشتار بر آن است تا به بیان اقوال و نظرات تفسیری فخر رازی پرداخته و با کمک ادله امامیه، اقوال و دیدگاه‌هایی او را به چالش کشاند و به تحلیل و نقد آنها بپردازد تا با بررسی دو آیه تسلیخ و اکمال و بیان ادله مناسب عقلی، نقلی و تاریخی، بر دیدگاه و قول امامیه مبنی بر مسئله وصایت و جانشینی حضرت علی <small>علیه السلام</small> پس از پیامبر <small>صلی الله علیه و آله</small> صحه بگذارد	۸۸	مجله صحیفه مبین - پژوهشی
۴	نصوه باجی و قاسم بستانی	حضرت فاطمه <small>علیها السلام</small> و دفاع از ولایت	تاریخی	دارد	۸۹	مجله بانوان شیعه



ردیف	نام نویسنده	عنوان مقاله	گونه‌شناسی	چکیده	سال تألیف	محل چاپ
۵	زهرا پیشگاهی فرد و بهرام نصراللهی زاده	حضرت علی <small>علیه السلام</small> و نقش آرای عمومی در شکل‌گیری نظام سیاسی آرمانی تشیع (امامت)	کلامی تاریخی	قابل جمع بودن نصب الهی و انتخاب مردم و به فعلیت رساندن ولایت امام منصوب از جانب خداوند، بررسی شده است	۸۹	مجله شیعه‌شناسی - پژوهشی
۶	فرشته دهقانی، داریوش کاظمی و عنایت‌الله شریف‌پور	بازتاب جشن‌های ایرانی و اعیاد اسلامی در شعر شهریار	ادبی	دارد	۸۹	مجله مطالعات ایرانی
۷	معصومه عبداًلله و امیرتوحیدی	بررسی سندی زیارت حضرت امیرالمؤمنین علی <small>علیه السلام</small> در روز غدیر	روایی	ندارد	۸۹	مجله مطالعات نقد ادبی
۸	سارا چالاک و ایوب مرادی	سیمای امام علی <small>علیه السلام</small> در شعر سنایی	ادبی	دارد	۸۹	مجله نامه پارسی
۹	نفسیه سادات موسوی زاده و اسماعیل سلطانی بیرای	حوزه ارتباط زمان و مکان نزول و تفسیر قرآن	علوم قرآن	نقش زمان و مکان نزول بر تفسیر قرآن و تعیین حوزه کاربرد آن در فهم مقصود آیات نیازمند تبیین است با ملاحظه سوره که در سال دهم هنگام باگشت از حجة الوداع در غدیر خم بوده	۹۰	مجله معرفت - ترویجی

ردیف	نام نویسنده	عنوان مقاله	گونه‌شناسی	چکیده	سال تألیف	محل چاپ
۱۰	شیرین سالم و عباس عرب	سیمای امام علی <small>علیه السلام</small> در اشعار سید حمیری	ادبی	داد	۹۱	مجله لسان مبین
۱۱	سمیرا باریکانی و محمد همایون سپهر	بررسی مردم‌شناختی اعیاد مذهبی در کالان شهر تهران	مردم‌شناسی	اعیاد مذهبی شیعه، معرفی و توصیف می‌شود	۹۲	مجله فرهنگ مردم ایران
۱۲	رعنا نصیریپور ملکی و حمید والی زاده	جایگاه ولایت امام علی <small>علیه السلام</small> و حقیقت متجلی در غدیر خم در آئینه غدیری‌های شریف رضی، ابوفراس همدانی و ابن روهی	ادبی	در این موجز سعی شده با نگاهی نو به ترجمه و تحلیل ابیات، تصویری راستین از احساس قطری و خرد پاک این شاعران بزرگ نسبت به واقعه غدیر و جایگاه ولایت امیرالمومنین <small>علیه السلام</small> ارائه گردد	۹۲	مجله ادبیات شیعه
۱۳	زیب شریفان و حسن مجیدی	بررسی واقعه غدیر در شعر شاعران مسیحی	ادبی	داد	۹۲	مجله سقینه
۱۴	هاجر زمانی، رسول بلاوی و علی خضری	تجلی اندیشه‌ها و حرارت تاریخی شیعه در شعر سید حمیری	ادبی	ندارد	۹۳	مجله ادبیات شیعه

ردیف	نام نویسنده	عنوان مقاله	گونه‌شناسی	چکیده	سال تألیف	محل چاپ
۱۵	مهنین حاجی زاده و مسعود باوان پیوری	بررسی مدح علوی در دیوان بلون العار بلون الغدیر اثر معروف عبدالمجید	ادبی	با تکیه بر روش توصیفی تحلیلی، مدح علوی را در این دیوان بررسی کند	۹۳	مجله پژوهش نامه نهج البلاغه
۱۶	بتول ملکی، شهید بانو نوری و عونت‌الله مولایی نیا	آیات ولایت در پژوهش‌های فریقین؛ شبهه‌ها و پاسخ‌ها	علوم قرآن	با روش توصیفی تحلیلی و با استفاده از پژوهش‌ها و منابع حدیثی، کلامی، تفسیری و رجالی فریقین	۹۳	مجله مطالعات تطبیقی قرآن و حدیث
۱۷	زهره کیانی و محمد رضا حاجی اسماعیلی	نقد آرای عثمان خمیس در کتاب نگرشه نو به تاریخ صدر اسلام در پیدا رنگاری واقعه غدیر	کلامی	مستندات شیعه را در مواجهه با پیدا رنگاری این واقعه تاریخی، تبیین کرده است	۹۳	مجله پژوهش نامه علوی
۱۸	انسبیه نجفی فوید و محمد دزفولی	عوامل و زمینه‌های عدم پذیرش ولایت امیرالمؤمنین <small>علیه السلام</small> در کلام حضرت زهرا <small>علیها السلام</small>	روایی - تاریخی	با بررسی خطبه‌ها، گفتگوها و روایات حضرت زهرا <small>علیها السلام</small> به واکاوی پیدا رنگارسانه عدم گرایش مردم به ولایت حضرت علی <small>علیه السلام</small> می‌پردازد که عبارتند از: عوامل بیرونی (تاریخی - اجتماعی) و درونی (روانی، اعتقادی و عملی)	۹۴	مجله امامت پژوهی - پژوهشی

ردیف	نام نویسنده	عنوان مقاله	گونه‌شناسی	چکیده	سال تألیف	محل چاپ
۱۹	صالحه شریفی و محمد فاکر میندی	نگاهی تطبیقی به جایگاه تفسیری در مجمع البیان و مفاتیح الغیب (با محوریت آیه ولایت)	تفسیری	با روش تحلیلی توصیفی، درصدد بررسی میزان و نحوه کاربرد قواعد تفسیری نزد این دو مفسر است تا از این رهگذر، منازعات دیرینه شیعه و سنی حول موضوع ولایت، ریشه‌یابی شود	۹۴	مجله مطالعات تطبیقی قرآن و حدیث
۲۰	هاجر خادم‌زاده یگانه و علیرضا رستمی‌هراتی	نقد دیدگاه آلوسی در آیات اکمال و تبلیغ	تفسیری کلامی	با استناد به نظر علما و مفسرین شیعه، دیدگاه آلوسی را نقد و بررسی می‌کند	۹۴	مجله نامه جامعه
۲۱	زهره بابا احمدی میلانی، نصرت نیل‌ساز و محمدعلی مهدوی‌راد	تحلیل شیوه‌های تأثیرپذیری خطبه غدیر از قرآن کریم	علوم قرآن	داده	۹۴	مجله آموزه‌های قرآنی
۲۲	فاطمه شریعتی کمال‌آبادی و علی راد	مؤلفه‌های بنیادین امامت در نامه‌های معصومان <small>علیهم‌السلام</small> از امام علی <small>علیه‌السلام</small> تا امام باقر <small>علیه‌السلام</small>	کلامی	ایجاد امامت با تکیه بر نامه‌های امام علی <small>علیه‌السلام</small> تا امام باقر <small>علیه‌السلام</small> تحلیل شده است. بنابراین نصوص مکتوب امامت، باک مفهوم چندبعدی است که ابعادش از هم انفکاک‌ناپذیرند و لازمه پیشوایی امت، دارا بودن اوصاف الهی، انصاف به پیامبر <small>صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم</small> و بهره‌مندی از صفات شخصی بارز است	۹۴	مجله تحقیقات کلامی - پژوهشی

ردیف	نام نویسنده	عنوان مقاله	گونه‌شناسی	چکیده	سال تألیف	محل چاپ
۲۳	ربابه ظاهری دوست‌آباد و حسن مجیدی	سیر تاریخی بنای مسجد غدیر تا تخریب	تاریخی	دارد (انگلیسی)	۹۴	مجله پژوهش‌نامه علوی
۲۴	اعظم شمس‌الدینی فرد و ابوالحسن امین مقدسی	غدير پیه‌های عربی	ادبی	دارد	۹۵	مجله پژوهش‌نامه علوی
۲۵	مرضیه درویشی و احسان قدرت‌اللهی	گرایش‌های شیعی در تصوف علاء‌الدوله سمنانی	کلامی - عرفانی	دیدگاه‌های علاء‌الدوله درباره واقعه غدیر خم و منصب جانشینی پیامبر ﷺ	۹۵	مجله شیعه‌شناسی
۲۶	بنی‌بنی صدیقیه مکی و سید رضا موسوی و محمد رسول‌آهنگران	هوشناسی غدیر در پاسخ به پرسش «آیا در غدیر، هوگرم بود؟»	جغرافیایی		۹۵	مجله معرفت‌کلامی
۲۷	پروانه عروج‌نیا و شهرام صحرائی	نگاهی نو به معنای ولایت	کلامی - عرفانی	دارد	۹۶	مجله پژوهش‌نامه عرفان
۲۸	زینب سادات حسینی و عبدالرحمن باقرزاده	بیم‌الرحمه و تحلیل مواجهه شاهدان غدیر خم با آن	تاریخی	دارد	۹۶	مجله پژوهش‌نامه امامیه

ردیف	نام نویسنده	عنوان مقاله	گونه‌شناسی	چکیده	سال تألیف	محل چاپ
۲۹	فاطمه زهرا آل ابراهیم و عباس اسماعیلی زاده	ارزیابی ارتباط آیه هفتم سوره انشراح با نصب امام علی <small>علیه السلام</small>	علوم قرآن	امامت امت اسلامی مربوط می‌شود. فرصت فائض»، به واقعه غدیر خم و نزول سوره شرح، به ویژه آیه «فاذا مطبق برخی روایات اهل بیت <small>علیهم السلام</small> ،	۹۶	مجله علوم و قرآن و حدیث
۳۰	رزیتا خواجه پور و علیرضا صابریان	امامت حضرت علی <small>علیه السلام</small> از دیدگاه احادیث شیعه و سنی	روایی	دارد	۹۶	مجله مطالعات علوم سیاسی و حقوق و فقه
۳۱	سیده زینب حسینی زاده، فتحیه فتاحی زاده و محمد جانی پور	تحلیل محتوای سه خطبه غدیر با رویکرد لایه‌شناسی مضمونی	روایی	دارد	۹۷	مجله مطالعات فهم حدیث

جدول ۴ - آمار مقالات در دهه‌ها

تعداد مقالات	دهه
۵	دهه ۷۰
۲۵	دهه ۸۰
۲۵	دهه ۹۰

جدول ۵ - آمار رویکردها در بازه زمانی ۱۳۷۹ - ۱۳۹۷

سال	ادبی	هنری	روایی	روایی قرآنی	روایی تاریخی	تاریخی	تفسیری	علوم قرآنی	کلامی	کلامی عرفانی	تاریخی کلامی	تفسیری کلامی	کلامی	جغرافیایی	ادبیات عرب	مردم‌شناسی
۷۹			۱	۱						۱						
۸۰		۱														
۸۱		۱														
۸۳											۱					
۸۴					۱											
۸۵	۱															

۸۶	۱												مردم‌شناسی
۸۷													ادبیات عرب
۸۸													جغرافیایی
۸۹	۱												کلامی
۹۰	۲												تفسیری
۹۱	۱												کلامی
۹۲	۲												تاریخی
۹۳	۲												کلامی عرفانی
۹۴													کلامی
۹۵	۲												علوم قرآنی
۹۶	۲												تفسیری
۹۷	۱												تاریخی
۹۸													روایی
۹۹													تاریخی
۱۰۰													روایی قرآنی
۱۰۱	۱												روایی
۱۰۲													هنری
۱۰۳													ادبی
۱۰۴													سال



## فهرست منابع

۱. ارفع، فاطمه سادات، ۱۳۸۴ ش، «حامیان ولایت»، بانوان شیعه، ش ۳.
۲. برومند، ناهید و محمدی قره‌قانی، محمدعلی، ۱۳۸۶ ش، «خاورشناسان و واقعه غدیر خم»، سفینه، ش ۱۴.
۳. پاک‌روان، مرضیه، ۱۳۸۴ ش، «مرز نوآوری و بدعت»، نامه جامعه، ش ۱۷.
۴. تقی‌نژاد، مهین‌بری، ۱۳۹۵ ش، «سیمای امام علی علیه السلام در ادبیات عرب و پارسی»، تحقیقات جدید در علوم انسانی، ش ۷.
۵. چالاک، سارا و مرادی، ایوب، ۱۳۸۹ ش، «سیمای امام علی علیه السلام در شعر سنایی»، نامه پارسی، ش ۵۳.
۶. رضی بهابادی، بی‌بی‌سادات، فتاحی‌زاده، فتحیه؛ حاجی‌عسگری، زهرا و معتمد‌لنگرودی، فرشته، ۱۳۹۵ ش، «روش‌شناسی استنادهای علامه امینی در اثبات ولایت امام علی علیه السلام در الغدیر»، پژوهش‌نامه نهج البلاغه، ش ۵۰.
۷. زاهدی، شمس‌السادات و محمدی، ابوالفضل، ۱۳۸۴ ش، «فراتحلیل راهی به سوی شناسایی ارزشیابی ترکیب و تلخیص پژوهش‌های گذشته»، فصلنامه مطالعات مدیریت، ش ۴۷.
۸. سبحانی، جعفر، ۱۳۹۵ ش، کنگره بین‌المللی امام سجاد علیه السلام، برگرفته از: [www.tohid.ir](http://www.tohid.ir)
۹. شریفیان، زینب و مجیدی، حسن، ۱۳۹۲ ش، «بررسی واقعه غدیر در شعر شاعران مسیحی»، سفینه، ش ۳۸.
۱۰. شمس، علیرضا، ۱۳۸۷ ش، «غدیر خم در آثار شرق شناسان»؛ [pajoohe.ir](http://pajoohe.ir)
۱۱. عابدی، احمد؛ عریضی، حمیدرضا و محمدزاده، فاطمه، ۱۳۸۵ ش، «درآمدی بر روش پژوهش فراتحلیل در تحقیقات آموزشی»، حوزه و دانشگاه، ش ۴۹، ص ۱۲۱ - ۱۴۰.
۱۲. فرهنگ‌پور، فهیمه، ۱۳۸۳ ش، «جانشینی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم»، انتقال کاریزما، تاریخ اسلام، ش ۱۸.
۱۳. کیانی، محمدحسین، ۱۳۹۲ ش، «چالش تربیت اسلامی»، تربیت تبلیغی، ش ۱.
۱۴. لالانی، آرزینا، ۱۳۸۱ ش، نخستین اندیشه‌های شیعی، ترجمه: فریدون بدره‌ای، تهران: شرفروزان فر.
۱۵. مطهری، مرتضی، ۱۳۹۰ ش، مجموعه آثار، تهران: صدرا.
۱۶. معینی‌نیا، مریم، ۱۳۷۹ ش، «بررسی فضایل حضرت علی علیه السلام و مسئله امامت»، فقه و حقوق خانواده، ش ۲۸.
۱۷. مکی، بی‌بی صدیقه؛ موسوی واعظ، سیدرضا و آهنگران، محمدرسول، ۱۳۹۵ ش، «هواشناسی غدیر»، معرفت کلامی، ش ۱.
۱۸. نصیری‌پور ملکی، رعنا و والی‌زاده، حمید، ۱۳۹۲ ش، «جایگاه والای امام علی علیه السلام و حقیقت متجلی در غدیر خم در آیین غدیریه‌های شریف رضی، ابوفراس همدانی و ابن‌رومی»، ادبیات شیعه، ش ۳۰.
۱۹. نیساری تبریزی، رقیه، ۱۳۸۵ ش، «تبیین دیدگاه مولانا در مورد امیرمومنان علیه السلام و بازنمایی جلوه‌هایی از کلام ایشان در اشعار مولانا»، ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناختی، ش ۳.
۲۰. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری؛ <http://www.leader.ir/fa>



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
فَرْحَانُ الشَّرِيفِ

# واکاوی شخصیت وکیل اول امام مهدی با تأکید بر منابع تاریخی - روایی

حکیمه احسانی<sup>۱</sup>

## چکیده

شیعیان تا قبل از آغاز دوره غیبت به امام معصوم دسترسی مستقیم داشتند و در مسائل و مشکلات به ایشان مراجعه می کردند. با آغاز غیبت جامعه شیعیان دچار چالش و بحران گردید. امامان شیعه علیهم السلام برای حل چالش ها و عبور از بحران ها از سازمان وکالت و برخی وکلای امین برای رتق و فتق امور شیعیان استفاده کردند. طبیعی است که شخصیت وکلا و ویژگی های آنها در چنین وضعیتی خاص است و مطالعه این شخصیت ها و بررسی نقش آنها و تحلیل فعالیت شان در آن دوره برای مطالعه تاریخ تشیع و تبیین وضعیت اجتماعی و فرهنگی شیعیان بسیار کاربرد دارد. این تحقیق با روش توصیفی - تحلیلی به دنبال واکاوی شخصیت عثمان بن سعید اولین وکیل امام مهدی علیه السلام و بررسی فعالیت های او بر اساس منابع تاریخی و حدیثی خواهد بود. یافته های تحقیق نشان می دهد وظایف وکیل اول امام زمان علیه السلام در بعد سیاسی و اجتماعی، شامل زدودن شک و حیرت مردم، پنهان کردن نام امام و تقیه کردن و در بعد فرهنگی، شامل آموزش عملی معارف اهل بیت علیهم السلام و پاسخ گویی به پرسش های فقهی بوده است.

واژگان کلیدی: امام مهدی علیه السلام، عصر غیبت، نواب خاص، عثمان بن سعید، سازمان وکالت.

۱. دانشجوی دکتری رشته تاریخ اسلام، دانشگاه ادیان و مذاهب اسلامی، قم، ایران؛ h.sani94@gmail.com

## مقدمه

بر اساس تدبیر الهی، انسان‌ها نیازمند رهبر و راهنمایی هستند که آنها را به سوی کمال و سعادت راهنمایی کنند. در نظام اعتقادی شیعه، بعد از هدایت و ارشاد پیامبر ﷺ، این امر به ائمه اطهار ﷺ واگذار شده است. امامان معصوم ﷺ در طول حیات خود، به طور مستقیم با مردم در ارتباط بودند و مردم از وجود آنان بهره می‌بردند. این وضعیت، تا پایان امامت امام یازدهم تداوم یافت، اما در عصر امامت امام دوازدهم، شرایط تغییر یافت و امام عصر از منظر عامه مردم غایب گردید و شیوه ارتباط امام با مردم، از طریق وکلای خاص صورت می‌گرفت. نیابت خاصه، به معنای جانشینی یک شخص از سوی امام برای برقراری ارتباط مردم با او در مواردی است که ارتباط مستقیم مردم با وی ممکن نیست. در این شرایط امام، افراد خاصی را به عنوان نایب خود قرار می‌دهد. امام باید شخصاً نایبش را به مردم معرفی نموده یا نایب قبل از او، نایب جدید را به مردم بشناساند. بدین جهت، انتخاب وکلای خاص در دوران غیبت صغری و واگذاری این مسئولیت به فقیهان در دوران غیبت کبری، شیوه‌ای است که از سوی ائمه اطهار ﷺ تعیین شده است.

مسئله ما در این نوشتار نیز پرداختن به شخصیت این فقیه وارسته و عالم تشیع است؛ اینکه ایشان چه ویژگی‌های علمی، فرهنگی و اجتماعی داشته و ملاک انتخاب ایشان به عنوان نایب حضرت چه بوده است؟ ذکر این نکته ضروری است که معرفی و شناخت شخصیت‌هایی مانند نواب و وکلای ائمه ﷺ، به مثابه الگویی از شیعیان راستین و حقیقی اهل بیت ﷺ، می‌تواند نقش هدایت‌کننده برای انتخاب درست مسیر سعادت و کمال باشد. شناختن شخصیت عثمان بن سعید که از نواب خاص امام عصر عکال الله تعالی و مورد اعتماد ائمه ﷺ قبل از آن حضرت بود، از این منظر دارای اهمیت بسیاری بوده و علاوه بر الگودهنده بودن ایشان، ابعاد شخصیتی و فردی وی برای عموم مسلمانان، مایه تکریم مقام علم و اخلاص و عمل به شمار خواهد آمد. از سویی دیگر معرفی شخصیت ایشان می‌تواند ادعاهای کذب برخی از نواب ساختگی و مدعیان دروغگو را برملا ساخته و مانع از انحراف جوامع دینی گردد. نوشتار حاضر به دنبال اهدافی از قبیل شناسایی ویژگی‌های فردی و

اجتماعی شخصیت عثمان بن سعید، تبیین ابعاد فرهنگی و اجتماعی شخصیت ایشان، تبیین و شناخت شیوه‌های ارتباط امام زمان عجل الله تعالی فرجه با پیروان خود و نیز ترسیم الگویی مناسب و مطلوب از شیعه حقیقی است.

## ۱. ادبیات موضوع

### ۱-۱. پیشینه پژوهش

با توجه به بررسی‌های انجام‌شده، کتاب، پایان‌نامه یا مقاله علمی درباره شخصیت نایب اول امام عصر عجل الله تعالی فرجه به طور مستقل، بسیار اندک پدید آمده است. همچنین از منابع شیعه، اطلاعات کمی در مورد زندگی و شخصیت نایب اول به دست می‌آید. با بررسی متون تاریخی و منابع شیعی حدیثی، چنین به دست می‌آید که عمده مطالب موجود در این باره، صرفاً در حد نقل احادیثی از ائمه علیهم‌السلام درباره شخصیت عثمان بن سعید و یا ذکر توقیعات و توصیه‌های امام عصر عجل الله تعالی فرجه، در کتب مختلف و به صورت پراکنده آمده است و تبیین و تحلیل خاصی در این باب مشاهده نمی‌شود. کتاب «الغیبه» شیخ طوسی و «کمال الدین و تمام النعمه» شیخ صدوق، از جمله منابعی است که در کنار دیگر نواب خاص امام عصر عجل الله تعالی فرجه، به شخصیت عثمان بن سعید پرداخته‌اند. در دوران معاصر نیز محققان عمدتاً با بهره‌گیری از منابع حدیثی، به زندگی نواب اربعه دست یافتند که با بررسی آنها نیز کلی‌گویی و ذکر تنها مباحث پیشین در قالبی نو، از این آثار به دست می‌آید. برخی از این آثار عبارتند از:

- کتاب «زندگانی نواب خاص امام زمان» اثر علی غفارزاده است که در دو بخش با عناوین مباحث مقدماتی و زندگانی نواب خاص امام زمان عجل الله تعالی فرجه تدوین یافته است. این کتاب در عین بهره‌مندی از قلمی روان و نشری شیوا و ساده، از منابع خوبی استفاده کرده است، ولی به همه زوایا و ابعاد شخصیت نواب اربعه و از جمله نایب اول، به تفصیل و مطلوب نپرداخته است.

- مقاله «مروری بر زندگی‌نامه و فضایل اخلاقی نایب اول امام زمان عجل الله تعالی فرجه عثمان بن سعید عمری»، نوشته روح‌الله سلطانی، نشریه خلق، شماره ۷۰، سال ۱۳۹۸؛ به زندگی این شخصیت بزرگ جهان تشیع پرداخته است. نویسنده سعی کرده، در مروری

اجمالی، به سیر زندگی و فضیلت‌های اخلاقی وی اشاره کند و لذا ورودی به ابعاد دیگر شخصیت ایشان مخصوصاً جنبه اجتماعی آن نداشته است.

- مقاله «بررسی نقش عثمان بن سعید عمری در رخداد‌های دوره امام حسن عسکری و امام مهدی عجالت‌الله‌عنه» به قلم مجید احمدی کچایی و عباس میرزایی، فصلنامه مشرق موعود عجالت‌الله‌عنه، سال ۱۴، شماره ۵۵، ۱۳۹۹، ص ۱۳۱ - ۱۴۶؛ در نتیجه‌گیری مقاله آمده است که عثمان بن سعید، یکی از اجزای اصلی نهاد وکالت بود که در دوران زندگی امام عسکری عجالت‌الله‌عنه و ابتدای غیبت صغری، به عنوان وکیل درجه یک امامیه طرح شد. وی در زمان امام عسکری عجالت‌الله‌عنه توانست بسیاری از مهمات این دوران از جمله امور مالی را به فرمان امام به انجام برساند و در غیبت صغری نیز سعی وافری داشت تا مشکلات به وجود آمده درباره غیبت امام دوازدهم را به کمک امام مهدی عجالت‌الله‌عنه و برخی دیگر از کارگزاران ایشان مرتفع سازد. نقش آفرینی او در تاریخ شیعه به اندازه‌ای بود که می‌توان عثمان را از جمله حلقه تکمیل تاریخ شیعه امامی دوره غیبت و دوره حضور در نظر گرفت.

با توجه به فقر منبع در این زمینه، آثار پیشین، شناخت جامعی از زندگانی این نایب خاص نمی‌دهند و پیشینه مستقل و قابل توجهی درباره آن ارائه نشده است؛ چنان‌که در مقاله سلطانی، تنها به فضایل عثمان پرداخته و در مقاله احمدی کچایی و میرزایی، صرفاً به بعد رخدادها توجه شده است.

مقاله حاضر درصدد است گامی فراتر نهاده و شخصیت عثمان بن سعید را با نگاهی تحلیلی و به صورت مستقل، واکاوی کرده و ضمن معرفی و تبیین دقیق تر ابعاد و زوایای شخصیتی ایشان، میزان و تأثیر نفوذ جانشین امام زمان عجالت‌الله‌عنه، بیشتر آشکار گردد. برای این منظور، ابتدا می‌بایست با نگاهی گذرا، وضعیت عصر شروع امامت امام دوازدهم و شرایط شکل‌گیری دوران غیبت صغری بررسی شود که از مسائل مهم در این باره، چگونگی شخصیت نایبان، از جمله، عثمان بن سعید است.

## ۱-۲. مفهوم‌شناسی

### ۱-۲-۱. عصر غیبت

عصر امامت پس از رسول خدا ﷺ به دو دوره عصر حضور ائمه علیهم‌السلام (سال‌های ۱۱-۲۶۰ق) و عصر غیبت امام دوازدهم (پس از سال ۲۶۰ق) تقسیم می‌شود. غیبت امام مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه، به معنی پنهان بودن جسم حضرت عجل‌الله‌تعالی‌فرجه از دیدگان و ناشناس بودن ایشان بین مردم است (شیخ صدوق، ۱۴۰۵، ج ۲، ص ۶۴۸). طبق روایت امام صادق علیه‌السلام: «إِنَّ لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ غَيْبَتَيْنِ» (نعمانی، ۱۳۹۷ق، ص ۱۷۲)، غیبت امام مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه دو مرحله دارد. در روایت دیگری توضیح داده است که این دو غیبت: «إِخْدَاهُمَا أَطْوَلُ مِنَ الْأُخْرَى كَمَا جَاءَتْ بِذَلِكَ الْأَخْبَارُ فَأَمَّا الْقُصْرَى مِنْهُمَا فَفُتْنَةٌ وَفَتْنَةُ مَوْلِدِهِ إِلَى انْقِطَاعِ السِّفَارَةِ بَيْنَهُ وَبَيْنَ شِيعَتِهِ وَعَدَمِ السُّفْرَاءِ بِالْوَفَاةِ وَأَمَّا الطُّوْلَى فَهِيَ بَعْدَ الْأَوَّلَى وَفِي آخِرِهَا يَقُومُ بِالسِّيْفِ؛ يَكُونُ كَوْنَهُ تَر (صغری) و دیگری طولانی‌تر (کبری) است و پس از آن، قیام و ظهور رخ خواهد داد». (شیخ مفید، ۱۳۳۹، ج ۲، ص ۳۴۱)

بنابراین غیبت صغری، از سال ۲۶۰ق، یعنی همان سال شهادت امام حسن عسکری علیه‌السلام آغاز می‌شود و تا زمان درگذشت آخرین نایب خاص امام در سال ۳۲۹ق، یعنی ۶۹ سال به طول می‌انجامد. این دوره، اوج حاکمیت شیوه ارتباطی امام با مردم از طریق وکلا بوده است و غیبت کبری از سال ۳۲۹ق تا زمان ظهور حضرت ادامه خواهد داشت. (مجله حوزه، ۱۳۷۴، ص ۱۲۲)

### ۱-۲-۲. نایب خاص

نایب به معنای جانشین و قائم مقام، به کار رفته است (ابراهیم مصطفی، ۱۹۶۵، ص ۹۶۱). بر اساس یک نظریه، واژه نایب به معنای باب، جانشینی مطلق و تنها واسطه میان امام مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه و شیعیان، مختص نواب اربعه در عصر غیبت صغری بوده است؛ برخلاف وکلای عصر حضور ائمه که به آنان نایب گفته نمی‌شد؛ زیرا با وجود معرفی افرادی به عنوان باب و وکیل، ائمه علیهم‌السلام با شیعیان مرتبط بودند. از این رو، برترین وکلای ائمه علیهم‌السلام در عصر حضور نیز نایب، جانشین و قائم مقام مطلق به شمار نمی‌آمدند (جباری، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۴۰). به کار بردن عنوان وکیل برای عثمان بن سعید در دوره امام حسن عسکری علیه‌السلام و عنوان نایب برای او در دوره امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه توسط قطب‌الدین راوندی، محدث، مفسر، متکلم، فقیه، فیلسوف و

مورخ شیعه در قرن ششم هجری، شاهی بر این نظریه است (قطب راوندی، ۱۴۰۹ق، ج ۳، ص ۱۱۱۴).  
 وکالت و نیابت عثمان بن سعید را امام هادی علیه السلام، امام عسکری علیه السلام و امام مهدی علیه السلام تصریح کرده‌اند. در کتاب الغیبه، روایتی نقل شده است که بر اساس آن، محمد بن عثمان و پدرش، عثمان بن سعید، هر دو مورد اعتماد امام حسن عسکری علیه السلام بوده‌اند. بنابراین روایت، امام حسن عسکری علیه السلام تصریح کرده است: «هرچه برسانند از طرف من می‌رسانند و هرچه گویند از من است. به حرف آنان گوش بده و از آنان پیروی کن که آنان ثقة و امین من هستند». (کلینی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۳۲۰ و طوسی، ۱۴۱۷، ص ۳۵۴، ح ۳۱۵)

### ۱-۲-۳. زمینه‌های شکل‌گیری مقام وکیل امام

از اقدامات مهمی که دو امام هادی و عسکری علیه السلام برای آماده‌سازی زمینه غیبت حضرت مهدی علیه السلام انجام دادند، انتخاب وکیل در مواردی خاص برای پاسخ‌گویی به مسائل مردم بود و به نوعی ارتباط مستقیم امام با مردم را به طور موقت قطع می‌کردند. این امر به صورت گام به گام و تدریجی برای برخی از خواص شیعیان انجام می‌پذیرفت. این واقعیت، با توجه به کلامی که مسعودی، در «اثبات الوصیه» آورده است به خوبی روشن می‌شود. او می‌گوید: «امام هادی علیه السلام از بسیاری از موالیان خود، به جز معدودی از خواص، دوری می‌گزید و زمانی که امر امامت به او رسید، با خواص خود و غیر خواص، از پشت پرده سخن می‌گفت، مگر در اوقاتی که او را به خانه سلطان می‌بردند» (مسعودی، ۱۳۸۴، ص ۲۷۲). شیعیان حضرت برای ملاقات با ایشان، در راه می‌نشستند تا در آن اوقات حضرت را ملاقات کنند. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵۰، ص ۲۹۰) به هر حال، این دو امام بزرگوار، هم به لحاظ آنکه در پادگان نظامی «سامرا» تحت کنترل حکام عباسی بودند و هم به لحاظ آنکه در عصری نزدیک به عصر غیبت می‌زیستند، غالباً نسبت به شیعه، پنهان بودند و بیشتر امور و ارتباط آنان با شیعیان، از طریق مکاتبات، توقیعات و وکلا بود. وجود چنین شرایط و وضعیتی در زمان پیش از امامت امام دوازدهم، نشان از شکل‌گیری زمینه‌های جدیدی برای ارتباط امام با مردم بود که مهم‌ترین این شیوه‌ها، انتخاب وکلای خاص و ویژه بود. در اوایل شروع دوره امامت امام دوازدهم، چنین وضعیتی



حاکم بود. امام دوازدهم شیعیان دارای دو غیبت<sup>۱</sup> است: غیبت صغری و غیبت کبری. امام امیرالمؤمنین (ع) می‌فرماید: «امام غائب ما دو غیبت خواهد داشت، که یکی طولانی‌تر از دیگری است. در دوران غیبت او، تنها کسانی در اعتقاد به امامتش پایدار می‌مانند که دارای یقینی استوار و معرفتی کامل باشند». (قدوزی حنفی، ۱۴۰۴، ج ۳، باب ۷۱، ص ۸۲)

چنانچه ذکر شد غیبت صغری از زمان شهادت امام حسن عسکری (ع) تا سال درگذشت آخرین نایب خاص امام سال ۳۲۹ ق را شامل می‌شود. با این حال شیخ مفید، آغاز غیبت صغری را از سال تولد آن حضرت، یعنی سال ۲۵۵ ق یعنی تولد امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه) حساب کرده است (مفید، ۱۳۳۹، ص ۳۴۶) و با این محاسبه، دوران غیبت صغری، ۷۵ سال خواهد بود. طبعاً نظریه شیخ مفید از این لحاظ بوده است که حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه) در زمان پدر نیز حضور و معاشرت چندانی با دیگران نداشته و از نظر کلی، غائب محسوب می‌شده است. گویا بر اساس همین ملاحظه است که محققانی مانند علامه طبرسی، سید محسن امین و سید صدرالدین صدر نیز آغاز غیبت صغری را از سال میلاد آن حضرت و مدت غیبت صغری را ۷۴ سال دانسته‌اند. (پیشوایی، ۱۳۸۶، ص ۶۷۳)

در دوران غیبت صغری، مردم توسط سفیران چهارگانه - که اشخاصی مشخص و مورد اعتماد بوده‌اند و نامشان بعداً ذکر خواهد شد - با امام در ارتباط بودند و شیعیان می‌توانستند به وسیله آنان، ضمن بیان مسائل و مشکلات خویش به عرض امام، پاسخ متناسب را دریافت دارند و حتی گاه به دیدار حضرت نائل شوند. دوره غیبت صغری را می‌توان دوران آماده‌سازی شیعیان برای غیبت کبری دانست که طی آن، ارتباط شیعیان با امام، حتی در همین اندازه نیز قطع شده و مردم موظف شدند در امور خود، به نواب عام آن حضرت، یعنی فقهای واجد شرایط و آشنایان به احکام اسلامی مراجعه نمایند.

#### ۱-۲-۴. وکلای چهارگانه

وکلای خاص امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه) در دوران غیبت صغری، که به نواب اربعه شهرت دارند،

۱. «غیبت»، در شیعه به معنای ناپیدا بودن در مقابل «ظهور» است و نه به معنای «ناپدید بودن» در مقابل «حضور». از دیدگاه شیعیان، غیبت دوره‌ای است که مهدی در میان مردم هست، ولی ظهور ندارد.

چهار تن از اصحاب و یاران با سابقه امام پیشین و از علمای پارسا و بزرگ شیعه بودند که به نواب اربعه شهرت یافتند. (دوانی، ۱۳۸۵، ص ۱۸) این افراد، به ترتیب زمانی عبارتند از: ابوعمرو عثمان بن سعید عمری، ابوجعفر محمد بن عثمان بن سعید عمری، ابوالقاسم حسین بن روح نوبختی و ابوالحسن علی بن محمد سمري. در کنار نواب اربعه مشهور، امام عصر عجل الله تعالی فرجه، وکلای دیگری نیز در مناطق مختلف سرزمین اسلامی از قبیل بغداد، قم، نیشابور و... داشته‌اند که از طریق نواب خاص امام، امورات و مسائل مردم را پیگیری و حل و فصل کرده و سؤالات آنها را پاسخ می‌دادند (طوسی، ۱۴۱۱، ص ۲۲۵). سفارت و وکالت این چهار نفر، وکالتی عام و مطلق بود، ولی دیگران در مواردی خاص، وکالت و نیابت داشته‌اند (امین، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۴۸). عثمان علاوه بر امام هادی علیه السلام، در شمار یاران مورد اعتماد امام حسن عسکری علیه السلام نیز قرار داشت و شیخ طوسی در رجال خود، عثمان بن سعید را وکیل امام عسکری علیه السلام معرفی کرده است (طوسی، ۱۴۱۱، ص ۲۲۹-۲۳۱). در روایات مختلفی نقل شده که امام عسکری علیه السلام، عثمان را خطاب قرار داده و وکیل خود دانسته، و در جای دیگری، اطرافیان را شاهد می‌گیرد که عثمان بن سعید وکیل آن حضرت است. امام او را به عنوان رئیس وکلا معرفی کرد؛ به این معنا که تمام وجوهاتی که شیعیان، توسط وکلای فرستادند، به عثمان می‌رسید و او آنها را به امام می‌رساند. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵۰، ص ۳۲۳)

## ۲. واکاوی شخصیت عثمان بن سعید

### ۲-۱. حیات فردی

ابوعمرو عثمان بن سعید عمری، از قبیل بنی اسد بود و به مناسبت سکونت در شهر سامراء، «عسکری» نیز نامیده شده است. وی به عنوان نخستین نایب خاص حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه، در شمار روایان حدیث و از شخصیت‌های برجسته قرن سوم هجری است و به مدت پنج الی هفت سال، نیابت خاصه امام زمان عجل الله تعالی فرجه را بر عهده داشت. درباره سال تولد، دوران جوانی و محل زندگی عثمان و خانواده ایشان اطلاعات چندانی در دست نیست. گفته می‌شود در یازده سالگی به عنوان خادم در منزل امام دهم، حضرت امام هادی علیه السلام کار می‌کرد و پس از آن، پیشکار امام شد. وی از اعتماد کامل آن حضرت برخوردار بود و اجرای مأموریت‌هایی به

وی سپرده می‌شد. خداوند متعال، فرزندی به او عطا کرده بود که او را عمرو نام نهاده بود و لذا کنیه‌اش ابوعمرو بود و به همین نام هم مشهور شده و در تاریخ نیز به همین نام شناخته شده است. پس از رحلت امام یازدهم، با ترک سامرا، به بغداد رفت. در آن زمان سامرا، پایتخت و مقر لشکریان خلافت عباسیان بود که از آغاز با امامان شیعه میانه خوبی نداشتند. برخی گفته‌اند احتمالاً به همین دلیل، عثمان بن سعید به بغداد مهاجرت کرد و منطقه کرخ (محل سکونت شیعیان) را مرکز رهبری سازمان امامیه قرار داد (طوسی، ۱۴۱۱، ص ۲۲۹). عثمان بن سعید دو فرزند پسر داشت که محمد، پس از وفات پدر، دومین نایب امام مهدی علیه السلام بود و احمد که نامی از او در کتب و منابع نیامده است. با این حال، در زمره مدعیان دروغین نیابت، نام فردی به نام «ابوبکر محمد بن احمد بن عثمان» آمده که تصریح شده برادرزاده محمد بن عثمان است. (صدر، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۳۷۹)

## ۲-۲. القاب نایب اول

در منابع تاریخی، برای عثمان بن سعید، القاب متعددی ذکر شده است که برخی از آنها عبارتند از:

**الف) اسدی:** چون وی از قبیله بنی اسد بود؛

**ب) عسکری:** زیرا (همانند امام حسن عسکری علیه السلام) در محله (نظامی) عسکر در سامرا سکونت داشت. شیخ طوسی محل سکونت عثمان را محله «عسکر» در پادگان شهر سامرا دانسته است و از این رو، به این لقب شهرت یافت. (طوسی، ۱۴۱۱، ص ۳۵۴)

**ج) العمری:** چون جد مادر وی، عمری بود.<sup>۱</sup> همچنین در این باره گفته شده است که امام عسکری علیه السلام فرمود: «جمع بین عثمان و ابوعمرو، تناسب ندارد». به همین دلیل، کنیه او را کوتاه‌تر کرد و وی را «عمری» نامید و فرمود: «به جای ابوعمرو، او را عمری بگویید» و به همین جهت، به عمری شهرت یافت. (جاسم حسین، ۱۳۷۹، ص ۱۴۱)

**د) سَمَّان یا زیات:** چون وی شغل روغن فروشی و زیتون فروشی داشت. لذا در محافل

۱. شیخ طوسی در کتاب الغیبه می‌نویسد: و انما سُمی العمری لما رواه ابو نصر هبة الله بن محمد بن احمد الکاتب ابن بنت ابی جعفر العمری، قال ابو نصر: کان اسدیا فنسب الی جده فقیل العمری (النعمانی، ۱۳۹۷، ص ۲۱۴). به نوشته «جواد علی»، پدر بزرگ عثمان، عمرو بن حرث صیرفی کوفی بود. (جاسم حسین، ۱۳۷۹، ص ۱۴۱)

شیعه، سَمَّان و زیات یعنی روغن فروش و زیتون فروش لقب گرفته بود. وی برای استتار فعالیت‌های سیاسی، روغن فروشی می‌کرد و اموال متعلق به امام را که شیعیان به وی تحویل می‌دادند، در ظرف‌های روغن قرار می‌داد و به محضر امام عسکری علیه السلام می‌رساند (طوسی، ۱۴۱۱، ص ۲۱۴ و مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵، ص ۳۴۴). وی همچنین برای پوشش دادن به موضوع نهاد وکالت، به تجارت زیتون اشتغال داشت. «کشی» نام او را «حفص بن عمر عمری» ذکر می‌کند که ممکن است نام مستعار وی در دیدارهای پنهانی با سایر وکلا باشد. (طوسی، ۱۳۸۲، ج ۲، ص ۸۱۳)

## ۲-۳. صفات نایب اول

### ۲-۳-۱. وثاقت

به‌طورکلی، از مهم‌ترین ویژگی‌ها و وظایف عثمان بن سعید، نخستین نایب حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه می‌توان به این موارد اشاره کرد: در خانه امام عسکری علیه السلام موقعیت ویژه‌ای داشت و حضرت بر وثاقت او تأکید کردند (طوسی، ۱۴۱۷، ص ۳۵۴). وی مورد اطمینان و امین سه امام معصوم علیهم السلام بود (طوسی، ۱۴۱۷، ص ۳۵۴ و کلینی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۳۳۰) و از نزدیکان آنها به شمار می‌رفت. امام هادی و عسکری علیهم السلام ضمن تصریح به وثاقت و امانت عثمان، پرسش‌های مردم و حتی اهل علم را به وی ارجاع می‌دادند. وی از عصر امام یازدهم، رئیس وکلا و رهبر آنها در امر وکالت بود؛ به این معنا که تمام وجوهاتی که پیروان امام توسط وکلا می‌فرستادند، به عثمان می‌رسید و او آنها را به امام می‌رساند (طوسی، ۱۴۱۷، ص ۳۵۴). همچنین هنگامی که برای امام حسن عسکری علیه السلام اجناسی از یمن آورده شده بود، ایشان ضمن معرفی عثمان بن سعید فرمودند: «او وکیل من و وکیل فرزندم است؛ اموال را به او تحویل دهید» (طوسی، ۱۴۱۱، ص ۲۲۲ و ۲۴۰؛ طبرسی، ۱۳۸۶، ص ۴۵۲ و صدوق، ۱۴۰۵، ج ۲، ص ۴۷۸). این موضوع نشان می‌دهد که وی از شأن و منزلت رفیعی نزد آن دو بزرگوار برخوردار بود؛ چنان‌که روایت شده است که امام هادی علیه السلام، به یکی از شاگردان خود می‌فرماید: «عمری، ثقه و امین است. آنچه او می‌گوید از من می‌گوید و آنچه به شما می‌رساند از من می‌رساند» (صدوق، ۱۴۰۵، ج ۱، ص ۳۲۹). همچنین در پایان دیدار چهل نفر از شیعیان با حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه، امام عسکری علیه السلام خطاب به حاضران فرمود: «آنچه عثمان (بن سعید) می‌گوید، از او بپذیرید، مطیع فرمان او باشید، سخنان او را بپذیرید،

او نماینده امام شماسست و اختیار با اوست». (طوسی، ۱۳۸۲، ج ۲، ص ۲۱۷)

امین بودن و پاکدامنی عثمان بن سعید مورد توجه ائمه (ع) بوده است: امام حسن عسکری (ع) فرمود «او پاکیزه است و امین، درستکار و پاکدامن است. به ما نزدیک است. راه او راه خداست» (خویی، ۱۹۸۳، ج ۱، ص ۲۵۴). عثمان، در اجرای مراسم ولادت حضرت مهدی (ع) حضور چشمگیری داشت و به نیابت از امام حسن (ع) عقیقه‌هایی برای امام زمان (ع) داد. (صدوق، ۱۴۰۵، ج ۲، باب ۴۲، ح ۶)

امام عسکری (ع) نیابت او را به چهل تن از بزرگان و علما از جمله حسین بن ایوب، علی بن بلال، عبدالله بن جعفر حمیری و احمد بن هلال کرخی ابلاغ فرمود. از این رو، هیچ‌کس در زمان نیابت عثمان، با وی مخالف نکرد (طوسی، ۱۳۸۹، ص ۳۰۵). گرچه مراسم نماز و دفن امام عسکری (ع) توسط امام زمان (ع) انجام شده ولی طبق برخی گزارش‌ها، عثمان پس از شهادت امام حسن عسکری (ع)، انجام مراسم کفن و دفن امام را به حسب ظاهر به عهده گرفت (طوسی، ۱۴۱۷، ص ۳۵۶، ح ۳۱۸) و به دستور امام عسکری (ع) پس از شهادت آن حضرت، عهده‌دار نیازهای خانواده آن حضرت شد. وی افزون بر آنکه از طرف امام عسکری (ع) به نیابت حضرت مهدی (ع) نصب شده بود، توسط وجود مبارک حضرت مهدی (ع) نیز به این مقام گماشته شد. کوتاه سخن آنکه عثمان بن سعید از لحاظ عقلی و فکری، در شمار نوابغ روزگار بود و علاوه بر این، ویژگی‌های خاص او همچون: تقواییشگی، پرهیزکاری و امانتداری و دیگر صفات برجسته، او را به مقام والای نیابت خاص و وکالت عامه رسانیده بود.

### ۳. حیات سیاسی و اجتماعی عثمان بن سعید

عثمان از اصلی‌ترین اصحاب و شاگردان مورد وثوق امام دهم و امام یازدهم (ع) بود. او مردی جلیل‌القدر و مورد اطمینان بود که از یازده سالگی در امام هادی (ع) به خدمتگزاری و کسب آموزه‌های اسلامی از ایشان اشتغال داشت (خویی، ۱۹۸۳، ج ۱، ص ۴۲). در ادامه مهم‌ترین ابعاد سیاسی و اجتماعی عثمان بن سعید را بررسی می‌کنیم:

### ۳-۱. رهبری سازمان وکالت

در روایاتی، به اعتماد امام معصوم به او تصریح شده است (کلینی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۳۲۰). بعد از شهادت امام هادی علیه السلام، عثمان همچنان مورد اعتماد امام حسن عسکری علیه السلام بود و امام یازدهم وی را در سمت خود ابقا کرد. هنگامی که عده‌ای از شیعیان یمنی وجوهات خود را نزد امام عسکری علیه السلام آوردند، آن حضرت، عثمان را به عنوان وکیل خود به ایشان معرفی کرد و اعلام نمود که محمد پسر عثمان نیز وکیل امام دوازدهم، حضرت مهدی علیه السلام خواهد بود (طوسی، ۱۴۱۱، ص ۲۲۹-۲۳۱ و مدرسی طباطبایی، ۱۳۷۴، ص ۱۲۹). عثمان بن سعید در دوره نیابت خود، اقدامات مهمی برای اثبات وجود و امامت حضرت مهدی علیه السلام و جانشینی خودش انجام داد. موقعیت ممتاز او در میان افراد سازمان وکالت در عصر عسکرین علیهم السلام، موجب شد وکلادعای وی را قبول کرده و از دستورهایش پیروی کنند. مدیریت سازمان وکالت، وظیفه اصلی عثمان بن سعید بود. وی در بغداد به کمک برخی دستیاران مبرزش، همچون: «احمد بن اسحاق اشعری قمی»، «محمد بن احمد بن جعفر قطان» و «حاجز بن یزید و شاء»، امور سازمان وکالت را رهبری می‌کرد. بدین ترتیب، وی امور سازمان را در شهرهای بزرگی همچون: مدائن، کوفه، واسط، بصره و اهواز، مستقیماً سرپرستی می‌کرد.

وکلای، به مراسم حج به عنوان ابزار ارتباطی خود توجه داشتند و احتمالاً سفیر از غلامان و افراد عادی برای ارتباط با حجاز بهره می‌گرفت تا توجه مقامات دولتی برانگیخته نشود. وکلای مصر، دستورهای وکلای حجاز را، به‌ویژه با عنایت به تماس آنان با مرکز سفارت در عراق، دنبال می‌کردند. در یمن نیز کارگزارانی در خدمت سازمان وکالت بودند که در تماس با سفیر اول قرار داشتند. ارتباطات سفیر با مناطق مختلف ایران همچون: آذربایجان، قم، دینور، ری و خراسان نیز برقرار بود. (آقایی و همکاران، ۱۳۸۹، ص ۱۵۱)

شیعیان بر اثر مشاهده معجزات و خوارق عادات از سوی نواب اربعه، به نیابتشان معتقد می‌شدند و قول آنها را می‌پذیرفتند. «و لم تقبل الشیعه قولهم إلا بعد ظهور آیه معجزه تظهر علی ید کل واحد منهم من قبل صاحب الأمر، تدل علی صدق مقالتهم و صحه بایتهم» (طبرسی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۲۹۵). در دوران نیابت عثمان بن سعید، توقیعات ناحیه مقدّسه، همواره از طریق وی به شیعیان ابلاغ می‌شد. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵۱، ص ۲۴۸)

### ۳- ۲. زدودن شک و حیرت درباره وجود امام مهدی عجل الله تعالی فرجه

مهم‌ترین وظیفه‌ای که نواب اربعه به‌ویژه سفیر اول یعنی عثمان بن سعید عمری بر عهده داشتند، رساندن این پیام و معنا به شیعیان بود که امام عسکری عجل الله تعالی فرجه فرزندش دارد که امام است و او، نایب خاص آن حضرت است (جعفریان، ۱۳۷۹، ص ۵۵۲ و طوسی، ۱۴۱۷، ص ۲۴۴). کرامت‌هایی که وکلای حضرت برای اثبات وجود امام زمان و سفارت خود از جانب حضرت اظهار می‌کردند بسیار گویا بود. شیخ طوسی نیز زیارت‌نامه‌هایی برای این وکلای ذکر کرده است که متن این زیارت‌نامه در کنار موقعیت والای این وکلا، در تقویت ایمان قلبی شیعیان به وجود و تأثیر حضرت دلالت دارد. در بخشی از زیارت‌نامه آمده است: «أشهد أنك باب المولى، أدیت عنه وأدیت إلیه، ما خالفته ولا خالفت علیه، والسلام علیک من سفیر ما آمنک ومن ثقه ما أمکنک». (طوسی، ۱۴۱۱، ص ۱۷۰)

### ۳- ۳. پنهان کردن نام و جایگاه امام

از دیگر اقدامات نایب اول، پنهان کردن نام و جایگاه امام است. عثمان که در رازداری و حفظ اسرار اهل بیت علیهم السلام نمونه بود، همواره از بردن نام امام زمان عجل الله تعالی فرجه و افشای محل او شدیداً اجتناب می‌کرد. آماده کردن اذهان عمومی برای غیبت کبری و عادت دادن تدریجی مردم به پنهان‌زیستی امام عجل الله تعالی فرجه از مهم‌ترین فعالیت‌های ایشان در این برهه زمانی بود تا وجود مقدس آن حضرت، از سوی حکومت عباسی و سایر دشمنان مصون بماند.

روزی عبدالله بن جعفر حمیری - صاحب قرب الاسناد که از شیعیان برجسته به شمار می‌رفت - در دیدار خود با عثمان بن سعید، پس از مقدمه‌چینی، از وی چنین پرسید: «آیا جانشین امام عسکری عجل الله تعالی فرجه را دیده‌ای؟» عثمان بن سعید پاسخ داد: «آری! آن محبوب دل‌ها را بسیار دیده‌ام» و سپس زیبایی‌های شکل و شمایل امام را توصیف نمود. عبدالله بن جعفر حمیری پرسید: «نام آن حضرت چیست؟» عمری از پاسخ به این پرسش خودداری کرد و گفت: «بر شما حرام است که در این باره پرسش کنید و من این سخن را از پیش خود نمی‌گویم - زیرا اختیاری ندارم که حلالی را حرام یا حرامی را حلال کنم - بلکه این به دستور خود او است؛ زیرا حکومت عباسی بر این باور است که امام عسکری عجل الله تعالی فرجه از دنیا رفته و فرزندش از خود باقی نگذاشته

است و به همین دلیل نیز ارث او را میان کسانی که وارث آن حضرت نبودند، تقسیم کردند. این موضوع با صبر و سکوت امام روبه‌رو شد و اکنون کسی جرأت ندارد با خانواده او ارتباط برقرار کند یا چیزی از آنها بپرسد و اگر اسم امام فاش شود، تحت تعقیب قرار می‌گیرد. زنه‌ار! زنه‌ار! خدا را در نظر بگیرید و از پیگیری این بحث، خودداری کنید». (کلینی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۳۲۹ و پیشوایی، ۱۳۸۶، ص ۲۰۱-۲۰۶)

### ۳- ۴. اخذ اموال امام زمان عجل الله تعالی فرجه الیه

از دیگر فعالیت‌های نایب خاص امام، اخذ و توزیع اموال متعلق به امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الیه است. امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الیه در همان روز شهادت امام حسن عسکری عجل الله تعالی فرجه الیه یا در روز بعد از آن و پس از مراسم خاکسپاری امام، به هیئت قمی‌ها دستور داد که از این به بعد، اموال متعلق به آن حضرت را به وکیلش (عثمان بن سعید عمّری) در بغداد تحویل دهند. در باب ذکر حدیث از ایشان، مورخین نمونه‌هایی آورده‌اند؛ از جمله اسحاق بن یعقوب می‌گوید: «از عثمان بن سعید (نایب اول) شنیدم که می‌گفت، مردی از اهل عراق نزد من آمد و مالی برای امام عجل الله تعالی فرجه الیه آورد. حضرت آن را پس داد و فرموده بود: حق پسرعمویت را که چهارصد درهم است، از آن بیرون کن. آن مرد، مبهوت و متعجب ماند و حساب اموال خود را بررسی کرد و معلوم شد زمین زراعتی پسرعمویش در دست او بوده که قسمتی را به او برگردانده و قسمتی را هنوز رد نکرده بود. وقتی کاملاً حساب کرد، معلوم شد، سهم پسرعمویش از آن زمین، چهارصد درهم می‌شود؛ همان طوری که حضرت فرموده بود. پس آن مبلغ را بیرون نمود و بقیه را تسلیم کرد و مورد قبول واقع شد». (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵۱، ص ۳۲۶، ح ۴۵ و محلاتی، ۱۴۲۶، ج ۳، ص ۳۱۲)

### ۳- ۵. فعالیت پنهانی

از اقدامات سیاسی نایب اول، فعالیت‌های پنهانی ایشان است که در رابطه با امامین شریف عجل الله تعالی فرجه الیه انجام می‌دادند. وی در پوشش روغن‌فروشی، فعالیت‌های بسیاری را انجام می‌داد و شیعیان و پیروان آن حضرت، اموال و وجوهی را که می‌خواستند به امام تحویل دهند، به او می‌رساندند. وی آنها را در ظرف‌ها و مشک‌های روغن قرار می‌داد و به حضور



امام می‌رساند. در روایتی<sup>۱</sup> در همین زمینه آمده است: داود بن اسود، خدمتگزار امام، که مأمور هیزم‌کشی و گرم کردن حمام خانه امام حسن عسکری (عج) بود، نقل کرده که حضرت فرمود: این چوب را بگیر و نزد عثمان بن سعید ببر و به او بده. من چوب را گرفتم و روانه شدم. در راه به یک نفر سقا برخوردیم. قاطر او، راه مرا بست. سقا از من خواست حیوان را کنار بزنم. من چوب را بلند کردم و به قاطر زدم. چوب شکست و من وقتی محل شکستگی آن را نگاه کردم، چشمم به نامه‌ای افتاد که در داخل چوب بود. به سرعت چوب را زیر بغل گرفته و برگشتم. وقتی به در خانه امام رسیدم، عیسی، خدمتگزار امام، کنار در به استقبال آمد و گفت: آقا و سرورت می‌گوید: چرا قاطر را زدی و چوب را شکستی؟ گفتم: نمی‌دانستم داخل چوب چیست؟ امام (عج) فرمود: چرا کاری می‌کنی که مجبور به عذرخواهی شوی؟ مبادا بعد از این چنین کاری کنی. اگر شنیدی کسی به ما ناسزا هم می‌گوید، راه خود را بگیر و برو و با او مشاجره نکن. ما در شهر و دیار بدی به سر می‌بریم. تو فقط کار خود را بکن و بدان که گزارش کارهایت به ما می‌رسد. این قضیه نشان می‌دهد که امام، اسناد، نامه‌ها و نوشته‌هایی را که سرتی بوده، در میان چوب، جاسازی می‌کرد و برای عثمان بن سعید، که شخص بسیار مورد اعتماد و رازداری بوده است، می‌فرستاد و این کار را به عهده مأمور حمام، که کارش هیزم آوردن و چوب شکستن و... بود و معمولاً سوءظن کسی را جلب نمی‌کرد، واگذار کرده بود.

افزون بر موارد فوق، نایب اول می‌کوشید در قالب تقیّه، خود را از نظارت و بازرسی‌های حکومت عباسی دور نگه دارد. او در هیچ بحث آشکار مذهبی یا سیاسی درگیر نمی‌شود. گفته‌اند که او برای پنهان‌کاری، شغل روغن‌فروشی را برگزید و وجوهات شرعی را در ظروف روغن، به امام عسکری (عج) می‌رساند. (طوسی، ۱۳۸۲، ج ۲، ص ۵۸۰)

۱. أَبُو هَاشِمٍ الْجَعْفَرِيُّ عَنْ دَاوُدَ بْنِ الْأَسْوَدِ وَقَدْ حَمَّامٌ أَبِي مُحَمَّدٍ (عج) قَالَ: دَعَانِي سَيِّدِي أَبُو مُحَمَّدٍ فَدَفَعَ إِلَيَّ خَشَبَةً كَانَتْهَا رَجُلٌ بَابِ مَدْرُورَةَ ظَوِيلَهُ مَاءً الْكَحْبِ فَقَالَ صِرْ بِهَذَا الْخَشَبَةَ إِلَى الْعَمْرِيِّ فَصَيَّبْتُ فَلَمَّا صِرْتُ إِلَى بَعْضِ الطَّرِيقِ عَرَضَ لِي سَقَاءٌ مَعَهُ بَغْلٌ فَرَأَيْتِي الْبَغْلَ عَلَى الطَّرِيقِ فَتَدَانِي السَّقَاءُ صَحَّ عَلَى الْبَغْلِ فَرَفَعْتُ الْخَشَبَةَ الَّتِي كَانَتْ مَعِي فَصَرَبْتُ الْبَغْلَ فَانْشَقَّتْ فَتَنظَرْتُ إِلَى كَسْرِيهَا فَإِذَا فِيهَا كُتُبٌ سَرِيعًا فَزِدْتُ الْخَشَبَةَ إِلَى كُفْيِ فَجَعَلَ السَّقَاءُ يَبْدُو بِي وَيَسْتَمِعِي وَيَسْمَعُ صَاحِبِي فَلَمَّا دَنَوْتُ مِنَ الدَّارِ رَاجِعًا اسْتَقْبَلَنِي عَيْسَى الْخَادِمُ عِنْدَ الْبَابِ فَقَالَ فَقَالَ يَقُولُ لَكَ مَوْلَايَ أَعَزَّهُ اللَّهُ مَصْرَبْتُ الْبَغْلَ وَكَسَرْتُ رَجُلَ الْبَابِ فَقُلْتُ لَهُ يَا سَيِّدِي لِمَ أَعْلَمُ مَا فِي رَجُلِ الْبَابِ فَقَالَ وَ لِمَ اخْتَرْتِ أَنْ تَعْمَلَ عَمَلًا خَتَّاجٌ أَنْ تَعْتَدِرَ مِنْهُ إِلَيْكَ بَعْدَهَا أَنْ تَعُودَ إِلَى مِثْلِهَا وَإِذَا تَمِعْتَ لَنَا شَيْئًا فَاْمُضِ لِسَبِيلِكَ الَّتِي أَمَرْتُ بِهَا وَإِنَّا أَنْ نَجَابُوتَ مِنْ يَسْتَمِينَا أَوْ نَعْرِفُهُ مَنْ أَنْتَ فَإِنَّا بِنَدِّ سَمْعٍ وَمِصْرٍ سَمِعٍ وَاهْضِ فِي طَرِيقِكَ فَإِنَّ أَحْبَابَكَ وَأَخْوَالَكَ تَرِدُ إِلَيْنَا فَأَعْلَمُ ذَلِكَ. (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ج ۴، ص ۴۲۷)

## ۴. حیات فرهنگی و علمی عثمان بن سعید

با در نظر گرفتن اوضاع سیاسی، اجتماعی دوران نمایندگی نایب اول و ویژگی‌های اوایل دوران غیبت، عمده وقت عثمان بن سعید، مصروف به باوراندن شیعیان نسبت به زندگی پنهان امام زمان عجل الله تعالی فرجه له و نیز منحرف کردن دشمنان از تعقیب حضرت گذشت. لذا در چنین موقعیتی، فرصت زیادی برای نقل حدیث و یا تألیف کتاب نبوده است؛ از این رو می‌بینیم تویعاتی که به دست نایب اول صادر گردیده و نیز احادیثی که از ایشان نقل شده، اندک است.

### ۴-۱. آثار نایب اول

از جمله آثار علمی منسوب به نایب اول امام زمان عجل الله تعالی فرجه له، کتاب‌هایی در موضوع فقه و حدیث است که برخی از آنها به دست نایب دوم، یعنی فرزندش، محمد بن عثمان، تدوین یافته است. عمده مطالب این کتب، از امام عسکری و امام زمان عجل الله تعالی فرجه له است (سلیمان، ۱۳۶۵، ص ۱۰۳). چنان‌که کتاب «الاشربة» در ابواب فقه بوده و نیز در بردارنده برخی از احادیث معتبر است. ام‌کلثوم، دختر عثمان بن سعید می‌گوید: «این کتاب بنا به وصیت پدرم به دست ابوالقاسم، حسین بن روح نوبختی، نایب سوم و پس از آن، بر طبق وصیت وی، به دست چهارمین نایب خاص رسید». کتاب وی به دست ما نرسیده است و ممکن است بر اثر ناملایمات روزگار از بین رفته باشد. (طوسی، ۱۴۱۷، ص ۳۶۵ و مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵۱، ص ۳۵۰)

### ۴-۲. تعلیم معارف اهل بیت عجل الله تعالی فرجه له

از نقش‌ها و مسئولیت‌های نواب خاص، آموزش معارف اهل بیت عجل الله تعالی فرجه له و تربیت شاگردان در جامعه اسلامی بود تا در مواجهه با پرسش‌های مردم، بتوانند پاسخی متناسب با دیدگاه حضرات معصوم عجل الله تعالی فرجه له بیان کنند. پاسخ‌گویی به پرسش‌های فقهی و مشکلات عقیدتی، از وظایفی بود که نایب اول، مسئولیت آن را در جامعه برعهده داشت. نواب امام‌گاهی پرسش‌های فقهی و مسائل مستحدثه شیعیان را به عرض امام مهدی عجل الله تعالی فرجه له می‌رساندند و پاسخ آن را دریافت و به شیعیان ابلاغ می‌کردند.

کلینی از ابونصر هبة‌الدین نقل کرده که تویعات، همان سان که در دوره امام حسن

[عسکری] علیه السلام به مردم می‌رسید، پس از آن هم همان گونه و با همان خط به مردم ارائه می‌شد. این توقیعات، نگاشته‌هایی بود درباره امور دینی و دنیایی مردم و چیزهایی که از آن حضرت می‌پرسیدند و حضرت همراه با پاسخ‌هایی عجیب و خارق‌العاده به مردم ارائه می‌کردند. (کلینی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۳۳)

نواب اربعه در دوران هفتاد ساله غیبت صغری، در راستای انجام وظایف خود برای حفظ کیان امامت شیعه، با غلات و مدعیان دروغین نیابت، وکالت و باییت امام، همچون: حلاج، شلمغانی و... به مبارزه برخاستند. در این راستا، با درخواست نواب امام، توقیعاتی از ناحیه مقدسه صادر شد و با روشن شدن ماهیت این مدعیان دروغین، شیعیان امامیه از این انحراف‌ها مصون ماندند و به سفارت نواب اربعه و وکالت آنان، بیشتر اعتماد کردند.

## ۵. عثمان بن سعید از منظر دیگران

### ۵-۱. محمد بن یعقوب از سعد اشعری قمی

محمد بن یعقوب روایتی بدین مضمون نقل می‌کند: «حسن بن نصر که در میان شیعیان قم جایگاه ویژه‌ای داشت، بعد از رحلت امام عسکری علیه السلام در حیرت بود. او و عده‌ای دیگر تصمیم گرفتند که از امام بعدی جويا شوند. حسن بن نصر به نزد ابو صدام رفت و گفت: امسال می‌خواهم به حج بروم. ابوصدام از او خواست که این سفر را به تعویق اندازد، ولی حسن بن نصر گفت: نه! من خوابی دیده‌ام و بیمناکم، بنابراین باید بروم. وی قبل از حرکت، به احمد بن یعلی بن حماد درباره اموال متعلق به امام وصیت کرد که این اموال را نگه دارد تا جانشین امام عسکری علیه السلام مشخص شود. وی سپس به بغداد رفت و در آنجا، از سوی ناحیه مقدسه، توقیعی به دستش رسید و به امامت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه و نیز وکالت خاصه عثمان بن سعید عمری مطمئن شد». (کلینی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۵۱۷-۵۱۸)

### ۵-۲. روایت محمد بن ابراهیم بن مهزیار

او می‌گوید: پس از شهادت امام حسن عسکری علیه السلام، در مورد جانشین آن حضرت به شک افتادم. پدرم، وکیل حضرت بود و اموال زیادی نزدش وجود داشت. پدرم اموال را برداشت و مرا

به همراهی طلبید و به راه افتادیم. در بین راه، پدرم مریض شد و به من در مورد اموال وصیت نمود و گفت: از خدا بترس و این اموال را به صاحبش برگردان و هرکه نشانه‌های این اموال را گفت، اموال را به او بسپار. سپس وفات کرد. چند روزی در عراق ماندم، سپس نامه‌ای از سوی عثمان بن سعید به من رسید که در آن نامه، همه علائم و نشانه‌های اموال بیان شده بود، نشانه‌هایی که جز من و پدرم کسی آن را نمی‌دانست (طوسی، ۱۳۸۲، ج ۲، ص ۸۱۳). محمد بن ابراهیم بن مهزیار با این کرامت و شاهد صدق، هم به امامت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه و هم به نیابت عثمان بن سعید اطمینان یافت.

### ۵ - ۳. روایت احمد دینوری سراج

احمد دینوری می‌گوید: یکی دو سال بعد از شهادت امام حسن عسکری علیه السلام به قصد حج، از اردبیل حرکت کردم و به دینور رسیدم که مردم در خصوص جانشین امام عسکری علیه السلام متحیر بودند. اهالی دینور از آمدن من خوشنود شدند. شیعیان آنجا سیزده هزار دینار سهم امام را به من دادند که به سامرا ببرم و به جانشین حضرت بسپارم. گفتم: هنوز جانشین حضرت حتی برای خودم روشن نیست. گفتند: تو مورد اعتماد ما هستی. هر وقت جانشین حضرت را پیدا کردی، به او بده. سیزده هزار دینار را گرفتم و با خود بردم. در کرمانشاه با احمد بن حسن بن حسن ملاقات کردم. او نیز هزار دینار و چند بقچه پارچه به من داد تا به ناحیه مقدسه برسانم. در بغداد به دنبال نایب حضرت می‌گشتم. به من گفتند که سه نفر مدعی نیابت هستند که یکی باقطنی است. نزدش رفتم و او امتحان کردم و از او شاهد صدق خواستم، چیزی نداشت که مراقانع کند. سپس نزد دومی رفتم به نام اسحاق احمر، او را نیز به حق نیافتم. هنگامی که نزد سومی، ابوجعفر یا عثمان بن سعید عمری رفتم، بعد از احوال‌پرسی به او گفتم: اموالی از مردم نزد من است و باید به جانشین امام عسکری علیه السلام تحویل دهم، در حیرتم و نمی‌دانم چه کنم. او گفت: برو در سامرا به خانه امام حسن عسکری علیه السلام در آنجا وکیل امام را خواهی یافت. به سامرا رفتم و در خانه حضرت، سراغ وکیل امام را گرفتم. دربان گفت: منتظر باش، الان بیرون می‌آید. لحظه‌ای بعد فردی آمد و دست مرا گرفت و درون خانه برد. بعد از احوال‌پرسی به او گفتم: مقداری اموال از ناحیه جبل آوردم و به دنبال دلیل هستم.

ناچارم از هرکس دلیلی برای اثبات نیابت وی یافتم، اموال را به او تسلیم کنم. در این وقت، برای من غذا آوردند، گفت غذایت را بخور و کمی استراحت کن، سپس به کار تو رسیدگی می‌شود. بعد از گذشت پاسی از شب، آن مرد نامه‌ای به من داد که در آن آمده بود: احمد بن محمد دینوری آمده و این مقدار پول و کیسه و بقچه آورده و درون آن کیسه این مقدار پول است، و تمامی جزئیات را بیان داشت. از جمله نوشته بود: در کیسه پسر فلان شخص زره‌ساز، شانزده دینار است. از کرمانشاه نیز یک کیسه از فلان شخص است، و فلان بقچه از احمد بن حسن مادرانی است که برادرش پشم فروش است و... با این نامه، شک و تردیدم برطرف شد و مشخص شد که عثمان بن سعید عمری، نایب حضرت است. حضرت در این نامه به من دستور داد اموال را به بغداد ببرم و به همان فردی که با او ملاقات داشتم، تحویل دهم. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵۱، ص ۳۰۰)

#### ۵- ۴. روایت محمد بن علی اسود

وی می‌گوید: در آغاز غیبت صغری، پیرزنی پارچه‌ای به من داد و گفت آن را به ناحیه مقدسه برسان. من آن را با پارچه‌های بسیاری دیگر همراه خود آوردم. چون به بغداد رسیدم و نزد عثمان بن سعید رفتم، وی گفت: همه اموال را به محمد بن عباس قمی بده. من همه را به او سپردم، جز پارچه پیرزن را. پس از آن، عثمان بن سعید از ناحیه مقدسه این پیغام را فرستاد که پارچه پیرزن را نیز به وی تسلیم کن. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵۱، ص ۳۲۶)

#### ۶. پایان عمر عثمان بن سعید

تاریخ وفات عثمان بن سعید به درستی دانسته نیست. برخی محققان متاخر کوشیده‌اند تا از روی قرائن، حدس‌هایی در این باره ارائه کنند. مورخان می‌نویسند: سفارت عثمان بن سعید تا سال ۲۶۵ ق ادامه داشته است (الحسنی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۵۶۸)، اما هیچ مأخذی در این زمینه ذکر نمی‌کند. همچنین گفته شده است: «بیست سال پس از غیبت امام دوازدهم، نخستین سفیر حضرت، در سال ۲۸۰ ق درگذشت. در توقیعی که گفته می‌شود امام غائب به پسر نخستین سفیر و جماعت شیعه خطاب کرده‌اند، پس از مراتب تسلی‌های قلبی بر مرگ

چنین مرد متقی، امام، پسرش ابوجعفر محمد را به جانشینی او منصوب می‌کند.» (جاسم حسین، ۱۳۷۹، ص ۱۵۹)

طبق اعتقادات شیعه، فقط امام می‌تواند بر امام قبلی نماز بخواند، ولی چنان‌که گذشت برخی منابع برآند که عثمان بن سعید، امام حسن عسکری علیه السلام را غسل داد و کفن کرد و به خاک سپرده است (طوسی، ۱۴۱۷، ص ۲۱۶ و مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵۱، ص ۳۴۴). با توجه به این گزارش و با توجه به سال شهادت امام حسن (در ۸ ربیع‌الاول سال ۲۶۰ ق) و قرائن دیگر، به نظر می‌رسد رحلت عثمان پس از سال ۲۶۰ ق بوده است. پس از درگذشت عثمان، فرزندش، محمد بن عثمان، پدر را غسل داد و در غرب مدینه السلام، در محله معروفی به نام الدرب در بغداد به خاک سپرد. بنا به نقل شیخ طوسی، وی از زمان ورودش به بغداد در سال ۴۰۸ ق تا پس از ۴۳۰ ق، قبر عثمان بن سعید را زیارت می‌کرده است. آرامگاه او در محله «رصاصه» واقع در شرق بغداد و در منطقه‌ای به نام «بازار شورجه» معروف است. (طوسی، ۱۴۱۱، ص ۲۳۲).

نایب اول، پس از ۲۲ سال خدمات خالصانه به اهل بیت علیهم السلام و وکالت و هدایت فعالیت‌های وکلای ایفای نقش دستیاری و معاونت برای سه امام معصوم علیهم السلام، مأموریت خود را به شایسته‌ترین نحو به پایان رسانید و در سال ۲۶۶ ق، که شش سال از دوره سفارتش می‌گذشت، بزرگان شیعه را نزد خویش فراخواند و آنان را از سفر ابدی خود، آگاه ساخت. وی همچنین به آنان اطلاع داد که امام زمان عجل الله تعالی فرجه دستور داده است تا شما را از سفارت فرزندم، محمد بن عثمان آگاه کنم و پس از من، هرکس حاجتی داشت نزد او برود. پس از غسل دادن و کفن و دفن، با حضور صدها مرد و زن عزادار، پیکر مطهر او را به خاک سپرد. (طوسی، ۱۴۱۱، ص ۲۳۲)

### پیام تسلیت امام زمان عجل الله تعالی فرجه

پس از رحلت سفیر اول، فرزندش، محمد، به امر ناحیه مقدسه، عهده‌دار مقام نیابت شد و در همین هنگام، توقیع ناحیه مقدسه در تعزیت وی به سبب رحلت پدرش بدین مضمون صادر گردید:<sup>۱</sup>

۱. «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ تَسْلِيمًا لِأَمْرِهِ وَرِضَاءٍ بِقَضَائِهِ عَاشَ أَبُوكَ سَعِيدًا وَمَاتَ حَمِيدًا فَرَحِمَهُ اللَّهُ وَالْحَقُّهٗ بِأَوْلِيَائِهِ وَمَوْلِيَيْهِ فَلَمْ يَزَلْ مُجْتَهِدًا فِي أَفْرِهِمْ سَاعِيًا فِيمَا يُقَرِّبُهُ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَجَلَّ وَجْهَهُ وَتَضَّرَ اللَّهُ وَجْهَهُ وَأَقَالَهُ عَثْرَتُهُ، وَفِي فَضْلِ آخِرٍ، أُجْزِلَ اللَّهُ لَكَ الثَّوَابُ

«إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ»، همه از خداییم و به سوی او بازمی‌گردیم. تسلیم امر الهی و راضی به قضای اویم. پدرت با سعادت زیست و ستوده رحلت نمود، خدا او را رحمت کند و به اولیاء و موالی اش ملحق کند. او همواره در امتثال امر آنان و اموری که وی را به خدا و اولیایش مقرب سازد، ساعی بود. خداوند او را مسرور سازد و از لغزشش درگذرد. خداوند ثواب و اجر تو را عظیم کند و در قبال این مصیبت به تو احسان فرماید. تو و ما، هر دو به این مصیبت مبتلا شدیم و فراق او، ما را نیز همچون تو نگران ساخت. خداوند او را در جایگاه جدیدش شاد فرماید. از کمال سعادت او آن بود که فرزندی همچون تو، نصیب او شد تا پس از او، جانشینش شود و برای او طلب رحمت کند. و من حمد خدا می‌کنم؛ چراکه دل‌ها به خاطر جایگاه تو و آنچه خداوند به تو ارزانی داشته و نزد تو قرار داده، آسوده است. خداوند تو را یاری و تقویت کند و کمک کند ولی و حافظ و نگهبان و کفایت‌کننده و یاورت باشد».

## نتیجه‌گیری

بررسی و شناسایی زندگی نواب اربعه، که از عالمان وارسته شیعه به شمار می‌آیند، می‌تواند الگویی مطلوب از انسان‌های مورد توجه و اعتماد امام عصر عجل الله تعالی فرجه را ارائه نماید. در این نوشتار، که به زندگی نایب اول امام زمان عجل الله تعالی فرجه پرداخته شد، سعی گردید مطالعه‌ای عمیق‌تر نسبت به نوشته‌های پیشین درباره زندگی فردی و اجتماعی عثمان بن سعید صورت پذیرد. در نتیجه این تحقیق، به دست آمد که اطلاعات دقیق و موثقی از تولد و نیز وفات ایشان وجود ندارد و آنچه در منابع تاریخی ذکر شده، برحسب وقایع و رویدادهای تاریخی در عصر زندگی این شخصیت بزرگ است. بنابراین بسیاری از ابعاد زندگانی او در دوران کودکی و جوانی و چگونگی رشد و نمو ایشان، از جمله تولد، وفات و مدت نمایندگی او، در بستر تاریخ، مبهم مانده است. در بُعد فردی، به القاب (اسدی، عسکری و العمری) و وثاقت نایب اول پرداخته شد و به لحاظ سیاسی و اجتماعی، فعالیت‌هایی از قبیل سازمان وکالت،

و أحسن لك العزاء زينت و زيننا و أوحشك فراقه و أوحشنا فسرّه الله في منقلبِهِ و كان من كمال سعادته أن رزقه الله عزّ و جلّ و لدأ مثلك يخلفه من بعده و يقوم مقامه بأمره و يترحم عليه و أقول الحمد لله فإنّ الأنفس طيبة بمكانك و ما جعله الله عزّ و جلّ فيك و عندك أعانتك الله و قواك و عضدك و وقفك و كان الله لك ولياً و حافظاً و زاعياً و كافيّاً و مغيباً. (شیخ طوسی،

۱۴۱۷، ص ۳۶۱ و مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵۱، ص ۳۴۷)

پنهان کردن نام امام و اخذ اموال مردم توسط ایشان، تبیین شد. در بُعد فرهنگی و علمی، به آثار نایب اول، پاسخ‌گویی به پرسش‌های فقهی و عقیدتی و مبارزه با غلات اشاره گردید. به طور کلی مشخص شد که ابوعمرو، بیشترین مسئولیت را در اوایل دوران غیبت صغری، با توجه به شرایط حاکم و وجود خفقان و سخت‌گیری‌های بسیار، بردوش داشته است و نهایت تلاش خود را درباره پنهان ماندن راز زندگی امام دوازدهم و نیز توجیه شیعیان نسبت به حیات او و از سوئی دیگر، مقابله با جریان‌های انحرافی و معاند، به کار گرفت. مورد اعتماد بودن، امین و عالم بودن نسبت به مسائل دینی، و وکالت داشتن از سوی سه تن از ائمه علیهم‌السلام، از جمله ویژگی‌های بارز این شخصیت عالی قدر شیعی به شمار می‌آیند. ذکر احادیث متعدد و تأکید و تایید دیگر عالمان جهان اسلام نسبت به ویژگی‌های برجسته عثمان بن سعید، مویذ دیگری بر شایستگی وی در داشتن نمایندگی از سوی ائمه علیهم‌السلام به ویژه امام عصر علیه‌السلام است. امید است نوشتار کنونی، کمک شایانی برای شناخت و آگاهی بیشتر جامعه منتظران نسبت به شخصیت عثمان بن سعید و نیز الگو قرار دادن سیره عملی او برای نسل آینده شود. همچنین سبب گردد تا پژوهش‌های جامع‌تری نسبت به شخصیت ایشان و دیگر عالمان تشیع و نواب ائمه انجام شود.



## فهرست منابع

قرآن کریم

۱. ابراهیم، مصطفی و دیگران، ۱۹۶۵ م، المعجم الوسيط، القاهرة: مجمع اللغة العربية.
۲. ابن شهر آشوب، محمد بن علی، ۱۳۷۹ ق، مناقب آل ابی طالب علیه السلام، قم: علامه.
۳. امین، سید محسن، ۱۳۷۱ ش، اعیان الشیعه، بیروت: دار التعارف للمطبوعات.
۴. پورسیدآقایی، سید مسعود و همکاران، ۱۳۸۹ ش، تاریخ عصر غیبت: نگاهی تحلیلی به عصر غیبت امام دوازدهم، قم: موسسه آینده روشن.
۵. پیشوایی، مهدی، ۱۳۸۶ ش، سیمای پیشوایان در آیین تاریخ، قم: نشر دار العلم.
۶. جباری، محمدرضا، ۱۳۸۲ ش، سازمان وکالت و نقش آن در عصر ائمه علیهم السلام، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
۷. جعفریان، رسول، ۱۳۷۹ ش، حیات فکری، سیاسی امامان شیعه، قم: نشر انصاریان.
۸. الحسنی، سید هاشم، ۱۴۰۹ ق، سیره الائمه الاثنی عشر: الامام المهدی علیه السلام، قم: نشر شریف الرضی.
۹. حسین، جاسم، ۱۳۷۹ ش، تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم، تهران: امیر کبیر.
۱۰. حلی، حسن بن یوسف، ۱۴۱۱ ق، رجال العلامة الحلی، قم: دار الذخائر.
۱۱. خوبی، سید ابوالقاسم، ۱۹۸۳ م، معجم رجال الحديث، بیروت: دار الاضواء.
۱۲. دوانی، علی، ۱۳۸۵، نواب اربعه یاسفرای امام زمان علیه السلام، تهران: دبیرخانه دائمی اجلاس حضرت مهدی علیه السلام.
۱۳. سلیمیان، خدامراد، ۱۳۶۵ ش، پرسمان مهدویت، قم: شباب الجنه.
۱۴. شیخ طوسی، ۱۳۸۲ ش، اختیار معرفة الرجال المعروف برجال الکشی، التحقیق و التصحیح: محمدتقی فاضل المبدی، قم: موسسه آل البيت علیهم السلام لإحياء التراث.
۱۵. \_\_\_\_\_، ۱۴۱۷ ق، الفهرست، نجف الاشرف: مؤسسه نشر الفقاهه.
۱۶. \_\_\_\_\_، ۱۴۱۱ ق، کتاب الغیبة، تحقیق: عبدالله طهرانی و علی احمد ناصح، قم: موسسه المعارف الاسلامیه.
۱۷. شیخ مفید، ۱۳۳۹ ش، الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، بیروت: موسسه الاعلمی.
۱۸. شیخ صدوق، علی بن بابویه، ۱۴۱۰ ق، الخصال، بیروت: موسسه الاعلمی.
۱۹. \_\_\_\_\_، ۱۴۰۵ ق، کمال الدین و تمام النعمة، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۰. صدر، سید محمد، ۱۴۱۲ ق، تاریخ الغیبه، بیروت: دار التعارف.
۲۱. طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۸۶ ش، إعلام الوری بأعلام الهدی، قم: موسسه آل البيت علیهم السلام لإحياء التراث، ۱۳۸۶.
۲۲. \_\_\_\_\_، ۱۴۰۳ ق، الإحتجاج علی أهل اللجاج، مشهد، نشر مرتضی.
۲۳. طیبسی، محمد جواد، ۱۳۸۹ ش، با خورشید سامرا: تحلیلی از زندگانی امام حسن عسکری، ترجمه: عباس جلالی، قم: بوستان کتاب.

۲۴. غفارزاده، علی، ۱۳۷۷ش، پژوهشی پیرامون زندگانی نواب خاص امام زمان علیه السلام، قم: نشر نبوغ.
۲۵. قطب راوندی، ابوالحسن سعید بن هبة الله، ۱۴۰۹ق، خرائج و الجرائح، تحقیق: مؤسسه الامام المهدي عليه السلام، قم: مؤسسه الامام المهدي عليه السلام.
۲۶. قندوزی حنفی، سلیمان، ۱۴۰۴ق، بناييع الموده، تهران: نشر دار الكتاب.
۲۷. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۸۸ق، الکافی، تحقیق: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران: دار الكتب الاسلاميه.
۲۸. مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ق، بحار الانوار، بیروت: مؤسسة الوفاء.
۲۹. مجله حوزه، ۱۳۷۴ش، «ارتباط با امام زمان در عصر غیبت»، قم: نشر دفتر تبلیغات اسلامی، ش ۷۰ - ۷۱.
۳۰. مدرسی طباطبایی، حسین، ۱۳۷۴ش، مکتب در فرآیند تکامل، ترجمه: هاشم ایزدپناه، نیوجرسی امریکا: نشر داروین.
۳۱. محلاتی، ذبیح الله، ۱۴۲۶ق، مآثر الکبراء فی تاریخ سامراء، قم: مکتبه الحیدریه.
۳۲. مسعودی، علی بن حسین، ۱۳۸۴ش، اثبات الوصیه، قم: نشر انصاریان.
۳۳. نعمانی، محمد بن ابراهیم، ۱۳۹۷ق، الغیبه، تهران: مکتبه الصدوق.

# چرایی و چگونگی حمایت علما از تولیدات ایرانی در عصر قاجار

سعید نجفی نژاد<sup>۱</sup>

## چکیده

با روی کار آمدن حکومت قاجار، آرامش نسبی در ایران حاکم شد و در ظاهر، فضا برای رشد و توسعه اقتصادی تا حدودی فراهم گردید. اما بنا به دلالتی از جمله ضعف پادشاهان، تمایل زیاد دولت‌های روسیه و انگلیس برای نفوذ در ایران و عدم وجود زیرساخت‌های لازم در کشور برای گسترش اقتصادی، نه تنها انتظارات در زمینه ارتقا کیفیت زندگی ایرانیان محقق نشد، بلکه در مقاطعی، وضعیتی نامناسب‌تر از گذشته به خود گرفت. در این شرایط، برخی علما برای حمایت از تولیدات داخلی در برابر سلطه اقتصادی غرب اقداماتی انجام دادند. این پژوهش با استفاده از داده‌های تاریخی و به روش توصیفی-تحلیلی درصدد است علل و نحوه مواجهه علما با حضور گسترده کالاهای خارجی در بازار ایران را بررسی کند. به نظر می‌رسد مهم‌ترین دلیل حمایت از تولیدات ایرانی از سوی علما، انگیزه‌های مذهبی برای جلوگیری از سیطره سیاسی-فرهنگی غیرمسلمانان بر جامعه اسلامی بوده است. این حمایت‌ها، عمدتاً از طریق تبیین ابعاد موضوع و ذکر مزایای استفاده از تولیدات داخلی و آثار سوء وابستگی به کالاهای خارجی صورت می‌پذیرفت.

**واژگان کلیدی:** قاجار، علما، تولیدات داخلی ایرانی، وابستگی به کالای خارجی، سلطه بیگانگان بر جامعه اسلامی.

۱. دکتری تاریخ اسلام دانشگاه آزاد واحد نجف‌آباد اصفهان و محقق رسمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران؛

## مقدمه

ظهور استعمارگران غربی در ایران و نفوذ آنها در عرصه سیاست و اجتماع عصر قاجار، پیامدهایی برای جامعه ایرانی به دنبال داشت که از جمله آنها می‌توان به ورود تدریجی تولیدات غربی به بازارهای ایران اشاره کرد. این امر با وجود برخی مزایا، معایب زیادی نیز در پی داشت. علاوه بر تخریب اقتصاد داخلی و وابستگی به اجناس خارجی، در حوزه فرهنگ اجتماعی نیز نوعی از خودبیگانگی و وادادگی فرهنگی در جامعه ایجاد می‌شد که تبعات نامطلوبی به دنبال داشت. اما دولت ایران، ضعیف‌تر و کم‌اراده‌تر از این بود که به فکر اجرای برنامه‌هایی برای مقابله با این وضعیت نوپدید باشد؛ از این رو، مواجهه در این زمینه به صورت مردمی و با رهبری علما انجام می‌شد. علما قصد داشتند تا حد امکان، شتاب حرکت تبدیل سبک زندگی اسلامی به سبک زندگی غربی را کاهش دهند و بر این اساس، بر لزوم دوری از فرنگی شدن زندگی مردم تأکید داشتند.

نوشتار حاضر با بررسی رویکرد علمای عصر قاجار در قبال فراخواندن جامعه به سمت استفاده از تولیدات داخلی، سعی دارد نقش آنها را در این فرایند مشخص سازد. چندین متغیر در ارتباط با این موضوع مطرح است که از جمله مهم‌ترین آنها، می‌توان به وضعیت اقتصاد ایران در عصر قاجار و میزان نفوذ اقتصادی روس و انگلیس در بازار ایران اشاره کرد. تعداد آثاری که به طور مستقل به این موضوع پرداخته باشند، بسیار اندک است. مهدی ابوطالبی، از جمله معدود محققانی است که به طور اختصاصی به این بحث ورود کرده و با تألیف مقاله‌های «نقش علمای شیعه در حمایت از تولید و سرمایه مالی ایران» (نشریه کیهان فرهنگی، سال ۱۳۹۷، شماره ۳۷۶ و ۳۷۷، صفحات ۷۰ تا ۷۸) و «نقش علمای شیعه در حمایت از تولید ملی و کار و سرمایه ایرانی در دوره قاجار» (مجله تاریخ اسلام در آئینه پژوهش، سال ۱۳۹۲، شماره ۳۵، صفحات ۲۶ تا ۲۸) گامی در تبیین اقدامات علما در حمایت از تولید ملی در عصر قاجار برداشته است. علاوه بر این، عموماً نزدیک‌ترین آثار به موضوع این پژوهش، تحقیق‌هایی است که یا به طور کلی به جایگاه و نقش علما در عصر قاجار پرداخته‌اند و یا آثاری که در ارتباط با اقتصاد قاجاری به نگارش درآمده‌اند. در خلال این نوع پژوهش‌ها، اشاراتی گذرا به حمایت

علمای تولیدات داخلی و دعوت مردم به مسئولیت‌پذیری اجتماعی در این زمینه شده است. همچنین یکی از اقدامات عملی علمای در راه حمایت از تولیدات داخلی، تأسیس شرکتی به نام «اسلامیه» بود که چند مقاله به طور اختصاصی، به معرفی و تبیین نقش این شرکت در پشتیبانی از اقتصاد داخلی ایران عصر قاجار پرداخته‌اند. از جمله این مقالات می‌توان به «شرکت اسلامیه» تألیف داود قاسم‌پور، (دانشنامه جهان اسلام، جلد ۲۷، صفحات ۳۶ تا ۳۹) «تحلیلی بر شرکت اسلامیه، تجربه اقتصاد مقاومتی در ایران دوره قاجار»، نوشته مریم حایک (فصلنامه پژوهشنامه تاریخ، سال ۱۳۹۵، شماره ۴۵، صفحات ۱۹ تا ۴۴) و «نقش و آثار شرکت اسلامیه در اندیشه خودکفایی» اثر مصطفی مرتضوی (نشریه کیهان فرهنگی، سال ۱۳۹۰، شماره ۲۹۸، صفحات ۲۰ تا ۲۳) اشاره کرد.

## ۱. وابستگی اقتصاد ایران به کالاهای خارجی در دوره قاجار

اقتصاد قاجاری، یکی از مصادیق اقتصاد در جوامع سنتی و معیشتی است. در این اقتصاد، تولید به روش سنتی و با ابزارهای اولیه انجام می‌شد. با این حال، در دوره اول حکومت، جامعه با وجود نواقص فراوان در بخش اقتصاد، خودگردانی اولیه نسبتاً خوبی داشته و جوابگوی نیازهای جامعه سنتی ایران بوده است.

مهم‌ترین محصولات تولیدی و صادراتی ایران در دوران قاجار عبارت بودند از: پارچه‌های دستباف، فرش، برنج، خشکبار، گردو، تریاک، ابریشم، پشم و پنبه (فوران، ۱۳۷۷، ص ۱۸۰). در بخش‌های کشاورزی، باغداری و دامپروری، قابلیت‌های زیادی وجود داشت که بخشی از آنها، به تولید محصول نهایی منجر شده بود. صنعت نیز به شکل سنتی آن در جریان بود و محصولات مورد نیاز مردم به صورت دست‌ساز در همه جا کم‌وبیش یافت می‌شد.

با گذار از این دوران و آشنایی ایران با مدرنیته، نیازهای جدیدی برای جامعه ایران مطرح شد و برخی از مردم با دیدن اجناس اروپایی، به داشتن آنها تمایل پیدا کردند. اما مشکل اصلی اینجا بود که ایران به هیچ‌وجه زیرساخت‌های لازم برای تولید کالاهای اروپایی را در اختیار نداشت و برای تأمین نیازهای جدید مردم مجبور شد کالاهای فرنگی را وارد کند. با ورود این کالاها به کشور، تبلیغ مصرف‌گرایی و استفاده از کالاهای لوکس نیز ناخواسته انجام

می‌شد. از این پس، جامعه ایران به یک باره خود را در میدانی نابرابر یافت که از یک سو در داخل کشور، درخواست برای کالاهای غربی روزه‌روز افزایش می‌یافت و از سوی دیگر، امکان تولید این محصولات در داخل فراهم نبود؛ چراکه نیاز به کارخانجات و فناوری جدید بود که در ایران یافت نمی‌شد.

شاید سخنان نویسنده کتاب «گوهر مقصود»، به خوبی نشان‌دهنده میزان وابستگی اقتصاد ایران به محصولات غربی در آن روزگار باشد: «امروز از ابتدای ولادت، باید قابله فرنگی و دوا و غذای ما از مال فرنگی باشد و بعد از ولادت، اول چیزی که کام ما را از آن برمی‌دارند، قند یا نبات است، آن هم مال فرنگی. بدن‌های معصوم ما را خبیث می‌کنند به لباس‌های فرنگی و تا دم مردن، تمام ملبوس و لوازم زندگانی ما از فرنگی، حتی قرآن و کتب مذهبی ما از کاغذ فرنگی» (طهرانی، ۱۳۸۵، ص ۳۰۲). در سیاحتنامه ابراهیم بیگ هم به طعنه آمده: «از کاغذ قرآن گرفته تا کفن مردگان خودتان، محتاج فرنگان‌اید» (مراغه‌ای، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۱۹۷). در کل به نظر می‌رسد فرنگی‌سازی جامعه ایران، با شتاب نسبتاً زیادی در حال پیشروی بوده است. حتی گفته می‌شود علاوه بر کتاب‌فروشی‌ها، شیرینی‌پزی‌ها، دکان‌های کالاهای فرنگی، رفته‌رفته هتل، رستوران و خوراک‌های فرنگی هم باب می‌شدند. (ناطق، ۱۳۸۰، ۴۱)

در این شرایط بود که بسیاری از علما و وطن‌پرستان، به فکر حمایت از تولیدات داخلی افتاده و حتی اندیشه تحریم کالاهای خارجی هم شکل گرفت. اندیشه‌ای که بیشتر از آنکه خاستگاه ملی داشته باشد، خاستگاهی دینی داشت.

## ۲. مبانی نظری حمایت از تولیدات داخلی

علما در مقطعی از دوره قاجار، بر اساس برخی موازین اصولی، بر استفاده از تولیدات داخلی تأکید می‌کردند. مبنای اصلی این تأکیدات، آموزه‌های مذهبی بود. آنها در بخش شناختی، سعی می‌کردند شرایط را بر اساس موازین دینی تبیین کرده و با اقناع مردم در ارتباط با خطر سلطه اقتصادی غرب، مردم را در راستای استفاده از کالاهای داخلی برانگیزند. برخلاف حکام قاجاری که کمتر به این امور توجه داشتند، علما در زمینه جلوگیری از سیطره اقتصادی اجانب بر بازار مسلمانان، احساس تکلیف کرده و با اتکا به آیات و روایاتی که در

این باره وجود دارند، به اهمیت استفاده از تولیدات داخلی برای تقابل با سلطه اقتصادی غرب تأکید می‌ورزیدند.

## ۲-۱. حمایت بر اساس تعالیم مذهبی

دوره قاجار با تمام کاستی‌ها و مشکلات اقتصادی، به لحاظ میزان پابندی عمومی مردم به دین و مذهب، یکی از ادوار مثال‌زدنی در تاریخ ایران دوره اسلامی بوده است. بخش اعظم تلاش‌های مبلغان استفاده از کالاهای ایرانی در عصر قاجار، بر تعالیم مذهبی استوار بوده است. برای یک جامعه مذهبی مانند ایران، بهترین و کارآمدترین مشوق‌ها در این زمینه، نیروهای انگیزشی مذهبی بودند. با این اوصاف، دلیل موفقیت‌های نسبی و موقتی در مورد استفاده از کالاهای داخلی، به جایگاه مستحکم دین در بین ایرانیان مربوط می‌شد. در بخش سلبی نیز با تأکیدات خطبا و نویسندگان رسالات مذهبی، در مقاطعی از تاریخ قاجار، استفاده از کالاهای فرنگی تحریم می‌شدند.

زمانی که گفته می‌شود از تولیدات داخلی، بر اساس آموزه‌های دینی و بیدارسازی غیرت مذهبی حمایت می‌شد، نباید این‌گونه تصور شود که همانند عصر حاضر، کالاهای جایگزین داخلی و بدیل‌های متعدد برای مردم وجود داشته است، بلکه مردم ناگزیر بودند به خاطر پابندی خود به مذهب، از برخی کالاها و خدمات دارای منشأ فرنگی صرف نظر کنند و در راستای حمایت از شیعیان در برابر سیطره اقتصادی اجانب، ایستادگی همراه با تحمل بعضی محدودیت‌ها داشته باشند.

## ۲-۲. حمایت‌های استعمارستیزانه

فحوای اعتقادی مبارزه با استعمار، موجب شده بود علمای دوره قاجار با خوانشی وظیفه‌محور از این تقابل، درصدد حفظ استقلال جامعه و جلوگیری از تسلط کفار بر بازار مسلمانان برآیند. علما به خوبی دریافته بودند نفوذ خرنده استعمار بر اقتصاد ایران، علاوه بر فروریختن تدریجی پایه‌های اقتصاد در ابعاد خُرد و کلان آن، حس اعتماد به توان داخلی را نیز از بین خواهد برد. لذا با مشاهده فعالیت‌های استعماری دول اروپایی در ایران، تحریم کالاهای خارجی را یکی از مصادیق مبارزه با استعمار دیده و بر این کار اهتمام ویژه‌ای نشان دادند.

طبیعی بود در شرایطی که امکان مبارزه نظامی با استعمارگران مهیا نبود و شاه ایران نیز اقتدار گذشته را نداشت،<sup>۱</sup> مسئولیت علما در این دوره، سنگین تر شده بود و حداقل کاری که می توانستند انجام دهند، کاستن از عوارض حضور بیگانگان در اموری مانند اقتصاد بود. گزارش ها نشان می دهد استعمارستیزی، یکی از مبنای مهم برای حضور علما در صف اول حمایت از تولیدات داخلی بوده است.

علما همواره برای نفی سلطه بیگانه بر مقدرات مسلمین، به آیه «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» (نساء: ۱۴۱) استناد می جستند و بر مبنای تصریحات قرآن و احادیث معصومین علیهم السلام، وظیفه خویش می دانستند که در جهت سد سبیل کفار بکوشند. (زرگری نژاد، ۱۳۷۴، ص ۷۶)

## ۲-۳. حمایت بر مبنای ایران گرایی

در دوره قاجار، عامل دیگری به نام ایران گرایی نیز در روند ترغیب مردم برای حمایت از تولیدکنندگان داخلی، ایفای نقش می کرد. هرچند این عامل، نسبت به عامل اول، از اهمیت کمتری برخوردار بود، اما نمی توان آن را نادیده گرفت؛ چراکه برخی از ایرانیان، دارای حس ایران گرایی عمیقی بودند. بسیاری از آنها نیز همزمان به مذهب و ایران گرایی تعلق خاطر داشتند و همین امر، تمایل آنها برای استفاده از تولیدات داخلی و تحریم کالاهای غربی را دوچندان می کرد. ضمن اینکه ایرانیان در بخش اعظم دوره حکومت قاجار، طعم تلخ خیانت ها و خسارت های غریبان را چشیده و اعتماد خود را به این عناصر از دست داده بودند.<sup>۲</sup>

علما با استفاده از ظرفیت میهن پرستی موجود در بین ایرانیان، علاوه بر اتکا به حساسیت های مذهبی، سعی کردند در مواردی، حساسیت های ملی را برای عده ای

۱. لازم به ذکر است لفظ «شاه» در دوره صفوی پیش از نام سلاطین صفویه می آمد مانند «شاه اسماعیل»، «شاه طهماسب»، «شاه عباس»، «شاه صفی»، «شاه سلیمان» و... اما بعد از سقوط صفویان و در ادوار افشار و قاجار و پهلوی دیگر هرگز به این صورت ادا نشد و نام فرد در ابتدای عبارت می آمد. مانند «نادرشاه»، «فتحعلیشاه»، «ناصرالدین شاه»، «احمد شاه»، «رضا شاه» و...  
 ۲. ساویج لندور (در دوره مظفردالدین شاه از ایران دیدار داشته است) در مورد خاطرات تلخ ایرانی ها از نحوه برخورد اروپائیان می نویسد: «در آسیا ملتی یافت نمی شود که به اندازه ایرانیان از رفتار و ماجراجویی های شرم آور اروپائیان آسیب دیده باشد. ایران و بهتر بگوییم مردم ایران قربانی تکبر و خودخواهی توخالی و گرفتار دغلکاری اروپائیان بوده اند. دوز و کلک هایی که اروپائیان بر سر مردم ایران سوار کرده اند شنیدنی است» (ساویج اندور، ۱۳۸۸: ۱۰۱)



برانگیزند تا شاید از طریق ملی‌گرایی بتوانند کمکی به دین و استقلال یک کشور مذهبی بکنند. سید جمال‌الدین واعظ اصفهانی، از سخنرانان پرشور و فعال عصر مشروطه، یکی از علمایی بود که بر این دو جنبه تأکید داشت و به مردم می‌گفت: «شما دو چیز دارید که باید قدرش را بدانید و حفظ کنید: اول اسلام و دوم ایران. از بابت دین، اهل قرآن هستید و قائل به کلمه «لا اله الا الله» و تمامتان از پادشاه و وزیر و علماء، حجت الاسلام و طلاب و تاجر و کاسب و نوکر و اهل زراعت از زن و مرد، تمام باید دین‌تان از روی قرآن باشد و از بابت دنیا، اهل ایرانیم. تمام باید ترتیب مان به ترتیب ایران باشد. مسلمان آدم چه قدر بی غیرت باشد که لباس و زبان خودش را رها (کند) و دست بردارد، لباس فرنگی را بپوشد و زبان فرنگی را حرف بزند». (یغمایی، ۲۵۳۷، ص ۱۲۱)

### ۳. حمایت‌های عملی از تولیدات داخلی

اقتصاد بیمار قاجار، از توانایی لازم برای برقراری توازن در روابط تجاری برخوردار نبود. این عدم توازن به‌ویژه در نیمه دوم حکومت قاجار بیشتر به چشم می‌آمد. در مقایسه با تأکیداتی که در این دوران بر استفاده از تولیدات داخلی می‌شد، در این زمینه کمتر پیشرفت حاصل شد؛ زیرا توان تولید داخلی و تنوع محصولات در حدی نبود که نیازهای به‌روزشده مردم را پاسخگو باشد. با این حال، سائق‌هایی وجود داشتند که مردم را به سمت استفاده از تولیدات داخلی هدایت می‌کردند.

مهم‌ترین و تأثیرگذارترین گروه در زمینه حمایت از تولیدات داخلی در عصر قاجار، علمای این دوره بوده‌اند. از ماجرای تحریم تنباکو، به‌عنوان اولین رویارویی بزرگ علما با حکومت قاجار و اروپائینی یاد می‌شود که به دنبال امتیازات اقتصادی بودند. این تقابل، نه بر اساس یک برنامه‌ریزی راهبردی، بلکه بیشتر یک واکنش آنی و صرفاً با یک فتوا در برابر اعطای یک امتیاز اقتصادی به غیرمسلمانان بوده است. گفته شده است که تا قبل از قیام تنباکو، قباح و زشتی معامله و سلطه اقتصادی اجانب به بازار مسلمین، بر همگان معلوم نبود (نجفی، ۱۳۷۱، ص ۲۹)؛ اما با گذشت زمان، علما خطر سلطه اقتصادی غرب را پشت دروازه‌های خود احساس کردند و با رواج کالاهای خارجی در بازار ایران، اقدامات آنها هم

وجوه دیگری به خود گرفته و نقطه زنی هایی در این زمینه انجام شد. نگرانی اصلی علما، به خطر دین زدایی مربوط می شد که بلافاصله پس از سلطه اقتصادی غرب بر جامعه ایران قابل تصور بود.<sup>۱</sup> به همین خاطر، ظلم ستیزی علما در دوره قاجار، شالوده ایدئولوژیکی داشت و از باورهای شیعی نشئت می گرفت.

### ۳- ۱. حمایت های پیش از دوره ناصری

تا قبل از آغاز حکومت ناصرالدین شاه، جامعه ایران، ارتباط گسترده ای با دنیای غرب نداشت. به همین علت، اقتصاد ایران نیز کمتر از اقتصاد غرب تأثیر می پذیرفت و تنش ها در این زمینه کمتر پیش می آمد. ضمن اینکه به نظر می رسد در آغاز تحرکات استعماری روسیه و انگلیس، برخی از مردم ایران، تصور درستی از شیوه های استعماری و پیامدهای آن نداشتند. از این رو، در برابر اشباع تدریجی بازار ایران از اجناس خارجی، کمتر واکنش نشان می دادند. اما از همین دوران نیز گزارش هایی در دست است که نشانگر هوشیاری و آینده نگری علما در قبال سلطه اقتصادی غرب است.

فتحعلی شاه، که احترام زیادی برای علما قائل بوده<sup>۲</sup> و عالم بزرگی مانند سید جعفر کشفی، او را با عبارتی نظیر «مروج مذهب تشیع» معرفی کرده است (دارابی کشفی، ۱۳۸۱، ص ۳۱)، استفاده از شال های کشمیری را ممنوع کرد یا تقریباً آن را محدود به شاهدگان هم خون و تعدادی از افراد سطح بالا نموده بود. گفته می شود این فرمان، در اصل به این دلیل صادر شده بود که بر منافع کارگاه ها و تولیدگران کرمانی افزوده شود و کارشان بهبود یابد. (جونز بریجز، ۱۳۹۷، ص ۷۴)

۱. به خصوص انتشار خبر اظهار نظر «گلاستون» موجب شده بود این نگرانی ها عینیت بیشتری برای علما داشته باشد. گلاستون صدر اعظم انگلیس در کرسی نطق مجلس اعیان، قرآنی از بغل خود درآورده و گفته بود: «تا از این کتاب آسمانی در عالم اسمی باقی است، ما نباید بدوام و بقای مستملکات خود مطمئن باشیم» (مستوفی، ۱۳۸۴، ج ۳: ۱۱۰) لنین هم با ادبیاتی مشابه به این نکته اشاره کرده بود که تا مشرق زمین علاقه به دیانت دارد مرام ما پیشرفت نمی کند (هدایت، ۱۳۶۱: ۳۸۰) همچنین سرداردرگری گفته بود: «تا قرآن پیغمبر عرب در روی زمین پیروانی دارد نفوذ و سلطه بریتانیای کبیر در مخاطره خواهد بود.» (فراهانی، ۱۳۸۵، ج ۲: ۳۵۰)

۲. زمانی که فتحعلی شاه به زیارت حرم حضرت معصومه علیها السلام می رفت از موکب خود پیاده شده و افسار یابی میرزای قمی را (که به استقبال او می آمد) می گرفت و نمی گذاشت میرزا از مرکب اش پیاده شود تا او را به در حرم برساند. (کاظمی موسوی، ۱۳۹۷: ۲۲۱)

### ۳-۲. حمایت‌های پس از دوره ناصری

با شروع حکومت ناصرالدین شاه و آغاز تعاملات گسترده ایران و دنیای غرب، تمایل برای توسعه اقتصادی، در وجود بسیاری از ایرانیان، از جمله سران دربار قاجاری و بدنه حکومت قاجار پدید آمد. اما ایران سنتی آن روزگار، در مقایسه با اروپای صنعتی، متاعی برای عرضه نداشت و حتی اندک تولیدات خود را نیز پس از ورود کالاهای غربی به ایران، در خطر اضمحلال دید و به نظر می‌رسد بازار ایران رفته‌رفته با غلبه کالاهای خوش‌رنگ و لعاب، به تسخیر محصولات خارجی درمی‌آمد. طلیعه این تسخیر به صورت جدی در دوره ناصرالدین شاه بوده است.<sup>۱</sup> به عنوان یک نمونه، در مورد یک شهر کوچک مانند اراک، مشاهدات هنریش بروگش که در دوره ناصرالدین شاه در ایران بوده، حاکی از این است که «در دکان‌های سلطان‌آباد (اراک)، کالاهای لوکس خارجی زیادی وجود داشته است». (بروگش، ۱۳۶۷، ج ۲، ص ۳۳۴)

البته شرایط این گونه نبود که ایرانی‌ها خطر استیلای فرهنگ غرب را احساس نکنند، بلکه عموماً این خطر را دریافته بودند و در آن زمان به این نتیجه رسیده بودند که باید مزایای تمدن غرب را بگیرند و مضرات آن را رها سازند. اما غالباً راه حل مناسبی برای مقابله با آن نداشتند. علمایی که اطلاع بیشتری از شرایط روز داشتند، سعی می‌کردند در برابر غرب‌گرایی ایجاد شده در جامعه، راهی پیش روی افراد مخالف با این جریان بگذارند.

در این میان، ظهور پدیده‌ای به نام «فرنگی‌مآبی»، به عنوان مظهر غرب‌زدگی، تا اندازه زیادی ذهن علما را به خود مشغول ساخته بود؛ زیرا تقلید از اجانب، خطر بزرگی برای دینداری مردم به شمار می‌آمد و ظاهراً برخی از علما، به درستی منشاء غرب‌گرایی برخی از ایرانی‌ها را شناسایی کرده بودند. مشاهده مظاهر تمدن غرب و اسیر مُدگرایی شدن، عاملی بود که به تدریج می‌توانست منجر به سرسپردگی در برابر فرهنگ غربی شود و جامعه ایران را از باورهای دینی خود منفک ساخته و به همان سمتی سوق دهد که غربی‌ها می‌خواهند.

۱. یک نکته درباره وضعیت اقتصادی دوره ناصرالدین شاه قابل ذکر است که به رغم استبداد ذاتی ناصرالدین شاه، مردم به لحاظ تأمین حداقل مایحتاج زندگی ظاهراً کمتر تحت فشار بوده‌اند. چراکه شخصیت ناصرالدین شاه به گونه‌ای بوده که در مورد نیازهای اولیه مانند خوراک مردم حساسیت داشته و مثلاً تمام عوارض را از نان و گوشت برداشته و حرام کرده بود. (اعظام قدسی، ۱۳۷۹: ۴۸) و در مجموع سعی می‌کرد اجازه ندهد اختیار امور از دست حاکمیت خارج شود.

در این شرایط، بسیاری از علما با آگاهی از وضعیت سیاسی - اقتصادی جامعه سعی کردند گامی در راه نجات ایران از آینده ناگواری که برای آن متصور بودند بردارند. هرچند به نظر می‌رسد عموم علما، در راه تشویق مردم به رساندن جامعه به خودکفایی نقش داشتند، اما برخی از آنان در این کارزار فرهنگی - اقتصادی، شاخص بوده‌اند. علما در این دوره، از چند طریق به پشتیبانی از تولیدات داخلی و نهی از مصرف کالاهای خارجی اقدام کردند.

### ۳- ۲- ۱. سخنرانی‌ها

در دوره قاجار، منابر مهم‌ترین نقش را در انتقال نظرات علما به مردم ایفا می‌کردند. با توجه به عدم تنوع رسانه‌ها در این دوره، جایگاه منابر علما در بین مردم، بسیار پُررنگ و مقبول بوده است. هرچند از دوره ناصرالدین شاه به بعد، روزنامه‌ها گسترش زیادی یافتند، اما این توسعه، خلل زیادی در توجه مردم به منبر علما ایجاد نکرد. در این دوره، با توجه به شرایط ایجاد شده، سخنرانان معروف عصر قاجار، تأکید زیادی بر لزوم حفظ استقلال اقتصادی جامعه مسلمانان ایران در برابر غربی‌ها داشتند. علما با ایجاد انگیزه معنوی در بین قشر متدین جامعه، آنها را به استفاده از تولیدات وطنی دعوت و از استفاده از کالاهای دیگر ممالک منع می‌کردند. طبیعی بود که این روش در میان افرادی که به دنبال کسب رضای خداوند بودند، مؤثر واقع شده و رنگ و بوی مذهبی این عمل، موجب کشش آنها به این سمت شود. در بین واعظان دوره قاجار، چند چهره معروف دیده می‌شود که در باب حمایت از تولیدات داخلی و عدم وابستگی به بیگانگان به طور ویژه، سخنرانی‌های شورانگیزی داشته‌اند.

سید جمال‌الدین اسدآبادی یکی از اولین کسانی بود که سخنرانی‌های آتشی در باره بازگشت به اسلام و تکیه به توان داخلی مسلمانان در زمینه‌های مختلف، اعم از اقتصاد داشت. او پیش از واقعه تحریم تنباکو، نامه‌ای به علما نوشته و آنها را علیه ناصرالدین شاه تحریک کرده بود. (تیموری، ۱۳۵۸، ص ۵۸)

از دیگر چهره‌های نامدار در این عرصه می‌توان به سید جمال‌الدین واعظ اصفهانی، سخنران شوریده عصر قاجار اشاره کرد. او در کنار ترغیب مردم به استفاده از تولیدات داخلی، اتکا به کالاهای خارجی را نیز تقبیح کرد تا از این رهگذر، تلنگری به عده‌ای از مردم

وارد ساخته و آنها را به بومی‌گرایی و زیست اسلامی دعوت کند. مثلاً در سخنرانی در یک مراسم عزاداری گفته شده بود: «ماشاءالله، برای سوگواری، مجلس باشکوه و مفصلی برپا کرده‌اید! اما دریغ که حقیقت را رها ساخته‌اید و به ظواهر، دل خود را خوش می‌دارید. آخر آقایان تاجران، آقایان کتاب‌فروش‌ها، شرمتان نمی‌آید که هنوز قرآن، کتاب خدا را روی کاغذ مصنوع فرنگیان چاپ می‌کنید؟ چرا کارخانه کاغذسازی نمی‌آورید؟ چرا به فکر خودتان و پیشرفت خودتان نیستید؟...» (یغمایی، ۲۵۳۷، ص ۱۸)

### ۳-۲-۲. کتاب‌ها و رسالات

آثار مکتوبی که در آنها به ضرورت تقویت اقتصاد داخلی تأکید شده بود، نقش مهمی در هدایت جامعه به سمت استفاده از کالاهای داخلی داشته است. کتاب‌ها و رسالات متعددی در این زمینه نوشته شد که به نظر می‌رسد با توجه به شرایط کلی آن دوره، حداقل به لحاظ کمی، بسیار جلب توجه می‌کند.

کتاب «هدایة الطالبین» از جمله کتب سیاسی است که به دست یکی از شاگردان میرزای شیرازی یعنی سید عبدالحسین لاری به نگارش درآمده و در آن، نسبت به نفوذ اقتصادی خارجی‌ان در ایران هشدار داده شده است (نجفی، ۱۳۷۱، ص ۱۲۰). همچنین افراد دیگری همچون: میرزا عباس یزدی در کتاب «آفتاب و زمین»، شیخ محمدعلی شاه‌آبادی در اثر خودش با عنوان «شذرات المعارف» و میرزا حسن خان انصاری در کتاب «نوشدارو یا دوی درد ایرانیان» نیز مطالبی در این زمینه نوشته‌اند. (همان، ص ۱۲۰-۱۳۰)

علاوه بر کتاب، رساله‌های مختلفی نیز از سوی علما در مذمت وابستگی جامعه و بازار مسلمین به اجانب به نگارش درآمد که آنها نیز به نوبه خود، نقش زیادی در جهت‌دهی به مردم ایفا می‌کردند. با گذار از دوره ناصرالدین شاه، به نظر می‌رسد وضعیت اقتصادی، بدتر هم شده است و با توجه به شخصیت ضعیف مظفرالدین شاه و در ادامه هم مشکلات و آشوب‌های سیاسی دوره محمدعلی شاه و احمد شاه، اقتصاد نیز رو به افول بیشتری گذاشت. علما هم به نسبت وخامت اوضاع، هشدارهای مکتوب بیشتری صادر کرده و تجار داخلی نیز در این کار با آنها همراهی می‌نمودند.

در دوره مظفری، که اقتصاد ملی در معرض شدیدترین حملات اقتصاد مهاجم قرار گرفته بود، تجار با استفاده از پیوندهای پیشین با علما، خطر غلبه بیگانه را هرچه بیشتر گوشزد کردند و علما که با تقید به معانی قرآنی نمی‌توانستند شاهد فروپاشی اقتصاد ملی و وابستگی مسلمین به بیگانگان باشند، نه تنها در راستای مقابله با تهدید اقتصاد ملی، قدم‌های عملی ویژه‌ای نظیر تحریم خرید کالاهای بیگانه و تحریص مردم به استفاده از امتعه وطنی و ملی برداشتند، بلکه کوشیدند تا از طریق نوشتن رسائلی در تبیین همین معنی، ضرورت‌های دینی مسئله را نیز با زبانی عامه فهم توضیح دهند. (زرگری‌نژاد، ۱۳۷۴، ص ۷۶)

علما در قالب رساله‌های مختلف، با گوشزد کردن خطر چیرگی اقتصاد غربی بر بازار مسلمانان، بر استفاده از محصولات وطنی اصرار می‌ورزیدند. از جمله مهم‌ترین این رسالات، می‌توان به رساله بلندبالای سید جمال‌الدین واعظ اصفهانی، با عنوان «لباس تقوی» اشاره کرد که در آن با استناد به آیات قرآن و روایات، تأکید کرده بود نباید ایرانیان کالای خارجی را به مصرف برسانند. (حائری، ۱۳۶۴، ص ۱۳۱) هشت تن از برجسته‌ترین رهبران روحانی و مراجع تقلید آن زمان، بر رساله «لباس تقوی» تقریظ نوشته‌اند. (حائری، ۱۳۶۴، ص ۱۳۱) سید جمال‌الدین در این رساله با ظرافت خاصی، بین لباس تقوی، که به صورت مرتب از آن یاد می‌کند و آن را مایه عزت یک مسلمان می‌داند با پوشاک تولیدشده در داخل کشور، پیوندی برقرار ساخته و می‌نویسد: «ای کاش می‌دانستیم شرافت انسان، به انسانیت و علم است نه در لباس رعنا و جامه زیبا. شرافت این بود که احتیاج به دشمن نداشتیم. شرافت ما در پیروی اسلام بود. شرافت ما در پوشیدن لباس تقوی بود. لباس تقوی لباسی است که پوشیدنش باعث خوشنودی خدا و رسول باشد. لباس تقوی لباسی است که پوشیدنش باعث رواج بازار مسلمانان و کساد بازار تجارت کفار است». (واعظ اصفهانی، ۱۳۶۳، ص ۲، ۷۴)

در رساله دیگری نیز با عنوان رساله «جهادیه» اثر محمدکریم خان کرمانی (۱۲۲۵-۱۲۸۸ق) درباره اجتناب از وابستگی به غربی‌ها و تلاش برای شبیه شدن ظاهری به آنها و سپردن اختیار زندگی مسلمانان به اروپایی‌ها مطالبی به چشم می‌خورد. (رحمانیان و حاتمی، ۱۳۹۶،

همچنین سید عبدالحسین لاری، رساله‌ای به نام «رساله سؤال و جواب از مصرف اجناس خارجی» دارد که در آن، در پاسخ به سؤالی که درباره مصرف محصولات تولید کشورهای خارجی غیرمسلمان شده است، با استناد به آیات کریمه «إِنَّمَا الْمُشْرِكُونَ نَجَسٌ» (توبه: ۲۸) و «وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ» (مائده: ۲) گفته شده: «امروز آنچه از پول از بلاد اسلامی به بلاد خارجه می‌رود، اعانت به اعداء دین و استعداد کفار است برای ریختن خون اسلام و مسلمین، حرام است استعمال آنها سیاستاً و دیانتاً حفظاً لاسلام و المسلمین، مگر در صورت اضطرار و عدم وجود اشیاء وطنی اسلامی به هیچ وجه من الوجوه». (جعفریان، ۱۳۷۷، ص ۲۴۹)

### ۳-۲-۳. صدور احکام و فتاوا و اعلامیه‌ها از سوی مراجع تقلید

برخی از فقهای بزرگ این دوره، با صدور احکامی در قالب نامه و اطلاعیه، وارد عرصه تقابل با نفوذ اقتصادی اجانب شدند. در جریان جنبش تنباکو، میرزای شیرازی با این تذکر که اجازه مداخله اتباع خارجه در امور داخله مملکت و مخالطه و تودد آنها با مسلمین و اجرای عمل بانک و تنباکو و توتون و راه آهن و غیرها، از جهاتی چند، منافی صریح قرآن مجید است، با تسلط انگلیسی‌ها بر اقتصاد کشور مخالفت کرد.<sup>۱</sup>

علما حتی نیاز به انجام یک جهاد را از سوی ایرانیان در برابر چنین وضعیتی ضروری برشمردند. این فقها درباره پیامدهای استفاده از کالاهای خارجی، هشدارهایی جدی می‌دادند و جالب اینکه برخی از اصطلاحاتی که امروز در جامعه ایران رواج دارد، در آن دوره توسط این فقها به کار بسته شده است. از جمله اینکه در سال ۱۳۲۹ق از سوی دو عالم بزرگ یعنی محمدکاظم خراسانی و شیخ عبدالله مازندرانی، اعلامیه‌ای منتشر شد که در آن از عبارت «جهاد اقتصادی» استفاده شده و این جهاد را به منزله جهاد و شهادت در رکاب امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌داند. (نجفی، ۱۳۷۱، ص ۵۸؛ به نقل از جریده نجف)

«اطلاعیه»هایی نیز از سوی برخی از علما صادر می‌شد. آقا نورالله اصفهانی، از مجتهدان اصفهان، که با شرکت در جنبش تنباکو، وارد فعالیت‌های سیاسی شد، در سال ۱۳۱۵ق، در تحریم کالاهای خارجی و مصرف و ترویج مصرف کالاهای داخلی، اطلاعیه صادر کرد

۱. شیخ حسن اصفهانی کربلانی، تاریخ دخانیه، ص ۱۰۱ و ۱۰۲.

(فراهانی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۳۶۷). همچنین چند سند اعلامیه در موضوع منع و تحریم استفاده از اجناس خارجی و روابط با بیگانگان در کتاب «متون، مبانی و تکوین اندیشه تحریم در تاریخ سیاسی ایران» تألیف موسی نجفی آورده شده است. (نجفی، ۱۳۷۱، ص ۵۵-۸۲)

آخوند خراسانی در برنامه اصلاحی خویش در تحصیل خودکفایی ملی در امور اقتصادی و حمایت از تولیدات داخلی، در سال ۱۳۱۵ ق به دعوت چند تن از علمای ایران، همراه با گروهی دیگر از مراجع تقلید، فتوایی در تحریم کالاهای خارجی و حمایت از کالای داخلی و به منظور رفع نیاز کشور به بیگانگان، صادر کرد. (رضادوست و منتظرالقائم، ۱۳۹۷، ص ۷۷)

### ۳- ۲- ۴. تأسیس شرکت اقتصادی

یکی از شاخصه‌های حمایت‌های علما از تولیدات داخلی، عملیاتی شدن و گذار این حمایت‌ها از مرحله ایضاحی و توصیه‌ای است. آنها علاوه بر سخنرانی‌ها، فتاوا و آثار مکتوب خودشان برای حمایت از توان اقتصادی داخلی ایران، به یک رشته اقدامات عملی نیز دست زدند تا علاوه بر انجام وظیفه عملی، الگومایی برای جامعه نیز انجام داده باشند. از جمله کارهایی که با همت علمای عصر قاجار انجام شد، تأسیس شرکتی به نام «شرکت اسلامی» در اصفهان بود. این شرکت، به ابتکار آقا نورالله نجفی اصفهانی<sup>۱</sup> تأسیس شد و حتی شعبه‌هایی از آن شرکت، در شهرهای لندن، بادکوبه، سن پترزبورگ، استانبول، بمبئی، قاهره و پاریس نیز دایر گردید (نجفی، ۱۳۷۷، ص ۳۰)

در همین راستا، آخوند خراسانی، در تأیید شرکت اسلامی که با هدف حمایت از صنایع داخلی و بی‌نیازی از بیگانگان تأسیس شده بود، علاوه بر خرید منسوجات آن، در تقریظ خود بر کتاب لباس تقوی نوشت: «بر مسلمانان لازم است که لباس ذلت (تولیدات خارج) را از تن بیرون کنند و لباس عزت را بپوشند.» آخوند خراسانی همچنین در نامه‌ای به مظفرالدین شاه، او را به حمایت از این شرکت تحریض نمود (رضادوست و منتظرالقائم، ۱۳۹۷، ص ۷۷) حتی برخی معتقدند یکی از وقایع مهم دهه‌ای که به انقلاب مشروطیت انجامید، پیدایش شور و

۱. جهت کسب آگاهی بیشتر در مورد نقش آقا نورالله نجفی اصفهانی در حمایت از تولیدات داخلی در عصر قاجار به مقاله «اقتصاد مقاومتی و اندیشه تحریم از منظر حاج آقا نورالله نجفی اصفهانی» رجوع شود.



شوق ملی برای ایجاد شرکت‌های صنعتی بود تا وابستگی به کالاهای وارداتی غربی را کاهش دهد و در نهایت، آن را از میان بردارد. (اشرف، ۱۳۵۹، ص ۱۰۰)

#### ۴. آثار حمایت علما از تولیدات داخلی در عصر قاجار

پشتیبانی گسترده علما از توان تولید داخلی و منع از وابستگی اقتصاد جامعه به بیگانگان، آثاری در پی داشت. البته نمی‌توان گفت آنها در این راه، به موفقیت‌های فوق‌العاده‌ای دست یافتند؛ چراکه امواج تلاش‌های آنها در راه اقناع عمومی برای ترغیب به استفاده از محصولات ساخت داخل، بعضاً با صخره‌های بزرگی از بی‌اعتمادی به توان داخلی برخورد می‌کرد. این بی‌اعتمادی، به ویژه در میان روشنفکران بیشتر دیده می‌شد. با این حال اقدامات علما، آثار قابل توجهی به خصوص در دمیده شدن روحیه اعتماد به نفس ملی و جدا ساختن اذهان بخشی از افراد جامعه از میل به وابستگی روزافزون به تمدن و اقتصاد مغرب‌زمین داشت. همچنین عمده‌تأمتدینین جامعه، با رهنمودهای علما، استفاده از اجناس خارجی را محدودتر می‌کردند.

شخصیتی تأثیرگذار همانند امیر کبیر نیز از پارچه خارجی استفاده نمی‌کرد (هدایت، ۱۳۶۳، ص ۷۲). اطلاع دقیقی نداریم امیر کبیر این اقدام را تحت تأثیر توصیه‌های علما انجام می‌داد یا خیر؛ اما آنچه مسلم است اینکه علما نفوذ عجیبی بر اذهان و اعمال مردم داشتند و با استناد به آیات و روایات، جهت‌دهی مطلوبی به تحرکات مردم می‌دادند.

لازم به ذکر است علما در کنار تحریم تولیدات خارجی، بر عدم استفاده از بخش خدماتی بیگانگان نیز تأکید داشته و مستقیماً از عملکرد حکومت ایران در به‌کارگیری مدیران خارجی در بخش‌های اقتصادی و اداری کشور انتقاد می‌کردند. مرندی در این زمینه با اظهار ناخشنودی از این سیاست حکومت می‌گفت: «استخدام و مباشرت دادن به کفار و دشمنان خدا و پیغمبر ﷺ و بدخواهان اسلام در امور مسلمین و کارهای مملکت (باعث شده که) امروز تمامی دوایر دولتی اسلام، حتی بیت‌المال مسلمین نیز در دست کفار است. هر قسم که بخواهند تصرف و تحکّم می‌نمایند و اختیاری برای مسلمین باقی نمانده است.»

(زرگری‌نژاد، ۱۳۷۴، ص ۲۴۴)

شاید پس از واقعه تنباکو، ماجرای اولتیماتوم روس‌ها به ایران، از نقاط عطف مهم در تاریخ استعمارستیزی ایرانیان محسوب می‌شود. این حرکت نیز به رهبری علما صورت پذیرفت. نکته مهم در نوع مواجهه علما با این اولتیماتوم ننگ‌آور روس‌ها برای ایران، تحریم استفاده از کالاهای روسی بود. قضیه از این قرار بود که در جریان درگیری مورگان شوستر آمریکایی با قزاق‌های روس در باغ شعاع السلطنه، روس‌ها اولتیماتومی صادر کرده و از ایران خواستند مورگان شوستر سریعاً از ایران اخراج شده و از این به بعد، ایران بدون رضایت دولت روس، مستشار خارجی استخدام نکند و وزیر خارجه ایران رسماً به سفارت بیاید و از روس‌ها عذرخواهی کند. انتشار خبر این اولتیماتوم، موجب خشم مردم شد و علما استفاده از کالاهای روسی را ممنوع کردند و دانشجویان علیه روسیه شعار دادند. (بهشتی سرشت، ۱۳۸۰، ص ۲۴۸-۲۴۹)

از همان روز وصول خبر تلگراف اولتیماتوم دادن روس‌ها و ورود قشون روس به ایران، طلاب در خانه آخوند خراسانی، در مورد خطر استیلای روس‌ها بحث کردند (نظام‌الدین‌زاده، ۱۳۷۷، ص ۴۵-۴۶). در آن قضیه، شیشه‌های مغازه‌هایی که کالاهای روسی می‌فروختند شکسته شد و مردم از تراموا به تصور اینکه متعلق به روس‌ها است استفاده نمی‌کردند (در این میان، وزیر مختار بلژیک، از این امر برآشفته شده بود، چون تراموا متعلق به بلژیک بود) آن روزها چون بیشتر چای تهران از روسیه وارد می‌شد، سعی و مواظبت تمام می‌شد که کسی چای نخورد، اگرچه چای هندوستان باشد (شوستر، ۱۳۶۲، ص ۲۳۰). به تدریج، دامنه تحریم‌ها بسیار گسترده شد و تحریم اجناس و خدمات اروپایی در شمال و جنوب آغاز گردید. در ادامه این اعتراضات و در شیراز اجناس انگلیسی و کلیه معاملات تجاری با قشون این کشور نیز تحریم شد. علما، اسکناس‌های بانک بریتانیا را در این شهر نجس اعلام کردند و هر روز بیست هزار تومان اسکناس را به بانک برگرداندند. (آفاری، ۱۳۸۵، ص ۴۲۷)<sup>۱</sup>

لازم به ذکر است که برخی‌ها درباره موضوع استفاده از تولیدات داخلی، گاه نادانسته

۱. به نقل از:

Correspondence: Britain Great, 274, no. 13, December, 1911, Kazemzadeh, Persia in Britain and Russia, 642, 638, 184, Persia of Strangling The, Shuster

به کارهایی دست می‌زدند که معقول نبود. معیرالممالک در این زمینه می‌نویسد: «بعضی احمق‌ها را دیدم که چای نمی‌خورند و بعضی احمق‌ترها را دیدم که چای می‌خورند، ولی به جای قند، کشمش می‌خورند. چای هم که مال روس است. یا نخور، یا اگر می‌خوری با کشمش چرا؟». (معیرالممالک، ۱۳۶۱، ص ۱۲۸)

## نتیجه‌گیری

اقتصاد ایران از اواسط دوره قاجار، به شکل جدی تحت تأثیر حضور محصولات غربی در بازارها قرار گرفت. در این شرایط، علما همانند گذشته با انگیزه‌های مذهبی و برای صیانت از دین، وارد عمل شده و در برابر سلطه اقتصادی روزافزون غرب بر ایران واکنش نشان دادند؛ چراکه آنها سیطره اقتصادی را زمینه‌ساز سیطره سیاسی - فرهنگی می‌دانستند.

یکی از دلایل اصلی ایجاد قدرت کنش‌گرایی علما در مورد حمایت از استقلال اقتصادی، جانب‌داری مردم از مواضع آنها بوده است. فقهای بزرگ این دوره، با اتکا بر حمایت‌های مردمی، در میدان مبارزات سیاسی - اقتصادی حضور یافته و علناً به مسئله امتیازدهی به بیگانگان و اشباع بازارهای ایران از محصولات خارجی واکنش نشان دادند.

علما در منابع و نوشته‌های خود، با تشریح خطر وابستگی اقتصادی به غرب، سعی می‌کردند توضیحاتی اقماعی ارائه دهند تا در نهایت با حمایت مردم از برنامه آنها در جهت تقویت اقتصاد، موجبات استحکام دین را فراهم آورند. حتی در کنار این توصیه‌ها، با ورود مستقیم به بخش تولید، کارخانه‌هایی را تأسیس کردند که بتواند پاسخگوی بخشی از نیازهای مردم باشند.

علما گاه با ادبیاتی امیدبخش، مردم را به تلاش برای افزایش تولیدات داخلی ترغیب می‌نمودند و گاه با ادبیاتی سرزنش‌گر، استفاده از کالاهای خارجی را منع می‌کردند. در این رویارویی، واژگان کلیدی علما، لزوم تلاش برای عدم پذیرش استیلای اقتصادی غرب بوده است؛ زیرا آنان معتقد بوده‌اند سلطه اقتصادی بیگانگان در نهایت، موجودیت یک مملکت اسلامی را هدف قرار خواهد داد. البته آنها مشکلات زیادی هم در این زمینه داشتند؛ از جمله اینکه در زمینه تولیدات داخلی باید نمونه و بدیلی هم‌تراز با محصولات خارجی

ارائه می‌کردند. اما ساختار اقتصادی و نظام تولید در ایران، نابسامان‌تر از آن بود که بشود در این باره، حتی از جنبه تبلیغاتی آن، مصادیق قابل توجهی ارائه داد. با این حال، تلاش‌های علما در این زمینه، آثار مثبت فراوانی داشته است که آگاه شدن نسبی جامعه از خطر سلطه اقتصادی غرب و اراده جمع قابل توجهی از مردم برای مقابله با آن، از جمله مهم‌ترین این آثار بوده‌اند.

مجاهدت‌های علما در حمایت از تولیدات داخلی و راهی که پیش روی آیندگان ترسیم کردند، هم‌اکنون نیز جنبه بهره‌برداری داشته و می‌توان از آن تجربیات استفاده کرد. هرچند شرایط کشور ایران و نظام جهانی، تغییرات زیادی به خود دیده است، اما اصل ضرورت حمایت از تولید داخلی نه تنها کم‌رنگ‌تر نشده، بلکه با توجه به شرایط خاص ایران در دوران پس از انقلاب اسلامی و تأکیدات مقام معظم رهبری مبنی بر لزوم پایه‌ریزی اقتصاد مقاومتی، بسیار برجسته‌تر نیز شده است.

تأسیس شرکت اسلامی، یکی از نمونه‌های انطباق‌پذیر اقدام ایرانیان در آن دوره برای ایران امروز محسوب می‌شود. تاریخچه مبارزه با سلطه اقتصادی بیگانگان، بیانگر غلبه تدریجی اراده جمعی در امر حمایت از تولیدات داخلی است؛ اراده‌ای که عامل برانگیزنده آن، هدایت علمای دین بوده است.

## فهرست منابع

۱. اشرف، احمد، ۱۳۵۹ ش، موانع تاریخی رشد سرمایه‌داری در ایران؛ دوره قاجاریه، تهران: انتشارات زمینه.
۲. اعظام قدسی (اعظام‌الوزاره)، حسن، ۱۳۷۹ ش، خاطرات من یا تاریخ صد ساله ایران، تهران: نشر کارنگ.
۳. آفاری، ژانت، ۱۳۸۵ ش، انقلاب مشروطه ایران، ترجمه: رضا رضایی، تهران: نشر بیستون.
۴. بروگش، هینریش، ۱۳۶۷ ش، سفری به دربار سلطان صاحبقران، ترجمه: محمدحسین کردبچه، تهران: انتشارات اطلاعات.
۵. بریجز، سرهارفورد جونز، ۱۳۹۷ ش، گزارشی از دربار ایران، ترجمه: سید عبدالحسین رئیس‌السادات، تهران: انتشارات امیرکبیر.
۶. بهشتی‌سرشت، محسن، ۱۳۸۰ ش، نقش علما در سیاست؛ از مشروطه تا انقراض قاجار، تهران: پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی.
۷. تیموری، ابراهیم، ۱۳۵۸ ش، تحریم تنباکو، تهران: انتشارات کتاب‌های جیبی.
۸. جعفریان، رسول، ۱۳۷۷ ش، میراث اسلامی ایران، قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی.
۹. حائری، عبدالهادی، ۱۳۶۴ ش، تشیع و مشروطیت در ایران، تهران: انتشارات امیرکبیر.
۱۰. دارابی کشفی، سید جعفر، ۱۳۸۱ ش، تحفه الملوک، به کوشش: عبدالوهاب فراتی، قم: بوستان کتاب.
۱۱. رحمانیان، داریوش و حاتمی، زهرا، ۱۳۹۶ ش، پنج رساله سیاسی از دوره قاجاریه، تهران: نشر علم.
۱۲. رضادوست، عصمت و منتظرالقائم، اصغر، ۱۳۹۷، «حیات علمی و فرهنگی و اجتماعی آخوند خراسانی»، فصلنامه تاریخ‌نامه خوارزمی، ش ۲۲، صفحات ۶۱ تا ۷۹.
۱۳. زرگری نژاد، غلامحسین، ۱۳۷۴ ش، رسائل مشروطیت، تهران: انتشارات کویر.
۱۴. ساویج لندنور، آرنولد هنری، ۱۳۸۸ ش، ایران در آستانه مشروطیت، ترجمه: علی‌اکبر عبدالرشیدی، تهران: انتشارات اطلاعات.
۱۵. شوستر، مورگان، ۱۳۶۲ ش، اختناق ایران، ترجمه: ابوالحسن موسوی شوشتری، تصحیح: فرامرز برزگر و اسماعیل رائین، تهران: انتشارات صفی‌علیشاه.
۱۶. طهرانی، مصطفی، ۱۳۸۵ ش، سفرنامه گوهر مقصود، تصحیح: زهرا میرخانی، تهران: انتشارات میراث مکتوب.
۱۷. فراهانی، حسن، ۱۳۸۵ ش، روزشمار تاریخ معاصر ایران، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.
۱۸. فوران، جان، ۱۳۷۷ ش، مقاومت شکننده، ترجمه: احمد تدین، تهران: انتشارات رسا.
۱۹. کاظمی موسوی، احمد، ۱۳۹۷ ش، خاقان صاحبقران و علمای زمان، تهران: نشر آگاه.
۲۰. مراغه‌ای، زین‌العابدین، ۱۳۸۵ ش، سیاحت‌نامه ابراهیم بیگ، تصحیح: محمدعلی سپانلو، تهران: انتشارات آگه.
۲۱. مستوفی، عبدالله، ۱۳۸۴ ش، شرح زندگانی من، تهران: انتشارات زوار.
۲۲. معیرالممالک، دوستعلی خان، ۱۳۶۱ ش، وقایع الزمان، به کوشش: خدیجه نظام مافی، تهران: نشر تاریخ ایران.

۲۳. ناطق، هما، ۱۳۸۰ ش، کارنامه فرهنگی فرنگی در ایران ۱۸۳۷-۱۹۲۱، تهران: انتشارات معاصر پژوهان.
۲۴. نجفی، موسی، ۱۳۷۷ ش، اندیشه دینی و سکولاریسم در حوزه معرفت سیاسی و غرب شناسی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۲۵. \_\_\_\_\_، ۱۳۷۱ ش، متون، مبانی و تکوین اندیشه تحریم در تاریخ سیاسی ایران، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
۲۶. نظام‌الدین‌زاده، سید حسن، ۱۳۷۷ ش، هجوم روس و اقدامات رؤسای دین برای حفظ ایران، به کوشش: نصرالله صالحی، تهران: انتشارات شیرازه.
۲۷. هدایت، مهدی قلی‌خان، ۱۳۶۱ ش، خاطرات و خطرات، تهران: نشر کتاب‌فروشی زوار.
۲۸. \_\_\_\_\_، ۱۳۶۳ ش، گزارش ایران، به اهتمام: محمدعلی صوتی، تهران: نشر نقره.
۲۹. واعظ اصفهانی، سید جمال‌الدین، ۱۳۶۳ ش، رؤیای صادق، به کوشش: صادق سجادی و هم‌رضوانی، تهران: نشر تاریخ ایران.
۳۰. یغمایی، اقبال، ۲۶۳۷ پهلوی، سید جمال واعظ اصفهانی، شهید راه آزادی، تهران: انتشارات توس.
31. Great Britain: Correspondence, no.274, December 13, 1911, Kazemzadeh, Russia and Britain in Persia, 642, 638, Shuster, The Strangling of Persia, 184.

# بررسی مخاطبان نبوی با تأکید بر نظریه آیت‌الله جوادی آملی در ساحت نظر و عمل

سیده مهین میرافضلی<sup>۱</sup>  
عالمه جمال‌زاده خیرآبادی<sup>۲</sup>

## چکیده

مخاطب‌شناسی یکی از مباحث مهم در باورپذیری و تغییر رفتار در جوامع بشری است که رسول خدا ﷺ نیز برای هدایت مردم توجه ویژه‌ای به این امر داشته‌اند. پژوهش حاضر با بررسی گزارش‌های تاریخی و استفاده از نظریه شناخت آیت‌الله جوادی آملی، به دنبال پاسخ به این سؤال است که مخاطبان شناختی عصر نبوی، از جهت شناختی، در چه سطوحی قرار داشتند و اقدام‌های پیامبر اکرم ﷺ در راستای هدایت مخاطبان با توجه به سطوح تعریف‌شده، چه بوده است؟ در حال حاضر، راه‌اندازی جنگ شناختی علیه باورهای اسلامی از سوی مخالفان و داشتن نقشه راه برای مقابله با این جنگ، بررسی این مسئله را ضروری می‌سازد. بررسی‌ها نشان می‌دهد که قدرت شناخت مخاطبان رسول خدا ﷺ در جنگ شناختی توسط جبهه باطل، مورد آسیب قرار گرفت و مخاطبان، گرفتار ناهماهنگی در بُعد نظر و عمل شدند. رسول خدا ﷺ با آسیب‌شناسی دقیق در حوزه شناختی مخاطب، و با تزریق آگاهی به جامعه و رفع موانع شناختی درباره هر باور به صورت جداگانه، بین قوای شناختی هماهنگی ایجاد کرد و باورهای اسلامی را در وجود مخاطبان خود بر اساس ظرفیت مخاطب نهادینه کرد. **واژگان کلیدی:** پیامبر اکرم ﷺ، جنگ شناختی، مخاطب شناختی، آیت‌الله جوادی آملی، هماهنگی نظر و عمل.

۱. پژوهشگر و دانش پژوه سطح چهار رشته تاریخ اهل بیت ﷺ، جامعه الزهراء ﷺ، قم، ایران (نویسنده مسئول)؛

[mirafzaly14@gmail.com](mailto:mirafzaly14@gmail.com)

۲. دانش پژوه سطح سه رشته کلام جامعه الزهراء ﷺ، قم، ایران؛ [kherabadi114@gmail.com](mailto:kherabadi114@gmail.com)

## مقدمه

بشر در طول تاریخ، درگیر انواع جنگ‌ها و نزاع‌های نرم و سخت بوده و هست. امروزه قدرت‌ها در تلاشند با استفاده از جنگ شناختی، با یکدیگر مبارزه کنند. جنگ شناختی با هدف قرار دادن قوه شناخت عموم جامعه با تغییر باورها، هنجارها و نگرش‌ها از طریق مدیریت ادراک و برداشت است. جنگ شناختی، راهبردی است که بر تغییر فکر جامعه هدف و نحوه رفتار آن تمرکز دارد. عرصه نبرد در جنگ شناختی، ذهن و قلب انسان بوده و هدف آن، رفتارسازی در جهت اهداف مد نظر است. امروزه جنگ شناختی، به تهدیدی اجتماعی و ایدئولوژیک تبدیل شده است و ابزاری برای درهم شکستن روحیه و اراده کشورهای مستقل به شمار می‌رود. مخاطب، از ارکان اصلی جنگ شناختی است و برای پیروزی علیه جبهه باطل، توجه به سطوح مخاطبان، اجتناب ناپذیر است.

جنگ شناختی به معنای تأثیرگذاری بر اذهان با استفاده از دستکاری در قوای شناخت، در طول تاریخ، از سوی جبهه باطل علیه انبیاء وجود داشته است. جامعه زمانه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله متأثر از جنگ شناختی جبهه باطل بود و قوای شناختی افراد جامعه، از سوی جریان‌های باطل مورد حمله قرار گرفته بود.

اقدامات و فعالیت‌های پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در طول رسالت خود همواره در راستای پاکسازی قوه شناخت صدمه دیده از جنگ شناختی است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با شناخت و آگاهی از ظرفیت‌های شناختی یا همان بُعد نظر و عمل مخاطبان خود توانست قوای فکری آنان را از حمله‌های جنگ شناختی جریان باطل رها کند؛ باورهای اسلامی را در جامعه نهادینه سازد و افرادی مؤمن به باورها و ارزش‌های اسلامی تربیت نماید.

بدون تردید، تمسک به سیره شناختی رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برخورد با سطوح متفاوت مخاطبان برای رویارویی با جنگ شناختی دشمن برای دستیابی به راهکارهای کاربردی، امری ضروری است. پژوهش حاضر با بررسی گزارش‌های تاریخی به دنبال پاسخ به این سؤال است که جامعه عصر نبوی از جهت شناختی در چه سطوحی قرار گرفته‌اند و راهبرد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مقابل مخاطبان شناختی برای هدایت افراد جامعه چه بوده است؟



از آنجاکه آیت‌الله جوادی آملی به عنوان یکی از بزرگ‌ترین اندیشمندان در عرصه معرفت‌مبتنی بر آیات و روایت است، از نظریه نظر و عمل ایشان در ساحت معرفت‌شناسی، برای تعیین سطوح مخاطبان استفاده شده است.

این پژوهش، میان‌رشته‌ای بوده و مباحث مربوط به جنگ و شناخت را در خود جای داده است؛ از این رو، ادبیات پژوهش، میان‌رشته‌ای است و حوزه معرفتی و نظامی را نیز دربردارد.

### ۱. پیشینه پژوهش

مطالعات انجام شده و رصد تحقیقات جدید، اثری با این موضوع، رویکرد و هدف را نشان نمی‌دهد. البته آثاری درخور، فعالیت‌های تبلیغی پیامبر اکرم ﷺ را مورد بحث قرار داده و می‌تواند به عنوان پیشینه پژوهش مورد توجه قرار گیرد. برخی از این آثار عبارتند از:

- در مقاله «شخصیت‌شناسی مخاطب در فرایند ارتباطی رسول اکرم ﷺ»، مرتضی دادور و محمدحسین دانش‌کیا، مجله علمی - پژوهشی اسلام و مطالعات اسلامی، سال ۱۳۹۹؛ نویسنده با روش اسنادی و رویکرد تحلیل کیفی، با استناد به داده‌های تاریخی و اقتباس از عناصر ارتباطی، عوامل و ویژگی‌هایی را شناسایی کرده است که با تأثیر در شخصیت مخاطب، نوع مواجهه وی با پیام نبوی را در فرایند ارتباطی، تحت تأثیر قرار می‌دهد. نویسنده دریافته است که تأثیرپذیری از ساختار قومی - قبیله‌ای، تأثیرپذیری از بت‌ذهنی قبیله، از فقر اقتصادی، از اقتدار و غلبه، از شیوخ و رؤسای قبایل، و تأثیرپذیری از پیمان‌ها و پیوندهای قبیله‌ای در فرایند ارتباطی، از جمله ویژگی‌های شخصیتی مخاطبان عصر نبوی است. ساختار شناختی، مقتضیات و چالش‌های آن نیز از جمله مؤلفه‌ها و ویژگی‌های شخصیتی عام مخاطبان بوده که همواره مورد اهتمام رسول اکرم ﷺ در فرایند ارتباطی قرار گرفته است.

- مقاله «تحلیلی بر سیره ارتباطات میان‌فردی پیامبر اکرم ﷺ»، کریم‌خان محمدی، مجله علمی - پژوهشی تاریخ اسلام، سال ۱۳۸۸؛ ضمن اشاره به اصول و شرایط ارتباط اثربخش از نگاه اندیشمندان حوزه ارتباطات، کوشیده است سیره ارتباطات فردی پیامبر اکرم ﷺ را به عنوان یک شخصیت فوق‌العاده و ارتباط‌گر قوی، بررسی و تحلیل

کند. نویسنده دریافته است پیامبر اکرم ﷺ با داشتن ویژگی‌هایی همانند گشودگی، همدلی، حمایتگری، مثبت‌گرایی و مساوات‌طلبی، شیوه‌ای ستودنی از ارتباطات را به منصفه ظهور رساند که آرمان «ارتباطات رهایی‌بخش» مورد نظر هابرماس در آن کاملاً متحقق است. پیامبر اکرم ﷺ در عین پرهیز از اصول غیراخلاقی مدیریت تأثیرگذاری، اثربخش‌ترین نوع ارتباطات را به نمایش گذاشت.

- مقاله «روش‌شناسی برخورد پیامبر اکرم ﷺ با مشرکان و اهل کتاب»، مصطفی عباسی مقدم، مجله فلسفه دین، سال ۱۳۸۹؛ به شیوه‌های تبلیغی پیامبر همچون ارسال نامه، نرم‌خویی و معاشرت با مشرکان اشاره کرده است.

- در مقاله «شیوه‌های دعوت پیامبر ﷺ به استناد قرآن کریم»، دل‌آرا نعمتی، نشریه بینات، سال ۱۳۸۵؛ نویسنده معتقد است شیوه‌های ابلاغ رسالت، مبتنی بر بصیرت خدادادی است و بشارت، خردگرایی و منطق، حکمت، جدال احسن و موعظه حسنه، به عنوان شیوه‌های تبلیغی پیامبر ﷺ معرفی شده است.

- در کتاب «بررسی شیوه‌های ایجاد ارتباط و اطلاع‌رسانی در سیره نبوی»، عباسعلی تفضلی و محمد اکبری نصرآبادی، سال ۱۳۹۰؛ انواع ارتباطات پیامبر ﷺ، بررسی شده است.

پیشینه مذکور بیانگر آن است که تاکنون اثری در قالب کتاب، مقاله و پایان‌نامه، این مسئله پژوهشی را بررسی نکرده است. در پژوهش حاضر، سعی بر آن است تا با توجه به نظریه شناختی آیت‌الله جوادی آملی، موضوع طیف مخاطبان پیامبر ﷺ مورد بررسی قرار گیرد. در گام بعدی، به راهبرد پیامبر اکرم ﷺ در برابر این طیف مخاطبان، با توجه به چهارچوب نظریه، اشاره خواهد شد.

## ۲. مفاهیم و چهارچوب نظری

### ۲-۱. جنگ شناختی

جنگ شناختی<sup>۱</sup> به معنای استفاده از علوم شناختی در هدف قرار دادن قوه شناخت عموم مردم و نخبگان جامعه هدف با تغییر هنجارها، ارزش‌ها، باورها، نگرش‌ها و رفتارها

1. cognitive warfare.

از طریق مدیریت ادراک و برداشت است (جوادی، ۱۴۰۱، ص ۱۳). جنگ شناختی، نوعی جنگ برای کنترل یا تغییر نحوه واکنش افراد نسبت به اطلاعات دریافتی است و هدف آن، فروپاشی دشمن از درون و تحمیل اراده سیاسی بدون اقدام سخت است. جنگ شناختی، راهبردی است که بر تغییر فکر جامعه هدف، و نحوه رفتار آن تمرکز دارد. هدف جنگ شناختی، اجبار دشمن به عملی ساختن اراده‌هاست. جنگ شناختی، حمله به اطلاعات در فضای ذهن مخاطب برای ایجاد آشوب و صدمه است. هدف اصلی در این جنگ، تغییر ریشه‌های نحوه فکر کردن افراد، باورها و پارادایم‌های ذهنی است. (عراقی، ۱۴۰۱، ص ۱۴۴)

در این پژوهش، جنگ شناختی به معنای تأثیرگذاری بر اذهان با دستکاری در قوه شناخت و صدمه زدن به قوای شناختی به منظور تغییر در باور، ارزش و رفتار مخاطب است.

## ۲-۲. نظریه «نظر و عمل» آیت‌الله جوادی آملی

آیت‌الله جوادی آملی معتقد است، وجود انسان دارای دو بُعد نظر و عمل است. بُعد نظر، عهده‌دار بینش، اندیشه و فکر است و بُعد عمل، عهده‌دار پذیرش، کوشش و گرایش است. انسانی که به دنبال رسیدن به کمال است باید در این ابعاد، کامل شود. انسان هر عقیده و باور صحیح را که شناخت، با دل بپذیرد. شناخت صحیح و پذیرش در کنار هم، موجب تغییر در رفتار و اعمال انسان می‌شود. (جوادی آملی، ۱۳۷۸، ص ۱۴۴ و ۱۴۶)

بنابر این دیدگاه، میان نظر و عمل، یک حجاب بسیار دقیق است که مانع از این می‌شود تا اندیشه، بلافاصله به عمل منتهی شود؛ منتها انسانی که حجاب‌های مادی و نوری را درنوردیده، به مقامی رسیده که نظر و عمل را به یک سطح رسانده است و بینش و اندیشه او، عین عمل و گرایش او می‌شود. علم و عمل، با اینکه دو مفهومند، در وجود چنین شخصی، دارای یک حقیقت می‌شوند؛ علم و عملش یکی می‌شوند. در مقابل، افرادی که علم و عمل در وجودشان به یک حقیقت تبدیل نشده است، حجاب رقیق میان نظر و عمل آنان وجود دارد و هرچه از لحاظ روحی در مرحله پایین‌تری قرار گیرند، این فاصله بیشتر می‌شود. «گاهی انسان، عالم بی عمل است و در پاره‌ای از مواقع، مقدس‌پر عمل و کم‌تشخیص است». (جوادی

آملی، ۱۳۷۸، ص ۱۴۵)

آیت الله جوادی آملی معتقد است غالب انسان ها، بین نظر و عملشان، يك جدار رقیقی است، برای همین خیلی از چیزها را می فهمند اما به آنها عمل نمی کنند و به خیلی از چیزها دل می سپارند که عقل نظر با آنها هماهنگ نیست و آنها را تأیید نمی کند. به برخی از آداب و رسوم و عادات و سنن سر می سپارند که با اندیشه، موافق نیست و به بعضی از امور می اندیشند، در صورتی که با عقل عمل هماهنگ نیست. این جدال، همواره بین اندیشه و گرایش در اوساط مردم هست. (جوادی آملی، ۱۳۷۸، ص ۱۴۴-۱۴۵)

### ۳. طیف بندی مخاطبان

با توجه به نظریه مذکور، بر اساس هماهنگی و عدم هماهنگی بین بُعد عمل و نظر، سطوحی برای مخاطبان به شرح ذیل قابل تعریف است که پژوهنده با توجه به ادبیات امروزی، طیف سیاه، سفید و خاکستری را بر آن نهاده است.

- گروهی که به شناخت صحیحی رسیده اند و بر اساس همان شناخت عمل می کنند:

﴿وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ...﴾ (عنکبوت: ۵۸)

- افرادی که به عقیده صحیحی شناخت پیدا کرده اند، ولی به آن پذیرش قلبی پیدا نکرده

و بر طبق آن عمل نمی کنند. امام صادق علیه السلام ضمن برشمردن اقسام کفر در قرآن، یکی از آنها را «کفر انکاری» بیان می کند، یعنی انسان چیزی را انکار می کند که می داند حق است و نزد او ثابت است (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۲۸۷): ﴿وَجَحَدُوا بِهَا وَاسْتَيْقَنَتْهَا أَنفُسُهُمْ ظُلْمًا وَعُلُوًّا﴾. (نمل: ۱۴)<sup>۱</sup>

- گروهی که در شناخت و پذیرش، دچار مشکل هستند، به این معنا که یا به شناختی

دست پیدا نکرده اند و یا از ناحیه شناخت و پذیرش، دچار ضعف هستند. برخی از آیات قرآن که با عبارت «أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ» یا «أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ» بیان می شود به همین گروه اشاره دارد. مثلاً آیه ۴ سوره حجرات «إِنَّ الَّذِينَ يُنَادُونَكَ مِنَ الْجُبُرَاتِ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ» درباره قوم بنی تمیم است که به دلیل عدم شناخت کافی نسبت به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، با ایشان رفتار نامناسبی داشتند، ولی هنگامی که به شناخت صحیح رسیدند، به حضرت ایمان آوردند.<sup>۲</sup>

۱. «و آن را از روی ظلم و سرکشی انکار کردند، درحالی که در دل به آن یقین داشتند.» (نمل: ۱۴)

۲. قومی از سفهای بنی تمیم در مسجد وارد شدند و از پشت حجرات مسکونی، رسول خدا صلی الله علیه و آله را صدا زدند تا نزد آنان برود. حضرت با خاطری آزرده نزد آنها رفت. آنان به پیامبر صلی الله علیه و آله گفتند: نزد تو آمده ایم تا به تو فخر بفروشیم، بنابراین به شاعر و

## ۴. طیف شناختی مخاطبین عصر نبوی

بر اساس آنچه درباره شئون دوگانه انسان مطرح شد، می‌توان مخاطبان عصر نبوی را به سه گروه سیاه، سفید و خاکستری تقسیم کرد که در ادامه، به ویژگی‌های هر کدام از آنها اشاره می‌شود:

### ۴-۱. گروه سفید

مخاطبین سفید کسانی هستند که در بُعد نظر و عمل، هماهنگی به وجود آورده‌اند. اینان حق جو و حق‌پذیرند و بر اساس شناختی که به دست آوردند، عمل می‌کنند. این طیف از مخاطب، دارای مراتب مختلفی هستند که در بالاترین مرحله آن، اولیاء و معصومین عصر نبوی مانند حضرت زهرا علیها السلام، امام علی علیه السلام و بزرگانی همچون: حضرت خدیجه علیها السلام، حضرت ابوطالب و... قرار داشتند. در این افراد، باور به مسئله‌ای موجب عمل به آن می‌شد، یعنی میان شناخت و عمل آنها تفاوت و تمایزی وجود نداشت. به عنوان نمونه، حضرت خدیجه علیها السلام و امام علی علیه السلام نخستین افرادی بودند که پس از رسالت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، به ایشان ایمان آوردند و تا آخرین لحظات عمر خویش از اسلام دفاع کردند و در این راه، مشقت‌های فراوانی متحمل شدند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره حضرت خدیجه علیها السلام می‌فرماید: او زمانی که مردم مرا نپذیرفتند، مرا تصدیق کرد؛ در حالی که مردم مرا تکذیب کردند، مرا با مالش کمک کرد؛ در صورتی که مردم مرا محروم ساختند... (ابن اثیر، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۱۵۱). همچنین درباره حضرت ابوطالب آمده است: در زمانی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مأمور به انداز نزدیکان خویش شد، ایشان با پذیرش نبوت حضرت فرمود: برادرزاده‌ام قیام کن. تو والا مقامی و حزب تو گرمی‌ترین حزب هست. تو فرزند فرد بزرگی هستی. هرگاه زبانی تو را آزار دهد، زبان‌های تیزی به دفاع از تو برمی‌خیزد و شمشیرهای تیزی آنها را می‌رباید. به خدا سوگند! اعراب همچون کودک خاضعی نسبت به مادرش در مقابل تو خاضع خواهند شد. (ابن طاووس، ۱۴۰۰، ص ۸۵)

خطیب ما اجازه بده تا شعر گوید و سخن براند. پیامبر صلی الله علیه و آله اجازه داد. در آن میان، عطارد بن حاجب برخاست و خطبه فصیحی خواند. آنگاه رسول خدا صلی الله علیه و آله به ثابت بن قیس فرمود که برخیزد و جواب او را بدهد. ثابت، خطبه‌ای مفصل‌تر و فصیح‌تر قرائت نمود. پس از ثابت، زبیر بن بدر تمیمی چند بیت شعر خواند و پیامبر صلی الله علیه و آله به حسان فرمود جواب او را بدهد. حسان با ابیاتی بسیار فصیح و بلیغ، جواب زبیر را داد. اقرع بن حابس تمیمی گفت: خطیب این مرد (پیامبر)، از خطیب ما بهتر، شاعر او از شاعر ما فصیح‌تر و صدای گویندگان او از صدای گویندگان ما رساتر و بلندتر است. آنگاه همگی مسلمان شدند. (طبرسی، ۱۴۱۲، ج ۹، ص ۱۹۷)

## ۴ - ۲. گروه سیاه

مخاطبین سیاه، نسبت به اسلام و اصول دین، شناخت داشتند، منتها حاضر به پذیرش و عمل بر طبق آن نبودند و در پایان نیز در جبهه مقابل (دشمن) قرار گرفتند. آیات متعددی به این گروه اشاره دارد: «الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَعْرِفُونَهُ كَمَا يَعْرِفُونَ أَبْنَاءَهُمْ وَإِنَّ فَرِيقًا مِنْهُمْ لَيَكْتُمُونَ الْحَقَّ وَهُمْ يَعْلَمُونَ» (قرآن، شناخت اهل کتاب از پیامبر ﷺ را به شناخت پدر نسبت به فرزند تشبیه نمود تا نشان دهد شناخت آنان از پیامبر ﷺ و حقانیت دین اسلام، دقیق و کامل بود، اما حاضر به پذیرش نشدند. وجه شباهت آن است، که شناخت فرزند از ابتدای تولد و حتی قبل از آن شکل می‌گیرد و در آن تردیدی راه ندارد (قرآنی، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۲۲۶). همچنین خداوند می‌فرماید: «وَلَمَّا جَاءَهُمْ كِتَابٌ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَهُمْ وَكَانُوا مِنْ قَبْلُ يَسْتَفْتِحُونَ عَلَى الَّذِينَ كَفَرُوا فَلَمَّا جَاءَهُمْ مَا عَرَفُوا كَفَرُوا بِهِ فَلَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الْكَافِرِينَ»<sup>۲</sup>.

یوشع یهودی معتقد بود زمان آن نزدیک شده که پیامبری از این بیت (کعبه) مبعوث شود. هرکس او را درک کند باید او را تصدیق نماید. از محمد بن مسلمه نقل شده که پیامبر ﷺ مبعوث شد، ما اسلام آوردیم، ولی او به سبب حسادت، مسلمان نشد (ابن کثیر، ۱۴۱۷، ج ۳، ص ۳۵۵). ولید بن مغیره، دشمن سرسخت پیامبر اکرم ﷺ، از حضرت درخواست تلاوت قرآن کرد. هنگامی که آیتی از قرآن بر او تلاوت شد گفت: به خدا قسم! این کلام، شیرینی و ملاحظ و شیوایی و فصاحت فوق العاده‌ای دارد، ریشه‌اش بسیار قوی است، میوه‌های خوبی خواهد داد و بشر به این بلاغت، سخن نخواهد گفت (طبرسی، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۱۱۰). ابوسفیان، ابوجهل، ابولهب و یهودیان، در شمار این طیف از مخاطبان قرار می‌گیرند که مهم‌ترین ویژگی آنها، عناد و استکبار است و این ویژگی، باعث حق ستیزی آنان می‌شود.

۱. «کسانی که کتاب آسمانی به آنان داده‌ایم، او (پیامبر) را همچون فرزندان خود می‌شناسند، (ولی) جمعی از آنان، حق را آگاهانه کتمان می‌کنند». (بقره: ۱۴۶)

۲. «و چون کتاب آسمانی قرآن از نزد خدا برای هدایت آنها آمد، با وجودی که کتاب (تورات) آنان را تصدیق می‌کرد و با آنکه خود آنها پیش از بعثت (پیامبر خدا) انتظار غلبه بر کافران داشتند، آنگاه که آمد و شناختند (که همان پیغمبر موعود است) باز به او کافر شدند (و از نعمت وجود او ناسپاسی کردند)، پس خشم خدا بر کافران باد». (بقره: ۸۹)

#### ۴-۳. گروه خاکستری

طیف خاکستری، از ناحیه شناخت و پذیرش، دچار ضعف هستند و توانایی درک حقایق را ندارند و همین امر منجر شد که در تصمیم‌گیری دچار تردید شوند. ضعف شناخت و پذیرش، دلایل مختلفی دارد، از جمله، مشکلات شناختی مانند عدم وجود راهنما یا عدم آگاهی و یا عدم پذیرش به دلیل ترس و تعصب قبیلگی.

طیف خاکستری، بخش وسیعی از مخاطبان پیامبر ﷺ را به خود اختصاص می‌داد و رفع موانع شناختی، همچون تزریق آگاهی و شناخت و یا درمان عدم پذیرش، همچون تعصب، می‌توانست آنان را به گروه سفید ملحق کند. همچنین عدم پذیرش به دلیل انکار و عناد پس از شناخت می‌توانست آنان را به گروه سیاه ملحق کند.

رسول خدا ﷺ بر یکایک قبایل عرب می‌گذشت و به آنان می‌گفت: «ای مردم! بگوئید: «لا اله الا الله» تارستگار گردید و عرب را مالک شوید و عجم رام شما گردد و در اثر ایمان، پادشاهان بهشت باشید.» اما یکی از مهم‌ترین موانع شناختی (نداشتن فکر و اندیشه در بعد نظر، و عدم پذیرش باور در بعد عمل) در این میان تبلیغات ابولهب بود که می‌گفت: مبادا سخن وی را بشنوید، چون از دین برگشته و دروغگو است. تبلیغات ابولهب، اجازه انعقاد شناخت را نمی‌داد و لذا قبایل عرب هم به رسول خدا ﷺ پاسخی زشت می‌دادند و حضرت را آزرده خاطر می‌کردند و می‌گفتند: خویشان و نزدیکان تو را بهتر می‌شناسند که از تو پیروی نکرده‌اند. (ابن سعد، ۱۴۱۸، ج ۱، ص ۲۱۶-۲۱۷)

#### ۵. اقدامات پیامبر اکرم ﷺ

برای رساندن بشر به مرحله شناخت و پذیرش، عملیات، تاکتیک‌ها و تکنیک‌های متناسب با ویژگی‌های هر یک از گروه مخاطبان شناختی تعریف شده است. باید به این نکته دقت داشت که وضعیت مخاطبان و روحیه آنها در هر یک از طیف‌ها با یکدیگر متفاوت است؛ به این معنا که برخی از افراد در یک طیف، از لحاظ روحی فردی منطقی هستند، برخی عاطفی و گاهی نیز افراد نسبت به یک امر، موضع خاصی دارند؛ از این رو اقدام‌ها برای هر یک از افراد در یک طیف، متفاوت است و حضرت رسول ﷺ به اقتضای حال و روحیه مخاطبان، اقدام‌های متفاوتی انجام دادند. اما راهبرد پیامبر ﷺ در هر طیفی مشترک است.

## ۵-۱. طیف سفید

از آنجاکه این طیف از مخاطبان، در شناخت‌های ایجاد شده در وجودشان مشکلی نداشتند، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در راستای افزایش ایمان و رساندن آنها به عبودیت و بندگی خالص برای خداوند تلاش کردند تا آنان، مراتب و مراحل معرفتی را مرحله به مرحله در راستای رسیدن به عبودیت طی کنند. برای تحقق این مهم، آن حضرت سعی کردند ابتدا شناخت و معرفت نسبت به مسائل قبل را در وجودشان تقویت کنند تا ایمان و باور آنها عمیق تر شود، سپس آنها را نسبت به مسائل جدید، راهنمایی و هدایت کرده تا مرحله نوبنی از مرتبه‌های معرفتی طی نمایند. علاوه بر این، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله همانند یک پزشک حاذق، پیشگیری‌های لازم برای مواجهه با موانع احتمالی شناخت انجام می‌دادند. در ادامه به برخی از اقدام‌های ایشان در راستای افزایش عبودیت در میان طیف سفید اشاره خواهد شد.

## ۵-۱-۱. موعظه

موعظه، تکنیکی برای رام کردن و تحت سلطه درآوردن شهوات و احساسات است. این روش، جوشش‌ها و هیجانات بی‌جا را خاموش می‌کند و طوفان‌ها را فرومی‌نشاند، آنگاه زمینه را برای حساسگری و دوراندیشی فراهم می‌آورد (مطهری، ۱۳۸۳، ص ۱۹۴-۱۹۵). از این رو حضرت رسول صلی الله علیه و آله برای تمامی مخاطبان، با توجه به زمینه شناختی و آمادگی روحی که داشتند، از این تکنیک استفاده می‌کردند. مثلاً در نصیحتی به ابوذر می‌فرماید: «ای ابوذر! دو رکعت نماز میانه (غیر طولانی که زیاد هم سبک نباشد)، اگر با توجه و تفکر انجام یابد، بهتر از یک شب به عبادت ایستادن است در حالی که قلب، از اندیشه عبادت، غفلت داشته باشد» (طوسی، ۱۴۱۴، ص ۵۲۶-۵۲۷). همچنین فرمود: «ای ابوذر! اگر برخیزی و آیه‌ای از کتاب خدا را فراگیری، برایت بهتر از صد رکعت نماز است و اگر برخیزی و بابی از دانش را فراگیری، چه به آن عمل بشود و چه نشود، بهتر از آن است که هزار رکعت نماز بخوانی» (محمدی ری شهری، ۱۳۹۳، ج ۱، ص ۳۰۹). پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله خطاب به ابن مسعود فرمود: «ای پسر مسعود! سعی کن که همه رفتار بر اساس دانش و خرد باشد و از عمل کورکورانه پرهیز کن». (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۷۷، ص ۱۱۰)



## ۵-۱-۲. تبشیر و انذار

این تکنیک، برای تشویق و ترغیب مؤمنانی است که مرحله نخستین دعوت را پذیرفته و به جرگه مسلمانان پیوسته‌اند و اکنون نیازمند ارشاد و ترغیب در جهت تعمیق ایمان و عمل صالح هستند: «وَسَارِعُوا إِلَىٰ مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ»؛ «و بشتابید به سوی مغفرت پروردگار خود و به سوی بهشتی که پهنای آن همه آسمان‌ها و زمین را فرا گرفته و برای پرهیزکاران، مهیا شده است» (آل عمران: ۱۳۳). همچنین: «يَوْمَ يَجْمَعُكُمْ لِيَوْمِ الْجَمْعِ ذَلِكَ يَوْمُ التَّعَابِينِ وَمَنْ يُؤْمِن بِاللَّهِ وَيَعْمَلْ صَالِحًا يُكْفِرْ عَنْهُ سَيِّئَاتِهِ وَيُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ»؛ «(یاد آرید) روزی که خدا همه شما را به عرصه محشر (برای حساب) جمع می‌گرداند و آن روز، روز غبن و پشیمانی (بدکاران) است. و هر که به خدا ایمان آورد و نیکوکار شود، خدا گناهانش بپوشد و در باغ‌های بهشتی که زیر درختانش نهرها جاری است داخل گرداند که در آن بهشت ابدی، جاودان متنعم باشد و این به حقیقت، سعادت و رستگاری بزرگ خواهد بود». (تغابن: ۹)

## ۵-۱-۳. تبیین و توضیح تعالیم دین

پیامبر اکرم ﷺ برای تبیین و توضیح تعالیم و آموزه‌های دینی، از روش‌های مختلفی نظیر خطابه، موعظه، پرسش و طرح سؤال و... استفاده کردند و آن را در حالات متفاوتی نظیر چهره به چهره یا به صورت جمعی بیان می‌نمودند. به عنوان نمونه، ایشان خطاب به ابوذری می‌فرماید: «ای ابوذری! بدان که سرآغاز عبادت و خداپرستی، «معرفت» و «شناخت» است. او قبل از هر چیز، «اول» است و چیزی پیش از او نبوده است. او یکتایی است که دوّمی ندارد. پابنده‌ای است که نهایت ندارد. آسمان‌ها و زمین و آنچه در آنهاست، پدیدآمده از قدرت اوست. او آگاه و توانا است... پس از توحید، مرحله دوم «بندگی خدا»، ایمان آوردن به من است و اعتراف و اقرار به اینکه خداوند مرا به سوی تمامی بشریت به عنوان بشیر و نذیر فرستاده است، تا اینکه خلاق را به فرمان خدا به سوی حق (که خداوند است) دعوت کنم. پس از توحید و اعتراف به رسالت من، دوستی کردن با اهل بیت من است، این خانه و خانواده‌ای که به خواست خدا و اراده او، نجس و پلیدی از آن رفته و به طهارت رسیده است. بدان ای اباذری! خداوند خاندان مرا در میان

امتم مانند کشتی نوح قرار داده است. هرکس سوار شد نجات یافت و هرکس دوری کرد نابود شد و مانند باب حطه است در بنی اسرائیل که هرکس وارد شد در امان بود». (طبرسی، ۱۳۷۰، ص ۴۵۹)

### ۵- ۱- ۴. به کار بردن استدلال و برهان

پیامبر اکرم ﷺ برای رفع شبهات و پاسخ به سؤالاتی که در اذهان افراد بود، غالباً از استدلال و برهان بهره می‌گرفتند؛ چراکه عدم پاسخ به آنها می‌توانست مانعی برای شناخت صحیح باشد. ایشان برای اثبات توحید ربوبی و یگانه بودن مدبر جهان، چنین استدلال کردند: «لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا فَسُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَرْشِ عَمَّا يَصِفُونَ»؛ «اگر در آسمان و زمین، غیر از خدای یکتا، خدایانی وجود داشت، همانا خلل و فساد در آسمان و زمین راه می‌یافت. پس (از نظم ثابت عالم) بدانید که پادشاه ملک وجود، خدای یکتاست که از توصیف و اوهام مشرکان، پاک و منزّه است» (انبیاء: ۲۲). همچنین: «الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ طِبَاقًا مَا تَرَى فِي خَلْقِ الرَّحْمَنِ مِنْ تَفَؤُوتٍ فَارْجِعِ الْبَصَرَ هَلْ تَرَى مِنْ فُطُورٍ \* ثُمَّ ارْجِعِ الْبَصَرَ كَرَّتَيْنِ يَنْقَلِبْ إِلَيْكَ الْبَصَرُ حَاسِئًا وَهُوَ حَسِيرٌ»؛ «آن خدایی که هفت آسمان بلند را به طبقاتی منظم بیافرید و هیچ در نظم خلقت خدای رحمان، بی‌نظمی و نقصان نخواهی یافت. باز بارها به دیده عقل بنگر تا هیچ نقص و خلل هرگز در آن توانی یافت؟ باز دوباره به چشم بصیرت دقت کن تا دیده خرد، زبون و خسته (نقصی نیافته) به سوی تو بازگردد». (ملک: ۳- ۴)

### ۵- ۲. طیف سیاه

رسول اکرم ﷺ، پیامبر رحمت و خیرخواه همه انسان‌ها است<sup>۱</sup> و لذا تا آخر عمر خویش، از راهنمایی و هدایت افراد، به‌ویژه گمراهان و غافلان دست برنداشتند<sup>۲</sup> و در هر فرصتی، آنها را به دین حق و صراط مستقیم دعوت می‌کردند. در برابر طیف سیاه از مخاطبان شناختی نیز با اینکه عدم پذیرش و قبول قلبی حقایق و معارف، از روی عناد و سرکشی بود، ولی حضرت رسول ﷺ، تمام تلاش خود را برای رفع موانع شناخت و پذیرش در وجود این دسته از مخاطبان به کار بستند.

۱. «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ». (انبیاء: ۱۰۷)

۲. «لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَءُوفٌ رَّحِيمٌ». (توبه: ۱۲۸)

## ۵-۲-۱. مدارا و نرم‌خویی

یکی از اقدام‌های پیامبر ﷺ برای رفع موانع شناخت و پذیرش قلبی معاندان و مخالفان، مدارا و نرم‌خویی بود. از آنجاکه اصل دعوت پیامبر ﷺ بر اساس رحمت و محبت بود: «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ»، لذا تا زمانی که دشمنان، با اساس دین اسلام مقابله نمی‌کردند و در پی تغییر اصول تغییرناپذیر دین نبودند، حضرت رسول ﷺ با آنها با نرم‌خویی برخورد می‌کردند. ایشان در این زمینه می‌فرمایند: «أَعْقَلُ النَّاسِ أَشَدُّهُمْ مَدَارَةً لِّلنَّاسِ وَ أَذَلُّ النَّاسِ مَنَ أَهَانَ النَّاسِ؛ عاقل‌ترین مردم کسی است که بیشتر با دیگران مدارا کند و خوارترین مردم کسی است که آنان را مورد تحقیر و توهین قرار دهد». (قمی، ۱۴۱۴، ج ۳، ص ۳۰)

برخورد حضرت با صفوان بن امیه، یکی از خشن‌ترین دشمنان ایشان، از این نمونه است. صفوان، در برافروخته شدن آتش جنگ‌ها علیه مسلمانان، نقشی اساسی داشت. وی در مقابل چشمان مردم، مسلمانی را به دار آویخته و جزء ده نفری بود که از عفو عمومی استثنا شده بود؛ بنابراین از مکه گریخت و به طائف رفت. با این حال، پسرعموی صفوان، از پیامبر ﷺ تقاضای عفو نمود و مورد قبول آن حضرت قرار گرفت. او با سابقه‌ای که داشت، چنین بزرگواری و کرامتی را باور نمی‌کرد. رسول خدا ﷺ، عمامه یا پیراهنی برای او فرستاد تا مطمئن شود و به مکه برگردد. وی سپس گفت: دو ماه مهلت می‌خواهم که تحقیق کنم، اگر اسلام بر حق بود ایمان می‌آورم. رسول خدا ﷺ فرمود: به تو چهار ماه مهلت دادم. صفوان گفت: این شیوه تبلیغ و هدایت، شیوه پیامبران الهی است. شهادتین گفت و مسلمان شد. (واقعی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۸۵۳)

پیامبر اکرم ﷺ در فتح مکه، در آن لحظه که سپاهیان اسلام این شهر را به تصرف درآوردند، بر مسند قدرت تکیه زده و کنار کعبه ایستادند؛ درحالی‌که ده هزار شمشیر تشنه انتقام از قریش پیرامونش برق می‌زدند و بر ابوسفیان، هند، عکرمه و دیگر قیافه‌هایی که یادآور شکنجه‌ها، توطئه‌ها، تبعیدها و مرگ جانخراش عزیزان اویند می‌نگرند و حتی سعد بن عباده فریاد زد: «امروز روز انتقام است». اما حضرت، از این دشمنان شکست خورده می‌پرسد: ای قریش! فکر می‌کنید با شما چه خواهیم کرد؟ قریش بهت زده و حیران و بیمناک، همگی با

صدایی لرزان و شکسته، بر اساس شناخت خود و سوابق عواطف و بزرگواری که از آن حضرت داشتند گفتند: «ما جز خوبی و نیکی، چیزی درباره تو نمی اندیشیم و تو را برادر بزرگوار خویش و فرزند برادر بزرگوار خود می دانیم». پیامبر ﷺ فرمود: «من نیز جمله ای که یوسف به برادران خود گفت می گویم: ﴿لَا تُثْرِبَ عَلَيْكُمُ الْيَوْمَ يَغْفِرُ اللَّهُ لَكُمْ وَهُوَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ﴾؛ امروز بر شما ملامتی نیست، خداوند گناهان شما را می آمرزد. او ارحم الراحمین است» (یوسف: ۹۲) و به همه عفو عمومی داد و فرمود: «اذهبوا انتم الطلقاء؛ بروید دنبال زندگی خود که همه شماها آزادید». (ابن اثیر، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۲۴۶)

## ۵-۲-۲. مجادله و مناظره<sup>۱</sup>

پیامبر اکرم ﷺ به دنبال رفع موانع شناخت و پذیرش معاندان بود؛ زیرا از این طریق، در باورهای سابق که مانع شناخت صحیح می شود، تشکیک ایجاد می گردد و زمینه تفکر درباره مسائل و آموزه های دینی و ایجاد شناخت صحیح حاصل می شود. علاوه بر این، پیامبر اکرم ﷺ با امید به هدایت معاندان و مخالفان سعی می کردند در مسائل جدیدتر نیز زمینه شناخت و معرفت را در وجود آنها ایجاد نمایند و لذا از طریق تبیین تعالیم دینی و روشنگری، مطالب را بیان می فرمودند. با همه این تلاش ها و اقدامات، اگر خطری از سوی این گروه، کیان و اساس دین اسلام را تهدید می کرد، حضرت با قاطعیت و سختگیری تمام، با آنها رفتار می نمود.

خداوند در قرآن کریم، پس از اینکه به پیامبر اکرم ﷺ دستور می دهد مردم را با حکمت، موعظه و جدال احسن به دین حق دعوت نماید، می فرماید: ﴿وَإِنْ عَاقَبْتُمْ فَعَاقِبُوا بِمِثْلِ مَا عُوقِبْتُمْ بِهِ وَلَئِنْ صَبَرْتُمْ لَهُوَ خَيْرٌ لِلصَّابِرِينَ \* وَاصْبِرْ وَمَا صَبْرُكَ إِلَّا بِاللَّهِ وَلَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ وَلَا تَكُ فِي ضَيْقٍ مِمَّا يَمْكُرُونَ﴾؛ «و اگر کسی به شما مسلمانان، عقوبت و ستمی رسانید، شما باید در مقابل، به قدر آن انتقام بکشید (نه بیشتر) و اگر صبوری کنید، البته برای صابران بهتر خواهد بود. صبر کن و صبر تو فقط برای خدا و به توفیق خدا باشد و به خاطر (کارهای) آنها اندوهگین و دلسرد مشو و از توطئه های آنها در تنگنا قرار مگیر» (نحل: ۱۲۶-۱۲۷). همچنین در

۱. «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ». (نحل: ۱۲۵)

آیه دیگری می‌فرماید: «وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ فَإِنِ انْتَهَوْا فَإِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ بَصِيرٌ»؛ (و ای مؤمنان) با کافران بجنگید تا دیگر فتنه و فسادى نماند و آیین همه دین خدا گردد و چنانچه دست (از کفر) کشیدند خدا به اعمالشان بیناست». (انفال: ۳۹)

روزی جماعتی از اشراف و بزرگان قریش (ابوجهل، عاص بن وائل، عبدالله بن ابی امیه و...) وارد مسجد الحرام شدند. آنها تصمیم گرفته بودند از طریق بحث کردن با پیامبر ﷺ و طرح سؤالاتی، حضرت را محکوم نمایند. از این رو عبدالله بن ابی امیه جلو رفت و گفت: محمد! تو ادعای خیلی بزرگی می‌کنی! می‌پنداری که فرستاده خداوند هستی، ولی برای خداوند جهان شایسته نیست که کسی مانند تو را برای رسالت انتخاب کند؛ چرا که تو هم مانند ما بشری هستی. بین پادشاه روم یا ایران چه سفیرانی برای خود انتخاب می‌کنند، افرادی که دارای ثروت کلان و موقعیت اجتماعی هستند، اما تو فقیر و تنگدستی. قطعاً اگر خداوند می‌خواست پیامبری بفرستد، فرشته‌ای را برای رسالت انتخاب می‌کرد، نه بشری مانند خود ما را. پیامبر اکرم ﷺ در جواب سخنان او فرمود: اینکه گفتم من بشری هستم مانند شما که غذا می‌خورم و راه می‌روم، درست است، ولی کار رسالت به دست پروردگار است و او انتخاب می‌کند که چه کسی شایستگی پیامبری دارد. اینکه گفتم پادشاهان، سفیران متشخص و ثروتمند را انتخاب می‌کنند، مشخص است اصلاً هدف رسالت را نفهمیدی. خداوند من را که فقیر هستم انتخاب کرد تا قدرت خود را به شما نشان دهد که چگونه با داشتن تجهیزات کافی نمی‌توانید مرا نابود کنید. اینکه گفتم اگر پیامبر بودی فرشته‌ای همراهت بود یا اینکه فرشته به عنوان پیامبر فرستاده می‌شد، این ایراد هم درست نیست؛ زیرا شما نمی‌توانید فرشته را ببینید و بر فرض که قدرت دیدن فرشته را هم پیدا کنید، می‌گویید: «آن فرشته نیست؛ بلکه بشری مانند ما است». چون در این صورت لازم است که به صورت انسانی بر شما ظاهر شود تا بتوانید با او تماس بگیرید و سخنش را بشنوید و مقصود او را بفهمید. بنابراین آن وقت از کجا می‌فهمید که او راست می‌گوید؟ بلکه خداوند، انسانی را به عنوان «پیامبر» انتخاب می‌کند و به او معجزاتی می‌دهد که انسان‌های دیگر - که مانند او هستند - به هیچ وجه توانایی انجام دادن آن معجزات را ندارند و این گواهی عملی خداوند بر پیامبری اوست. اگر

فرشته‌ای بر شما ظاهر می‌شد و معجزاتی انجام می‌داد، از آنجا که ماهیتش با شما تفاوت داشت، نمی‌توانستید باور کنید که این معجزات، مستند به خداست و خداوند با دادن این معجزات، رسالت او را عملاً گواهی نموده است. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۹، ص ۲۶۹ - ۲۸۰)

### ۵- ۲- ۳. استدلال و برهان

یکی از شیوه‌هایی که پیامبر اکرم ﷺ برای دعوت مردم و مخالفان به اسلام اتخاذ می‌کرد، بحث و استدلال با آنها بوده است. قرآن کریم، سرشار از آیاتی است که بیان‌کننده استدلال‌های پیامبر اکرم ﷺ برای اثبات حقانیت خود و ابطال ادعاهای مخالفان است. به عنوان نمونه، قرآن برای باطل ساختن شبهه تعدد خدایان می‌فرماید: «مَا اتَّخَذَ اللَّهُ مِنْ وَلَدٍ وَمَا كَانَ مَعَهُ مِنْ إِلَهٍ إِذًا لَذَهَبَ كُلُّ إِلَهٍ بِمَا خَلَقَ وَلَعَلَّ بَعْضُهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُصِفُونَ»؛ «خدا هرگز فرزندی برای خود انتخاب نکرده است و معبود دیگری با او نیست که اگر چنین می‌شد، هریک از خدایان، مخلوقات خود را تدبیر و اداره می‌کردند و بعضی بر بعضی دیگر برتری می‌جستند و جهان هستی به تباهی کشیده می‌شد. منزّه است خدا از آنچه آنان توصیف می‌کنند». (مؤمنون: ۹۱)

روزی عبدالله بن ابی امیه، در مسجد خدمت پیامبر ﷺ آمد و از ایشان درخواست‌هایی کرد و گفت اگر این درخواست‌ها را پاسخ گویی، ما به تو ایمان می‌آوریم. از جمله این درخواست‌ها، جاری ساختن چشمه آب در مکه، داشتن باغی از انگور و خرما و روان بودن آب در آن باغ، پاره پاره کردن آسمان و فرو ریختن بر سر آنها، از آسمان بالا رفتن و... بود. پیامبر اکرم ﷺ در جواب خواسته‌های عبدالله بن ابی امیه، با استدلال و برهان، تک تک این خواسته‌ها را رد کرد و او را قانع نمود. ایشان در ابتدا فرمود: خواسته‌های تو چند نوع است، برخی از آنها دلیل نبوت نیست، هرچند که من آنها را انجام دهم. پیامبر خدا نمی‌تواند نادانی مردم را غنیمت بشمرد و رسالت خود را با ادله‌ای ثابت کند که واقعاً دلالتی ندارند. برخی از خواسته‌ها، موجب نابودی توست و دلیل آوردن، باید برای گرایش به مذهب باشد و نه برای نابود کردن مردم. بعضی از خواسته‌ها نیز نشان‌دهنده آن است که تو آدم لجبازی هستی که به هیچ وجه حاضر نیستی حقیقت را بپذیری و کسی که به این بیماری مبتلا باشد، داروی

آن بلایی آسمانی، یا دوزخ و یا شمشیر دوستان خداست. سپس حضرت رسول ﷺ در جواب خواسته‌های عبدالله بن ابی‌امیه فرمود: مطلب اوّل (یعنی جاری ساختن چشمه) را که به‌عنوان سند نبوّت از من خواستی، از سؤال پیدا است که دلیل ارتباط انسان با خدا را نمی‌دانی. گیرم که من چنین کاری کردم، آیا این دلیل نبوّت من است؟ عبدالله گفت: نه. پیامبر اکرم ﷺ فرمود: خود تو در طائف باغ‌هایی داری. آیا قسمتی از این باغ‌ها پیش از اینکه به این صورت درآید، زمین‌هایی سخت و ناهموار و بی‌آب نبود که با فعالیت‌های تو هموار شد و چشمه‌های آب در آن جاری گردید؟ عبدالله جواب داد درست است. حضرت فرمود: با چنین عملی، تو و آنها پیامبر نشدید. بنابراین جاری ساختن چشمه، سند نبوّت محمّد هم نمی‌تواند باشد و این گفته تو در واقع مانند این است که بگویی ما به تو گرایش پیدا نمی‌کنیم مگر اینکه بلند شوی و راه بروی، یا مانند مردم غذا بخوری... (تفسیر امام حسن عسکری علیه السلام، ۱۴۱۴، ص ۵۰۹) و در پایان، حضرت فرمود: خداوند برای پاسخ تمام سؤال‌های تو، یک جمله به من وحی کرد که: ﴿قُلْ سُبْحَانَ رَبِّيَ هَلْ كُنْتُ إِلَّا بَشَرًا رَسُولًا﴾. (اسراء: ۹۳)

#### ۵-۲-۴. تألیف قلوب

مالک بن عوف، تا قبل از جنگ حنین، اسلام را نپذیرفته بود. پیامبر اکرم ﷺ تصمیم گرفتند تا زمانی که علناً مقابل اسلام ایستاد و وارد جنگ شد، بار دیگر او را به اسلام دعوت کنند. لذا ایشان در جنگ، نامه‌ای به او نوشت مبنی بر اینکه اگر اسلام بیاورد و به ما بپیوندد، خویشان او را که در جنگ اسیر شده‌اند آزاد می‌کند و یک صد شتر نیز به او می‌بخشد. نمایندگان «هوازن»، پیام پیامبر ﷺ را به او رسانیدند و او که وضع ثقیف - سران طائف - که در جنگ شرکت داشتند را متزلزل می‌دید و از قدرت روزافزون اسلام آگاه بود، تصمیم گرفت از طائف خارج شود و به مسلمانان بپیوندد. زمانی که اسلام آورد، پیامبر ﷺ طبق وعده‌ای که به او داده بود با وی رفتار کرد و همچنین او را سرپرست مسلمانان قبیله‌های «نصر»، «ثماله» و «سلمه» کرد. (ابن هشام، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۴۹۱)

پیامبر اکرم ﷺ بعد از غزوه حنین، ضمن تقسیم همه غنائم بین مسلمانان، خمس آن را که مخصوص خود او بود، میان سران قریش که تازه اسلام آورده بودند قسمت نمود و به ابوسفیان و

پسر او معاویه، حکیم بن حزام، حارث بن حارث، حارث بن هشام، سهیل بن عمرو، حویطب بن عبدالعزی و علاء بن جاریه، که همگی از سران شرک و کفر و از دشمنان سرسخت او بودند و به تازگی مسلمان شده و در طیف خاکستری قرار گرفته بودند، صد شتر داد. همچنین به گروهی که موقعیت آنها نسبت به این افراد کمتر بود، پنجاه شتر داد (همان، ج ۲، ص ۴۹۳). آنان از این طریق، تحت تأثیر عواطف و محبت‌های پیامبر ﷺ قرار گرفته و جذب اسلام شدند.

### ۵-۲-۵. تبیین و توضیح تعالیم دینی

حضرت رسول ﷺ، در تبیین و توضیح تعالیم دین، از هر فرصتی که ایجاد می‌شد استفاده می‌کردند. گاهی به صورت فردی و گاهی در جمع و گروه افراد، آموزه‌های دینی را برای طیف سیاه بیان می‌نمودند. به عنوان نمونه پس از آنکه حمزه، عموی پیامبر اکرم ﷺ مسلمان شد و یاران حضرت در حال زیاد شدن بودند، عتبه بن ربیع، که از سران مشرکین بود، نزد حضرت رفت و گفت: اگر مال می‌خواهی، برای جمع کنیم تا از ما ثروتمندتر شوی و اگر مقام و ریاست می‌خواهی، به تو می‌دهیم و اگر سلطنت می‌خواهی، برایت فراهم می‌کنیم. پیامبر اسلام ﷺ فرمود: ای ابا ولید! سخت تمام شد؟ عرض کرد: آری. حضرت فرمود: از من بشنو. و سپس ایشان آیاتی از سوره فصلت تلاوت نمودند: «به نام خداوند بخشنده مهربان. حم. این است کتابی که از سوی خداوند رحمان و رحیم نازل شده است. کتابی است که آیاتش هر مطلبی را در جای خود بازگو کرده، درحالی‌که فصیح و گویا است. برای جمعیتی که آگاهند، قرآنی که بشارت‌دهنده و بیم‌دهنده است، ولی بیشتر آنان، رویگردان شدند، از این رو چیزی نمی‌شنوند. گفتند قلب‌های ما نسبت به آنچه ما را به آن دعوت می‌کنی در پوشش‌هایی قرار گرفته و در گوش‌های ما سنگینی است و میان ما و تو حجابی وجود دارد، پس تو به دنبال عمل خویش باش ما هم برای خود عمل می‌کنیم»<sup>۱</sup>. عتبه آن چنان تحت تأثیر آیات قرآن قرار گرفت که در بازگشت پیش رفقای خود گفت: او را رها کنید و از این به بعد، من با شما نخواهم بود. (شهیدی، ۱۳۹۶، ج ۱، ص ۴۱)

۱. «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ \* تَنْزِيلٌ مِنَ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ \* كِتَابٌ فُصِّلَتْ آيَاتُهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ \* بَشِيرًا وَنَذِيرًا فَأَعْرَضَ أَكْثَرُهُمْ فَهُمْ لَا يَسْمَعُونَ \* وَقَالُوا قُلُوبُنَا فِي أَكِنَّةٍ مِمَّا تَدْعُونَا إِلَيْهِ وَفِي آذَانِنَا وَقْرٌ وَمِنْ بَيْنِنَا وَبَيْنِكَ حِجَابٌ فَاعْمَلْ إِنَّا نَحْمِلُ غَيْرَ مَا نَحْمَلُ».

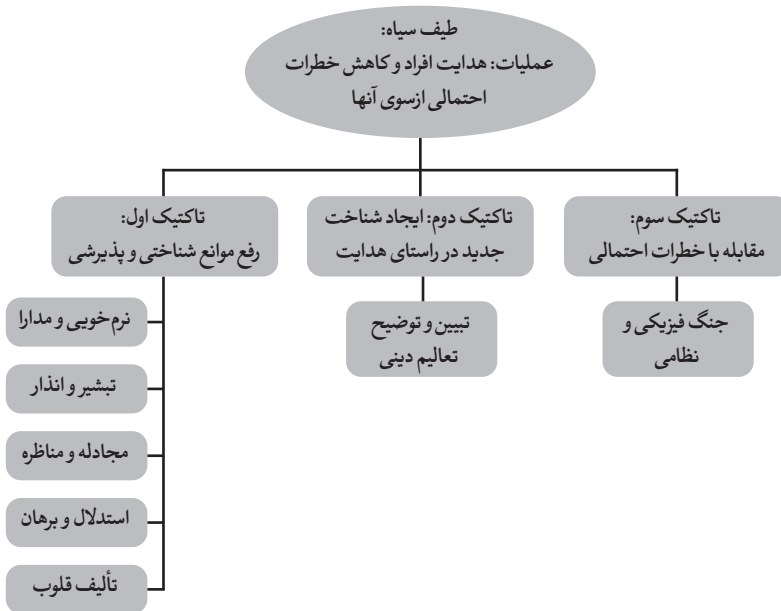
(فصلت: ۱-۵)



## ۵- ۲- ۶. اعمال قدرت (جنگ نظامی)

پیامبر اکرم ﷺ بر اساس آیه «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ...» (انفال: ۶۰)، بر اساس قدرت عمل می‌کرد. ایشان، هم با مردم نرمش داشت و هم اعمال قدرت می‌کرد. پیامبر ﷺ طبیعی بود که در یک دست، مرهم داشت و در دست دیگر، وسیله جراحی و قطع عضو فاسد. (نهج البلاغه، خطبه ۱۰۸)

جنگ نظامی و فیزیکی، از تکنیک‌های پیامبر اکرم ﷺ در مقابله با معاندینی بود که پا را فراتر از واکنش‌های گفتاری نهادند و درصدد براندازی حکومت اسلامی برآمدند. این تکنیک، اقدامی برای رفع معاندانی در نظر گرفته شد که مانع هدایت مردم بودند. جنگ با جبهه کفر و معاندان، برای از بین بردن زنجیرهای جهل و خرافه پرستی و وسیله‌ای برای آزادی انسان از دست سردمداران مستکبر و مایه ماندگاری اسلام و مسلمین بود. به عنوان نمونه، می‌توان به غزوات احد، بدر، احزاب و ... اشاره کرد.



### ۵-۳. طیف خاکستری

پیامبر اکرم ﷺ در برابر این طیف از مخاطبان، که دچار ضعف در شناخت و پذیرش بودند، تلاش نمودند تا زمینه هدایت و رستگاری آنها را فراهم کنند و موانع شناختی آنان را برطرف سازند تا با معارف صحیح دینی آشنا شوند؛ لذا با ایجاد سؤال و فراهم نمودن زمینه تفکر برای آنها، استدلال و برهان، مدارا و حتی با موعظه و اندرز، سعی کردند موانعی که منجر به ضعف شناخت و پذیرش شده بود را رفع کنند. علاوه بر این، حضرت تلاش می‌کردند تا زمینه شناخت جدید برای آنها فراهم شود و آنها با مسائل و تعالیم بیشتری از آموزه‌های دینی آشنا شوند.

### ۵-۳-۱. تبیین آموزه‌های دینی و روشنگری در مقابل طیف خاکستری

پیامبر گرامی ﷺ سعی می‌کردند در هر فرصتی و از هر جمعیت و گروهی، در راستای ابلاغ رسالت خویش و روشنگری برای عموم مردم استفاده کنند. بهره‌گیری از فرصت‌های طلایی ماه‌های حرام، که جنگ در آن زمان، حرام و او از تعرض بت پرستان مطمئن بود، یکی از شیوه‌های تبیین و توضیح تعالیم دین به شمار می‌رفت. حضرت در آن ایام، با گروه‌های مختلف ملاقات می‌کرد و اهداف رسالتش را بیان می‌فرمود. ایشان برای این کار، حتی منازل و مساکن قبائل را جستجو می‌کرد و به سراغ آنها می‌رفت. (محمدی، ۱۳۸۵، ص ۸۱)

پیامبر خدا ﷺ بعد از فتح مکه، در مسجد الحرام، با سخنرانی آتشین خود، ضمن مردود شمردن اصول موهوم بین اعراب، اصول اسلامی و انسانی را تقویت و تشریح کرده و همه مردم را به رعایت آنها دعوت نمودند. (سبحانی، ۱۳۸۵، ص ۳۴۲-۳۴۳)

### ۵-۳-۲. موعظه حسنه

نقل شده است حکیم بن حزام، از رسول خدا ﷺ تقاضای کمک مالی کرد. پیامبر به او کمک کرد. بار دوم و سوم نیز تقاضا نمود و پیامبر او را اعانت فرمود. در این حال، حضرت زمینه روحی آن شخص را برای پذیرش راهنمایی مساعد دید. از این رو فرمود: «ای حکیم! مال و ثروت، مطلوب و شیرین است. هرکس، مال و ثروتی به دست آورد و جوانمردی پیشه سازد، برکت مال او زیاد می‌گردد. هرکس بخل ورزد، خیر و برکتی نخواهد داشت». (الصفار، ۱۳۸۳، ص ۱۷۳)

### ۵-۳-۳. استدلال و برهان

یکی از شیوه‌هایی که پیامبر اکرم ﷺ برای دعوت مردم و مخالفانی که در طیف خاکستری قرار داشتند، بحث و استدلال با آنها بوده است. قرآن کریم، سرشار از آیاتی است که بیان‌کننده استدلال‌های پیامبر ﷺ برای اثبات حقایق خود و ابطال ادعاهای مخالفان است. به عنوان نمونه، قرآن برای باطل ساختن شبهه تعدد خدایان می‌فرماید: «مَا اتَّخَذَ اللَّهُ مِنْ وَلَدٍ وَمَا كَانَ مَعَهُ مِنْ إِلَهٍ إِذًا لَذَهَبَ كُلُّ إِلَهٍ بِمَا خَلَقَ وَلَعَلَّ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُصِفُونَ»؛ «خدا هرگز فرزندی برای خود انتخاب نکرده است و معبود دیگری با او نیست که اگر چنین می‌شد، هریک از خدایان، مخلوقات خود را تدبیر و اداره می‌کردند و بعضی بر بعضی دیگر برتری می‌جستند و جهان هستی به تباهی کشیده می‌شد. منزّه است خدا از آنچه آنان توصیف می‌کنند.» (مؤمنون: ۹۱)

پیامبر اکرم ﷺ خطاب به بت پرستان فرمودند: چرا بت می‌پرستید؟ آنها گفتند: ما با بت‌ها به خداوند تقرب می‌جوئیم. حضرت فرمودند: مگر بت‌ها شنونده هستند...؟ مگر آنها را به دست خود تراشیده‌اید؟ بنابراین سازنده آنها، شما هستید. سزاوار است آنها شما را بپرستند نه شما آنها را. (طبرسی، ۱۴۰۳، ص ۲۴)

### ۳-۳-۴. تبشیر و انذار

از مهم‌ترین بشارت‌های پیامبر ﷺ خطاب به مردم برای پذیرش اسلام، شعار بزرگ «قولوا لا اله الا الله تفلحوا» است که سرلوحه دعوت و تبلیغ پیامبر اکرم ﷺ بود. مژده به نعیم اخروی و بشارت به سعادت دنیوی، در دعوت پیامبر ﷺ زیاد به چشم می‌خورد (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۸، ص ۲۰۳). همچنین هنگام اعزام معاذ بن جبل در زمان عزیمتش به یمن برای تبلیغ دین می‌فرماید: «یا معاذ! یسر ولا تعسر و یسر ولا تنفر؛ ای معاذ! آسان بگیر و سخت‌گیری مکن، مژده بده و مردم را بیزار مکن.» (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۱۵، ج ۸، ص ۲۵۲)

### ۵-۳-۵. مبارزه با خرافات

در گزارش‌های تاریخی آمده است که پیامبر اکرم ﷺ، فرزندی به نام ابراهیم از همسرش

ماریه قبطیه داشتند که در هجده ماهگی از دنیا می‌رود. حضرت از مرگ فرزند متأثر می‌شوند. در همین زمان، خورشیدگرفتگی اتفاق می‌افتد. مردم، علت این واقعه را مرگ فرزند پیامبر ﷺ می‌دانند، اما رسول خدا ﷺ چون نمی‌خواهد از نقاط ضعف مردم برای هدایت آنها استفاده کند، خطاب به آنها می‌فرماید: خورشید و ماه، دو نشانه از نشانه‌های خداوند هستند و آنها برای مرگ و زندگی کسی نمی‌گیرند. (مقریزی، بی‌تا ج ۵، ص ۳۳۹)

حضرت رسول ﷺ زمانی که معاذ بن جبل را به یمن فرستاد فرمود: «ای معاذ! آثار جاهلیت و افکار و عقاید خرافی را از میان مردم نابود کن و سنت‌های اسلام را که همان دعوت به تفکر و تعقل است زنده کن». (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۲، ص ۱۰۵)



## نتیجه‌گیری

مخاطبان عصر نبوی، از جهت شناختی، در سه طیف قرار داشتند و راهبرد پیامبر ﷺ در راستای رویکرد هدایت‌گری، با هر طیف از آنان متفاوت بود. راهبرد کلی پیامبر اکرم ﷺ در برابر هر سه طیف، هماهنگی بین بُعد نظر و عمل در خصوص باورهای اسلامی بود. عمده مشکل مخاطبان پیامبر اکرم ﷺ، نداشتن آگاهی یا عدم پذیرش باورهای اسلامی بود که در قالب گزاره‌های شناختی به آنان ارائه می‌شد. اقدامات پیامبر اکرم ﷺ در راستای رفع موانع شناختی نسبت به سه طیف قرار داشت؛ به این معنا که پیامبر اکرم ﷺ با مخاطب‌شناسی و آسیب‌شناسی دقیق تلاش داشت تا موانع شناخت را در دو بُعد نظر و عمل برطرف کند. بنابراین تلاش کرد تا هم شناخت جدید ایجاد کند و هم موانع شناختی را بین مخاطبان از بین ببرد تا بشر، مسیر سعادت خود را پیموده و در مدار قرب الهی قرار گیرد.

آنچه به عنوان دستاورد می‌توان به آن اشاره کرد اینکه، مخاطب‌شناسی در انجام کارهای تبلیغی، فرهنگی و شناختی، حائز اهمیت بسیار است. برای ارتقاء جامعه اسلامی و نهادینه کردن معارف اسلامی در سطح جامعه، در گام اول باید مخاطب را شناخت، مشکل ناباوری و ناهماهنگی در قوه شناخت را تشخیص داد و با توجه به آسیب‌شناسی صورت پذیرفته به دنبال راه حل رفع مشکل بود.

## فهرست منابع

- \* قرآن کریم، ۱۳۹۹ ش، ترجمه: حسین انصاریان، قم: هادی
۱. ابن اثیر، علی بن محمد، ۱۳۸۵ ق، الکامل فی التاریخ، بیروت: دار الصادر.
  ۲. ابن اثیر، علی بن محمد، ۱۴۰۹ ق، اسد الغابه فی معرفه الصحابه، بیروت: دار احیاء التراث.
  ۳. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، ۱۴۱۵ ق، الإصابة فی تمییز الصحابه، بیروت: دار الکتب العلمیه.
  ۴. ابن سعد، محمد، ۱۴۱۸ ق، طبقات الکبری، بیروت: دار الکتب العلمیه.
  ۵. ابن طاووس، علی بن موسی، ۱۴۰۰ ق، الطرائف فی معرفه مذاهب الطوائف، قم: خیام.
  ۶. ابن کثیر، عمادالدین اسماعیل، ۱۴۱۷ ق، البدایه و النهایه، بیروت: دار الفکر.
  ۷. ابن هشام، محمد، ۱۴۱۰ ق، سیره ابن هشام، قم: دفتر مطالعات تاریخ و معارف.
  ۸. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۷۸ ش، زن در آینه جلال و جمال الهی، قم: اسراء.
  ۹. جوانی، محمد، ۱۴۰۱ ش، علوم شناختی در جنگ شناختی، تهران: نو اندیشان.
  ۱۰. سحانی، جعفر، ۱۳۸۵ ش، فروغ ابدیت، قم: بوستان کتاب.
  ۱۱. سید الرضی، محمد بن حسین، ۱۳۸۲ ش، نهج البلاغه، ترجمه: محمد دشتی، قم: انتشارات قدس.
  ۱۲. شهیدی، جعفر، ۱۳۹۶ ش، تحلیلی از تاریخ اسلام، تهران: انتشارات علمی - فرهنگی.
  ۱۳. الصفار، شیخ سالم، ۱۳۸۳ ش، سیره پیامبر ﷺ در رهبری و انسان سازی، تهران: چاپ و نشر بین الملل.
  ۱۴. طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۹۰ ق، اعلام الوری بأعلام الهدی، تهران: بی نا.
  ۱۵. طبرسی، فضل بن حسن، ۱۴۱۲ ق، مجمع البیان، بیروت: دار المعرفه.
  ۱۶. طبرسی، احمد بن علی، ۱۴۰۳ ق، الإحتجاج علی أهل اللجاج، مشهد: بی نا.
  ۱۷. طبرسی، حسن بن فضل، ۱۳۷۰ ش، مکارم الأخلاق، قم: شریف رضی.
  ۱۸. طوسی، محمد بن الحسن، ۱۴۱۴ ق، الأمالی، قم: بی نا.
  ۱۹. عراقی، عبدالله؛ بیگدلی، محمد و رجبی، اصغر، ۱۴۰۱ ش، «واکاوی اهداف جنگ شناختی دشمن و راهکارهای تاب آوری مقابله با آن با تأکید بر آموزه های قرآن»، فصلنامه علمی مطالعات دفاع مقدس، ش ۴، ص ۱۴۱ - ۱۶۰.
  ۲۰. قرائتی، محسن، ۱۳۷۸ ش، تفسیر نور، تهران: مرکز فرهنگی درس هایی از قرآن.
  ۲۱. قمی، عباس، ۱۴۱۴ ق، سفینه البحار، قم: اسوه.
  ۲۲. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۰۷ ق، الکافی، تهران: الاسلامیه.
  ۲۳. مجلسی، محمد باقر، ۱۴۰۳ ق، بحار الأنوار، بیروت، بی نا.
  ۲۴. محمدی ری شهری، محمد، ۱۳۹۳ ش، حکمت نامه پیامبر، قم: دار الحدیث.
  ۲۵. محمدی، هاشم، ۱۳۸۵ ش، «شیوه های تبلیغی پیامبر ﷺ»، فصلنامه دین و سیاست، ش ۹، ص ۶۵ - ۹۴.
  ۲۶. مطهری، مرتضی، ۱۳۸۳ ش، سیری در نهج البلاغه، تهران: صدرا.

۲۷. مقریزی، تقی‌الدین، بی‌تا، امتاع الاسماع بما للنبی من احوال و الاموال و الحفده و المتاع، بیروت: دار الکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون.
۲۸. منسوب به امام عسکری علیه السلام، ۱۴۱۴ق، تفسیر، قم: مدرسه امام مهدی علیه السلام.
۲۹. واقدی، محمد بن عمر، ۱۴۰۹ق، المغازی، بیروت: بی‌نا.

## تصنيف تقاليد الحداد في العصر الجاهلي

نجمة صالح<sup>١</sup>

الموت هو ظاهرة أو تجربة غير مطلوبة سيواجهها الإنسان لا محالة و ردة فعله تجاه هذه الظاهرة هو الحزن أو بمعنى آخر الحداد. الحداد سنة كان منذ القدم حتى الآن في حياة الإنسان الإجتماعية و هو جزء من السنن و التقاليد للمجتمعات و القبائل. فالتعرف على طقوس الحداد في العصر الجاهلي هو خطوة نحو معرفة خلفية صدور بعض الأحكام الإسلامية المتعلقة بالحداد و مقياس للتعرف على السنن غير الصحيحة و تقاليده التي استمرت في بعض المجالات حتى بعد ظهور الإسلام. فلذلك تم في هذا البحث معالجة نوعين من الحداد: الحداد العام و تقارير الحداد لشيوخ قبائل العصر الجاهلي بالمنهج الوصفي و معتمدا على معلومات المكتبة الوثائقية. و حسب نتائج البحث، بعض السلوك مثل النياحة و إيذاء الجسم و ما شابه ذلك، إن كان يمكن أن تخفف من آلام المصاب و معاناته عند المصيبة إلا أنها في بعض الأحيان خرافية و مذمومة. الكلمات الرئيسية: تقاليد الحداد، العصر الجاهلي، الحداد في الجاهلية، النياحة، الرثاء

١. المتخرجة مستوى الثالث لفرع تاريخ الإسلام جامعة الزهراء ع، مدرسة معهد بنت الهدى للتعليم العالي و طالبة دكتورا تاريخ الإسلام بجامعة باقر العلوم ع، قم، إيران، na.salehi1981@gmail.com



## تأمل في التعارضات المحتوائية و القرآنية الشهيرة في نقل قصة البعث

عباس تقوائى<sup>١</sup>

مقداد ابراهيمى كوشالى<sup>٢</sup>

رغم أن تاريخ حياة الرسول الكريم ﷺ وأحداث بداية الإسلام، منذ البداية وحتى قبل البعثة، بحاجة إلى المراجعة، ولكن هذا الأمر فيما يتعلق بقصة بعثة النبي ﷺ و باعتبارها البداية الرسمية لدين الإسلام ونبوة الرسول الكريم ﷺ له مكانة مميزة في تاريخ الإسلام و يبدووا أكثر ضرورة. ويمكن إعادة بناء هذه الفترة من تاريخ صدر الإسلام من خلال دراسة الخلاف بين روايات هذا الحدث في الكتب التاريخية ومقارنتها مع أقوال أخرى في المصادر القديمة. وقد قام هذه المقالة، بطبيعتها الوصفية التحليلية، وباستخدام أسلوب تحليل النتائج المستمدة من دراسة المصادر المكتوبة المهمة والأساسية لتاريخ صدر الإسلام، بمراجعة ونقد الآراء الشهيرة في مجال هذا الحدث. كما تم مراجعة أهم التعارضات في المحتوى الداخلي لهذا التقرير وتعارضه مع بعض آيات القرآن الكريم. ومن خلال التشكيك في التقرير الشهير فسمح المجال للإقبال على الرواية الصحيحة لهذا الحدث والتي فضلا عن عدم وجود الخلاف فيه، لا يوجد فيه مشاكل لفظية أيضا.

الكلمات الرئيسية: الرسول الكريم ﷺ، قصة البعث، النقد التاريخي، تشويه التاريخ

١. الأستاذ المساعد في قسم العلوم الإسلامية بجامعة آزاد الإسلامي فرع لاهيجان، لاهيجان، ايران، (الكاتب المسؤول)؛

taghvae.abbas@yahoo.com

٢. الأستاذ المساعد في قسم العلوم الإسلامية بجامعة آزاد الإسلامي فرع لاهيجان، ايران meghdadebrahimi@gmail.com

## مراجعة بحوث الباحثات في مجال غدیر خم في فترة السبعينات إلى التسعينات الشمسية

فهيمة جعفري جبلي<sup>١</sup>

قد رويت أخبار كثيرة عن حدث غدیر علی يد راويات والتي تظهر الجهود الكبيرة للباحثات في الدعم عن هذا الحدث المهم والتاريخي. وفي القرون الأخيرة ناقشت الباحثات موضوع غدیر خم وعلّقن عليه. في هذا البحث تمّ تحليل المقالات البحثية للنساء في مجال غدیر خم في فترة السبعينات إلى تسعينات إحصائيًا وتم شرح مسار منهجها أثناء تحليل ملخصات المقالات. و في هذا البحث تم استخدام أسلوب عبر التحليل واستخدام موقع مقالات نورمگز كمصدر جمع المعلومات. وتشير نتائج البحث إلى أنه في الفترة الزمنية المذكورة في هذا البحث (١٣٧٩ - ١٣٩٧) كان لعدد مقالات النساء في مجال غدیر إتجاه تصاعدي وكما أن تنوع مناهج هذه المقالات جدير بالإهتمام. أكبر المقالات عددا كان ٣٥ مقالة في التسعينات وفي هذا العقد المنهج الأدبي والمنهج التاريخي هو الأكثر عددا على التوالي. والمنهجين الكلامية والروائية في الرتب التالية. ومنهج النساء في معالجة غدیر خم قد مال شيئا فشيئا من النظرة التاريخية والقرائية والروائية إلى المباحث الكلامية والإعتقادية والأنثروبولوجيا. يمكن أن نغزوا هذا التغيير في الموقف إلى أسباب منها: التطورات الملحوظة التي يشهدها العصر الحاضر والتي تحمل عناوين مثل: حوار الحضارات، الحداثة، إهتمام الأديان الأخرى بالإسلام، مساعي أعداء الإسلام لتضليل جيل الشباب وإهمال القيم الإسلامية الأصلية.

الكلمات الرئيسية: إمام علی عليه السلام، غدیر خم، التحليل الإحصائي، الإتجاه الكلامي، بحوث النساء

١. المتخرجة من مستوى الثالث لإعلام الحج، جامعة الزهراء عليها السلام، قم، إيران fg30304040@gmail.com.

## تحليل شخصية النائب الأول للإمام المهدي عليه السلام مع التركيز على المصادر التاريخية الروائية

حكيمة إحصاني<sup>١</sup>

هدف هذا البحث هو تحليل شخصية النائب الأول للإمام العصر عليه السلام مع التركيز على المصادر التاريخية - الروائية. وبما أن المسلمين بوجه العام والشيعية على وجه الخاص لمدة ثلاثة قرون بعد ظهور الإسلام، تمكنوا من الوصول إلى إمامهم المعصوم عليه السلام، فكان من الطبيعي أن يؤدي الانفصال المفاجئ عن إمامهم المعصوم إلى آثار سلبية، بما فيها الإنكار والإنحراف. يهدف هذا البحث الإجابة عن هذا السؤال ما هي التحديات التي واجهها المجتمع المهدي في غياب الإمام عليه السلام؟ و من أجل تجنب الإبتلاء بهذا الأمر وبعض الأمور الهامة أخرى، كان من الضروري بأن يكون بعض الأشخاص كالنائب الخاص مسئولاً عن الصلة بين الإمام والناس. فكان من الضروري أن يصبح أشخاص ذات ميزات مميزة نائب إمام العصر عليه السلام. منهج هذا البحث هو المنهج الوصفي التحليلي وطريقة جمع البيانات هي المكتبة معتمدا على المصادر الروائية - التاريخية والكتب الرجالية. و تشير نتائج البحث إلى أن مهام النائب الأول للإمام العصر عليه السلام في البعد السياسي والاجتماعي تشمل على إزاحة الشك والدهشة عن الناس وإخفاء اسم الإمام والتقية وفي المجال الثقافي يشمل على تعليم معارف أهل البيت علميا والجواب عن الأسئلة الفقهية. ويعدّ ذكر الأحاديث العديدة وتأكيد سائر العلماء الدينية للعالم الإسلامي على السمات البارزة للنائب الأول عثمان بن سعيد دليلا على فضله في نيابته عن الأئمة وخاصة إمام العصر عليه السلام.

الكلمات الرئيسية: إمام العصر عليه السلام، فترة الغيبة، النواب الخاص، عثمان بن سعيد، المهديوية، منظمة النيابة

## دعم العلماء للمنتجات الإيرانية في العصر القاجاري؛ لماذا وكيف

سعيد نجفي نژاد<sup>١</sup>

مع قيام الحكومة القاجارية ساد الأمن النسبي في إيران وفيما يبدو فسخ المجال نسبياً للتنمية الاقتصادية ونموها. ولكن لأسباب مثل ضعف الملوك والرغبة الكبيرة للحكومتين الروسية و البريطانية في التأثير على إيران وعدم وجود البنى التحتية اللازمة في البلاد للتنمية الاقتصادية، ما تحقق التوقعات في مجال تحسين نوعية الحياة للإيرانيين فحسب بل إزداد الأمر سوءاً في بعض المجالات أكثر مما مضى. إحدى ميزات الإقتصاد الإيراني في العصر القاجاري هي الإعتماد التدريجي على المنتجات الأجنبية. ففي هذه الحالة فكّر بعض العلماء الدينية في دعم الإنتاجات المحليّة ضد الهيمنة الإقتصادية للغرب واتّخذوا إجراءات في هذا المجال. يقصد هذا البحث إلى معرفة أسباب وأساليب العلماء في مواجهة وجود السلع الأجنبية في سوق إيران بشكل واسع النطاق. ويبدو أن السبب الأهم لدعم العلماء الدينية للإنتاجات الإيرانية هو الدوافع الدينية لحلولة دون الهيمنة السياسية والثقافية لغير المسلمين على المجتمع الإسلامي. هذا الدعم بشكل عام كان من خلال شرح أبعاد القضية وذكر فوائد استخدام المنتجات المحلية والآثار السلبية للإعتماد على السلع الأجنبية. ويحاول هذا البحث معالجة هذه المسألة باستخدام البيانات التاريخية حسب المنهج الوصفي التحليلي.

الكلمات الرئيسية: قاجار، العلماء الدينية، المنتجات الإيرانية، الإقتصاد، الدعم

١. دكتوراه في التاريخ الإسلامي من جامعة آزاد، فرع نجف آباد في إصفهان والباحث الرسمي في معهد بحوث العلوم والثقافة الإسلامية، قم، إيران، s.nagafinezhad@gmail.com

# التحقيق في مخاطبي النبي مركّزا على نظرية آية الله جواد آملّي نظريا و عمليا

سيّدة مهين ميرافزلي<sup>١</sup>  
عالمة جمالزاده خيرآبادي<sup>٢</sup>

يعتبر معرفة المخاطب من الأمور الهامة في خلق المعتقدات و تغيير السلوك في المجتمعات الإنسانية و قد اهتمّ النبيّ الكريم ﷺ في مجال هداية الناس بهذا الأمر اهتماما خاصا. هذا البحث من خلال دراسة الروايات التاريخية و معتمدا على النظرية المعرفية لآية الله جواديّ آملّي يحاول أن يجيب عن هذا الأسئلة التالية: ما هي مستوى مخاطبي عصر النبيّ معرفيًا؟ ما هي جهود النبيّ الكريم في مجال هداية المخاطبين حسب المستويات المحددة؟ و في الوقت الراهن و بعد شن الحرب المعرفي ضد المعتقدات الإسلامية من قبل المعارضين و لضرورة التخطيط لمواجهة هذا الحرب يبدوا التحقيق في هذه المسألة ضروريا. في الحرب المعرفية ضد الجبهة الكاذبة ضعف القوة المعرفية للمخاطبي النبيّ الكريم و أصبحوا غير متجانسين في البعد النظري و البعد العملي. قد جعلت العوائق المعرفية المختلفة مخاطبي العصر النبوي في أطراف مختلفة. فخلق الرسول الكريم ﷺ الانسجام بين القوى المعرفية من خلال بث الوعي في المجتمع و إزالة العوائق المعرفية حول كل عقيدة على حده عارفا الأضرار في المجال المعرفي للمخاطب معرفة دقيقة و تجذّر المعتقدات الإسلامية في وجود مخاطبيه حسب قدراتهم.

الكلمات الرئيسية: النبيّ الكريم ﷺ، الحرب المعرفي، مخاطب، معرفة المخاطب، السيرة النبوية

١. الباحثة و طالبة مستوى الرابع فرع تاريخ أهل البيت ﷺ جامعة الزهراء ﷺ، قم، إيران، (الكاتبة المسؤولة)

.mirafzaly14@gmail.com

٢. طالبة مستوى الثالث فرع كلام جامعة الزهراء ﷺ، قم، إيران؛ .kherabadi114@gmail.com

## Investigating Addressees Prophet's with Emphasis on the Theory of Ayatollah Javadi Amoli Regarding Opinion and Practice

Seyyedeh Mahin Mirafazli <sup>1</sup>

Alameh Jamalzadeh Kheirabadi <sup>2</sup>

Knowledge regarding addressees is one of the important elements in firming beliefs and changing behavior in human societies. The Holy Prophet (pbuh) paid special attention to this matter in order to guide the people. By examining historical reports and using Ayatollah Javadi Amoli's cognitive theory, the present research seeks to answer the question of what cognitive levels the addressees of the prophetic era were in, and what measures the Holy Prophet (pbuh) has done to guide the addressees according to their specified levels? Today, launching a cognitive war against Islamic beliefs by the opponents and the need for having a road map to deal with this war makes it necessary to investigate this issue. The cognitive ability of the audience of the Holy Prophet (pbuh) was broken in the cognitive war of the false front, and the audience was caught in disharmony in terms of opinion and action. Different cognitive barriers placed the addressees of the Prophetic era in different spectrums. The Holy Prophet (pbuh) created harmony between the cognitive ability through detailed study of cognitive awareness of the audience, conscious raising in society and removing the cognitive barriers regarding each belief individually. He institutionalized Islamic beliefs in his audience based on their capacity.

**Key words:** The Holy Prophet (pbuh), cognitive war, addressee, cognitive audience, Prophetic tradition

1. Researcher and student of the fourth level of History of Ahl al-Bayt (A.S.), Jame'ah- Al-Zahra (A.S.), Qom, Iran (Corresponding author); mirafzaly14@gmail.com.

2. Student of the third level of Theology of Jame'ah Al-Zahra, Qom, Iran kherabadi114@gmail.com

## Islamic Scholars' Support of Iranian Products in the Qajar Era; Why and how

Saeed Najafinejad <sup>1</sup>

After the establishment of the Qajar dynasty, relative peace prevailed in Iran, and it seemed that the environment for economic growth and development was provided to some extent. However, due to some factors such as the weakness of the kings, the great desire of the Russian and British governments to influence Iran, and the lack of necessary infrastructure in the country for economic development, not only the expectations regarding the improving the quality of life of Iranians were not fulfilled, but at times, the situation was worse than before. It should be noted that Iran's economy during the Qajar period depended on foreign products. Considering this situation, some Islamic scholars sought to support domestic goods against the economic dominance of the West and they took measures. This research is to investigate the causes and methods used by scholars facing the widespread presence of foreign goods in the Iranian market. It seems that the most important reason for the support of Iranian productions by the scholars was the religious motives to prevent the political-cultural domination of the non-Muslims over the Islamic society. These supports were mainly done by clarifying the issue and mentioning the benefits of using domestic products and the effects of dependence on foreign goods. The present study tries to investigate this issue using historical data and descriptive-analytical method.

**Key words:** Qajar, Islamic scholars, Iranian products, economy, support

---

1. PhD in Islamic History. Najafabad Azad University, Isfahan, an official researcher of Islamic Science and Culture Research Institute, Qom, Iran. s.nagafinezhad@gmail.com

## Analyzing the Personality of the First Deputy of Imam Mahdi (AS) with Emphasis on Historical–Narrative Sources

Hakimeh Ehsani <sup>1</sup>

The purpose of this article is to analyze the personality of the first vicegerent of Imam Zaman (AS) with emphasis on historical-narrative sources. Since Muslims, especially Shiites, had access to their infallible Imams (a.s.) for three centuries after the advent of Islam, the sudden disconnection from their infallible leader would have adverse effects, including denial and deviance. The aim of the present study is to answer the question; what challenges did the Mahdavi community face in the absence of the Imam? In order to avoid these challenges and some other problems, it was necessary that some persons act as a special vicegerents of Imam Mahdi to establish the relationship between the people and the Imam. And, it was essential that personalities with outstanding characteristics become the vicegerent of the Imam Zaman (a.s.). The method of the current study is descriptive-analytical and the method of data collection is library based on narrative-historical sources and authoritative books. The findings of the research show that the duties of the first agent of Imam Zaman (A.S.) in the political and social dimension, include removing the doubt and amazement of the people, hiding the name of the Imam and making taqiyyah; and in the cultural dimension, include the practical education of the teachings of the Ahl al-Bayt (A.S.) and answering the jurisprudential questions. Narration of the numerous hadiths and emphasis and confirmation of other scholars of the Islamic world on the outstanding characteristics of the first viceroy, namely Uthman bin Saeed, are evidence of his merit in being represented by the imams (pbuh), especially the Imam Mahdi (pbuh).

**Key words:** Imam Asr (AS), period of occultation, special representatives, Uthman bin Saeed, Mahdism, Legal Organization

1. PhD student in Islamic History, University of Religions and Denominations, Qom, Iran; h.ehsani94@gmail.com



## Analyzing the Women's Research Articles on the Ghadir Khom in the 70s to 90s

Fahimah Jafari Jabali <sup>1</sup>

A lot of stories about the event of Ghadir Khom has been narrated by female narrators, which shows the extensive efforts of women in protecting this important and historical incident. In recent centuries, women have discussed and commented on Ghadir Khom as well. The present essay, the research articles of women in the Ghadir Khom event in the 70s to 90s are statistically analyzed and their approach is explained through analyzing the abstracts of the related articles. In this research, the meta-analysis method was used and the Noormagz articles database was used as a source for collecting articles. The findings indicate that in the years 1379 to 1397, the number of women's articles on the subject of Ghadir Khom had an upward trend and the variety of approaches of the articles during these years was increased. The highest number of articles was 35 in the nineties, and in this decade, the literary approach and the historical approach had the highest number. The two theological and narrative approaches have also received more attention respectively. The women's approach to Ghadir Khom, since 1390, has gradually moved from the historical, Quranic, and narrative point of view to religious and anthropological discussions. The remarkable developments of the present era, with titles such as the dialogue of civilizations, modernity, turn of other religions to Islam, the efforts of the Islam's enemies to divert the young generation and to neglect the authentic values of Islam and Shiism, are among the reasons that can be put forward for this change of attitude.

**Key words:** Imam Ali (a.s.), Ghadir Khom, statistical survey, women's research.

1. The third level of Hajj propaganda, Jame'ah Al-Zahra(S), Qom, Iran; fg30304040@gmail.com

## A Reflection on the Content and Quranic Conflicts of the Famous Saying in the Narration of the Story of Baath

Abbas Taqwai<sup>1</sup>

Meghdad Ebrahimi Kooshali<sup>2</sup>

Although examining the history of the life of the Holy Prophet (pbuh) and the events of the beginning of Islam, and even before the Prophet missionary is important, but his mission as the official beginning of the religion of Islam and the prophethood of the Holy Prophet (pbuh) is more important. It is possible to reconstruct this period in the history of early Islam by examining the contradicts between the reports of this event in historical books and comparing it with other information in the early sources. This article, through descriptive-analytical method and by analyzing the results obtained from the study of important and early written sources of the history of early Islam, has investigated and criticized the popular viewpoints about this event. Moreover, the most important contradictions in the internal content of this report and its conflict with some verses of the Holy Qur'an have been taken into consideration, and doubting in the popular report, demands the examining of the authentic version of this event, which, in addition to the lack of conflict, does not have theological problems.

**Key words:** Holy Prophet (PBUH), mission story, historical criticism, distortion of history.

1. Assistant Professor, Department of Islamic Studies, Lahijan Azad University, Lahijan, Iran (corresponding author); taghvae, abbas@yahoo.com

2. Assistant Professor, Department of Islamic Studies, Lahijan Azad University, Lahijan, Iran; meghdadebrahimi@gmail.com

## Typology of Mourning Traditions in the Ignorance Era

Najma Salehi <sup>1</sup>

Death is an unwanted experience or event that a person will inevitably face, and the reaction to it is grief or mourning. Mourning is a tradition that has been in human social life up to now and is a part of the customs of societies and tribes. Identifying and clarifying the mourning rituals of the ignorance period may act as a step towards awareness of the spread of some Islamic decrees relating to mourning and as a measure to recognize its incorrect traditions and practices, which sometimes continued even after the advent of Islam. So, in this article, by descriptive-analytical method and relying on documentary-library data, two types of public mourning and the mourning reports of tribal sheikhs of the Jahili era were studied. According to the findings of the research, some behaviors such as mourning and harming the body and the like, although it may reduce the suffering of the afflicted at the moment of calamity, but in some cases, it is superstitious and reprehensible.

**Key words:** Mourning traditions, Ignorance era, mourning in Jahilit, dirge, mourn

Abstract

---

1. Three-level student of Islamic History at Jame'ah- Al-Zahra (A.S.), lecturer at Bint Al-Hadi Higher Education Complex and a PhD student of Islamic History at Bagheral Uloom University, Qom, Iran; na.salehi1981@gmail.com



# Essays on the History of Islam 5

Scientific-Specialized Bi-quarterly

Vol 3, No.5, Spring & Summer 2023

ISSN: 1367-2821

**Licensee:** Al-Zahra University (PBUH)

**Responsible manager:** Zohra Burqaei

**Chef Editor:** Seyed Naser Musavi

**Specialized secretary:** Najme Salehi

**Internal manager:** Zahra Heydari

**Editor:** Ali Haeri Majd

**Graphic designer:** Ali Ebadi

**Arabic translation of abstracts:** Raziye Kargar

**English translation of abstracts:** Ashraf Sadat Hashemi

---

## Editorial Board: (in alphabetical order)

**Fatemeh Jan Ahmadi:** full professor of Tarbiat Modarres University, Department of History

**Hosein Hoseinian Moghadam:** associate professor of the research institute of Hawzeh and University, history department

**Mohsen Ranjbar:** Associate Professor of Imam Khomeini Educational and Research Institute, Department of History

**Zahra Roholahi Amiri:** Assistant Professor of Bagher-al-Uloom University (pbuh), Department of History

**Sediqe Shakeri Hossein Abad:** Lecturer of Al-Zahra University, Department of Islamic History

**Nahid Tayebi:** Lecturer of Al-Zahra University, Department of Islamic History

**Seyyed Hosein Fallahzadeh:** Associate Professor of Bagher-al-Uloom University, Department of History

---

## Judges of this issue: (in alphabetical order)

Majid Ahmadi Kachaei, Ruhollah Beheshti, Hossein Hosseinian Moghadam, Morteza Dadvar Alanoq, Ahmed Rahdar, Mohammad Hossein Zare Bushehri, Saeed Tavooosi Masrou, Hamed Qaraati, Ahmad Falahzadeh, Azam Mozaffari, Seyyed Akbar Mousavi Tanyani, Mohammad Javad Yavari Sartakhti

---

**Address:** Jamiat al-Zahra (peace be upon her), Bouali Street, Qom.

**PO Box:** 37185-3493

**Tel:** 025-32112342

**System address:** jte.jz.ac.ir

**E-mail:** jte@jz.ac.ir

**Printing house:** Printing House of Al-Mostafa (Qom)

Quotation of the material is not prohibited by mentioning the source.

This publication is indexed in two databases of Noor specialized magazines, www.noormags.ir and Magiran magazines, www.magiran.ir.